PLEASE DO NOT REMOVE
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET

UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY

PL 248 N465A17 1844a
Nesimi
Divan-i Nesimi

534

17/138

Digitized by the Internet Archive
in 2009 with funding from
Ontario Council of University Libraries

Dīvān-ı Nesīmī

https://archive.org/details/dvninesm00nesiuoft

PL
248
N465 A17
1844a

LIBRARY
UNIVERSITY OF TORONTO
JUN 7 1972

بسم الله الرحمن الرحیم

داریم نشان بی نشانی * دانیم زبان بی زبانی
مایم چو ازمنی کذشته * سرچشمهٔ آب زندکانی
طفلیم بروزکار پری * بریم بعالم جوانی
سلطان دوعالمیم اکرچه * پوسته کنیم جان فشانی
موسی ارنی مکوی زنهار * کاهی که زنیم لن ترانی
مایم فلان مکوی مارا * کامروز فلان بن فلانی
مارا چومکان نباشد این دم * کوییم نشان لامکانی

مایم امیر هر دو عالم * مایم عدو سور وماتم
یك قطره زبحر ماست شبلی * یك نقطه زحرف ماست ادهم
زد بحر محیط ماشبی موج * حاصل شد ازان کفی شد آدم
عیسی دمنده دم بزاید * کرزانکه دمیم دم بمریم
کر راست دمی زدل براری * میدانکه رسی بما بیکدم
ای مردهٔ داده دم بجایی * تا دم دمدت مسیح دم دم

* ازبوی دمش چوزنده کردی * * میکوی چو بخودان دمادم *

* مجموعهٔ حق شناس مارا * * وازماطلب ای پسر خدارا *
* صافی نشوی تونه بینی * * رندان محلهٔ صفارا *
* روجبهٔ عاریت قباکن * * وانکاه بیفکن این قبارا *
* بینی چو کذرکنی زفانی * * بی واسطه جوهر بقارا *
* درعالم مارسی بیکدم * * کر بشکنی این طلسمهارا *
* فرعون زند دم از خدایی * * موسی چو بیفکند عصارا *
* پیوسته نشان لامکانی * * میکوی چو بشکنی هوارا *

* مارهمه کاینات شاهی * * داریم زآه صبحکاهی *
* بی ما نتواندای پسر بود * * یك ذره زماه تا بماهی *
* کرزانکه زدیم دم زاناالحق * * دادیم بخون خود کواهی *
* درما نرسی ازانکه دایم * * دربند زروسروکلاهی *
* ازماطلب ای پسر خدارا * * ماهیم چومظهر الهی *
* خواهی که شوی وجودمطلق * * بکذرز سفیدی وسیاهی *
* چون ازسراین وآن کذشتی * * میکوی بهرزبان که خواهی *

* ای کشته دلم محیط اشیا * * ای نیك وبد افریدهٔ ما *
* فرمان برما بود کمینه * * از تحت ثرا وتا ثریا *
* رخسارجهان فروزمابین * * درصورت هرکه کشت پیدا *
* ازغایت حسن خوش که داریم * * برچهرهٔ خود شدیم شیدا *
* ای بیخبرازجهان وحدت * * کی خاك بود بکوی کویا *
* مایم وبغیرماکسی نیست * * درشیب وفراز وزیروبالا *
* درشهر وجود مازهستی * * کویند همیشه پرو برنا *

* مایم کنون صراحی ومی * * مایم محیط برهمه شی *
* ما باهمه کاینات هستیم * * جون قندوشکر که مست بانی *
* پیوسته مسیح آفرینیم * * تامردهٔ داده دم کندحی *
* ای بیخبرازجهان هستی * * خواهی که بری بکنج خودپی *

زنهار مبر سر حسین را	از جهل برای ملکت ری
ای ساقی باده نوش بستان	جامی و بنوش تا شوی وی
چون بگذری از غم دمادم	میکوی بکام دل پیاپی

ای صاحب بغض وخشم وفرخاش	هم رنك نکار خویشتن باش
میری وشهنشهی نباشد	در مذهب جریان قلاش
خواهی که کذر کنی ز کونین	خون میخور وجان فشان وخوش باش
بیرون ز وجود خویش مارا	زنهار مجوی کفتمت فاش
کوی که بغیر ما کسی هست	از خویشتن این حدیث متراش
هر نقش که مست می شناسیم	ماهیم چو در دوکون نقاش
رواز سرما ومن کذر کن	میکوی چومست ورندوا و باش

این خیمهٔ بارکاه افلاك	ازماست ستاده کفتمت پاك
میدانکه رسی بقاب قوسین	کر جبهٔ عاریت کنی چاك
ازدینی دون وپی روا و	مرکز نشدیم شاد وغمناك
اندر دل تو قرار کیریم	کر پاك کنی زخار وخاشاك
آخر نه تو بی که کفته ایمت	لولاك لما خلقت الافلاك
پیوسته مسیح آفرینم	عیسی بحدیث وآدم ازخاك
کر واقف این حدیث کشتی	میکوی چومردمان بی باك

ای مردچه پی روهوایی	آخر تونه تو پر تو خدایی
اندر پی فانیٔ چه باشی	چون جوهر عالم بقایی
فرعون وجود رانکون کن	چون صاحب معجز وعصایی
شاهنشه مصر جان شوی زود	چون یوسف اکرزجه برایی
دیوانه شوی ومست ومدهوش	کر چهرهٔ خود بخود نمایی
بیرون زوجود خود خدارا	زنهار مجوی اکر خدایی
میکوی نعیما چو امروز	دردانهٔ بحر کبریایی

ارواح مردمانی کز دام تن رها شد	ای خواجه هیچ دانی تا بعد ازان کجا شد
کر بود خانه اش بد بهر چه رفت در وی	ور بود خانه نیکو از وی بدر چرا شد

نی نی که درزیٔ ماهر حیهٔ که دوزد — بی اختیار صاحب ده روزهٔ قبا شد
از عالم جمادی ناکاه خاك راهی — ازخویشتن سفر کرد چون نشو چون نما شد
شد طعمهٔ بهایم بی اختیار ناکاه — وز طعمه چون بهایم اونیز بار ها شد
چون طعمهٔ بشر شد در صورت بهیمی — زان نطفه کشت حاصل ان نطفه نقش ما شد
درنقش ما جو پیدا روح خدای آمد — آن روح خویشتن را ازغیب رهنما شد
هزده هزار عالم پیدا شد از ظهورش — او برهمه چو سلطان سلطان پیشوا شد
کرد رصفات رحمت خود جلوه داد خودرا — بعد از خرابیٔ تن اوناظر خدا شد
در عالم طبیعت خاصیتی و کسبی — حاصل چو بود ناکاه درعالم بقا شد
وراز سر تکبر پوشید کسوت قهر — مقبول دیو کشت و مردود کبریا شد

ترجیع بند السید علی

ما نطق خدای کایناتیم — بیرون زمکان واز جهاتیم
مایم بحق چو نطق مطلق — آبای وجود وامهاتیم
چون قبلهٔ ماست روی جانان — زان روی همیشه درصلاتیم
فردیم واحد چو ذات مطلق — زان سو ودرصفاتیم
ازهفت حروف آن سه نامیم — زان جمله حروف عالیاتیم
محویم چو در مقام توحید — فارغ زبنین و ازبناتیم
کویم عیان که وصف ماچیست — ما پرتو نور فضل ذاتیم

ای بیخبراز وجود هستی — مستی وکنی توعیب مستی
شاهد نشدی بنفس خود چون — بیزار زکفتهٔ الستی
درعهد خدا کجا رسی تو — عهدی که چو کردهٔ شکستی
الله ظهور کرد از آدم — کی بینش تو که بت پرستی
اصنام ترا خلیل بشکست — تا باز رهی وهم نرستی
از بهر بتان قیام کردی — درنار سعیر ازان نشستی
تاروی بفضل حق نیاری — دردام بلا چو حوت شستی

بشنو سخنی رموز مطلق — بی اوتو مزن دم ازا ناالحق
زیرا که نه حدتست دانی — مهتاب کجا ورنك زیبق
دانی بیقین که فضل حق بود — خلاق زمین وچرخ ازرق
این صورت کن که دارا شیا — پیداست که ازکجاست منشق

از نور خط وجه آدم — ایشان همگی بفضل ملحق
گر نامهٔ خود بخود بخوانی — روشن شودت رموز مغلق
میدان بیقین که غرقه گردد — در بحر محیط زود زورق

عاشق که بروی یار شیداست — رویٔ که در دو کون پیداست
هر جا که نظر کنند بتحقیق — در روی حبیب خویش بیناست
زان روی کنایت الهی — با او بطریق رمز گویاست
کین صورت نطق وخط دستت — کز جملهٔ دست خلق بالاست
بیعت نکنند اگر بدین دست — در نار سعیر جا مهیاست
در روی حقست چو روی عاشق — فارغ ز وجود کل اشیاست
چون حق بحقیقت اوست موجود — علام غیوب جمله اسماست

ای طالب رمز هر معانی — رمزیست بگویم ار بدانی
جز نور نطق فضل یزدان — هر چیز که هست هست فانی
توحید یگانه بود نیست چون — در کثرت غیر چند مانی
از اسم مسمیات اشیا — راهی بخدا برار توانی
موجود بحق چو نطق ذاتست — زین فضل خداست لامکانی
چون ذات خداست نطق روپوش — موسی شنود که لن ترانی
چون پرده ز روی یار برداشت — سلطان سریر جاودانی

ای نور نطق فضل یزدان — عالم همه نطق وسر برهان
از جنس خلایق دو عالم — شد فاش عیان ز نوع انسان
آن نور چون یکیست در اصل — فضل احد آن خدای دوران
آدم که خلیفهٔ خدا بود — عرشست در وظهور رحمان
از نام ونشان هر وجودی — بودند ملک تمام نادان
آدم چو معلم ملک شد — در اسم و مسمیات ایشان
بر فرق فلک مکان ازان یافت — این عرش سریر فضل سبحان

ابلیس لعین خسیس ومردود — بر تافت ز روی وجه مسجود
از لوح وجود وجه آدم — حرفی چو نخواند گشت مطرود

❊ وین راه برای نسل آدم ❊ ❊ کرد از خود وآن پلید مردود ❊
❊ بی اسم بماند وبی مسما ❊ ❊ تانیست شد ونماند موجود ❊
❊ از سر پدر شدیم آکاه ❊ ❊ احمد چو نشان راه بنمود ❊
❊ کر دید بحق شفیع امت ❊ ❊ برخواست جواز مقام محمود ❊
❊ محمود یمین حق تعالیست ❊ ❊ چون فضل احد رموز بکشود ❊

❊ ای داده ز روی خود کواهی ❊ ❊ زان روی سفیدی و سیاهی ❊
❊ کاندر شب وروز وجه ماشت ❊ ❊ نقش دو جهان عیان کماهی ❊
❊ زین روی بنزد اهل توحید ❊ ❊ هر ذره که میروی براهی ❊
❊ چون زان توست این همه امر ❊ ❊ میکن بمراد هرچه خواهی ❊
❊ از بهر هدایت دو عالم ❊ ❊ خورشید بروز شب چو ماهی ❊
❊ زد بحر محیط فضل چون موج ❊ ❊ ماهیم در و دوان چو ماهی ❊
❊ عرشست سریر وجای سلطان ❊ ❊ برتخت براکه پادشاهی ❊

❊ از روی تو تا که کشتم آکاه ❊ ❊ برخون خودم شریك بالله ❊
❊ باروی تو هرچه مست فانیست ❊ ❊ کفتیم حدیث قصه کوتاه ❊
❊ جز روی تو دیدنم حرامست ❊ ❊ فی الجمله اکر بود باکراه ❊
❊ آه ازدل دردمند عاشق ❊ ❊ کر تو نشوی دلیل این راه ❊
❊ باهر که عنایت تو باشد ❊ ❊ یوسف صفتش براری ازچاه ❊
❊ عشق تو خلل پذیر نبود ❊ ❊ کر سال بود تمام وکر ماه ❊
❊ شد کشته علی وکشت فانی ❊ ❊ در نطق قدیم فضل الله ❊

❊ من کلام السید الجلیل الشهیر بخداوندکار ❊

در مطبخ عشق جز نکورا نکشند   لاغر صفتان زشت خورا نکشند
کر عاشق صادقی زکشتن مکریز   مردار بود هرانچه اورا نکشند
نور عینی انچنین درهر دو عالم تاکراست   کو بعرش وفرش حق مارا بحر فی رهنماست
کوییا ازمعجز عیسیٔ مریم یافتست   این بصارت کرچه ازحق هر اولوا الابصار راست
چون کند هرمردهٔ رازنده ازمعجز مسیح   درزمان در یابد آن زنده که او روح خداست
نفخهٔ این صیحهٔ واحد دران کس چون دمد   داند انکس کین صدا ازصوت فضل کبریاست
سر حشر ونشر حق کردد برو روشن روان   نامهٔ خود چون بکیرد از خدا بردست راست
سهل وآسان بکذرد از رحمت فضل خدا   برصراط مستقیمش انکه خط استواست

بس کند درصورت نور نطق حق قرار — زانکه ازهر جنتی این جنتش جای لقاست
این کدر برهفت خط ام کند از استوا — تارود درجنتی کان در درخت منتهاست
عز وجاه مادران زین روست ای مادر بدان — اکین چنین جنت زحق درتحت اقدام امهاست
درچنین جنت علی کر بازیابی سجده کن — هم برابوابش که ابوابش چوابواب بقاست
نور بایست که واشد چون زهفت ابواب ام — مبش را آدم ازحق انچنین تحت لوا ست
هرکه یابد راه درمعنی این توحید پاك — پیش اوکر آدم وجنت یکی باشد رواست

❊ کنجنامه لمولانا رفیعی ❊

❊ ای کنج نهان بی بدایت ❊ — ❊ ای بحر محیط بی نهایت ❊
❊ ای آینهٔ جمال شاهی ❊ — ❊ ای معنیٔ نامهٔ الهی ❊
❊ منشور تجلیات مولی ❊ — ❊ مسرور لقای حق تعالی ❊
❊ ای فاتحهٔ کتاب یزدان ❊ — ❊ مطلوب نبات وکان وحیوان ❊
❊ مقصود کواکب فلك سن ❊ — ❊ مسجود اکابر ملك سن ❊
❊ اشیا طلبی بودر سرا سر ❊ — ❊ سن کامله واصل اولمق استر ❊
❊ دون کون بو طلبده دوزافلاك ❊ — ❊ دائم بوهر اداپچون طوررخاك ❊
❊ صوسیرایدوبن در یشرای جان ❊ — ❊ مقصود بودر کیم اوله انسان ❊
❊ یل دخی بو هواده یلر ای یار ❊ — ❊ اود طوتشوبن دخی ینار نار ❊
❊ سن شاهه قیلور سجود اشیا ❊ — ❊ سنکله بولور وجود اشیا ❊
❊ مجموعهٔ کائنات سنسن ❊ — ❊ سر دفتر ممکنات سنسن ❊
❊ اوز کدر ایکی جهانه سرور ❊ — ❊ سنسن اوتوز ایکی نطقه مظهر ❊
❊ جان ملکنوك ارمغانی سنسن ❊ — ❊ تندر بو جهان جانی سنسن ❊
❊ دیمدیمی سنکچون اول پاك ❊ — ❊ لولاك لما خلقت الافلاك ❊
❊ ای بلبل قدس ونغمهٔ صاف ❊ — ❊ سیمرغ هوای ملکت قاف ❊
❊ کل مکتب فقره درس خوان اول ❊ — ❊ بو مجلس ایچنده درنشان اول ❊
❊ استادمز اولدی فضل واحد ❊ — ❊ کل بو ایکیسندن اوقی ابجد ❊
❊ مسجود سروش کیمدر آدم ❊ — ❊ لولاك مخاطب اولدی خاتم ❊
❊ هرشخصه که بونلر اوله رهبر ❊ — ❊ کشف اولور اکا چهار دفتر ❊
❊ نفسنی بیلور بیلور خدایی ❊ — ❊ فردوسه کیرر کورر لقایی ❊
❊ کورر نره یه باقرسه یاری ❊ — ❊ کندوده بیلور جمیع واری ❊
❊ اصحاب یمیندن اولور اول جان ❊ — ❊ دنیاده وآخرتده سلطان ❊
❊ اول شخصك اولور مقامی محمود ❊ — ❊ ال ویررا کا جمیع مقصود ❊
❊ اولرچوسواد وجه محرم ❊ — ❊ بیلور که بودر سواد اعظم ❊

اول قاره کولقدن آب حیوان ❊ ایچرایدی قالور جاودان
ناچار اولور آدی خضر زنده ❊ اول کیم اکلور جمیع دینده
دیرلر صوده یورر اوده یانمز ❊ دیلرسه قیلور هواده پرواز
برلحظه‌ده سیرایدر جهانی ❊ مجموع زمین و آسمانی
سویلاشور انوکله جمله اشیا ❊ بینا اولور اکا ایرسه اعمی
عیسی کبی اولور دمندن ❊ دیریلور وقورتیلور غمندن
هر شخصه که خضر اولور استاد ❊ ایدر انی جهل اودندن آزاد
بیلدورر اکا جمیع رازی ❊ اسرار شهادت ونمازی
فی الجمله نه مشکل اوله دینده ❊ سرینی دیر اکا خضر زنده
کندو کبی خضر ایدرانی ❊ چون ایچرر آب زندکانی
زنهار که خضر استه زنهار ❊ تا کوزلریکه کورینه دیدار
فضلک مددندن ای مسلمان ❊ هرکوشده خضر وار فراوان
یعنی نقدر که قول واردر ❊ وار استه که شمدی خضر اونلردر
شهزاده‌لر اولور اکا طالب ❊ ازاده‌لر استر انی راغب
دیله‌مز انی خسیس مایه ❊ بو جهله اویارمی مصطفایه
بو قبهٔ چار طاق شش در ❊ بو پردهٔ هفت رنک نه سر
دام اولدی سکا واشبو دامی ❊ عامی کیوب قومه ننک ونامی
عاشق کشی اولمز یسه بدنام ❊ دیرلر که هنوز خامدر خام
کر استریسک سرای نوری ❊ ترک ایله بو منزل غروری
بی جان سن وجان بول ای یار ❊ جانسز یوریمه جهانده زنهار
کل بو ظلمات عالمن کچ ❊ همت قنادین کوک اوستنه آچ
وار عالم روحه ایله پرواز ❊ بو پرده‌قو بو هوایی ای شهباز
ای مرغ زبور خوان داود ❊ کر استریسک مقام محمود
دیدی کیم اولور بو پرده اعمی ❊ اولمایسر آخرتده بینا
یعنی شوکه بنده یاری کورمز ❊ یارین نیجه قیلسه زاری کورمز
بو دینده کسب قیل کمالی ❊ تا یارله بوله سن وصالی
اول پرده کورینن آشکارا ❊ بو پرده دخی بیلنور آرا
وار بنده بهشت وحور ورضوان ❊ میزان وصراط وحور وغلمان
بونده کی بهشته کیر که ناچار ❊ اول جنته یول بوله سن ای یار
عمرکده چوکچمدک صراطی ❊ یارین نیجه بوله سن نشاطی
صاغلقده اوقیمادک کتابی ❊ آسان نیجه ویره سن جوابی

کر اشمزسك بو پرده کوز   قالدك اوجهانده خور وابتر
بلمس قومزسن آیغینه پرلك   ترك ایلمزسن یولینه وارك
زلفی ایچون اولمزسن پریشان   لعلی هوسنده ویرمزسن جان
نوش ایلمزسن بوکون جفاسن   یارین نیجه بولهسن وفاسن
بومزرعه درا کن بچیسر   بو قنطره درکلن کلبسر
کلدك کچرسن ای خبرسز   نه‌اکدکسه بچرسن ای هنرسز
بول لوح امین وپاك دین اول   هم رنك جمیع مرسلین اول
قوا که حوادث زمانك   کل اوقی نقوشنی جهانك
بونقش حوادثه بدل قیل   نقاشی ونقشنی ازل بیل
بیری قدمیله برقدم اور   چیق کوکلرك اوستنه علم اور
اول پرده براولور اول وآخر   باطن کورینه کوزیکه ظاهر
انوك برآدی مقام محمود   حاصل دراو پرده جمله مقصود
اول پرده نکیم کورندی یارا   ایشیدر وسویلر آشکارا
وار آنده بزم جام استه   طوت ساقی الن مدام استه
رضوانله سلسبیل قیل نوش   غلمان سکا بنده حلقه درکوش
الغل الکا الینی حورك   کیراسته کار هر قصورك
یوزندکی نوردر نظر قیل   تسبیحکی فارجع البصر قیل
وارعالم روحه حله پوش اول   ابرارله آنده باده نوش اول
اول پرده سرای عیش وعشرت   وارآنده مقام ناز ونعمت
بی حد وشمار باغ وانهار   هر باغده بی حساب کلزار
چوق لاله وزعفران وسنبل   خطمی وبنفشه سوسن وکل
کل عشقنه بلبل خوش الحان   دردیله اوقورهزاردستان
اول روضه پرارغوان ونسرین   نیلوفر ونرکس وریاحین
طوطی لر وقری لر فراوان   اول باغده هر بری غزلخوان
بومنزلی بولمق استریسك   بودونده یرین استریسك
آدم قدمنده خاك اولغل   مستغرق ذات پاك اولغل
بودار غرور قوی سفر قیل   وارعالم قدسه برکذر قیل
ایرغرفهٔ ثابتاته فی الحال   بولمایه ظفر مسیح ودجال
کورینه کوزیکه هرنکیم وار   تار وحدن اوله سن خبردار
دائم سکا انبیا وآدم   دیرلر بوسوزی که ای مکرم
انواع کمال وارسنده   زنهار که نفسه اوله بنده

کر واقفسن جهان ایشندن   دیرلرسکا غیب عالمندن
که قیلوبن اشبو راز معلوم   زنهار که دیو اولمه محکوم
هرلحظه صریح بی مدارا   عالمده نه وارسه آشکارا
دیرلرسکا ای جهان کامل   نفسك حالندن اولمه غافل
تورات کلیم ولفظ انجیل   درسکا زبور حرف تنزیل
شیطانه نچون زبون اولورسین   شرمنده وسرنکون اولورسین
روشن چو بیلورسن اشبو حالی   دیریلمکك اولوم اولور مثالی
بو عاریت حیاته مغرور   اولمه که چالندی نفخهٔ صور
ای محرم راز پادشاهی   ای نسخهٔ نامهٔ آلهی
کل استه محمد امینی   سرتاج جمیع مرسلینی
خاتم در و سید البشردر   قران عظیمه راه بردر
بو شاهی بیلورسن آدمی سن   آندن طلب ایله آدمی سن
آدمدر ایکی جهانده سلطان   جان دردنه آدم ایتدی درمان
حق صورتی یوزنده کورکل   هرحاجتکه سوزندن ایرکل
بیلدی بیان اونی هرنکیم وار   یوزین کورتا کورندر دیدار
کر بیلورسن بو پادشاهی   ایردی کو که دولتك کلاهی
آدمدر ایکی جهانده مقصود   سجده ایتمین اکا اولدی مردود
شونلر که سجودده در مشغول   اولدی فلك آنلره ملك قول
ای عاشق صادق مؤدب   سجده ایله کیم اوله سن مقرب
دیلرسن اولاز شفیعك احمد   کل مکتب فقره اوقی ابجد
هر نکته که اوله بو فکره مستور   واردر بو حروف ابجدده مسطور
کل اوقی بو محکم قدیمی   آیات صراط مستقیمی
هفتاد کروهله دو فرقه   بحرنده حروفك اولدی غرقه
لکن بری اولمشدر آکاه   بو شهره کسنه بولدی راه
کر یول بوله اول حروفه عارف   نفسندن وحقدن اوله واقف
شونلر در اولن بو رازه محرم   کیم اوقودی حقدن اسم اعظم
اول اسمله بیلدیلر هر آدی   اول آدله بیلدیلر مرادی
شونلر که بو قومه اولدیلر قول   حاجتلری جمله اولدی مقبول
هرشخصه که بونلر اوله ساقی   اول ویررا کا حیات باقی
آدی بو کروهك اولدی ناجی   هر درده بونلر قیلور علاجی
دردمزه چونکه قیلدی درمان   کشف اولدی بزه رموز پنهان

صان اولمشدك حيات بولدق   زندانده ايدك نجات بولدق
بولدق چو نسيمى نعيمك   اولدى بزه رحمتى رحيمك
برجرعه ميندن ايلدك نوش   قيلدق نه كه غصه وارفراموش
اولدى بزه فضل حقدن احسان   اسرار نهان رموز فرقان
بيلدك نه كه رازدر بو شهرك   اسرارنى اكلدك بو دهرك
هرذره ده فخرمزدن آثار   هرقطره ده بحرمزدن انهار
كر واقفسن كتابمزدن   آكاه اوله سن حسابمزدن
بزدن طلب ايله لامكانى   بزدن صورانك بودرنشانى
بز كوهر بحر كائناتز   بز مركز عالم صفاتز
بز جان وجهان وجاودانز   مطلوب زمين و آسمانز
اوحرز كه هميشه اولدى محفوظ   نطقز كه اولورمدام ملفوظ
نطقز ابدى مدام وروحز   بيل جوهر روحه بز فتوحز
نقش دوجهان نقوشمزدر   بركوك نه كه وارعروشمزدر
يوقدر بو ديار ايچنده ديار   كيم يوزبزه طوتمز اى يار
چون ظن وكمان بزه يرامز   كيم كندوينى كورسه بزى كورمز
قوى كندولكى يوله كل كل   يعنى كه اولمه دن اوكدين اولكل
چون سن اوله سن دريله جانك   جانى اوله سن ايكى جهانك
سن كندزكى اونوتما ينجه   براراتكن طوتما ينجه
حاصل اوله سى دكل مرادك   اكلبسر جهانده آدك
زنهار كه بى رفيق كامل   بو يولده ادمك ادمه غافل
بريول كيم انوك نهايتى يوق   حدى واوجى وغايتى يوق
زنهار كه بردليل زنهار   تنها يوريمه بو يولده اى يار
كرسكا رفيعى اوله هادى   حاصل اوله خاطرك مرادى
انوكله رفيق اواورسن اى جان   جان دردنه اندن استه درمان
اواورسه سنوكله برنفس يار   كشف اوله سكا جميع اسرار
هركيم اوله اول فقيره همدم   آسان اوقوراندن اسم اعظم

كروارسه سنده عقل كامل
زنهار كيم اندن اولمه غافل

ترجيع بند السيد نسيمى

مامظهر ذات كبريايم   ماجام جم جهان نمايم
اى تشنه بيا كه درحقيقت   ما آب حيات جانفزايم

ای درغلط ازره دوبینی   آیا توکجا وما کجاییم
معلوم شود که غیرحق نیست   ازچهره نقاب اکرکشاییم
مارا عدم وفنا نباشد   زان روی که عالم بقاییم
ای طالب صورت خدایی   چون بکذری ازدوبی خدایم
شاهنشه اعظیم اکرچه   درکشورنیستی کدایم
زلفت چودلیل ماست امروز   درسایهٔ دولت همایم
ظاهرشود افتاب وحدت   ازمشرق غیب اکربرایم
درعالم بی چرا وبی چون   بیچون وچکونه وچرایم
ای خواجه اکرتوشمس دینی   ازروی حقیقت انجه مایم

ای ساقی روح پرورما   لعل توشراب کوثرما
روخسارتو افتاب عالم   کفتارتو شهدوشکرما
سودای درازکنت کنزا   زلف تونهاد درسرما
فردوس نعیم جاودان نیست   بی وصل رخ تو درخورما
درظلمت افرینش امد   خورشید رخ تو رهبرما
اندیشه نیست هیچ صورت   جزروی تودر برابرما
کی دل برما قرارکیرد   نامست رخ تو دلبرما
دربحرمحیط عشقت ای جان   پرورده شدست کوهرما
ازمهرتوشد چوقلب مازر   شایستهٔ سکه شد زرما
ای مصحف بخت وفال دولت   مسعود شد ازتواخترما
ای جوهری مازروی معنی   نشناختهٔ تو جوهرما

ای کوهرکنج لامکانی   جانا نه وجان وجان جانی
درصورت نطق آشکارا   درباطن اکرچه بس نهانی
ازعشق توشد ظهوراشیا   ای کوهرلامکان چه کانی
جانی وجهان وجسم وجوهر   هرچیز که بود وباشد انی
برلوح وجودا کرچه حرفی   آن نقطه تویی که درمیانی
چون رفع وجودکرداز رخ   بی پرده شد آب زندکانی
ای موسی مغربی رها کن   بحث ارنی ولن ترانی
بکذرزخودوبه بین خدارا   که اینست نشان بی نشانی
اشیا همه ناطقند وکویا   لیکن بزبان بی زبانی

فانی شو و در بقا وطن ساز * ای طالب عمر جاودانی
در صورت آدمیم اگرچه * در خطهٔ عالم معانی

خورشید جمال ما عیان شد * زان ظلمت شرك وشك نهان شد
انوار تجلیات حسنش * بر ذره فتاد و ذره جان شد
بر جسم رمیم چون نظر کرد * او زندهٔ حی جاودان شد
بنمود بهر که چهرهٔ خویش * از شك برمید و بی گمان شد
هر ذره که شد قبول فیضش * مقبول زمین وآسمان شد
چشمی که شد از رخش منور * بینا بجمال غیب وآن شد
از نقطه وحرف خط وخالش * اسرار کلام حق عیان شد
تنزیل وکتاب صورت او * تفسیر حقائق جهان شد
هفت آیت مصحف جمالش * مفتاح رموز کن فکان شد
آن دل که نشان وصل او یافت * گم گشت زخویش و بی نشان شد
چون قوت وصوت ونطق ما بود * امری که وجود وخلق ازان شد

شد گنج نهان ما هویدا * گنجی که ازو غنی شد اشیا
گنجی که عطای فیض او بود * یاقوت بکوه و در بدریا
گنجی که ازو کاف ونون شد * ترکیب وجود عالم انشا
گنجی که نصیب هر که شد دید * در جنت جاودان خدارا
گنجی که ازو شد آفرینش * امروز و پریروز و دی وفردا
ای صورت غیر بسته در دل * سهو وغلط توهست اینجا
در ظاهر وباطن دو عالم * مایيم همه نهان وپیدا
ای بیخبر از جهان وحدت * بگذر ز دوبی وباش یکتا
ای مفلس اگر گنج معنی * خواهی که شوی بصیر وبینا
قطع نظر وجود خود کن * وز نفی وثبوت لا و الا
تا پرتو آفتاب مشرق * روشن شود این که لم یزل

مخموری شبانه مایيم * [illegible]
مفتاح خزاین سموات * مصباح شرابخانه مایيم
مست اب ساقی سقاهم * در جنت جاودانه مایيم

❊ جنك ودف ونى وبربط وعود ❊ ❊ اشعار تر وترانه مايم ❊
❊ دركوى قلندران تجريد ❊ ❊ بى ريش وبروت شبانه مايم ❊
❊ درعالم لامكان وبى كيف ❊ ❊ مرغ الف آشيانه مايم ❊
❊ سوزندهٔ شرك وهستئ غير ❊ ❊ آن آتش يكزبانه مايم ❊
❊ اى طالب ذات حق خذارا ❊ ❊ كرمى طلبى نشانه مايم ❊
❊ آينهٔ صورت آلهى ❊ ❊ درشش جهت زمانه مايم ❊
❊ بى حدوكرانه ايم اكرجه ❊ ❊ حد همه وكرانه مايم ❊
❊ اى خواجه تروى واحديت ❊ ❊ چون دردوجهان يكانه مايم ❊

❊ درخانهٔ نه رواق كردون ❊ ❊ مايم زاندرون وبيرون ❊
❊ ليلى چونبود جزرخ ما ❊ ❊ برجهرهٔ خودشديم مجنون ❊
❊ مايم درين جهان ومايم ❊ ❊ درعالم بى چراوبى چون ❊
❊ اى طالب حق به بين خدارا ❊ ❊ درصورت خوب وحسن موزون ❊
❊ عشق رخ ماست انكه آمد ❊ ❊ ازبستئ هردوعالم افزون ❊
❊ اى بندهٔ نفس شوم تاكى ❊ ❊ دنيا طلبى زهمت دون ❊
❊ روزى كه براى آفرنيش ❊ ❊ پيوسته نبود كاف بانون ❊
❊ مايم كه بوده ايم وهستيم ❊ ❊ برحسن وجمال خويش مفتون ❊
❊ كى به شوداى مريض شهوت ❊ ❊ رنج تو بفرفيون وانسيون ❊
❊ ديوى كه ترا ازو نخواهد ❊ ❊ رام توشدن جه خوانى افسون ❊
❊ اى بيخبراز حقيقت ما ❊ ❊ واقف شوازين اشارت اكنون ❊

❊ مايم جهان بى مع الله ❊ ❊ مااعظم شانه الله الله ❊
❊ هستيم زغير تا فقيريم ❊ ❊ درهردجهان بفضل حق شاه ❊
❊ يك قطره زمفت كشورماست ❊ ❊ ازماهى مفت بحر تاماه ❊
❊ اى سرو بلندقامت دوست ❊ ❊ دورازتو هميشه دست كوتاه ❊
❊ اى كوشه نشين مزن دم ازعشق ❊ ❊ زان رو كه نهٔ تومرداين راه ❊
❊ آينهٔ ماه تيره كردد ❊ ❊ كرزانكه زدل براورم آه ❊
❊ باتوغم دل جكونه كويم ❊ ❊ چون نيستى ازغم دل اكاه ❊
❊ مايم عزيز مصر معنى ❊ ❊ چون يوسف دل برامدازچاه ❊
❊ عشق تو بخود كشيدمارا ❊ ❊ چون جزبهٔ كهرباتن كاه ❊
❊ اى صوفى اكرجوباده صافى ❊ ❊ مى نوش ومكن زباده اكراه ❊

❊ تاچون خط اوسوی محقق ❊ ❊ پیش تو که ما بکام دلخواه ❊

❊ ای زهبر ما بعالم ذات ❊ ❊ روی توبحق سبع آیات ❊
❊ شایستهٔ تاج سروری نیست ❊ ❊ آن سر که نشد فتاده دربات ❊
❊ ای مشرق آفتاب رویت ❊ ❊ مشکات وجود جمله ذرات ❊
❊ بی اسب ورخ وپیاده وفیل ❊ ❊ فرزین توکرشاه رامات ❊
❊ ای سو حرف خط وخالت ❊ ❊ درارض آله ودرسموات ❊
❊ انی لعطشت ایها الروح ❊ ❊ من راحکمو اقم اسقنی هات ❊
❊ درعشق رخ توعاشق کو ❊ ❊ ماصار شهیدا انه مات ❊
❊ ای درطلبش نرفته کامی ❊ ❊ خوامی که رسی بکام هیهات ❊
❊ آن زمره که لات می پرستند ❊ ❊ انوار تودیده اند در لات ❊
❊ ای صوفیٔ عمرداده برباد ❊ ❊ می نوش وبیا که ماضی فات ❊
❊ مایم جوعین کنت کنزا ❊ ❊ مایم جونورونار مشکات ❊

❊ برقع زرخ قمر برانداز ❊ ❊ اسرار نهفته رادر انداز ❊
❊ اززلف ورخ آتشی وتابی ❊ ❊ درجان ودل مه وخور انداز ❊
❊ صدفتنه وشورشر برانکیز ❊ ❊ اوازهٔ روز محشر انداز ❊
❊ ظن همه رابحق یقین کن ❊ ❊ بنیاد شك ازجهان برانداز ❊
❊ بوبی بخطا فرست وآتش ❊ ❊ درنافهٔ مشك وعنبر انداز ❊
❊ هردم زبرای فتنه رسمی ❊ ❊ ازغالیه برکل تر انداز ❊
❊ ای عاشق سروی قامت دوست ❊ ❊ درپای میارکش سرانداز ❊
❊ کنج کهرست عشق جانان ❊ ❊ خودرا توکنج کوهر انداز ❊
❊ ای ساقیٔ سلسبیل وکوثر ❊ ❊ پمانه درآب کوثرانداز ❊
❊ بکشا سرخم که تشنه کشتند ❊ ❊ این باده کشان ساغر انداز ❊
❊ ای طائر عالم هویت ❊ ❊ وی سی ودومرغ شهپرانداز ❊

❊ مایم امین سر اسما ❊ ❊ مایم حقیقت مسما ❊
❊ ردصورت آب وخاك پنهان ❊ ❊ درخال وخط نکار پیدا ❊
❊ مایم سفینهٔ که درویی ❊ ❊ جمع آمده است هفت دریا ❊
❊ ای حسن تودرجهان خوبی ❊ ❊ بی شبه وشریك ومثل وهمتا ❊

* جزروی تو بت نمی پرستم *	* ای کعبهٔ حسن وقبلهٔ ما *
* عین همه کرنهٔ چرا نیست *	* غیر ازتو حقیقتی دراشیا *
* ای طالب کوهر حقیقت *	* دربحر دلست دیده بکشا *
* نظارهٔ صورت خدا کن *	* در ستو خط وجه زیبا *
* هیهات که حق نه بینی امروز *	* ای غرهٔ بوعدهای فردا *
* ای درطلب لقای محبوب *	* دل صافی کن آینه مصفا *
* چون ازکل آدم ای نسیمی *	* ترکیب وجود ماشد انشا *

* تقلید زوان ازره توحید بعیدند	زانست که هرکز حقیقت نرسیدند *
* ره درحرم کعبهٔ مقصود نبردند	هرچند درین بادیه هرسوی دویدند *
* درکفت وشنیدند طلب کار همه عمر	وین طرفه که همواره بسی کفت وشنیدند *
* آن شاهد کل چهره زرخ پرده برانداخت	وین کوردلان رنك ازان چهره ندیدند *
* مستان الستند کشانی که ازین جام	در بزم ازل بادهٔ توحید چشیدند *
* مردان خدا زندهٔ جاوید بماندند	زان دم الٓهی که در ایشان بدمیدند *
* زنده بخدایند چوازخویش بمردند	پیوسته بحقند چواز غیر بریدند *
* پیری طلبی راه مریدی سپر اول	پیران جهان جمله درین راه مریدند *
* ای هاشمی این راه بکوشش نتوان یافت	ازجذبه کراتابسوی خویش کشیدند *

* آنها که بتقلید مجرد کرویدند	دورندزحق زان بحقیقت نرسیدند *
* خورشید یقین از افق غیب برامد	آن کوردلان دیده به بستند و ندیدند *
* نزدیکتر از مردم چشمست ولیکن	بی معرفتان از رخ آن ماه بعیدند *
* دوراز حرم کعبهٔ وصلند همه عمر	دروادیٔ جهل ازسر پندار دویدند *
* اعمی شمران بی بصر انرا که زتحقیق	دردیدهٔ دل کحل بصیرت نکشیدندر *
* مستان هوادر ظلماتند وضلالت	ازعین حیات آب صفازان بخشیدند *
* قومی که پرستند خدارا بتصور	ازنور یقین دور چوشیطان مریدند *
* دیوان رجیمد بمعنی نه بصورت	هرچند که ازروی صفت شیخ ورشیدند *
* آن زمره که شد نور یقین رهبرایشان	درمرتبهٔ صدق چوقرآن مجیدند *
* برطوردل ازشوق چوموسی ارنی کو	دیدار خدادیده ودرکفت وشنبدند *
* مستند وبحق یافته راه ازسر تحقیق	ایمن شده از انا عذا بالشدید ند *
* خورشید پرستان حقیقت چونسیمی	ازفضل الٓهی همه درظل مدیدند *

آنان که اکستند بحق زنده جاوید … پژمرده وخوچیده بعهد همچو قدیدند

گوهر کنج حقیقت بحقیقت ماییم … نور ذات جبروتیم که در اشیاییم
کر طلب کار خدایید و نکارید انکار … از سر صدق بیایید که تا بنماییم
کرچه در پردهٔ غیبیم چو اسرار نهان … از پس پرده چو خورشید فلك پیداییم
ما همانیم که بودیم و همان خواهیم بود … در دو عالم اکر امروز اکر فرداییم
کر بسر رشته دو تو شد مکن اندیشه غلط … زانکه در عالم وحدت همکی یکتاییم
مظهر نور خدا و نفس روح الله … طور موسی و مناجات وید بیضاییم
زشت و زیبا همه ماییم و زما بیرون نیست … یك متاعیم اکر زشت اکر زیباییم
آیت معجزه و آینهٔ روح الله … دیده بردوخته از غیر و بخود بیناییم
ای که از کوی حقیقت خبری میطلبی … بر در معرفت آتا که درت بکشاییم
ای نسیمی چو شدی نقطهٔ پرکار وجود … چند چون دایرهٔ چرخ جهان پیماییم

زبند زلف تو جان مرا نجات مباد … دل مرا نفسی بی رحت حیات مباد
دلی که عابد بیت الحرام کوی تو نیست … عبادتش بجز از سوی سیئات مباد
زعشقت آنکه ندارد حیات لم یزلی … نصیب او بجز از مردن و ممات مباد
دوای درد دل خود بدرد اکر نکنی … دلا بدرد دلی چون رسی دوات مباد
بجز وصال تو مارا اکر مرادی هست … میسرات حصولش ز ممکنات مباد
چو روح ناطقه جانی کاسیر زلف تو نیست … همیشه راه خلاصش ز شش جهات مباد
اکرچه زلف سیاهت دلیل اسرارست … مرا جز این شب قدر و شب برات مباد
صلاة قبلهٔ من هست اکر بجز رویت … چو عابد صنم قبله و صلاة مباد
چو حسن روی تو درویش راز کاة دهد … فقیر عشق تو محروم ازین زکاة مباد
دلی که جز رخ و زلف تو باشدش پیوند … بهر طرف که نهد رخ بغیر مات مباد
اکرنه رزق حسن صورت تو میدانم … نعیم جان و دل من ز طیبات مباد
زعقد زلف تو شد مشکل نسیمی حل … که کار زلف تو جز حل مشکلات مباد

انکو نظر بروی تو کرد خدا ندید … محروم شد ز جنت عدن و لقا ندید
بینا بنور معرفت ای جان کجا شود … آن دیدهٔ که در همه اشیا ترا ندید
سودای زلفت انکه خطا کفت روسیاه … فکرش خطا چو بود بغیر از خطا ندید
عشق تو در دیار وجودم بسی بکشت … خالی زمهر روی تو یکذره جا ندید

زاهد چو ذکر زلف تو کردم بتاب رفت
بی حاصل این دقیقهٔ باریك واندید
خفاش تاب دیدن روی تو چون نداشت
عیبش مکن که مهر درخشان چراندید
ای دل جفا نه عادت یار منست و بس
بنمای عاشقی که ز دلبر جفا ندید
یارب ز راه لطف نسیمی بما فرست
زان کلشنی که غنچهٔ وصلش صبا ندید
داغی که دید درد دلی ازجفای دوست
جان نسیمی آن نکشید دست یاندید

منم آن دوهفته ماهی که بر آسمان جانم
منم آن درخشنده مهری که براوج لامکانم
منم آن سپهر چشمت که برای کسب دولت
نهد افتاب دولت رخ وسر برآستانم
منم آن امیر کشور که همیشه در دیارم
قرست شمسهٔ شب زحلست پاسبانم
منم آن کلام صادق که بود زریب خالی
منم آن کتاب ناطق که صفات خویش خوانم
منم آن همای دولت که فرازعرش پرم
منم آن جهان معنی که بیرون ازین جهانم
منم انکه شاه سلطان کنداز درم کدایی
منم انکه مهر وکردون کلهست و پاسبانم
منم انکه فرق فرقد بقدم همی سپارم
منم انکه بردوعالم سردست می فشانم
منم آن لطیف ساقی که بعاشقان سرخوش
رخ خورهمی نمایم می روح می چشانم
منم آن شکرحدیثی که بنطق چون درایم
رخ وزلف ماه رویان سخنست وترجمانم
منم آن زدیده غایب که همیشه درحضورم
منم وجود ظاهر که زدیدها نهانم
منم آن ره سلامت که صراط نام دارم
منم آن نعیم باقی که بهشت جاودانم
منم انکه اندر اشیا شده ام بحرف پیدا
زرمو زوحی بکذر که من این زمان عیانم
بقدیم وحادث ازره مروای حکیم عاقل
که من آن وجود فردم که هینم وهمانم
توچوعیسی ای نسیمی همه کرچه جان ورخی
منم انکه روح روحم منم انکه جان جانم
منم آن شریف کوهر که معادن حیانم
منم آن شراب کوثر که بجوی جان روانم

درعشق توای مهر وعاشق جومنی کوکو
تابرسر ویرانها چون کوکو زند کوکو
سوزد بغم وسازد درعشق توجان بازد
وانکه نظر اندازد برروی توازشش سو
تابر اثر پایت مالم رخ وپیشانی
افتاده چوخورشیدم برخاك سرهرکو
ای غیرت ماه وخور بردار نقاب ازرخ
تاپیش مه رویت برخاك نهدمه رو
در دورسر زلفت کی امن وامان باشد
چون دردل ودرجانم شد آن سیه هندو
پرنور کنم چون مه ازچهر دوعالم را
اززلف توکر افتد روزی بکفم یکمو
ای بخت من ازحشمت بادولت بیداران
صدرحمت حق هردم برغمزهٔ آن جادو
ای درطلب وصلت چون چرخ بسرکردان
هم عابد یاهوزن هم قائل یامن هو
چشم تودل عارف کیرد چوبصید آید
هی هی که چه صیادست آن شیرشکار اهو

ای روی ترش صوفی مفروش بماسرکه
کز یا دلبش مارا شد پر ز عسل کندو
ای بر سر سجاده تسبیح کنان بشنو
فریاد اناالحق را در حلقهٔ آن کیسو
معراج نسیمی شد قوسین دو ابرویت
ای شمع شب اسرا وی بدر هلال ابرو

کوهر دریای وحدت آدمست ای آدمی
همچو آدم سر اسما را بدانی آدمی
جان اکر خوانم ترا با شد برین معنی مکر
کز سر تحقیق میدانم جان عالمی
زندهٔ باقی شو از بهر خط لایزال
ای که بی نطق ونطق چون عیسی صاحب دمی
کر به بینی صورت خودرا بچشم معرفت
روشنت کردد که هم جمشید وهم جام جمی
کر هدایت یابی ازمن عنده علم الکتاب
ای سلیمان نی که اسم اعظمش را خاتمی
ای که فرعونی ونمرودی ودجالی چورفت
هم خلیل وهم کلیم وهم مسیح مریمی
در رخ خوبان که هست آینهٔ کیتی نما
صورت حق را بچشم جان به بین کر محرمی
ازخیال بیش وکم فارغ شو وآسوده باش
تا بکی درفکر آن باشی که بیشی یا کمی
کی شود روشن بخورشید رخ او چشم ذات
از محیط معرفت نادیده چون یك شبنمی
در بیابان تحیر واله وسرکشته اند
احدی وحیدری وژنده پوش وادهمی
ای نسیمی وقت آن شد کز دم روح القدس
نفخهٔ چون صور اسرافیل در عالم دمی

طالب توحید را باید قدم برلا زدن
بعد ازان درعالم وحدت دم از الا زدن
شرط سالك درطریق معرفت دانی که چیست
طرح کردن هردو عالم را و پشت پا زدن
کر شوی چون نقطهٔ وحدت مالك ملك وجود
نوبت شاهی توانی برفلك چون ما زدن
دامن کوهر بدست آرو کمال معرفت
تا توانی چون صدف لاف ازدل دریا زدن
تا نکردی محرم اسرار اسما چون ملك
لاف دانش کی توانی یادم از اسما زدن
کی تواند سرکشیدن برفلك چون سنبله
دانهٔ کز خاك نتوانست سر بالا زدن
رنك وبوبی درحقیقت کر بدست آوردهٔ
چون کل صدبرك باید خیمه برصحرا زدن
چند باشی ای مقلد بستهٔ ظن وخیال
درکذر زینها که نتوان تکیه براینها زدن
تا نکوبی ترك سر اندیشهٔ زلفش مکن
سرسری دست طلب نتوان برین سودا زدن
بکذر از دنیا وعقبی تا توانی دریقین
آستین از بی نیازی برسر اشیا زدن
ای نسیمی سرحق باهرکدا ضایع مکن
از تجلی دم چه حاصل پیش نابینا زدن

ای دل ار پختهٔ عشقی طمع خام مکن
همدم باده شو وجز هوس جام مکن
از ره خویش پرستی قدمی بیرون نه
قطع این منزل وره جز بچنین کام مکن

منزل اهل یقین کوی حبیب است ای دل ‌‌ ‌‌ تا بمنزل نرسی یکنفس آرام مکن
ازریا پاك شو ای زاهد آلوده لباس ‌‌ ‌‌ شبه ووسوسه رازهد ورع نام مکن
دور سجاده وتسبیح کذشت ای زاهد ‌‌ ‌‌ این یکی دانه مساز آن دکری دام مکن
کرسر طاعت حق چون ملکت هست ای دل ‌‌ ‌‌ بجز از سجدهٔ آن سرو کل اندام مکن
چون شدی بادهن وچشم ولب یار حریف ‌‌ ‌‌ جز حدیث شکر و پسته وبادام مکن
نام ونك ودل ودین جمله حجابست ودر پی ‌‌ ‌‌ یك جهت باش وبدینها طلب نام مکن
هست چون عاریتی دولت ده روزهٔ دهر ‌‌ ‌‌ تکیه بردولت ده روزهٔ ایام مکن
برعذار توکه اسلام منست از خط وخال ‌‌ ‌‌ لشکر کفر مکش غارت اسلام مکن
ای نسیمی روبرامد زلب اوکامت ‌‌ ‌‌ بهمه کام رسیدی سخن از کام مکن

بیا ای کنج بی پایان چوخود مارا توانکر کن ‌‌ ‌‌ مس بی قیمت مارا باکسیر نظر زر کن
تو بحر کوهر جانی تو عین آب حیوانی ‌‌ ‌‌ وجود خاکیٔ مارا حیاتی بخش وکوهر کن
لب لعل تو جان دار دبجان بخش یدبیضا ‌‌ ‌‌ چو عیسی دعوت احیا بالعل روح پرور کن
بعالم صبحدم بویی زکیسویت روان کردد ‌‌ ‌‌ مشام قدسیان مشکین جهانرا پر زعنبر کن
نقاب از آفتاب رخ براندازای قریکدم ‌‌ ‌‌ سرای دیدهٔ اشیا بروی خود منور کن
زسودای سرزلفش سرم سودا کرفت انکو ‌‌ ‌‌ ندارد در سراین سودا برو کوخاك برسر کن
بنار عشق اکرخواهی که عالم را بسوزانی ‌‌ ‌‌ بیادر وادیٔ ایمن زرخسار آتشی بر کن
تو نطقت در حدیث آور زلب جانبخش عالم را ‌‌ ‌‌ دم روح القدس دردم جهانرا کان شکر کن
زسودای خط وخالت دلی کررخ بکرداند ‌‌ ‌‌ رخش در مجمع خوبان سیه چون روی دفتر کن
هرانکو ناشق رویت نکشت ای صورت رحمان ‌‌ ‌‌ بنی آدم مخوان اوراتو نامش سنك مرمر کن
دل از تسبیح زاهد شد ملول ای مطرب مجلس ‌‌ ‌‌ زقند آن لب شیرین سخن کوی ومکرر کن
ملك رامی نهد خطش چو طفلان لوح در دامن ‌‌ ‌‌ الا ای حافظ قرآن تو این هفت آیت ازبر کن
بجنت جوی دیدارش چو خورشید ومه ای عاشق ‌‌ ‌‌ بهرکویی قدم درنه بهر منظر سری برکن
چو هست از روی آن دلبر نشانی شمس خاوررا ‌‌ ‌‌ بیادر روی شمس الدین سجود شمس خاور کن
بخوبی درمیان بامه بسی فرقست رویش را ‌‌ ‌‌ اکر باور نمی داری بیادر رو برابر کن
دلا باوصلش ارخواهی که ذات متحد کردی ‌‌ ‌‌ وجود هر دو عالم رانثار روی دلبر کن
بسالوسی وزراقی سیه تا کی کنی جامه ‌‌ ‌‌ قلم بردلق ازرق کش بمی رخساره احمر کن
نسیمی واصل حق شد الهی عاشقانت را ‌‌ ‌‌ بحق حرمت فضلت که این دولت میسر کن

زسودای سرزلفش سرم نکست وسودایی ‌‌ ‌‌ بیا ای دنك سر صوفی به بین تادر چه سودایی

تو دنیا باده و بنکی نه از عشق خدا دنکی ‌ ‌ ‌ از آن پیوسته چون سنکی بغفلت عمر فرسایی
تراسودای سیم و زر مرا آن سر و سیمین بر ‌ ‌ ‌ اسیر و مبتلا کرده ربوده عقل و دانایی
جهان از فتنهٔ وصلش پر آشوبست و پر غوغا ‌ ‌ ‌ چرا زین فتنه ای غافل چنین در جنك ر غوغایی
حجاب خویشتن بینی ز ره بردار و بیخود شو ‌ ‌ ‌ که نتوان روی حق دیدن بخودبینی و خودرایی
جمال حق درین عالم به بن امروز و حق بین شو ‌ ‌ ‌ که فردا کور خواهی بود اکر موقوف فردایی
یکی کردیدهٔ احول ز کج بینی دو می بیند ‌ ‌ ‌ بنه تن کر نهٔ احول بتنهایی که تنهایی
بخط و خال و زلف او شد اشیا جمله بیهوده ‌ ‌ ‌ تو تاکی ز آتش شهوت زشش سو باد پیمایی
برو مجنون سوار خوشی که بینی روی لیلی را ‌ ‌ ‌ که لیلی را نمی بیند بجز مجنون شیدایی
بچشمش دل چرا دادی نکو با من نکر با من ‌ ‌ ‌ که عاشق چون نکه دارد دل از ترکان یغمایی
بیا ای صورت رحمان که آمد روز آن دولت ‌ ‌ ‌ که مشتاقان رویت را القابی پرده بنمایی
شدم در قلزم سودا چو کیسوی تو غرق اما ‌ ‌ ‌ درین دریا تو هر کس را بجا چون در بدستایی
شب اسراست آن کیسو و قوسین اسم آن ابرو ‌ ‌ ‌ بیا حق را درین سودا ببین کر مرد سودایی
دلم پرخون شد از سودا بیا قیفال دل بکشا ‌ ‌ ‌ که شوقت آتش محضست و عشقت هست صفرایی
صفات ذات مطلق را تویی آینهٔ صورت ‌ ‌ ‌ بمعنی کرچه از وجهی دکر اسماء حسنایی
ازان رو قبلهٔ رویت هدا للعالمین آمد ‌ ‌ ‌ که حق مظهر کلی و کنج سر آسمایی
تو آن یوسف لقا ماهی که در مصر ملاحت ‌ ‌ ‌ عزیز حق و حق را هم هم اسمی هم مسمایی
ملك شد عاشق رویت ازان رو میکند سجده ‌ ‌ ‌ چه حسنت این تعالی الله بدین خوبی و زیبایی
تو آن خورشید تابانی که در دنیا و در عقبا ‌ ‌ ‌ برخسار آفت جانها بزلف آرام دلهایی
بحسن و صورت و معنی تویی آن واحد مطلق ‌ ‌ ‌ که چون ذات الوهیت بخوبی فرد و یکتایی
ندید از اول فطرت جهان تا آخر فطرت ‌ ‌ ‌ چو رویت صورتی زان رو که بی مانند همتایی
ز اشیا چون جدا دانم ترا ای عین اشیا چون ‌ ‌ ‌ محیطی بر همه اشیا و عین جمله اشیایی
وجود هرچه می بینم تویی در ظاهر و باطن ‌ ‌ ‌ چه عالی کوهر یارب چه بی اندازه دریایی
تویی آن عالم وحدت که هستی منشی کثرت ‌ ‌ ‌ ازان در جامی کنجی که هم در جا و بی جایی
نهان چون کویم ای دلبر ترا از لا یده چون اعمی ‌ ‌ ‌ که در هر ذره می بینم که چون خورشید پیدایی
بیا ای بی نظیر من که خوبان دو عالم را ‌ ‌ ‌ بحسن خود غنی سازی چو روی خود بیارایی
سرای هر دو عالم را القا بنما و جنت کن ‌ ‌ ‌ که رضوان حریر اندام و خورسده بالایی
نسیمی نفخهٔ عیسی در اشیا میدمد هردم ‌ ‌ ‌ بیا ای مرده کر مشتاق انفاس مسیحایی

ساقیا آمد بجوش از شوق لعلت جان ما ‌ ‌ ‌ خضر مایی می بیار ای چشمهٔ حیوان ما
با لب لعلت بجان بستیم پیمان در ازل ‌ ‌ ‌ تا ابد پیمانهٔ لعل تو شد پیمان ما
درد بی درمان ما را چاره جز وصل تو نیست ‌ ‌ ‌ ای وصالت چاره ساز و درد بی درمان ما

روضهٔ رضوان ما جز جنت روی تو نیست / روضهٔ کو غیر ازین ای روضهٔ رضوان ما
چشم یعقوب ازغم روی چوماهت شد ضریر / سر برآر از قعر چاه ای یوسف کنعان ما
بر کل وریحان کی اندازند اهل دل نظر / تا رخ وزلفت بود کل دسته وریحان ما
عاقبت خواهد زمادودی زر وزن بر شدن / کر چنین پنهان بماند آتش پنهان ما
کشتیٔ چون نوح اکرداری نخواهی غرقه کشت / چون بکرد کوه وصحرا سر بسر طوفان ما
جوهری نیکوشناسد قیمت دریتیم / هم تودانی قدر خویش ای کوهر عمان ما
سورهٔ زلف ورخك نور ودخان امد زحق / ای زرحمان کشته منزل آیتی درشان ما
مصحف روی تومیخوانیم وازحق در ازل / چون کلام ناطق اینست ایت قران ما
عمردر سودای زلفت رفت وراه آخرنشد / اه ازین سودای دوری راه بی پایان ما
شد بسر کردان نسیمی درهوایت چون فلك / ای اسیربند زلفت جان سر کردان ما

اکرچه چشمهٔ لعل تو دارد اب حیات / دلیل ما خط سبز تواست فی الظلمات
بچشم مست تو دیدم یقین ودانستم / که هست حسن ترا بر کمال جمله صفات
اکرنه روی تو بودی بیان صورت حق / چکونه راه نمودی بما تجلیٔ ذات
جهان حسن قدیمست وعشق لم یزلی / مدینهٔ که مصونست ایمن از سکبات
بهر طرف که نظر میکنم نمی بینم / جز افتاب رخت در جهات وغیر جهات
رخش بدیدهٔ معنی به بین ای صوفی / زژنك زرق وریا پاك اکرکنی مرأت
بیا بیا که بدیدارت ارزومندم / چنانکه تشنه باب زلال در فلوات
سجود روی تو کردن به نیش حق اینست / عبادتی که قبول است باشد از حسنات
بیا که تا شب قدر منست کیسویت / شبم کذشت بقدر ازهزار قدر و برات
دلی که عاشق روی تو شد زدوزخ رست / که عاشقان جمال تواند اهل زکات
بترك کعبهٔ رویش مکن بمسجد رو / که حق پرست چوصوفی نمی پرستت لات
نسیمی آتش مهرت جنان تجلی کرد / که بانك انی انا الله برامد از ذرات
مباش بستهٔ تقلید وظن که ممکن نیست / کزین طریق بمنزل کسی رسد هیهات

ساقیٔ سیمین برامد باده می باید کشید / حرف رندی برسر سجاده می باید کشید
روی نماید چو برآینه باشد نقش ژنك / صورت آیینهٔ دل ساده می باید کشید
نازا بروی کما ندارش بجان ای دل بکش / کین کمانرا عاشق افتاده می باید کشید
برسرم روزی وصالش کفت خواهم پا دنهاد / منت پایش بجان تهاده می باید کشید
هرچه ازیار آید ای دل تا که جان داری چوشمع / برسر عهدش بجان استاده می باید کشید

درغم رویش زچشم درفسان هردم مرا | ماجرای اشك مردم زاده می باید کشید
می کشیدم دام زلفش سرزمن پیچید وگفت | هردو عالم در بهایت داده می باید کشید
تا بجالتها کشد سر واز قدخود درچمن | صورت آن قامت آزاده می باید کشید
ای نسیمی چون زمان مستی وجام می است | باحریفان موحد باده می باید کشید

دلیل ماشد آن ساقی بدارالعیش میخانه | بیا کای آرزومندی بجام لعل جانانه
بدور دانهٔ خالش دل وجانم نمی بینم | که دردام سرزلفش نه افتادست ازین دانه
زمان وصل رویش راطلب کارم بجان ودل | هنوز ارزان بوددادن دوعالم رابشکرانه
زمان زرق وسالوسی گذشت ای زاهدرعنا | بیامی خور که تقویر البالب گشت پیمانه
جهان وجان ودین ودل برودرکارعشقش کن | که از مردان مرد آید همیشه کارمردانه
حدیث زهد کمتر کومکوغیر ازکلام عشق | که عاشق رانمی گیرد بگوش افسون وافسانه
بجو با آتش رویش تقرب گرنمی خواهی | که دور ازشمع رخسارش بسوزی همچو پروانه
چورویش چرخ صورتکر نبیند صورتی دیگر | بسر چندانکه میگردد درین پیروزه کاشانه
در کنج معانی رالبش مفتاح غیب آمد | زهی کنج وزهی گوهر زهی مفتاح ودندانه
نسیمی پای دل مکشا زبند زلف او هرکز | که در زنجیر می باید همیشه پای دیوانه

کمان مبر که بصدجور وصددل آزاری | دل من از تو ببرد مکر به بیزاری
بهر جفا که توانی بجوی آزارم | که هست عادت معشوق عاشق آزاری
بران امیدکه واقف شوی زنالهٔ من | گذشت عمر عزیزم بناله وزاری
نظر بزاریٔ ما گرنمی کنی چه عجب | توشاه حسنی وما عاشقان بازاری
مراتوجان عزیزی به بین عزیزیٔ من | که میکشم زعزیزخوداین همه خواری
چه حاجتست که بریزی بغمزه خون دلم | چوچشم ترك تواش میکشد به بیماری
دل ازرقیب تورنجیده بود باز آید | گرش برسم دل آزاریٔ توبازاری
دلم ببردی وگفتی دلت بدست آرم | چوبردهٔ دل من چون دلم بدست آری
نسیمی ازتوامید وفا نمیدارد | چگونه عمر کند باکسی وفاداری

من آن گنجم که درباطن هزاران گنج زردارم | من آن بحرم که دردامن بدریاها گهردارم
من آه عاشق پنهانم که سرگردان حسن خود | چوچشم دلبران عاشق بسی صاحب نظردارم
من آن چرخ پرانوارم دراقلیم الوهیت | که درهرخانهٔ برجی هزاران ماه وخوردارم
زعطاران برطل ومن چراشکرخرم چون من | زوصل آن لب شیرین بخرمنها شکردارم

من آن عنقای لاهوتم دزین تنك آشیان تن   که ملك اسفل واعلی همه درزیر پردارم
سکون جنش اشیانم دراسفل واعلی   چوافلاك وزمین زان رومقیمم هم سفردارم
اناالحق ازمن ای عاشق اکرصادرشودروزی   مراعارف بسوز اند کشد منصور بردارم
مکن پیش من ای صوفی عصاوخرقه راعرضه   که از تسبیحت اکاهم ززنارت خبردارم
بدام حلقهٔ ذکرم چه میخوانی چه می بینی   مرا با حلقهٔ زلفش که بازاری دکردارم
صواب اندیش میکوید که ترك عشق خوبان کن   من این معنی خطاهرکز کنم عقل این قدردارم
خیال روی شمس الدین مرا تامونس جان شد   نه در اندیشهٔ شمسم نه پروای قمردارم
الاای عابدی کزمن جزآن روقبله می پرسی   عبادت کرده ام بت راجز این روقبله کردارم
چوزلفش درسرآن دارم که درپایش سراندازم   به بین ای جان که بازلفش من عاشق چه سردارم
چوشیران درغم عشقت مدام ای آرزوی دل   غدای من جکرزان شد که من شیرجکردارم
بیا ای آتش موسی بیا ازجان من شنو   که من درجان ازان اتش بسی شوروشردارم
زراه عشقش ای صوفی تراکردست اکر بردل   به بین این رفعت وقدری که من زان رهکذارم
حدیث خط وخال او چه داند هرخطاخوانی   تواز من شنو این قرآن که تفسیرش زبردارم
نسیمی رابفضل حق چو کام دل میسرشد   ملك راسجده فرمایم که تعظیم بشردارم

مطلع انوار زلفت مسکن جان ودلست   رب ازلی یانی آن مبارك منزلست
کرچه دل درزلف خوبان بستن ازدیوانکیست   عاشق کودل دران زنجیر بند دعاقلست
عقد کیسو یت باسانی نکردد حل کناو   معنیٔ محکم دقیق عقدهٔ بس مشکلست
صورت حق انکه میکوید که روی خوب نیست   چشم حق بین نیست اورادعوی او باطلست
بالبت کفتم که خواهم دادروزی جان بتو   روز آن آمد کو بالب که جان مستعجلست
درسواد طلعت روی تواست آب حیات   انکه میکوید نه حیوانست حیوان غافلست
غوطه خورد دربحر عشقش تابدست آری کهر   در نصیب آن نشد کو بر کنار ساحلست
ای خیالت کرده روشن خانهٔ چشمم بلی   هرکجا محفل بود روشن بچشم محفلست
درطریق کعبهٔ شوق تو اهل ذوق را   غم رفیق وزادره خونابه ودل محملست
حاصلی مارانشد جز عشق جانان درجهان   عشق جانان هرکرا حاصل نشد بی حاصلست
ای نسیمی صورت حق بسته بین درآب وکل   تابدانی صورت حق بسته بر آب وکلست

قسم بمهر جمالت که جزتو ماه ندارم   توشاه حسنی وغیراز تو بنده شاه ندارم
سجود دروی تو کردن اکر کناه بود   فقیه دیو طبیعت جزاین کناه ندارم
مرا بجز تو کر هست خالق والهی   ترا بحق نپرستیده ام آله ندارم

زدم بدامن زلف تو روی سرخ وسفیدم
به روز حشر جزاین نامهٔ سیاه ندارم
بعهد زلف تو کردم وفا رخ تو کواهست
جزاین دوشاهد عدل ای صنم کواه ندارم
بزلف وخال تو ره برده ام بجوهر فردت
بدان مقام جزاین حرف ونقطه راه ندارم
بوصف ابرو وچشمت کرفته ام دوجهانرا
که بهر فتح ممالك جزاین سپاه ندارم
برآستانهٔ فضلت نهاده ام سرطاعت
برای انکه جزاین درامیدکاه ندارم
شبیه روی تو درخاطرم چکونه دراید
به بی شبیهیٔ رویت چو اشتباه ندارم
چومهر روی توام درپناه ملجاء زلفت
ازان جهت که جزاین ملجا وپناه ندارم
چوخاك برسر کویت فتاده ام شرف این بس
بچشم دشمن اکر هیچ قدر وجاه ندارم
خیال مهر رخت شمع بارکاه دلم شد
اکرچه درخوراین شمع بارکاه ندارم
ز فرقت تو برا وردم از دل اه د کرچه
برا ورم زدل خسته چون جز آه ندارم
نسیمی ازهمه روی نظر بروی تو دارد
نکاه دارمنی چون من این کناه ندارم

نکارابی سر زلفت پریشانم بجان تو
بجز زلفت نمی خواهد دل وجانم بجان تو
بزلف عنبرافشان کن دوای من کزین بهتر
علاج رنج سودایی نمیدانم بجان تو
بغیر از سجدهٔ رویت زمن هرطاعتی کاید
ازان کردار بی حاصل پشیمانم بجان تو
زرنج فرقت دوری شدم رنجور ورنجیده
خلاصم بخش ازین رنجم مرنجانم بجان تو
مکن دردمرا درمان بصبر ای آرزوی جان
که این درمان بسی تلخست ودرمانم بجان تو
شب وروز ازخیالم انکه برمن چشم اندازی
وصال این سعادت رانکه بانم بجان تو
بان زلف وخال خودهم ازحسن وجمال بود
بپرس ازمن مپرس انرا که حیرانم بجان تو
پری وحور ومهر ومه رخت رابندهٔ اندای شه
ترامن چون پری خوانم نمی خوانم بجان تو
چو قرص خوشدم پیدا ولی اعمی نمی بیند
به بین کر چشم نامحرم چه پنهانم بجان تو
چو هستم بندهٔ عشقت بملك دینی وعقبی
مده ازدست ومفروشم که ارزانم بجان تو
بیاری عهد وپیمانی که بستم درازل باتو
نه عهدم ذرهٔ کم شد نه پیمانم بجان تو
چمن کرزانکه می نادیك دامن کل خودرو
من ازکل دستهٔ رویت کلستانم بجان تو
مراخاك درخود خوان اکر خواهی نسیمی کو
بهراسمی که میخوانی بخوان کانم بجان تو

مامرید پردیر وساکن میخانه ایم
همدم دردی کشان وساغر وپیمانه ایم
تامی صافست ووصل یار وکنج میکده
بی نیاز ازخانقاه وکعبه وبتخانه ایم
زآرزوی شمع رخسار تجلی تاب دوست
هرنفس درآتشی افتاده چون پروانه ایم
مرغ لاهوتیم ازاد همه کون ومکان
فارغ ازسجاده وتسبیح ودام ودانه ایم

باده در دانست ودریاخانهٔ خمارما
حون صدف درقعردریاطالب دردانه ایم
هرکسی درعشق اوافسانهٔ کویندوما
ایمن ازکفت وشنید وقصه وافسانه ایم
ذرهٔ وارازهستیٔ خود کشته بی نام نشان
درهوای مهرخورشیدرخ جانانه ایم
باقبای کهنهٔ فقر وکلاه مفلسی
فارغ البال ازلباس وافسرشاهانه ایم
نیست ای دلبرنسیمی راسرسودای عقل
تاسرزلف توزنجیرست مادیوانه ایم

بهار آمد بهار آمد بهارسبزه بوش آمد
رها کن فکرخام ای دل کهمی درخم بجوش آمد
لب ساقی وجام مل میان باغ وفصل کل
غنیمت دان کهازنسیم سحرکاه این بکوش امد
اکرصوفی می صافی نمی نوشد مکن عیبش
بنات کرم رامحرم فقیر دردنوش امد
دلادریوزهٔ همت ذباب می فروشان کن
که بوی نفخهٔ عیسی زپیرمی فروش آمد
می تاکون خورای عارف کهدرقدس الوهیت
کل آورد آتش موسی وبلبل درخروش امد
مرابی عشق مه رویان بقای سرنمی باید
کهسربی عشق درکردن کشیدن باردوش امد
مکن آه ای دل پرغم بوش اسرارجان محکم
که نامحرم خنذابیست ومی باید خموش آمد
درآب دیده بی روبش مرس ای جان کهچون بودم
کهازغم برسراین طوفان مراتم نه دوش امد
ببانك چنك وعودنی بنوش ای رند عارف می
کهطاب العیش طوبی لك زحق هردم سروش امد
بصوفی می ده ای ساقی که دردارالشفا ما
علاج علت خامی شراب بخته جوش امد
نسیمی تالب جانان وجام می بود دیکر
بزهد خشك بی حاصل نخواهدسرفروش امد

تاازلب لعل توبعالم خبر افتاد
ازکاربسی کوشه نشین پرده برافتاد
برطوردل افتاد شبی پرتو رویت
جان مست تجلی شدوازپای درافتاد
بردارسرازخواب خوش ای خفته کهاین
درجان کل ازنالهٔ مرغ سحرافتاد
باغمزه بکوحاجت شمشیرزدن نیست
کان زخم که بردل زدهٔ کارکرافتاد
ازپختن سودای سرزلف سیاهت
حاصل همه این بود که خون درجکرافتاد
مقبول نظرها شد ومنظورالهی
باآنکه ترا ازسر رحمت نظر افتاد
شرح لب شیرین تومیکرد نسیمی
نی ناله براورد وفغان درشکرافتاد
آمد بسرکوی دلم دوش خیالت
جان نعره زنان ازحرم تن بدرافتاد

آن آفتاب دولت برچرخ مابرا امد
آن زهرهٔ سعادت درچنك مادرامد
آیینه کرد مارا ازماشد اشکارا
آن کوهری کزاشیاچون چرخ برسرامد
عیدست وروزقربان رودرحرم کن ای جان
کزسوی عرش رحمن الله اکبرامد

ای مطرب خدایی بی کفت وکو چرایی — بنواز عودونی را کان سرود ر برآمد
ای مفلسان عاشق کنج خفی عیان شد — وی تشنکان خاکی آن آب کوثر آمد
دامن زبی نیازی برهردو عالم افشان — کان شاه کشوردل با کنج کوهر آمد
برکن زدام تن دل ای جان که صیدما شد — مرغی که جبرئیلش درسایهٔ پر آمد
هست آبد ار نطقم چون ذوالفقار حیدر — زان روی برمنافق شمشیر وخنجر آمد
تابوی زلف یارم افتاد در خراسان — بادصبا زمشرق بامشك وعنبر آمد
ای وحشی ازبیابان بازابخانهٔ دل — کان لباس انسان پوشید وبر در امد
بیرون خرام وازرخ بردار پرده کز غم — چندین هزار عاشق ازجان ودل برامد

شد سینهٔ نسیمی لوح وكتاب یزدان
چون حرف ونقطه زان رو بروجه دفتر آمد

دولت وصل تو تا یافته ام در کپنك — نظری لطف خدا یافته ام در کپنك
یافتم درکپنك آنچه طلب میکردم — تو چه دانی که جهها یافته ام در کپنك
کپنك پوشم وازطایفهای دکرم — شرف این بس که ترا یافته ام در کپنك
مکن ای خواجه مرا درکپنك پوشی عیب — زانکه من نور خدا یافته ام در کپنك

چون نسیمی کپنك پوش شد از فضل اله
جنت وحور ولقا یافته ام در کپنك

دیوان نسیمی

بسم الله الرحمن الرحیم

دریای محیط جوشه کلدی   کونله مکان خروشه کلدی
سر ازل اولدی اشکارا   عارف نیجه ایلسون مدارا
هرذره ده کونش اولدی ظاهر   طپراغه سجود قیلدی طاهر
نقاش یلندی نقش ایچنده   لعل اولدی عیان بدخش ایچنده
آجی صو شراب کوثر اولدی   هر زهر نبات وشکر اولدی
تریاق مزاجی طوتدی آغو   لؤلوی مدور اولدی دارو
کلی بر وکوك حق اولدی مطلق   سویلر دف وچنك ونی انا الحق
مسجودله ساجد اولدی واحد   مسجود حقیقی اولدی ساجد
هر قطره محیط اعظم اولدی   هرذره مسیح ومریم اولدی
طاش کسك اولدی ورد ونسرین   فرهادله خسرو اولدی شیرین
معشوقله عاشق اولدی برذات   محو اولدی وجود نفی واثبات
ایمانله کفر بر شی اولدی   طاتلو ایله آجی بر می اولدی

شرکتی ارەدن کتوردی زحمت * وحدتدن آچلدی باب رحمت
جانیله تن اولدی بر حقیقت * برکدی شریعت وطریقت
اشیا ایکیلکدن اولدی خالی * باقی احد اولدی لایزالی
ای طالب اکر دکلسن اعمی * کور وعدهٔ کل من علیها
رفع اولدی حجاب ماسوی الله * القدرة والبقاء لله
غیر اولدی هلاك ووجه قالدی * بحر اولدی شوکیم بو بحره طالدی
کر آچیقسه بصیرتك باق * کورسنده حق و کتمه ایراق
کورسن سنی کیم نه جسم وجان سن * مقصود وجودکن فکان سن
چو مؤمنه مؤمن اولدی مرآت * مرآنکه باق وآنده کور ذات
شیطان لعینه اویمه زنهار * انوك سوزینی ایشتمه ای یار
هرکیمسه که اسردی بومیدن * حی ابد اولدی ذات حی دن
نفسنی چو بیلدی بیلدی ربی * توحید بولنده اکدی حبی
ای حقدن اراق اولان عزازیل * کر دیو دکلسن آدمی بیل
آدمده تجلی قیلدی الله * قیل آدمه سجده اولمه کمراه
حقدن سکا لا تطعه کلدی * هم واسجد واقترب دینلدی
چالندی قیامتك نفیری * ای صاغر ایشتمدیك صفیری
حشرك کونی کلدی اویخودن دور * اینا نمزایسن کوزیکی آچ کوز
اویخودن اویان که محشر اولدی * کورنیجه زمان پرشر اولدی
صور اونی ایشتمدی قولاغك * طیاندی بوکوپریده اایاغك
شد قیامت قورلدی میزان * حشر اولدی اینان بیلندی یزدان
چون محرم قل کنی دکلسن * بیکانه سن آشنا دکلسن
هرکیمسه که طانیدی بوجانی * بر ذره یه صایمدی جهانی
یردن چیقه کلدی دابة الارض * اوش سرینی ایلرم سکا عرض
هم خاتمی انك الیده فرمان * یعنی که بنم بو کون سلیمان
موسی بنم اوش عصا الیده * حقدن ازلی قلج بلده
مشرکدن ایدر موحدی فرق * آی وای اکا کیم ایشی اولا ازرق
خلقك آلنه باصر عصایی * یعنی که بیلك بو اوستوایی
نیچون که بواستواده درحق * اول مالك ملك وحق مطلق
حقدن بوصراط مستقیمی * بیلکل که بودر حقك نعیمی
چوسن کچەسین بواستوادن * آزاد اولەسن غم وبلادن
هم جنت وحور وهم لقادر * رحمان اله عرش استوادر

* یوزك بوجهتدن اوله بیضا * * من فضل الهنا تعالی *
* آدم توکلی حق اولدی بیل کل * * مسجود حقیقه سجده قیل کل *
* فصل استرسن حقیقته وار * * سعی ایله بو ایشه قالمه زنهار *
* انفاس نسیمی کورنه جا ندر * * دریای محیط ودر کاندر *

﴿ وله ایضا ﴾

* ای حق اهلی یقیمش بو خبر * * که بیلن نفسنی در اهل نظر *
* نفسنی کیمکه بیلدی بولدی حق * * نفسنی بیلمینلر اولدی شق *
* ای حق استین کل انسان اول * * قره طاش اولمه لعل ومرجان اول *
* کردیلرسن سعادت ابدی * * طامو بی بیلکه نیچون اولدی یدی *
* سکز اولدی قاموسی اوچاغك * * یندد رت اولدی صو بی ارماغك *
* طو بی آغا جنك ندر یمشی * * حق آنی اربراتدی بوقسه دیشی *
* حور غلمان ندن عبارت در * * هو من هو نیه اشارت در *
* کوثر وسلسبیل وماء معین * * مقعد صدقله مقام امین *
* نه دیمکدر بکا بیان ایله * * بونهان سرینی عیان ایله *
* نه عسلدر نه ما وخمر ولبن * * اولکه قرآنده حق دیدی روشن *
* بونلرك اصلی ندندر بیل * * کرنه شیطان سن اولمه اکری دل *
* بونلری بیلین نه بیلمش اوله * * ادی انوك اوی یقلمش اوله *
* کیمکه بیلدی بوانجه اسراری * * قودی الدن جهان غداری *
* فانی اولدی اوزندن اولدی حق * * بیلد کیم جمله حقمش مطلق *
* عشق ومعشوق وعاشق اولدی یار * * لیس فی الدار غیرنا دیار *
* ای نسیمی سوز کدر آب حیات * * ایچمین آنی قالدی فی الظلمات *
* نه بیلوردکه جانور جانی * * خضره صور خضره آب حیوانی *

﴿ وله ایضا ﴾

کنت کنزك کنزی والله نورك نوریم || روضه نك رضوانی وجنات عدنك حوریم
کاف ونونك مبدئ هم کائناتك منشائی || لامکانك شمسی وبدر وشب دیجوریم
عالم ذات وصفاتم منبع موت وحیات || هم حصار کن فکاهم نم انك محصوریم
سویلین هر ناطقك دلنده بندن اوز که یوق || سقف مرفوعك اساسی بیتك معموریم
نطقله صوتم ازلدن تا ابد هم قوتم || حاضرم هر یرده هم حاضرلرك محضوریم
نوحله طوفان بنم بن هم نجاتم هم هلاك || هم بیم هم کوهرم هم اول یمك مسجوریم
ناظرم هم بی نظیرم هم بصیرت هم بصر || هم ایکی لکدن منزه وحدتك منظوریم

﴿ هم ﴾

هم فقیرم هم دلنجی هم ملك هم پادشاه
هم بنم استاد صنعت هم انوك مزدوریم

شاهدم شمعم شرابم ساقیم هم جام جم
كوثرم هم سلسبیلم هم میك انكوریم

ظاهرم ظاهرده فاشم مظهرم هم مظهرم
باطنم هر شیده یعنی باطنك مستوریم

هم بقادار الخلودك نازیم هم نعمتی
هم فنادار الغرورك داریم منصوریم

هم كلامم هم ملك هم وحی هم روح القدس
هم حسابك ساعتی هم یوم حشرك صوریم

ابتدا سز جوهرم قائم بنفسی لا بغیر
هم نعیم خالدم هم نعمتك مشكوریم

هم جمیلم هم جمالم هم ود ودم هم عدد
كافره موت ومصیبت هم خلیلك سوریم

هم بنم وادئ مقدس هم بنم نار شجر
هم بنم نور تجلی هم كلیمك طوریم

هم جهانم هم جهانك عینی وما هیتی
هم خطا وچین ور ومك قیصر وفغفوریم

لوح تورات وزبور انجیل وفرقان هم صحف
هم كلام ناطقم هم رقنك منشوریم

هم برات وقدر واسرا هم صیام وحج وعید
هم محرم هم محرم شهرینك عاشوریم

هم اورن هم نفخه یی هم روح آدم هم تراب
هم قیامت صورله هم محشرك محشوریم

هم سلیمانم هم انوك ملكتی لا ینبغی
هم سلیمانك قوشی هم خاتمك دستوریم

كاتبم كلكم دواتم ابجدم لوحم هجا
نقطه یم حرفم بو حرفك سطریم مسطوریم

هم عناصر هم طبایع هم مركب هم بسیط
جمله نك اصلی وفرعی قادرك مقدوریم

هم ربیعم هم خریفم هم بنم صیف وشتا
هم قیشنك مبرودی اولدم هم یازك محروریم

بغده ام هم آسیابم هم خمیر هم فطیر
سلسبیلك خمریم خماریم مخموریم

هم سواد اعظمم هم مصر جامع هم محیط
هم بو بحرك كوهری هم لؤلوی منثوریم

هم بنم مقصود ومقصد هم تمنا هم دلك
هم بنم هر شیده ذاكر هم انك مذكوریم

هم بنم هادی ونافع هم بنم ضار ومضر
هم بنم غفران ورحمت هم انك مغفوریم

هم طبیبم هم علیلم هم علاجم هم سقیم
هم شفانك صحتی هم نعمتك رنجوریم

هم حروفم هم كتابم هم كلامم هم كلیم
فتحه نك منصوبیم هم كسره نك مجروریم

هم جبل هم كهف هم اصحاب كهفم كلبله
هم قدم سیمرغیم هم قوشلرك عصفوریم

ای نسیمی سن دكلسن جمله اولدر جمله اول
او لكیم ایدز بو زمین وآسمانك نوریم

وله ایضا

آیت انی انا اللهم بو نارك نوریم
هم مناجات وتجلی هم كلیمك طوریم

اولم نون والقلم در آخرم ما یسطرون
سوره والطوریم والطورنك مسطوریم

اصل وفرعم رفع ونصبم جر وجزمم جاودان
سقف مرفوعم بو بحرك نكته و مسجوریم

مصرم وهم جامعم هم جمعه ام هم آینه
روح قدسك نفخه سی هم بیتنك معموریم

هم امامم هم هدایت معنسی هم مهدیسی
هم كتاب و وحی منزل هم رقك منشوریم

هم حضیضم هم عروجم هم قرانم هم بروج | کردش چرخ ومدارم شهر ینك مشهوریم
لامکان خورشیدیم هم سعد اکبردر آدم | نحس وکنز وطلعت بدر شب دیجوریم
کافله نون مبدأم در منشأم در کائنات | اوش بوکونك کنت کنزی کنزنك مغروریم
هم مرکب هم بسیطوهم جواهرهم عرض | منفصل هم متصل هم ذاکرك مذکوریم
جنتم هم طوبایم طوبی لهم حسن الماب | شاهدم شاهنشهك هم شاهد ومستوریم
ظاهر وباطن بنم پیداوهم پنهان بنم | مظهرم هم مظهرم هم مظهرك مظهوریم
ساقیم هم ساغرم هم سلسبیل هم سبیل | بنده در هم حور وغلمان هم انك مقصوریم
هم بنم بزم ازل هم بنده درجام الست | هم شراب کوثرم خمارنك مخموریم
هم منادی وندایم هم عطوفم هم رؤف | هم قولم هم قوللرك رزاقی وغیوریم
هم بنم میخانه وکنج خرابات ازل | هم شرابم هم انك پیمانه وانکوریم
هم خطاام هم ختن هم نافهٔ تاتارنك | چین وماچین مغلچین هم کوزل فغفوریم
ملك ایران ملك توران ملك هندوملك سند | ملك شامم ملك قیصر رومیم انکوریم
هم بنم بغدادله شط هم خلیفه هم زمان | هم اناالحق سویلرم هم داریم منصوریم
قسم نوع لایزال نوع نوع واون لون | قسمیم قسامیم هم شاکرك مشکوریم
روضه نك رضوانیم جنات عدن اولدی ادم | هم ضیا ام دخی مقصورات ایچنده حوریم
هم هیولا ام مقدس جمله لذت بنده در | همچو بال وشکر هم نحل وهم زنبوریم
آلت آوزه اون ایکی پرده یکرمی درت شعب | هم رباب وارغنونم جنك ایله طنبوریم
آسمانم هم زمینم هم بلوت وهم بخار | ارضیانم [illegible] هم لؤلوی منثوریم
عالم کبری وصغری هم وضیع وهم شریف | عالم هم خلقیم غم خواریم مسروریم
هم بنم بلقیس دوران انس وجن ووحش وطیر | هم سلیمانم هم انك خاتم دستوریم
هم خلیلم هم نجاتم هم حیاتم هم ممات | مقبره ام هم عذابم هم حساب وصوریم
سن دکلسن سویلین حقدر نسیمی سویلدن | اولکیم ایدرهم زمین وآسمانك نوریم

ولە ایضا

چون بنی بزم [illegible] ایلدی اول یار مست | اول جهتدن کورینور بوچشمه دیار مست
مست درکاهم نه مستم بوشراب جزئیدن | صانمه ای خواجه بنی کیم اولمشم بیکار مست
شویله مستم تاقیامت دخی هشیار اولمزم | چون بنی وحدت میندن ایلدی اول یار مست
رند وقلاشم مقامم کوشهٔ میخانه در | کلمشم قالوا بلادن عاشق وخمار مست
جوش قیلدی عقل کل کلدی وجوده کائنات | کاف ونون امرندن اولدی بوجهان یکبار مست
جن مست وانس مست [illegible] وحش وطیر | خاك مست وباد مست وآب مست ونار مست
جمله برمیدن اولوبدر بوجهان یکبارکی | عرش وکرسی هردوعالم بوقمر کردار مست

عشق سبحانی میندن واله اولدی شویله بیل   عرش مست وفرش مست وکوکب سیار مست
شویله بیل تحت الثرادن تا ثریا هرنه وار   اولدی ای خواجه سراسر ازمی جبار مست
آدم وحوا ملائکك حور وغلمان وبشر   کوثر وطوبی ورضوان جنت ودیدار مست
نوح وداود وسلیمان وزکریا وشعیب   موسی مست وعیسی مست واحمد مختار مست
شاه مردان شیر یزدان پیشوای اهل دین   کاشف سر ولایت حیدر کرار مست
انبیا واولیا واصفیا واتقیا   اولدیلر حق مجلسنده شویله بی هشیار مست
قاضی مست ومفتی مست وصوفی وصافی مست   جرعهٔ جام الستدن مؤمن وکفار مست
خواجهٔ میخانه مست اولدی وهم پیر مغان   کعبه وبتخانه مست وخرقه وزنار مست
کفر وایمان مست وجمله مست عین یکدکر   عاشق ومعشوق وعشق ویار مست اغیار مست
منکرك انکاری چون کتدی وکلدی دور جام   صوفی مست اولدی بومیدن ایلدی اقرار مست
جرعهٔ جام الهی عاشق مست ایلدی   جام مست وباده مست وساقئ ابرار مست
چون شراب جانفزا کلدی بزه خمخانه دن   اولدی تنك قطره سندن بو سر ودستار مست
چنك ودف هم عودونی مرمست اولوب افغان ایدن   بو خراباتك ایچنده سویلین کفتار مست
مست اولوب کیر شهر عشقه کورسن آنده عیان   صورت خوبان عالم چارسو بازار مست
میر مست وخواجه مست وبنده مست از جام عشق   راه مست وخانه مست وبو در ودیوار مست
مست اولوب سویلر انا الحق عشقله عالمده بیل   یعنی که منصور عاشق اولوبن بردار مست
کوکلمز نور تجلی جسممز در کوه طور   جانمز دیداره قارشو اولدی موسی وار مست
دور مهدی در هدایت ایلدی صاحب زمان   وجهنی فضل اتدی یزدان کن بکی اظهار مست
برقعی یوزندن آچدی ذاتی قیلدی عیان   ایلدی کون ومکانی نورله انوار مست
جنت عدنك کلستاننده بلبل در دلك   نغمهٔ جانسوزی هردم ایلمکل تکرار مست
ای نسیمی سر حقك محرمی سنسن بوکون   سویلدك قدرت دیلیلن معنئ اسرار مست

❊ دکله کل بو سوزی که جاندر سوز ❊   ❊ عالی آسمان مکاندر سوز ❊
❊ شش جهتدن منزه اکله وباق ❊   ❊ شویله کیم خالق جهاندر سوز ❊
❊ نازل ومنزل اکله کیم بردر ❊   ❊ کندو کندویه ترجماندر سوز ❊
❊ طول وعرضله عمق بولنمز ❊   ❊ لون وحدی بیکراندر سوز ❊
❊ بو حدیثه نظر قیل ای عاقل ❊   ❊ اکلیه سن که بی کماندر سوز ❊
❊ عرش رحمان دیدی نبی کوکله ❊   ❊ چونکه کوردی کوکلده جاندر سوز ❊
❊ دید یا کاف ها اعوذ بك ❊   ❊ چون علی بیلدی مستعاندر سوز ❊
❊ غیر مخلوق درنه دیمك اولور ❊   ❊ اکله کیم شمدی رایکاندر سوز ❊

عقل کل عرش وکرسی لوح وقلم — چار عنصر نه آسمان درسوز
ظاهر وباطن اوّل وآخر — آشکارا وهم نهان درسوز
ای عقول ونفوس ایدن اثبات — قویه سوز دور وهمان درسوز
کاف ونوندن وجوده کلدی جهان — اکر اکارسن عیاندر سوز
عیسی پاك آدم واحمد — مهدیٔ صاحب زمان درسوز
بو بیان دیلرسن اکلیه سن — کیم نیجه سی فلان فلاندرسوز
جاودان نامه یی کتور کل اله — تا بیله سن که نسنه جاندر سوز
سوزه بو عز وجاه یتمزمی — کیدر فضل غیب دان درسوز
عاقل سن سوزیکی مختصر ایت — ای نسیمی چو بیکران درسوز

ایا لطیف زمانه ایا خلاصهٔ ذات — ایشت بو سوزمی تا کیم بیله سن انده نجات
شریعت امرینی مرشدایدن طریقته کیر — کیم اول طریقتله سن ایچه سن آب حیات
حقیقت اهلی اولورسن کورینه هرنه که وار — دمنده معرفتکده بولنه جوق حسنات
بوکون درش اوزکیچون ایو عمل ایده کور — یارین که معرکه لرده بهشت اوله عرصات
سنی دری طوتی سن بیلورسن ای عزیز — که هر نفسده بولاسن بونجه قدر وبرات
بوکون دار فنا بر نفسدرر بیلوکز — نو بر نفسده قیلك صدهزار صوم وصلات
رسول سید کونین که مؤمن آینه در — بو مؤمن آینه سنده کورندی جمله صفات
فنا وفاتله نفسك بواوج برکجه در — بقا حیاتله کوندر بو عقلله مرأت
بقا الندن ایرشدك فناده علم اوقدك — بو علمله سن بولدکسه عمر یکه برکات
انی که علم بیلوب بیلدکسه کندوزیکی — ایلت شو دفترکی تیز بازارده بر پوله صات
حذر قیل اکله سنی سن اوزیکی بیلمکیچون — صاقن که جنتچون اولمیه یرك درکات
دیلرمسن که یقین ال ویره تجلیلر — کوزك ایرمه اوزکدن بو نفسکی اوده آت
چنانکه قتل ایده سن نفسکی اوده آته سن — ایرشه آیت انظر دونه حیاته ممات
درش بو معرفتك خرقه سبنه جمع اوله کور — طاغلمه درت یکا عاشق که قنده سن هیهات
کندوی ذاتی طوغدی اول بوجه عالمدن — یتردی نور تجلی سیرلدی چون ظلمات
ای نیجه تشنه دله سوزلرمدن ایره زلال — بریه ایچره قیلنجه ایچه کور آب حیات
دلمدن ایرو قلمدن دوکلدی کاغده در — دزلدی جمله لطایف جواهر اولدی ثبات
بوکون نسیمی سوزینك ملاحتنه ایرن — هزار سجده قیلور صدهزار قند ونبات
بو قطره بحر حقیقت سوزینی درج ایده لم — که بر طریقته بیك درلو کوستررحرکات
بو معرفت سوزنك سرینی بیان ایده لم — ایا لطیف زمانه ایا خلاصهٔ ذات

بومعرفت بوطريقت حقيقت اولدی تمام
شريعت امر يچون وير محمده صلوات

وله ايضا

چشمهٔ حيوان بنم بنده درآب حيات
طورينجه برياته سن فی ظلمات الممات

جنت وحوری بنم كوثروطوبی بنم
ناری ونوری بنم هم صوسزم هم فرات

چرخ معلق بنم فاعل مطلق بنم
حقله يم حق بنم آيتله بينات

باغله بستان بنم تازه كلستان بنم
كافره طوفان بنم مؤمنه نوح ونجات

قبله وايمان بنم صورت رحمان بنم
لوحله قرآن بنم هم اوروجم هم صلات

حجت وبرهان بنم موسیٔ عمران بنم
يوسف كنعان بنم مصرله قندونبات

هم يترن هم يتن هم بترن هم بتن
جمله بنم جمله بن فقرله هم كائنات

كنج نهان اوش بنم كون مكان اوش بنم
جمله ده جان اوش بنم واجبله ممكنات

شمعله پروانه يم بحرله دردانه يم
مسجدو ميخانه يم معبدله صومنات

عرش منقش بنم چارله نه شش بنم
هم حسنات ايشلرم هم قيلورم سيأت

بايله يوخسول بنم يولجی ايله يول بنم
كيمكه بومنصوبه اوينادی اولدی مات

ملكله مالك بنم محيی وهالك بنم
مرشد سالك بنم عابد اصنام ولات

قافله عنقا بنم آبله سقا بنم
جمله ده حقابنم اوسته طنق شش جهات

حشرله محشر بنم صاحب كوثر بنم
هم كزرم دربدر كاهل زكاتم زكات

احسن تقويمه چون قيلدی شيطان سجود
اويمدی اكا سجده قيل لعنت آنی ناره ات

كيمكه دلارامله عمرينی صرف ايلدی
هر كونی عيد اولدی وهر كيجه قدر وبرات

مؤمنه مؤمن درر كوزكی ارت كوز كوكی
تا كوره سن سن سنی ذات اوله سن هم صفات

نفسنی هر كيمسه كيم طانمدی شبهه سز
عارف رب اولمدی يمدی اول بی ثبات

كندووجودنده چون كوردی نسيمی سنی
طاندی كيم كندودر مظهر انوار ذات

وله ايضا

يا رسول فخر عالم سيد ذات وصفات
بحر ذاتك كوهری سن هم صفاتك بحر ذات

قوت ذات ازل دائم سنكله مستقيم
حكمت دارابد قايم سكا در محكمات

مظهر سر حقايق مطلع نور ازل
مظهر كان دقايق منبع هر معجزات

احمد ومحمود وقاسم شاه سلطان رسل
كنت كنزك معدنی هم كشف حل المشكلات

وصفكی والنجم والشمس وتبارك سويلدی
شانكه طه ويس كلدی حقدن بينات

صورت انواركك هر ذره سی شمس وقمر
طرهٔ عنبرفشانك ليلة القدر وبرات

عز واقبالكدن اوتری اولدی تركيب جهان
يير وكوك انس وملائك اصل وفرع كائنات

كوهر دريای عشقك قطره سندندر يقين
اسم ورسم وفوق وتحت ودرت طبايع شش جهات

ای مظهر کلدکك دم کیم وجوده آنه‌دن   کافرك دیری ییقلدی دتره‌دی لات ومنات
علمله حلم وحیا وتوبه وزهد وورع   خلقه فضلکدن ایرشدی روزه وحج وزکات
هرکه ایمانن یقین ایتدی سکا ای پاك دین   لایزال اولدی همیشه جاودان اندر حیات
مؤمن صادق موحد جان فشان اولدی سکا   کرچه مسرك شبهه‌دن پك اولمدی اول بی ثبات
یاشفیع المذنبین رحم ایت نسیمی یه بو کون   حاصلم ایکی جهانده سنسن ای پاکیزه ذات

ولە ایضا

ای صاچك ظل آلهی وی رخك الله نور   روضه‌نك سروی بویکدر عندها جنات وحور
ای صفاتك قل هو الله وی جمالك فاتحه   ایشته فرقان ایشته تورات ایشته انجیل وزبور
استواسی در صاچك اناهدینا ه السبیل   جنت انکدرکه قیلدیشول صراطا وزره عبور
اون سکز بیك عالمك آیینه‌سیدر صورتك   کیمکه شول مرأتی بولدی اولدیمی اهل السرور
آدمك وجهی در اللهك کتابی اوش کتاب   ای کلام اللهی منکر خف من الله الغیور
کنت کنزك پرده‌سندن غافر الذنب اولدی فاش   زاهد استغفاره کلدی هردم ایدر یاغفور
عالم الغیبك وجودی کأنتك عینی در   ای شهادتدن خبرسز جانئا یوم النشور
قهر ولطفك علی معنیده واحد در ولی   بیلدی شیطان بو توحیدی احددن دوشدی دور
عین وشین وقافه باق انك جمالین آنده کور   قیل تبارك یامصور لیس فیها من فطور
قویدی حسنکدن قیامت ای حسابك یا کلان   اویخودن درکیم ایرشدی وعده من فی القبور
فاعل مطلقدن آیرو نسنه یوقدر آره‌ده   کرسن ادراك ایلمزسن بیلکه سندندر قصور
مؤمنك قلبی در ای صاحب دل اللهك اوی   لیس مقبول صلاة العبد الا بالحضور
روح قدسیدر نسیمی نك حقیقت سوزلری   کرمنیحانك در ایسن یاتمه کیم چالندی صور
هرکه ایوبك بلاسن سود کیندن چکمدی   کیوردی محبوب لندن خلعت عبد شکور

ولە ایضا

مرحبا ای بحر ذاتك کوهر ذات خدا   معدن فضل وجودك یارسول کبریا
عالمك جسمی وجانی سندن اوترو اولدی کور   سید کونین عالم یا محمد مصطفی
صورتك طه ویس زلف عنبر سایه کز   فارتقب مافی السموات ای دخانك قل کفی
کنت کنزك معنسی سندن آچلدی عالمه   ای بیانك علم ایچنده هم دلیل ورهنما
قاشلرك انافتحنا ای صفاتك قافس   ای بویك همچو تبارك کلدی سدرالمنتهی
احسن تقویمی سنسن ای ولایت مسکنی   هل اتی شانیکه کلدی یا علی المرتضی
یا محمد معصوم اولو بدر هم خدیجه محرمی   معدن خیرالنسا ومنبع فخرالنسا
کل ای وحدت بحری ایمره طالع وکور کیم نه در   عشق الندن آغو ایچدی اول حسن خلق رضا
کافرك نسیمی الندن اوز وکل کوزی کوکل   کرسه‌هید اولمق دیلرسن چون حسین کربلا

آدم آل عبا درشمس زين العابدين
اول وآخر اولر در ظاهر و باطن اولر
خسر و هر دومكاندر چون تقی و بانقی
عسكری درشاه كونين منبع جود وكرم
دردمنداولدی وجودم مستمندم سنسزن
چون نسيمی محشرك حشرندن ايچدی كوثری

شول محمد باقری كور محرم ذولكبريا
جعفر صادق چوكاظم هم علی موسی رضا
مجتبا در مقتدا در مقتدا در مجتبا
حجة القائم محمد مهدی اول كان وفا
كيمكه سكا ناظر اوله اول اولور عين صفا
سر كهف اولدی قلوبی وحدت قلب لقا

وله ايضا

ای منادی ای مدلل ای ندای طاوها
صاچنك وصفی درر اناهديناه السبيل
زق منشورك كبی چون جمالكدر سنك
كر پكك قاشكله زلفكدر بكا ام الكتاب
ثابت اولدی جمله اشياده كورآچيق بصر
نفخهٔ عيسی دررشيرين لبك روح الامين
حورعينك صورتی فی هذه جنات عدن
عرض قيلدی قامتك يارب صراط مستقيم
يوم دين اولدی كه عاشقلر بودينه كلدلر

ای كه تمش يدی حرفك استواسی كاف ها
والسموات العلی الرحمن علی العرش استوی
صورت اسما اوقودم سو خط خدا
كيم قبول آنسز صلاة اولمايه ديدی مصطفی
كيم احاطه قيلديغن چندان ديمشدر بارها
جاودان احيا قيلور جانلرباعشلربی ريا
اولدی بو كون حسنكه آيينهٔ كيتی نما
اول وآخر صفاتكدر دليل ورهنما
سجده ايچون هم جمالكده نسيمی بولدی جا

وله ايضا

* جام صفايی بزه صون ساقيا *
شول می كيم كونش انك جاميدر
*شول كيم انك شاننه اولدی نزول *
* عرشله مايی ايله ايچره مدام *
* كيمكه بو ميخانه يه بصدی قدم *
* شاهد غيبی ايله اولدی خريف *
* حوريله جنته مقام ايلدی *
* خضر كبی ايچدی حيات آبنی *
* ای چمن روضه بيوك سدره سی *
*مسكن ارواح صاچكدر صاچك *
* زلفكی والليل اوقرم هر كيجه *
* كوربو نسيمی نفسی كيم نيجه *

كيم صوصامش اول ميه اهل صفا
*شول كه بيوزمش وسقاهم خدا *
* جام علی العرش می استوا *
* هستی و پندار دن اولدی جدا*
* بی سر و پا اولدی ونه سرنه پا *
* تا ابد اولدی ايكی لكدن جدا *
* عمر ابد كوردی و بولدی لقا *
* جان وتنی جمله سی اولدی بقا *
* حسن وملاحتده رخك منتها *
* لعل لبك جانلره دار الشفا *
*يوزيكی هر ارته ده شمس الضحی *
* بوی مسيحا كبی درجان فزا *

❊ نظم نسیمی که دررد رادی ❊	❊ کورنه کهر صاتر واولمزبها ❊

ولە ایضا

ای صاحب واللیل اذا یغشی یوزکدر والضحی	یاوسین شانکده منزل هم جمالك طاوها
قاب قوسین ایکی قاشك یایی اودناله	هم المنسرح لك صدر بیورمش حق سکا
فضل رب العالمینك برکزیده مظهری	عالم علم الهی کاشف قل انما
خلقت افلاك که سنسن واسطه نوراله	هم سنك شانکده منزل اولدی لولاك لما
سنسن اول نوری که آدم بین وماطینکن	اول زمان نبی قیلوردك جملەیه سنسن بنا
لانبی بعدی بیوردی یعنی ختم اولدی کلام	صدق ای سید که سنسن ختم جملە انبیا
استوا خشبی ایتدك ظاهر انشق القمر	چون سکا کلدی الرحمن علی العرش استوی
هم رایت ربی دیدوك لیلة المعراجده	سنسن اول فی صورت احسن که ویردی حق لقا
رحمة للعالمین سن سید کونین هم	شمع رخسارکدن اوندی کن فکان غرق ضیا
ای حبیب الله که اسمك یازلو بدر عرشده	احمد ومحمود ابوالقاسم محمد مصطفی
سنسن اول ذات مطهر ای مبارك ماء طین	قل کفی کلمش سنك حقکده بالله قل کفی
اول ولایت کانی وسلطان دین شاه نجف	تاجدار انبیا وسروران اولیا
احمد انواکیم دیدی بن شهر علم قاپوسی	اول علی مرتضادر اول علی مرتضی
فاطمه نفسك سنك اولمش خدیجه محرمك	بوبری خیر النسادر بوبری فخر النسا
شبر وشبیر یعنی شه حسین وشه حسن	اول ایکی درین بحر ذات بی همتا خدا
اول سعیدین وشهیدین اول ایکی شهزادهلر	اختیار عالمین ومقبلین کبریا
اول شه حسن حسن بو شاه خلق چون حسین	اول قتیل زهر عشق وبوشهید کربلا
اول وجودین مظهر مظهرین حسن ولطف	سرفراز این سرا وسروران آن سرا
مفخر عالم وآدم شاه زین العابدین	هم محمد باقر اول سلطان دین بدزدجی
جعفر صادق کیم اولدر پیشوای اهل دین	هم امام هشتمین درشه علی موسی رضا
کاظم اول علم الهینك مکان ومعدنی	اول امین سر اسما شاه دریای عطا
اول تقی بانقی در مصطفانك النه	مظهر الطاف رحمت معدن جود وسخا
شاه نقی کیم نور چشم متقیلر دریقین	اول امام عارفین درشاه سلطان تقا
شاه سالار جهاندر عسکری هم جملەیه	ابن هادی پیشوادر پیشوادر پیشوا
مهدی صاحب زماندر هادی انس وملك	قاتل کفار اولادی صاحب سنجق لوا
جان ودلدن مصطفی ومرتضی مداحیم	هم بو اون ایکی امامه سویلرم مدح وثنا
کوری شمر ویزید وکوری مروان خر	مصطفانك حضرتینه بن قیلورم التجا
خاندان مصطفایی سومین ملعونه اوش	اوقودم بی حد انك جاننه لعنت دائما
ای نسیمی حشر ونشرك جامعی سن جامعی	انبیانك سری سنسن زولیا وانبیا

ولە

وله ايضا

حق بیلن بیلور بو کون عشق حدیث پر بلا — نحو یله صرفی نه بیلور اولدی شهید کربلا
منصنقله معانیٔ چوق اوقومه بو کون یته — کلدی کتور بی کمان مدحت عشق هل اتی
راحت روح وجانمز بو قسه یری بو نقطه ده — کیم دون وکون اوقور بو جان سورهٔ لوح ربنا
قیلدی نظر بو جانمه اول شه لایزال حی — حی قدیم کن فکان کور کندر بو کون سکا
اول ازلی حبیبی کورلم یزلی طبیبی کور — قیل جانکی فدا اکا کور بو صفات باصفا
شیر و شرابی اول ویر جانکه بر نکاهله — شیر و شرابی ایچه کوردیمه که آغودر بکا
شهد یسه دشمنك الی آلمه صونارسه اول بالی — ایچمه الندهٔ شهدی سن اوی که خطادر رخطا
محنت عشق یارله کرچه که چکسه جان بو کون — کونی بودر کچر مکل سن دون کونی بربلا
چکدی غمك نسیمی بی صورتیله معانی یه — جانیله کوشش ایلدی بولدی بو عشقده صفا

وله ايضا

مرحبا خوش کلدك ای روح روانم مرحبا — ای شکرلب یار شیرین لامکانم مرحبا
چون لبك جام جم اولدی نفخهٔ روح القدس — ای جمیلم ای جمالم بحر وکانم مرحبا
کوکلمه هیچ سندن اوز که نسنه لایق کورمدم — صورتم عقلم عقولم جسم وجانم مرحبا
ای ملك صورتلو دلبر جان فدادر یولکه — چون دیدی لحمك لحمی قانه قانم مرحبا
کلدی یارم نازیله صوردی نسیمی نجه سن — مرحبا خوش کلدك ای روح روانم مرحبا

وله ايضا

ای یوزك نصر من الله ای صاچك فتح قریب — ای بشر صورتلو رحمن ای ملك سیما حبیب
والهم حسنکه ای شیرین لبکدن منفعل — جنتك باغنده ریحان سنبلك چیننده طیب
زلف ورخسارکدر الرحمن علی العرش استوی — کعبه نك محرابی قاشك فتنه لو عینك خطیب
عنبرافشان سنبلك اسراری اولدی آشکار — کلدی روح الله ومنسوخ اولدی زنار وصلیب
صورتك لوحنده ایندردی کتابی جبرئیل — ای جمالك حق کلامی انه شیٔ عجیب
عاشقك اسرارینی حق بیلن عارف بیلور — آشنا حالن نه بیلسون نفسنی بیلمز غریب
کیمکه سوداسندن اولدی صبیر وشهلا کوزلرك — شربت شیرین لبکدر عیسوی نطقك طبیب
خو بلرك عشقندن ای زاهد بنی منع ایلمه — چونکه عشق ایلدی قسمت کونده حق نصیب
ای ادیب اوی ویرمه ادابکدن اهل وحدته — ابسم اول نیجون عشق ادابنی بیلمز ادیب
جنت عدنك کلستانی رخکدر شکر کل — ای کلستانکده روح الله رضوان عندلیب
ای نسیمی چون رقیبك یار ایمش یعنی اله — لطفله قهر اولدی بو احدهم حبیب اولدی رقیب

وله ايضا

شول تمام آيك يوزندنچونكه رفع اولدى حجاب ظلمتك دورانى كچدى ظاهر اولدى آفتاب
لبلرك جام ميندن جمله اشيا اسرمش طيبب اى پاكيزه ساقى بارك الله اى شراب
اى يكاغك حسرتندن جنتك قلبنده نار واى دوداغك شربتندن كوثرك عيننده آب
اى يوزك حمرا كلندن لاله نك جامنده مى وى كوزك سودامندن نركسك باشنده خواب
حق تعالانك كلامى صورتك تفسيردر اى يوزك انا فتحنا حقدن آچيلدى بو باب
كرپكك قاشكله زلفك حق كتابى در ولى اول كتابى كيم بيلور من عنده علم الكتاب
صورتك لوحنده يازلمش كتابى بيلمين بيلدى صوم وصلاتى صاغشن يوم الحساب
آب حيواندر دوداغك روح قدسيدر دمك صورتك حقدر يوزك والله اعلم بالصواب
قاضى الحاجاتمش لعلك مكر كيم عاشقه هرنه كيم قيلدى تمنى استجب كلدى جواب
دلبرك عشقنده اى سالك ايكيلك پرده در بنلكك رفع اولمنجه آره دن كتمز حجاب
اى نسيمى سجده قيل شول ماهه كيم حقدن سكا واعبدوا اياه واسجد واقترب كلدى خطاب

وله ايضا

* عجب لعلكمى شول يا جان احباب * عجب زلفكمى يا زنجير پرتاب *
* كوزمدن آقان اى دلبر غمكدن * عجب خونابه مى يا اشك عناب *
* عجب قدكمى شول يا سرو بستان * عجب خدكمى شول يا ورد سيراب *
* عجب يوزكمى شول يا سحر بابل * عجب ديشكمى شول يا لؤلوى ناب *
* عجب يوزكمى شول يا خرمن كل * عجب قاشكمى شول يا طاق محراب *
* عجب شول مست سوداى مغلچين * بنم بختم مدر يا چشم پرخواب *
* نسيمى نك كوزى يارك غمندن * درك درجى مدر يا بحر سيماب *

وله ايضا

كرچه حدينمس بوكه خوبك وفاسى يوق كيم سوديخوبى كيم ديدى حوبك جفاسى يوق
عشقك بلاسى يوق ديوبن عشقه دشمه كيم كيم عاشق اولديو ديدى عشقك بلاسى يوق
انك كه حج اكبرى اى جان سن اولمدك بيت الحرامه وارمش انك صفاسى يوق
شيطانتك اولكه صورتكه قيلدى سجود برانجه دردده دوشدى كه مركز دواسى يوق
عينك خطاسز اى بت چين دوكدى قانمى ترك خطا در اصلنه وارر خطاسى يوق
فانى جهانه باقه بچر عمرى حومه كيم عمرك زوالى وار وجهانك بقاسى يوق
يارب نه شمعمش بو ماهك يوزى كيم انك يوزى قتنده شمس ضحانك ضياسى يوق
كل كل كه قامو صوم وصلاتك قضاسى وار سنسز كچن زمان حياتك قضاسى يوق
بيماره جان ويرسنك اى جان لبك ولى منكر صانور كيم اول شفتينك شفاسى يوق
يارك كلور همیشه جفاسى نسيمى به سن صانمه كيم نسيمى به يارك عطاسى يوق

جهان یوزك كوننندن منور اولمشدر
صبا صاچك قوقسندن معنبر اولمشدر

لبك قندده اوتاندم كه ایدم آب حیات
شكر سوزك نه دیه‌م چون مكرر اولمشدر

دعا‌ئله نه دیله‌یم سنك ایچون چونكیم
ایكی جهان سكا حقدن میسر اولمشدر

كیمك كه كوكلی دیله‌دی ایاغكی اوپمك
باشنی اویمق اكا مقرر اولمشدر

نصیبی نیجه سعیله ارترم چونكیم
ازلده نحن قسمنا مقدر اولمشدر

سحریلی اسیجك سنبلك دیارندن
مشام اهل محبت معنبر اولمشدر

نسیمی ای شه خوبان جمالكی كوره‌لی
كوزنده صورت رحمن مصور اولمشدر

ولە ایضا

لعل نابك چشمه‌سنده آب حیوان كزلیدر
درج یاقوتكده ای جان در ومرجان كزلیدر

لبلرك شرین دهانك اول اكرچه سوزله
آچار اسرارینی ولیكن سر پنهان كزلیدر

جانمك جانی غمكدر شول سببدن ای نكار
شاد اولور جانم كه جانده دائم اول جان كزلیدر

شول خدنك غمزه‌نی كیم جانمه اوردی كوزك
قان كیدر یوركدن اما زخم پنهان كزلیدر

عنبرین زلفكده یوزك كزلنورسه نه عجب
شب نقابنده همیشه ماه تابان كزلیدر

ای طبیب عامه ال چك چاره قلمقدن بكا
عاشقك جانده دائم درد جانان كزلیدر

قانع اولدی دردله سندن نسیمی ای نكار
شول سببدن كیم سنك دردكده درمان كزلیدر

ولە ایضا

دلبرا زلفك شبنده ماه تابان كزلیدر
عنبرین زلفكده دائم عنبر افشان كزلیدر

صورتیكك صفحه‌سنده یازلیدر انا فتح
حرف حرف انك یوزنده ختم قران كزلیدر

لبلركدن دائما آقار حیات جاودان
شول سببدن دلبرك آننده حیوان كزلیدر

طغردی غمزك خدنكی بغرمی قان ایلدی
اول سهامك غمزه‌سنده زخم پیكان كزلیدر

كوز كوردركورمدی یوزكده ایمان نورینی
كل بكاغك چهره‌سنده نور ایمان كزلیدر

دردمك چون كیم دوا‌سن بیلمدی صوردم طبیب
شول سببدن كیم سنك دردكده درمان كزلیدر

عهد و پیمان استدی سندن نسیمی ای نكار
عهد پیمانده انك عهد و پیمان كزلیدر

ولە ایضا

شیرین حدیثك هر سوزی بك كوهر یكدانه‌در
انوارنه شمع رخك آیله كون پروانه‌در

یوزكدر اول تابان قمر انوار تابندن انك
خورشید وماهك شعله‌سی دائم تو تمش یانه‌در

دورنده عینك ساغری صاحب طریقت سالكك
پیرمغان اولدی آدی سر حلقهٔ میخانه‌در

تسبیحله سجاده‌یی الدن براق ای مدعی
شول زلف وخاله باق انك كور كیم نه دام دانه‌در

عاشقلرك جانانه‌سی حقدر حقا ویر جانكی
نیچون كه بی جان قالمسر اولجان كه بی جانانه‌در

عشقك حديثن كل ايشت افسانه يه الدنمه كيم ... قرآن صنان واعظك نقلى اوزن افسانه در
دوشمز خمارك رنجنه وحدت ميندن تا ابد ... شولمست حق كيم ساقيسى اول نركس مستانه در
شيرين لبى در دلبرك وحدت ميك پيمانه سى ... اى زاهد اول پيمانه دن مست اولكه خوش پيمانه در
شول صورت رحمانه اول ساجد كه مردود اولمدى ... اول اهل حق كيم سجده سى شول صورت رحمانه در
عارف بيلمز در بنى كل ربكى كور عارف اول ... شيطان كى حقدن بو كوز محجوب اولان بيكانه در
مشكين صاچين زنجيرينه دوشدى نسيمى اى سكا ... زنجير زلفك قيدينه صيد اولميان بيكانه در

وله ايضا

شمع فلك حسنكه پروانه در ... جان وجهان وصلكه شكرانه در
چكدى صاچين كوكلى زنجيرينه ... شول دلى بى كوركه نه ديوانه در
كيمكه جمالك صفاتن سويلمز ... سويلديكى قصه وافسانه در
نركس مستك اوله لى مى فروش ... كوشه نشينك يرى ميخانه در
لعل لبك روح مصفاسنه ... روح مقدس كيمى پيمانه در
طره لرك فكرينه دوشدى كوكل ... فكرينى كوركيم نه پريشانه در
باطنى معمور اولانك باطينى ... عشق رخك كنجنه ويرانه در
اى لب ودندانكه اولمش طفيل ... قنده كه برلعل ودر دانه در
شمعه ويرن رازينى پروانه نك ... چاره سى نيقدر انك يانه در
دامه نى چكدى صاچك حالله ... خالنى كوركيم نه بلا دانه در
عشقده نسيمى ويره لى جانتى ... حق بيلور آنى كه نه جانانه در

وله ايضا

شمع اولدى كوكلم ايشته فراقكده يانه در ... هر كيم بورسمه عشقه دوشه ايشى يانه در
عشقكده هر اوقى كه فلكدن آتر قضا ... اوماجم اول خدنكه و كوكلم نشانه در
شيرين حديث وطاتلو كلامندن اوزكه سوز ... عاشقلرك قولاغنه كيرمز فسانه در
مشكين صاچكله غاليه دن وضع اولان بكك ... اول دام ايچنده بن بيلورم كيم نه دانه در
اى صورتك جمال وملاحتده بى نظير ... كل كل كه حسن ايچنده جمالك يكانه در
اول يار ايچون ازلده قول اولدم بهانه سز ... كيمدر بهانه سز قولى صتان بهانه در
اى مسجده عبادت اويدردين فضول ... ميخانه هم آره كوركيم نه خانه در
اى عمرينى مراد ايله صرف ايتمك استين ... ويردلبرك وصالنه كيم جاودانه در
معدنسز التون اولمزدكانسز دكل كهر ... اى كوهر يكانه رجوعك نه كانه در
يارك وصالك استه بو كون قويمه يارنه ... يارك وصالى يارنه قالمق كمانه در
زلفكده مسكن ايلدى جانى نسيمى نك ... جانك همشه مسكنى اول آشيانه در

وله ایضا

فرقتك اوردی بنی اوش جكرم یانه دورر
كلمدی جانمه وصلك مددی یانه دورر

آقیدن یاشمی دیشك عددی انجوسیدر
باق انك دقتنه كوركه نه دردانه دورر

طولودر خون جكردن كوزمك پادیه سی
كل بنی مست ایدن كوركه نه پیمانه دورر

كیمكه حسنك صفتن سویلمز انك سوزینی
صایمزم هیچه كه بی فائده افسانه دورر

ایمزم یوزیكی بدر آینه نسبت نیچون
كه یوزك شمعنه كون آیله پروانه دورر

ای نجپان سنبلنك سلسله سندن غافل
كیمكه اول سلسله یه دوشمدی دیوانه دورر

بنی آشفته دین حالنی كور حالمه صور
زلفی دامنده بنی صید ایدن اول دانه دورر

ای انا الحق دن ایراغ اولدی نسیمی یه دین
یان بو حسرتده كیم اول دارنه مردانه دورر

وله ایضا

ای یوزك سبع المثانی نزل الفرقان بودر
وحی مطلق حق كلامی ق والقران بودر

شول حیات آبی كه بولدی خضر آنی ظلمتده او
بولمشم لعلكده یعنی چشمهٔ حیوان بودر

ای ارم كلزاری یوزك وی دوداغك سلسبیل
عاشقك رضوانی سنسن روضهٔ رضوان بودر

سویلمك وقتنده شیرین لبلركدن جان یقار
آفرین اول جانه ای جان آفرین برهان بودر

زرق وتزویرك زمانی كجدی ای زاهد اویان
عشقه طاعت قیل كه اولدی حكم انك فرمان بودر

ای قیلن توحید وایمان كفر وشركك آدینی
كل بو زیبا صورته قیل سجده كیم ایمان بودر

احسن تقویمی انكار ایلر ایمان سز فقیه
شولعزازیلك كه ادن حق ددی شیطان بودر

كردیسم حق سن نكارا غصه دن ابلبس اریر
وردیسم انسان بو صغمزعقله كیم انسان بودر

كوزلرك الله نورك آیتن تفسیر ایدر
ای بو معنیدن خبرسز صورت رحمن بودر

دلبرك یولنده قربان اول فدا قیل جانكی
ای بقاسز جان عاشق جاودانی جان بودر

عاشقك باشله اویز شول نكارك زلفی اوش
عاشق اول میدانه كیر كیم طوپله چوكان بودر

عشقه چون درمان بلمز كج امكدن ای حكیم
كل بلمز نسنه دن كچ اپسم اول درمان بودر

ای دین خندان آغزلو تمش اون كونلك كله
كل بو رخسارك كلن كور كیم كل خندان بودر

كل نسیمی نك النـدن بادهٔ نوش ایله كیم
لایزالی عشرت اولدر غصه سز دوران بودر

وله ایضا

ای یوزك نور تجلی معنیٔ ایمان بودر
هر كیم اقرار ایلمز انسان دكل حیوان بودر

صنع بیچون ایلدی ظاهر یوزك یوزآفرین
بوقدر انك سر پیدا نكتهٔ پنهان بودر

كورمشم زیبا یوزیكی صورت رحمن درر
صورمشم لعل لبیكی دردمه درمان بودر

لیلة المعراج زلفك قاب قوسین در قاشك
هر كشبكیم اولدی منكر لایق قربان بودر

صورتك لوحنده یازمش نقش بند كاف نون
آیت الله نورك حجت و برهان بودر

صورتك وجهين بولدی يادی عارف سرینی
بیلدی غافل بو سری جاهل ونادان بودر

سويلدی ظاهر نسيمی شعرينی ويردم جواب
روح قدس تحسين قيلدی ديدی كيم سلمان بودر

وله ايضا

دائم اناالحق سويلرم حقدن چو منصور اولمشم
كيمدر بنی بردار ایدن بو شهره مشهور اولمشم

قبله سيم صادقلرك معشوقيم عاشقلرك
منصوريم لايقلرك چون بيت معمور اولمشم

موسی بنم كيم حقله دائم مناجات ايلرم
كوكلم تجلی طوريدر انك ايچون طور اولمشم

ايردم قاشك معراجنه كيم قاب قوسين اولدرر
وصلت شبنده كور بنی سر تا قدم نور اولمشم

بزم ازلده ايچمشم وحدت مينك جرعه سن
شو جرعه دن كيم تا ابد سرمست ومخمور اولمشم

ای مهر يوزك والضحی والليل ايمش صاچلقرا
لعلك بكا دار الشفا اولدركه رنجور اولمشم

هر يا كه كيم دونر يوزم يار كورنده كوزم
چون بو غمكدن غم يدم شادان ومسرور اولمشم

اول سر غيبی بنم كيم كائنات عينيم
اول نطق ربانی بنم كيم دادة مذكور اولمشم

چون اون سكز بيك عالم اولدی وجودم آينه
اول صورت رحمن بنم كيم خلقه مستور اولمشم

اول كنزلو كنجك سريم كيم ظاهر اولدی عالمه
اول كوهرم كيم كن كبی عالمده مشهور اولمشم

چون بن نسيمی كوهرم كنجم سزه فاش ايلدم
بن بر دلو ديوانه يم كور كيم نه معمور اولمشم

وله ايضا

نكارم دلبرم يارم نديمم مونسم جانم
رفيقم همدمم محرمم روانم درده درمانم

شهم ماهم دلارام حياتم دراكيم روحم
پناهم مقصدم ميلم مدارم فكرتم جانم

قمرچهره پری رويم ظريفم شوخم وشنكيم
سمن بويم كل اندامم زهی سرو كلستانم

لطيفم نازكم خوبم حبيبم طرفه محبوبم
حجازم كعبه وطورم بهشتم حور ورضوانم

كلم ريحانم اشجارم عبيرم عنبرم عودم
درم مرواردم كانم عقيقم لعل ومرجانم

دافروزم وفادارم جكرسوزم جفا كارم
خداوندم جهاندارم اميرم شاه وسلطانم

چراغم شمعم ونورم ضيام يلدزم شمسم
هزارم بلبلم كولم نسيمی خوش الحانم

وله ايضا

نطق الله بنم كه ذاته ام
وحده لا شريك صفاته ام

واحدم جمله سير اشياده
كن فكان سر كائناته ام

اولمزم بن اولاسی خود دكلم
ازلی دن برو نجاته ام

اوقويك حی لايموت بنی
كه ممات اولمزم حياته ام

بيست وهشتم بو درت طبعيله
كيمسه بيلمز كه نه نباته ام

وحی منزل دوشنبه رم يرده
معجزم بونده معجزاته ام

فاعل مطلقم حقم حقيله
آيتم كل بيناته ام

✽ کوهر لامکان بنم بنم اوش ✽ ✽ قدره ایردم بو کون برا تله ام ✽
✽ نسیمی ام بو کون بیلنلره بن ✽ ✽ بیلینلره مشکلا تله ام ✽

﴿ وله ایضا ﴾

کلمنم حقدن اناالحق کورنه منصوراولمشم   روح قدسك نفخهیم سرتاقدم نوراولمشم
لوح محفوظی بنم روح الامینك همدمی   حشرایچون میزان واسرافیل وهم صوراولمشم
تاوجودم وحدتی کثرتده اثبات ایلیم   موسی یم آنست نارا نوریله طور اولمشم
کرچه غائبدر وجودك هر نظردن دائما   کورنه ناظر کورنه منظر کورنه منظوراولمشم
لامکانك کنجیم کرچه یرم ویرانه‌در   ایلرم معمور آنی کورکیم نه معموراولمشم
صورت ومعنی بنم هم اسمله هم جسم وجان   کورنیجه معنی ایلن صورتده مستوراولمشم
شهرت آفتدر اوصاندم شهرتندن عالمك   کرچه هم اعلاده واسفلده مشهوراولمشم
بولمشم چون کشور فضلك یدی اقلیمنی   کیقباد وقیصر وجمشید وفغفور اولمشم
طاهرم ماء طهورا هر طهارتسز فقیه   بن سحابندن بو آب روضه مقطوراولمشم
آتش مهر رخك جانمده تأثیر ایلدی   بن بو اوددن یانرم یعنی که محروراولمشم
مصر جامعدر وجودم آنده قیلدم جمعه‌یی   کورنه شهرم کورنه محکم قلعه وسوراولمشم
ذاکرم ذکر ایلرم یعنی که شیخم صوفیم   کورنه کوچك آدله عالمده مذکوراولمشم
ای نسیمی جنت وحوراول نکارك وصلیدر   چون بن اول محبوبی بولدم جنت وحوراولمشم

﴿ وله ایضا ﴾

صورت رحمان بولدم صورت رحمن بنم   روح مطلق حق کلامی ق والقرآن بنم
هم بنم آنست نارا سرینی فاش ایلین   هم خلیل اولدم بو ناره موسیٔ عمران بنم
هم مسیحیم هم سکندر هم بنم آب حیات   هم حیات خضر بولدم چشمهٔ حیوان بنم
هم محیطم هم کنارم هم صدف دردانه ام   هم بو بحرك کوهری هم کوهر عمان بنم
هم خیالم هم جمالم هم صفاتم هم طلب   هم نقوشم هم بو نقشه واله وحیران بنم
ظلمتم موتم مماتم هم حیاتم هم ممات   مؤمنه نوحم نجاتم کافره طوفان بنم
هم علاجم هم طبیبم هم شفایم هم عنا   هم بو رنج رنجوریم هم دردلره درمان بنم
مصحفم حرفم کتابم هم کلامم هم کلیم   هم کلام هم ناطقم هم حقدن اوش برهان بنم
ساقیم شمعم شرابم هم خمارم هم خمیر   سلسبیل ساقیم هم ساغر و پیمان بنم
هم صلاتم هم زکاتم هم بنم زرق وریا   هم ایمان وتوحید شعلهٔ ایمان بنم
هم نعیمم هم رحیمم هم کریمم هم کرم   هم نعیم بنم خلدم وهم جنت رضوان بنم
ای نسیمی سن حقی بیل حقه قرار ایله کیم   چونکه انسان وبشرسین حق دین انسان بنم

﴿ وله ایضا ﴾

یوزکدر مقصدم قبلەم لبکدر آب حیوانم
ایا سر وسر افرازم فدا اولسون سکا جانم

که سنسن دردمه درمان یوزك فرقان خطك ریحان
فدا اولسون سکا بیك جان که سنسن شاه وسلطانم

انیسم رهبرم یارم کوزی یوزلو کل اندامم
عبیرم عنبرم مسکم بوبی سرو خرامانم

کلامم قرانم ذکرم کتابم توحیدم فکرم
نمازم رازم وسجدەم بکل جمله ارکانم

فنیم کامم امیدم مرادم مقصدم کوکلم
جوابم مسئلەم سوزم دلمده جمله دستانم

حیاتم راحتم مهرم نجاتم الفتم وذاتم
طبیبم شربتم خضرم وجودم ساعتم جانم

ازلدندر بنم دردم سوزی کرچك قربدرم
نجیم سودکم مهرم سیه زلف پریشانم

ظریفم کنجم ومالم نسیمم عاشقم عشقم
حبیبم عزتم عزم ازلده کامل انسانم

وله ایضا

بنده سغرلیکی جهان بن بو جهانه صغمزم
کوهر لامکان بنم کون ومکانه صغمزم

عرشه فرش وکاف ونون بنده بولندی جمله چون
کس سوزیکی واپسم ونسرح وبیانه صغمزم

کون ومکاندر آیتم ذاتمدر بدایتم
سن بونشانله بنی بلکله نشانه صغمزم

کیمسه کمان وظنله اولمدی حقله بیلش
حقی بیلن بلور که بن ظن وکمانه صغمزم

صورته باق ومعنی صورت ایچنده طانی کیم
جسم له جان بنم ولی جسم وجانه صغمزم

هم صدفم هم انجویم حشر وصرط اسنجیم
بونجه قماش ورختله بن بو دکانه صغمزم

کنج نهان بنم بن اوش عین عیان بنم بن اوش
کوهر کان بنم بن اوش بحر وکانه صغمزم

کرچه محیط اعظمم آدم آدمدر آدمم
طور ایله کن فکان بنم بن بو دکانه صغمزم

جان اله شم جهان بنم دهر اله هم زمان بنم
کور بو لطیفه‌یی که بن دهر وزمانه صغمزم

انجم اله فلك بنم وحی اله هم ملك بنم
چك دلکی واپسم اول بو نشانه صغمزم

ذره بنم کونش بنم چار اله پنج وشش بنم
صورتی کور بیانله چونکه بیانه صغمزم

ذات اله ام صفات اله کلیه کرم نبات اله
قدر اله ام برات اله بسته دشانه صغمزم

ذره یا شجر بنم چرخه چیقان حجر بنم
کور بو اولوئز بلسن بن بو زبانه صغمزم

شهد اله شم شکر بنم شمس بنم قمر بنم
روح روان باغشلرم روح روانه صغمزم

تیر بنم کمان بنم پیر بنم جوان بنم
دولت جاودان بنم آینه وآنه صغمزم

کرچه بو کون نسیمم هاشمیم قریشیم
بندن اولودر آیتم آیت شانه صغمزم

وله ایضا

حق تعالی یار اولدی بکا سرتا قدم یار اولمشم
تا کورمشم دیداری مشتاق دیدار اولمشم

انست انا سر یعنی موسی نه بیلسون سر حجر
انی بکا صورسون که بن اول نور واول نار اولمشم

ذکرم انا الحقدر بنم حق سویلرم حقدر بنم
درك ایچنده غیره هم لیس فی الدار اولمشم

عارف قتنده مدح وذم برابر اولمش سن عارف اول
کورکیم نیجه هر نطقك دیلنده کفتار اولمشم

ماء العنبدندر اكر هر سر خوشك سر خوشلغى ‏— بن ايچمشم عشقك مين سرمست وخمار اولمشم
خلدك كلى خندانيدر كلكون يكاغك اى كونش ‏— بلبل كبى مستم انك عشقنده اوش زار اولمشم
كلشن كبى آچلمشم بوى كلندن عارضك ‏— كور كيم جمالكدن نيجه فرخنده كلزار اولمشم
مشكين صاچكدن بولمشم شو لبوى جان افزايى كيم ‏— طيبندن انك صانه سن طيبى وعطار اولمشم
شيرين دوداغك وصفنى تاسويلر اولدى منطقم ‏— اى مصر حسنك يوسفى قند وشكر بار اولمشم
يارب نه فتان آيمش تابنده يوزك بدرى كيم ‏— انوار تابندن انك تابنده انوار اولمشم
سودا ميندن سرخوشم مستانه عينك تك ولى ‏— غفلت ميندن تائبم نيچون كه هشيار اولمشم
زلف ورخك اسرارينى تاحق بكا كشف ايلدى ‏— يوزكده ام كنج خفى زلفكده بردار اولمشم
سرو كل اندامك كبى عالمده آزادم ولى ‏— زنجير زلفك قيدنه محكم كرفتار اولمشم
لؤلوى نابك وصفنى تاسويلر اولدى منطقم ‏— سمعنده هر سمين برك لؤلوى شهوار اولمشم
بولدى نسيمى تاسنى ذاتنده شكسز شبهه سز ‏— اولمش نسيمدن برى يعنى كه بيزار اولمشم

ولہ ايضا

سر انا الحق سويلرم عالمده پنهان كلمشم ‏— هم حق ديرم حق بندهدر هم ختم انسان كلمشم
هم لوح تورات وزبور انجيل وفرقان وصحف ‏— هم بن كلام ناطقم هم جمع قرآن كلمشم
هم آيت رحمن بنم هم رحمت رحمان بنم ‏— هم وحى مطلق سويلرم هم نور يزدان كلمشم
بولدم على العرش استوا هم رحمتى غفران يقين ‏— حقدن عيان بيلكه بنم كيم عرش رحمان كلمشم
موسى كبى ديدارنه مشتاقسك كل اشته كور ‏— آنست نارا هم شجر موسى ابن عمران كلمشم
سودا كله مست اولمشم هم ايچمشم غمدن مدام ‏— مست الستك جاميم نيچونكه طغيان كلمشم
هم بن قلندر صورتم فردم مجرد تجريدم ‏— كرچه فقيرم هم كدا ملكه سليمان كلمشم
لاريب الا وجهه كلدى انك وجهنده اوش ‏— عالمده حسنك وجهنه بن وجه وبرهان كلمشم
حسن وجمالك نقشنى كوردى ازلده كوزلرم ‏— بو نقشه حيران اولمشم بن مست وحيران كلمشم
مشكين صاچك ظلماتنه بولدم قاسترخضر كور ‏— لعلك شرابن ايچمشم بن آب حيوان كلمشم
كلمش جهانه شرح ايدرشمدى نسيمى حق سوزك ‏— آنى كيم ادراك ايلسون بن سر پنهان كلمشم

ولہ ايضا

كوكلك ويرانه سنده كنج پنهان بولمشم ‏— اولمشم شول ماهه قربان جان وجانان بولمشم
عشق دردندن نجۀن قورتيله كوكلم چونكه بن ‏— دلبرك دردنده هردم نيجه درمان بولمشم
كفرا كرايمان دكلسه بس ندن دشمش كه بن ‏— كفر زلفك حلقه سنده نور ايمان بولمشم
خضرا كرظلماته واردى استدى آب حيات ‏— بن دوداغك چشمه سنده آب حيوان بولمشم
ديشلرك عكسى نكارا كوكله نقش اولهلى ‏— كوزلرم بحرنده هردم در ومرجان بولمشم
روضۀ رضوانه دعوت قيلدى زاهد بنى ‏— خاك دركاهنده بن صحن كلستان بولمشم

چون نسیمی جانی شول دلبره قربان ایلدی
کورنه کوکجك شول هلالی ایه قربان اولمسم

وله ایضا

دلبرك لبلرینه چشمهٔ حیوان دیمشم
معدن روحه عجب بن نیچون جان دیمشم

سنسن ای صورت اللهله رحمن مسجود
قیلمین سجده سکا دیوله شیطان دیمشم

لوح محفوظله عرش اولدی یکاغك صفتی
بن بومعنیدن اکا صورت رحمن دیمشم

خجل اولدم بوسببدن که نکارك یوزینه
ارمك کلشنی وروضهٔ رضوان دیمشم

صورتك احسن تقویم ویوزك قبله ایمش
بوسوزه یوق دیه‌نك آدینی حیوان دیمشم

صورتك منکرینه کافر وملعون دیدی حق
نه که اکا دیدی حق بن اکا چندان دیمشم

کلی خندان دیمزم غنچه‌یه ایرق نیچون
که یکاغك کل خندانه خندان دیمشم

صدفك ایچنده کار ایلدی انجو اردی
که لبك جوهرینه لعل بدخشان دیمشم

دیمه هرتیکنه سن باغ وکلستان ایسم
که بن اول عارض کلکونه کلستان دیمشم

زلفکی نافهٔ تاتاره بها قیلمه که بن
قیمتن هرقیلنك ملك سلیمان دیمشم

ای نسیمی سکا چون فضل اله اولدی معین
نی عیب ایلمه کیم تابکه سلطان دیمشم

وله ایضا

یوزك کوندن ای قمر انواره دوشمشم
آنسنت نارا اولمشم اول نور وناره دوشمشم

دار السلام حسنکا ای جنتك کلی
دشدم ازلده کور که نه کلزاره دوشمشم

دشدم خیال زلفنه ای متقی بنی
تسبیحه دعوت اتمه که زناره دوشمشم

فکرمده در خیال کوزکله لبك مدام
یارب نه رسمه خمره وخماره دوشمشم

جان وجهانی وصل جمالك بهاسنه
ویردم ازلده کور که نه بازاره دوشمشم

شیطاندر اول که صورتکه قیلدی سجود
شیطانه منکر اولمشم انکاره دوشمشم

ای وحدتك میندن اولاشن خمارینه
مست الستم صور که نه می خواره دوشمشم

فاش ایلدم جهانده انا الحق رموزینی
دوغر وخبردرانك ایچون داره دوشمشم

کنعانی یوسفك لب شیرینی بولدم اوش
فکر ایله کیم نه قند شکر باره دوشمشم

عشقك قدیم وزلف ورخك دائم الابد
یارب نه ایجه ایش واوزن کاره دوشمشم

ای صبحدم یلی نه اوکرسین تاتاریکی
مشکین صاچنده کور که نه تاتاره دوشمشم

حسنك حروفنی بکا ویردی سبق رخك
درسم بو ابجد اولدی وتکراره دوشمشم

کوردی نسیمی معشوقنك یوزینی بوکون
حق بیلن بیلور که نه دیداره دوشمشم

وله ایضا

ای دریغا کیم جهانده یار همدم کیم دورر
خوبلرك جوروندن اوز که کیم بکا همدم دورر

ای کونش یوزلو حبیبم شاد قلغل سن بنی
کیم فراقندن بو جان ودل غریق دم دورر

کرانینامزسك كه غمزهٔ یقدی کوکلم شهرینی   بس بوفریادم ندندر دیده قاندن نم دورر
وعدهٔ قوای کوکل کل بودمی خوش کورەلم   دونکی بجه دیطاکله غایت بس بودم خوشدورر
کردیسم واردرجهانده سنسن ای کوکلم آنی   دل سنکدرجان سنکدر بن بنم بس نم دورر
زاهدك محراب ایچنده ذکروطاعتدر ایشی   عاشقك محبوب اوکنده چنك زیروبم دورر
بر نظر قلغل نسیمی حالنـه کورکیم نجه   سوزلری فریادونالش کوزلری زمزم دورر

وله ایضا

* قراصاچك كه ظلماتنده درنور   انك آدی ندرنورعلی نور *
* یکاغکدن عیان اولدی انا الحق   لچان کوز کوده صورت قاله مستور *
* نظیرك یوقدر ای دلبر نظیرك   زهی صاحب نظر پاکیزه منظور *
* نه میدن اسرومش نرکسلرك کیم   بنی اندیشه سنده قیلدی مخمور *
* نه مصحفدر كه حسنك آیتینی   بیان ایتدکجه عقل آندن دوشردور *
* وصالك جاودانی سلطنتدر   بو دولت اولمدی هرشاهه مقدور *
* چیقار پنبوق قولاغکدن کوزك آچ   كه حشراولدی وچالندی بو کون صور
* اکرنوش استریسك نیشه قاتلن   كه نوشی نیش سز ویرمز بوزنبور *
* کل ای سلطان عالم عارف اولکیم   ملك معنیده عارفدر نه فغفور *
* نسیمی حقه واصل اولدی جاوید   کرك ماتم طوت ای منکر کرك سور *
* لبك لعل بدخشان ایلدی مات   حبش ملکنده خالك آصدی منشور

وله ایضا

* یوزکدر لوح موسی قامتك طور   خطك فرقان یوزکدر رق منشور *
* کلام اللهك اصل شو حرف   جمالك لوحه زده اولدی مسطور *
* صاچکدر کفر مز یوزکدر ایمان   نه کفر ایمان اولور ظلماتلن نور *
* جمالك کنت کنزیدر ایا جان   بنم کوکلم خرابن قیلدی معمور *
* کورن سنسن بنم عینمده یارب   نه ناظرسن نه منظرسن نه منظور *
* بویك طوبی دوداغك آب حیوان   رخکدر جنت عدن وخطك حور *
* نسیمی سوزینه قیلك تتبع   نه فضل اولدی بوعبده فضل دستور *

وله ایضا

سنمسن ای ماه صورت جنتك عیننده حور   کوزلرك عین بلا در و جهکك آننده نور
آیت عرش سماندندر لطافت سوزلرك   درمعانی جمع قیلدی درمکنون ظهور
چشمهٔ زمزم لبك سرالست در کوزلرك   کیم اوله اولکیم قیله مهریله وصلکه صبور
شبهه دن آرندی اولکیم قیلدی اقرار صلاة   تاابد مست اولدی ایچدی جرعهٔ ماء طهور

کیمکه محبوبك لقاسن کوردی اول عین الیقین — وجهنی سوردی ترابه ربنی قیلدی شکور
کمترین اولدی نسیمی فضل حقك چاکری — چونکه وصله واصل اولدی عشقله بوادیحضور

وله ایضا

بلی یارب یوزکدر رق منشور — محمد شرطی آندن اولدی مشهور
طواف امر اولدیچون بیت العتیقه — رسول اول آدیقیلدی دیدی معمور
صفاتکدر بیلورم کعبهٔ مطلق — زیارت ایلینلر اولدی مغفور
صاچك حبل المتین در صورتك — هدایت شمعی در کیم عرض ایدر نور
یکاغك هذه جنات عدن — یوزکدر کشف سنسن جنت وحور
سنك مستانه عینك ساغرندن — رواندر سلسبیل اوش مست ومخمور
مسیحی نفخه در شیرین دهانك — که صحت بولور اندن صورسه رنجور
قاشکله کر یکك مشکین صاچکله — وجودی در سلیمان عینی درمور
انا الحق دیدی زلفك وارلغندن — چیقاردی کوکه فریادینی منصور
صفاتك باطنی ایلدی روشن — که عالم وارینه اولمادی مغرور
سن احسن صورته انکار ایدنلر — عزازیلدر که دوشدی تکبریدن دور
نسیمی یه تجلی قیلدی غمزه‌ك — کوزینه نورو کوکلن ایتدی مسرور

وله ایضا

یوزك مصحفدر ای روح مصور — تعالی شانه الله اکبر
سکز قپوسیدر جنات عدنك — قاشکله کر یکك زلفك معنبر
الم نشرح صاچك والشمس آلنك — بویك طوبی لبکدر آب کوثر
عیان اولدی لبك عینده شول صو — که غرق اولدی جهان بحرنده یکسر
تنك طیندن اولدی خلق ارواح — تعالی الله زهی پاکیزه کوهر
سجود ایلر رخ وزلفك قتنده — آیله انجم وخورشید خاور
رموزین بیلین بیت الحرامك — نه بیلسون کیم ندر محراب ومنبر
فلك حسنکده حیراندر ملك مات — نه دریاسن نه معدنسن نه کوهر
سراسر نور مطلق در وجودك — نه ماهیت سن ای ذات مطهر
مکر شمع تجلی در جمالك — که نورندن جهان اولدی منور
نسیمی‌نك سوزی حقدر حقی بیل — که حقدر کیم انك دیلنده سویلر

وله ایضا

یوزك برك کل تر در کل تر — بیوك سروی صنوبردر صنوبر
خرامان قامتك بر چشمهٔ چشم — سمن بردر سمن بردر سمن بر

سنك شمع جمالكدن وجودم	منوردر منوردر منور
بككاه زلف ورخسارك همیشه	معنبردر معنبردر معنبر
بكا پیوسته شول محراب ابرو	برابردر برابردر برابر
زهی دولت كه وصلك كاه كاهی	میسردر میسردر میسر
دماغم بوی زلفكدن دمادم	معطردر معطردر معطر
سنك نقش خیالك جان ایچنده	مصوردر مصوردر مصور
صنایعدن نه صنعتدر نسیمی	مكرردر مكرردر مكرر

وله ایضا

كتوردی نقابی یوزكدن قمر	اوتندی نبات لبندن شكر
تباركت ای حق صفتلو نكار	تعالیت ای حق صورتلو بشر
صاچك شرحنی ایلرم هر كیجه	رخك وصفنی سویلرم هر سحر
اسیر اولمیان حسنكه آدمی	حجردر حجردر حجردر حجر
كل ای تاجر اول یوسفی صاتون ال	كه كاننده قیمت سزاوار كهر
قیلكدن بلك انجه كوردم تمام	ولی انجه دن انجه در بو خبر
بویك انبت الله زهی اعتدال	كوزك عینك الله زهی خوش نظر
سوزك آب حیواندر اغزك رحیق	بو وصفی عظیم ایلرم مختصر
كل ای سدرة المنتهی كیم بویك	مبارك شجردر مبارك شجر
جواعلی واسفلده كوردم سنی	نه غم كر جهان اولسه زیر وزبر
حق بیل حق بول حق طانی كیم	كه حقدن طولیدر یدی بحر وبر
ظهور ایلدی جمله اشیاده حق	قنی بر بصیرتلو آچیق بصر
نسیمی كبی واحد اول یار له	ایكیلك صفتدن ایكیلك بتر
ایكیلكده قالان عزازیل اولور	ملك سیرت انسان اول آنی كیدر

وله ایضا

كیم ایدر كیم یوزك كلناره بكزر	كه یوزك نوره وكل ناره بكزر
یكاغك جنتك خندان كلی در	ولی انك فراقی خاره بكزر
یوزكدر صورت الله ورحمن	كیم ایدر كیم آنی رخساره بكزر
سوزلمش كوزلرك صاغ وسلامت	ولیكن باقیشی بیماره بكزر
صاچك بویی مسیحانك دمیدر	كیم ایدر نافهٔ تاتاره بكزر
نه كوندر یارب ای دلبر جمالك	كه اخشامی انك انواره بكزر
سنكا بكزر جهانده كیمسه یوقدر	مكر حوری كیم اول بر پاره بكزر

صاچڭ اسرارینی زاهدنه بیلسون ❊ که تسبیحی انڭ زناره بکزر
اکرچه قاشلرڭ کدر فتنه باشی ❊ حرامی کوزلرڭ عیاره بکزر
فقیه آدمدن اروکر سجده قیلمز ❊ بو دیوڭ خلقتی اماره بکزر
کل ای صوفی و ترك ایله بو سحری ❊ که موسانڭ عصاسی ماره بکزر
کونش بکزر دیدم شول آیه هیهات ❊ قچان شول ماهی هر سیاره بکزر
محبت محکم ایشدر غافل اولمه ❊ بو کاری صانمه کیم هر کاره بکزر
صفاسز صوفی دائم قیغلو در ❊ بو معنیدن که بو بیچاره بکزر
نسیمی کنت کنزڭ کوهریدر ❊ حدیثی لؤلؤی شهواره بکزر

وله ایضا

قچان که سنبل زلفڭ نقابی آیه دوشر ❊ قرسحابه کیرر آفتابه سایه دوشر
دوشرمش آیه صاچڭ ظلمی و کولکه سنه ❊ دوشرمك انجلین آیه شول همایه دوشر
قاشکده کورکه نه عین الیقینش کبر او ❊ که بی کمان اولور او نکیم کوزی بو آیه دوشر
صباصاچکدن اوتندی که نافهٔ چین در ❊ مکر که سلسله سندن صبا خطایه دوشر
خطادر احسن تقویمی سومڭ آیدر دیو ❊ بو حقه عاصی کورکیم نیجه خطایه دوشر
اکرچه زلفکه دام بلادیمش عاقل ❊ بو دامه کیمکه کلوب دوشمدی بلایه دوشر
جهان معطر اولور هر سحر که باد صبا ❊ کلور بو حلقهٔ زلفڭ عبیره سایه دوشر
کداقتنده وصالڭ سعادتی دوشمز ❊ وکر دوشرسه بنم تك غنی کدایه دوشر
عجب شرابمش ای ساقیٔ ازل عشقڭ ❊ که جوش ایدر آنی ایچن بو هوی وهایه دوشر
نسیمی یاره اولاشدی نه دوشدی منکره کیم ❊ طوتشدی یوره کی یاندی یاوز قضایه دوشر

وله ایضا

نه صنع پاك یزدانسن ای دلبر ❊ مصورسن معنبرسن منور
صاچکدر ظلمت یلدا شبی قدر ❊ یوزڭ نوروز و عید و ماه اکبر
تجلیدن که آچدیکز نقابی ❊ حبیبڭ طلعتی در ماه انور
بو خال رخکدر یا مرغ سودا ❊ که دونمشدر میان ورد احمر
وصالڭ دیلرم شیرین لبکدن ❊ جوابم ویر که قند اولسون مکرر
شو جنت طوبی سیدر قامتڭ کیم ❊ که قویمش صورت رحمانی برسر
شو جوهردر بو کون حیران حسنڭ ❊ که سیران کاهی در چرخ مدور
دکل بو سوزه حدڭ ای نسیمی ❊ کلام اللهی کور بو وصفی سویلر

وله ایضا

عمانه کیرن عشقله دردانه یه اوغرر ❊ سکرانه ویرن جانی جانانه یه اوغرر

یانمقدن اکر قورقارسن شمعه یاپشمه
شول آتشی کور کیم نیجه پروانه یه اوغرر

منصور کبی جوشه کلور سویلر اناالحق
هر عاشق صادق که بو میخانه یه اوغرر

کتمز دون وکون جام شرابی نظرندن
هر کیمسه که شول نرکس مستانه یه اوغرر

تسبیحله سجاده یی برجرعه یه صاتار
شول صوفی ٔ صافی که بو پیمانه یه اوغرر

افسانه صاتر عاشقه افسونله واعظ
عاشق قچان اول قصه وافسانه یه اوغرر

زنجیر صاچك شویله دلوقلدی بنی کیم
عقلن یترر هر که بو دیوانه یه اوغرر

کیردی حرم کعبهٔ تحقیقه نسیمی
خنانه طواف ایلر ومنانه یه اوغرر

ولە ایضا

عشق یولنده هر کیم اولیارینه جان فشان کیدر
اهل یقین بیلور کیم اول جنته بی کمان کیدر

قدو یوزك حکایتن اشیدایدن ای صنم
سرو کلور خیالمه چهره دن ارغوان کیدر

یار خیال دم بدم کوزلرمك سراینه
آب کبی روان کلور یاش کبی دوان کیدر

ای هوس ایلین کیشی عشقه ایشت بو نکته یی
خوبلرك خیالنه ویرمه کوکل که جان کیدر

یارله صحبت ایلمك بردم ایکی جهان دکر
دولت انك که یارله صحبت جاودان کیدر

نرکس شوخ دلبرك فتنه یی آخر ایلدی
سرو قدینه قل نظر کور نیجه سی روان کیدر

کرپك اوقیله یاره لو قیلدی نسیمی کوزلری
انکیچون کوزندن اوش لحظه بلحظه قان کیدر

ولە ایضا

وصالکی دلین جانی وجهانی نیدر
شول آب کوثری ایچن نیدر بو جانی نیدر

محبت اهلنه عشقك یتر نیدر زهدی
شول اصیی بو زیانی بیلن زیانی نیدر

جمالکی کورن ای روضه نك کلستانی
ارم سراینی یاصحن کلستانی نیدر

حقك بقاسنله جان جاودان اوله نك
بو جسم فانی ٔ ایرق نه حاجت آنی نیدر

قاشك هلالنه باقوب کورن یوزك آینی
زواللو کونش وماه آسمانی نیدر

سنی بشرده بیلن کیم نه کیزلو جوهرسن
بو کائناته نه قیلسون یه بحر وکانی نیدر

بویك چناری نی آرزو لین اولو همت
چمنده هرزه بتن سرو بوستانی نیدر

حقیقت اهلنه عین الیقین یقین اولدی
حقیند اوغرین ایرق خطا کمانی نیدر

مکانسز اولدی نسیمی مکانی یو قدر انك
مکانه صغمین اول بی مکان مکانی نیدر

ولە ایضا

قامتکه الف دین کورنه اوزن خیال ایدر
هر که دیلر وصالکی آرزوی محال ایدر

شول الا کوزدن ای کوکل صاقك اوش سکادیرم
او یقوده صانمه آنی کیم اویقوسی یوقدر آل ایدر

زلفنی خاك ره کبی صالدی ایاغی التنه
کور نیجه خلق عالمك عمرینی پایمال ایدر

یوزیکی کوستر ای صنم خلق جهانه پرده سز
تا کوره لر که حق نیجه صنعنی بر کمال ایدر

ملکله مال سلطنت رجو په صایمزای کوکل
هر که دیلر وصالکی یا طلب جمال ایدر

قاشنه یاشول آلنه بکزدرم اوزمی دیو
که دوزآی و بدر اولور که اوزینی هلال ایدر

شرح غمی نسیمك شول کوز وقاش وصاچه صور
کورنجه هر بری سکا شرح و بیان حال ایدر

وله ایضا

تابنده یوزك تابشی بدر دجایه طعن ایدر
فرخنده زلفکك سایه سی ظل همایه طعن ایدر

خورشید تابانه یوزك کر طعن ایدرسه نه عجب
عالمده روشندر بوکیم سلطان کدایه طعن ایدر

باد صبا عیسی کبی کرچه درلدر اولوبی
عنبرفشان زلفك دمی باد صبایه طعن ایدر

آی حسنکه حیران قر یارب نه جاندرکیم یوزك
بدر اولمش آیه دق دوتر شمس الضحایه طعن ایدر

عشقکده ای آرام جان کرچه بو جانم صبرودر
بر نجمش عشقك کیم اول یوزك نقایه طعن ایدر

معشوقنك جور ایتدیکی یکدر وفادن عاشقه
بیلمز وفانك قیمتن هرکیم جفایه طعن ایدر

بکزتمزانك یوزینی آیه نسیمی صورندن
شو لمعیندن هرکیم یوزك کورمسدر آیه طعن ایدر

وله ایضا

سنبلك ابرنده یوزك ماهنی پنهان ایدر
کافری اسلامه چکمش غارت ایمان ایدر

ای کوزم نوری کوزمدن کیتمه ایراغ اولمه کیم
جانمی یاقدی فراقك کوزمی کریان ایدر

عنبرافسان زلفکی طاغتمه نسرین اوزره کیم
عاشقك کوکلن پریشان حالی سرکردان ایدر

کرچه لعلك جان ویرر عاشقلره عیسی کبی
کوزلرك سودامیندن اسرمشدر قان ایدر

کرچه کونشدندر تابنده ماهك یوزینی
ای قمر خورشید وماهی طلعتك تابان ایدر

کل بنی قورتار فراقکدن که کافر جاننه
طامو ایتمز شول عذابی کیم بکا هجران ایدر

جانله ایکی جهانك ویرنکارك وصلن آل
کیم بو بیعی قلمدی سرمایه سی خسران ایدر

لعل ومرجانك کوزمدن آقیدر دردانه لر
کور بو انعامی بکا کیم لعلله مرجان ایدر

کل یکاغك حسرتندن اغلسم عیب ایتمه کیم
بلبلی شوقنده کریان شول کل خندان ایدر

صورمه عشقك دردینی درمان طبیب عامه کیم
یاره صوزانی که عاشق دردینه درمان ایدر

زلف وخالکدن نسیمی ابجدی قیلدی تمام
سعدی یوزکدن یینن صورت رحمان ایدر

وله ایضا

دور قمر ملاحتی حسنکه اختتام ایدر
یوزیکه واهب الصور خود دخی مستدام ایدر

لعل لبك وصالنی جانله استدی کوکل
فکر محاله کورنجه دوشدی خیل خام ایدر

عاشق صادقك قنی چون لبکه حلال ایمش
عاشقه وصلنی ندن لعل لبك حرام ایدر

کیمسه جهانده کورمدی صبحله شام مجتمع
کورنجه زلف وعارضکو صلت صبح وشام ایدر

مهرله ماه ومشتری حسنکه بنده در ولی
سروله سدره اوزینی قامتکه غلام ایدر

فتنه کوزك خمارینی ظاهرا کرقیلار ایسن
اغزینه کیم آنورمی کیم دخی فکر جام ایدر

شرح

شرح دهان یارمك هر كه صورار نسیمیه ‖ برسوزله حكایتن مختصر وتمام ایدر

ولە ایضا

* باوسین میم ایچون بشارتدر * الف ولام وها اشارتدر *
* الرحیم اوقی اكله الرحمن * یدش وكم یوق وكنج رحمتدر *
* بلكه معناسی منزل اولدی كتاب * بو بانك نقطه سنده صورتدر *
* اول ام الكتاب فاتحه در * كه معین بیلندی خلقتدر *
* خلقتنك قیل وقاله واقف اول * قیل وقالك چوحال وآلتدر *
* خانده واریسه معنی وصورت * معنیٔ بیلدیلر كه كسوتدر *
* صورته دخی جان معنادر * ذاتنه صور آنی نه شربتدر *
* نه مركب دوزركور اول استاد * هر كیم ایچر دواوجه حكمتدر *
* اصل خود ذاتمش هر اشیانك * ایكی لك نستر آنده وحدتدر *
* اول ایكی بو پرده اولدی دیری * بین ذلك باشنده غفلتدر *
* یدی آیتله یدی خط تمام * یدی اعضا كه یدی امتدر *
* یدی قات یریدی دخی كوكدر * اكله بو یدیٔ كلفتدر *
* نه دور ریدی بیلدكك واری * وضع نه دزیا بونه هیئتدر *
* كبشی شكلی مصور ایتمك لیك * ایكی عالم ایچنده شهرتدر *
* دیر موحدلر ومحققلر * بیلمك واسلمك رسالتدر *
* عالم اولان قوی درر انسان * دیوعفریت وجن جهالتدر *
* دیوحیوان ناطقك حقنه * قول قرآنله هم آیتدر *
* اصطلاح استماع انسانه * ظفر وفتح دخی نصرتدر *
* طامونك اودینی شعاعندن * ازتنی شمع بكی طاقتدر *
* شربتك تشنه سی اوچنجی سی * یعنی سودا كه اول فصاحتدر *
* آدمی یاندرن حرارتدن * دخی دردنجی سی حرارتدر *
* چون سلیمان خاتمی بولدی * بس اكاجن وانس رغبتدر *
* نردبان بولدی عیسیٔ مریم * كنبد زرنكار قامتدر *
* كلدی صكره محمدك نوری * كوره آخرشو كیمسه كامتدر *
* مصطفانك روحنه اكیجكز * ویرصلوات شرط وعادتدر *
* كرم الله وجهه كه علی * نه كه دیدی جهانده خدمتدر *
* هم تكبرلك آدم اوغلنده * كه عظیم اول بلا وآفتدر *
* بركونشدر نسیمی كیم انك * نیجه لر ذره سینه حسرتدر *

ولە ایضا

كلكون رخك كل سمنى شرمسار ايدر
يوزك خيالى كوزلرمى لاله زار ايدر

ماه اوزره زلفكى كيجه طاغتمه كيم بنى
آشفته روزكار پريشان وزار ايدر

اغيار الندن آه ايدرم هر نفس ونى
جورى هميشه عاشق مسكينه بار ايدر

زلفك نه دام وغمزه نه اوخدر كه كوزلرك
عاشقلرى هميشه انكله شكار ايدر

زلفكده كيمكه كورمدى حسنك قيامتن
بيلمز صاچين حسابنى ايرق شمار ايدر

معنيده كرچه جان لب لعلك مين ايچر
حسنك شرابى در كه بنى بيقرار ايدر

كل كل كه شمعه نار فراقك حرارتى
كار ايلمز بو رسمه كه جانمده كار ايدر

اى چين نكار ونقشنه حيران ومست اولان
كل شول نكارى كور كه نه نقش ونكار ايدر

اى عاشقك حياتى وعمرى صاچى انك
جانسز دراول كه آدينى مشك تتار ايدر

اى دينه نك ميدن اولا شن خمارنه
عشقك شرابن استه كه دفع خمار ايدر

وصفكده هر زمان كه نسيمى آچار آغز
جوهر لبندن آقار وكوهر نثار ايدر

ولە ايضا

يوزيكه اهل نظر صورت الرحمن ديدلر
اوقينلر بو كلام الله قرآن ديديلر

سبعه خوان حافظه صوردم كه قاشكله يوزك
حقله باطلى فرق ايديجى فرقان ديديلر

يوزيكه عارضكه خازن جنات نعيم
خلد وفردوس برين روضۀ رضوان ديديلر

لبلرك چشمه سنه خضر وسكندر دارا
زمزم وكوثرله چشمۀ حيوان ديديلر

لب لعلك شكرندن بال اوتاندى اريدى
سنى شيرين زمان خسرو خوبان ديديلر

درد رج لب ودندانكه صراف جهان
لعل وياقوت كهربار درافشان ديديلر

صبغة الله ومن احسن حقدن يوزيكه
عابدون كوزلريكه صبغۀ سبحان ديديلر

منتهاسدره بيوك قامتى شمشادسهى
كه بيوك سدره سنه سرو خرامان ديديلر

اندى كوكدن يوزيكه لوح زمردخطلن
هر كه بيلدى بيلنه موسئ عمران ديديلر

يوزك اوستنده صاچك جمع پريشان كبى در
عاشقك كوكلنه مجموع پريشان ديديلر

عاشق اول عشقله بيل منطق عشقك دلنى
مؤمنه نوح ونجات كافره طوفان ديديلر

اكرم الضيف امانت ديدى پيغمبر حق
عزت ايتكل بو كون اول نطقه كه مهمان ديديلر

من عرفنا طانيان نفسنى اول كيمسنه در
بيلدى ربنى انك آدينى انسان ديديلر

سجده قيل مسجديبول ساجد ومسجودكى بيل
كيمكه طپراغه سجود ايتمدى شيطان ديديلر

محكم آيات ودلايل ورخ وجه الحسنه
كه نسيمى سوزينه حجت وبرهان ديديلر

ولە ايضا

لبكه اهل نظر چشمۀ حيوان ديديلر
كرچه چاغ حورى جمله اكا جان ديديلر

سنى بو حسن وجماليله بو لطفيله كورن
قورقديلر حق ديمكه دونديلر انسان ديديلر

سنبلك حالی پریشان دیدلر حال اهلی
الله الله نیچون مشکه پریشان دیدیلر

برقیلك قیمتنی هر کیمه صوردمسه دیدی
کنج قارون ایله بیك ملك سلیمان دیدیلر

دشمنك آدینی عاشقلره صوردم که ندر
ایشیدن جمله نه کافرنه مسلمان دیدیلر

شك دکل کیم یوزیکی کورمش انلرکه سنی
حوریه بکزدبن یوسف کنعان دیدیلر

لبلرك وصلنه ایرمك بکا مشکل کورینور
کرچه صوردیلر آنی دل ایله آسان دیدیلر

اغزك اسرارینه اندیشه قچان واقف اوله
که عقول اهلی اکا نقطهٔ پنهان دیدیلر

ای نسیمی دم عیسی دکلیسه نفسك
نفسی طوغریلر اکا نه ایچون جان دیدیلر

وله ایضا

دیشلرك نظمنه دردانه وکوهر دیدیلر
کوریجك یوزیکی خلق آیت اکبر دیدیلر

یازجق صورتکی مخترع نقش وجود
یروکولك خلقی اکا روح مصور دیدیلر

کرپککدن دیلرم کوکلمی قاشکله کوزك
قویمدی بزده آنی زلف معنبر دیدیلر

صوردم ارواحه یوزك وصفنی حرفا حرفا
کیمسه نك شبرحنه کلمز بو کل تر دیدیلر

لبکی جانلره صوردم که ندندر اصلی
روح قدسی دمله نور مطهر دیدیلر

کرچه سرفتنه صاچکدر قرلك دورنده
قرلك فتنه سی اول خال مدور دیدیلر

کردیسم زلفکه مرسل نه عجب یا هادی
معجزات اهلنه هادی وپیغبر دیدیلر

کرچه ظلماته صاچك دالدرای فتنه دلیل
عاشقه شمع رخك نورینه رهبر دیدیلر

روشن اولدی یروکولك مهر رخك نورندن
بو جهتدن یوزیکی مهر منور دیدیلر

کله ال صونمسون اولکیم ذکندن اوشنر
کیم بو حمرا کلنك خارینه خنجر دیدیلر

دیدیلر قندو شکر لعلمکه یارب نیچون
کوثرك شربتنه قندله شکر دیدیلر

جنتك خمری لبك راحی در اول معنیدن
سلسبیل اولدی لبك آدینی کوثر دیدیلر

ای نسیمی نه درایرق دیله کلك حقدن چون
نه که حقدن دیله دك اولدی میسر دیدیلر

سکا کونشکبی ای فتنه صاچك سجود ایلیننك
طالعی اختر مسعود و مظفر دیدیلر

وله ایضا

* لبلرك قندینه شکر دیدیلر *
* جان شیرینه کورنه لر دیدیلر *

* دیدیلر کیم دهانی یوقدرانك *
* بی خبرلر عجب خبر دیدیلر *

* جان دیشلردوداغکه هی هی *
* بو سوزی کورنه مختصر دیدیلر *

* شامه بکزر دیدیلر قاره صاچك *
* عارضك نورینه سحر دیدیلر *

* اهل معنی نجته صورتکه *
* معنیٔ واهب الصور دیدیلر *

* عنبرافشان صاچکله عارضکه *
* یاسمین اوزره مشك تر دیدیلر *

* شب یلدا دوزر صاچك کیجه سی *
* صورتك بدرینه قمر دیدیلر *

کرپکك اوقنه قاشك یاینه ❊ عاشقك سینه سی سپر دیدیلر
باق انك یوزینه الهکه باق ❊ اهل دللر بودر نظر دیدیلر
حقدن ایراغمش آنلر کیم ❊ سنی ای نور حق بشر دیدیلر
ای نسیمی شهید اعظم سن ❊ کرچه الفاظکه کفر دیدیلر

وله ایضا

قبله در یوزك نکارا قاشلرك محرابلر ❊ صورتك مصحف ولی مشکین خطك اعرابلر
چهره ڭك عکسی ازلدن ذره چیقدی پرده دن ❊ دوندی انك شعله سندن آی و کونه تابلر
عاشقك احوالنی عاشقلره صور کیم بیلور ❊ صورمه الا عشق اودینه یانمیان بی خوابلر
عشق اودی اغرندی سمعك جانه کور کیم نیجه ❊ هم یناره کوزلرندن آقیدر سیلابلر
شرح اکر قیلسم جمالك دفترندن بر ورق ❊ هر سوزی بیك فصل اولور هر فصلی نیجه بابلر
عاشقك جکر قاندن شربتی وارای حکیم ❊ قاتمه انك شربتنه قندله عنابلر
چون نسیمی جاودانی یار ایله بیلدی وصال ❊ قوی نیجه دورسه دورسون بو یشیل دولابلر

وله ایضا

یانرم عشقکدن آقار کوزلرمدن یاشلر ❊ حسرتك دردی چیقاردی یورکده باشلر
مدعی طعن ایدر باشمه قاقر عشقکی ❊ سینغا واجب دکلدر نیجه آتمق طاشلر
غمدن انجلدی بنم کوکلم اولدی یکی آی یکی ❊ کوزلریمه طوش اولدی شول هلالی قاشلر
خسته اولدی کوکل عشقکدن ای جان پاره سی ❊ ایحرم غم مطبخندن درلو درلو آشلر
زلفکه طولاشدی کوکلم بیلدی آشفته کیم ❊ زلفك اوجندن نه چوق چوق بلایه واردی باشلر
سویله یناره جکرمده ای صنم عشقك اودی ❊ کیم توتشمش شعله سندن هم قرو هم یاشلر
طاقتم طاق اولدی غمدن کچدی عمرم آه ایله ❊ دردمه درمان ندر سز بیلیم یولداشلر
اولمشم دردفراقکله ضعیف شول حده کیم ❊ کیم کتوره زار خسته نقشمی نقاشلر
اولدی عشقکدن نسیمی ایشته دنیادن کیدر ❊ سن مراد ایله جهانده قال و یاشه یاشلر

وله ایضا

دلداره مشتاق اولدی جان انك جمالن ارزولر ❊ هجرانه دکلمز کوکل یارك وصالن ارزولر
یاندردی شوقك جانمی کورتا بشندن کیم نیجه ❊ جانم صوصامشدر لبك آب زلالن ارزولر
رخك هلال و بدرنه کوکلم دلامز باقمغه ❊ نیچون که یوزك بدرله قاشك هلالن ارزولر
عاشقلرك آزرنه کور کیم نیجه بل باغلمش ❊ شول بی وفا عاشقلرك نیچون وبالن ارزولر
چین نافه سندن بردنجان عنبردن اوصاندی کوکل ❊ هر بریسی شول دلبرك زلفیله خالن ارزولر
یاربنه حوری چهره در شول ماه تابان یوزلو کیم ❊ کوردکجه تنك یوزنی کونش زوالن ارزولر
نه بلك حدیث و شکرنه خوش کلزار اولمشاقه کیم ❊ شول روح قدسك منطقی شیرین مقالن ارزولر

عشقکده قربان اولدیغین استر نسیمی صورندن	شول معیدن کیم دنیاده هر شی کمالن ارزولر

وله ایضا

عید اکبردر جمالک عیده جان قربان اولور	آب حیواندر طوداغک هر کیم ایچر جان اولور
گرچه عشقک مسکن ویرانه سیدر کوکلمک	گنج بی پایانه لایق قنده هر ویران اولور
ای قاشک محراب ویوزک قبله ایمان اهلنه	عاشقک بیت الحرامی صورت رحمان اولور
صورتک اسرارینی زاهد نه بیلسون یافقیه	قل کفی بالله محرم قنده هر حیوان اولور
ای قشکله کربکک مشکین صاچک ام الکتاب	اهل توحیدک امام و مرشدی قرآن اولور
جانمسین یا آدم اوغلی ای کونش رخساره کیم	صورتک نقشنده انسان واله و حیران اولور
صانعک احسانیدر حسنک تعالی شانه	قدرتی کامل اولانک عادتی احسان اولور
یارب اول پاکیزه جوهر کیم بشردر صورتی	قنغی عالمدن کلور آدی ندن انسان اولور
سنبلک چیننده کوکلم ایلسه مسکن نوله	اهل توحیدک مقامی روضهٔ رضوان اولور
صورتک هرشیده چونکیم واضح اولمش ای کونش	کیم دیدی حوری کورنمز یاپری پنهان اولور
کل نه چیچکدر کیم آنی بکزدم رخساریکه	قنغی کلزارک رخک تک برکل خندان اولور
ای که مشکل دردیه سن واصل اولمق یارله	قوی سنی سندن کسیل کیم مشکلک آسان اولور
نفسنی هر کیمسه کیم بیلدی وحق طاندی	عارف رب اولدی آدی عبد یکن سلطان اولور
دوشدی سودایه کوکل آشفته زلفک دامنه	دوشمین شول عنبرین زنجیره سرکردان اولور
کل شئ هالک لاریب الا وجهه	کوربو وجهی کیم نه وجهک وجهنه برهان
صورت رحمانه انکار ایلدی دیو رجیم	احسن تقویمه انکار ایلین شیطان اولور
ای نسیمی آب کوثردر مکر نطقکده کیم	هر کیم ایچر اول شرابی مست جاویدان اولور

وله ایضا

بحر فناده فانی اول کورکه نه خوش حیات اولور	آب حیا تمش فنا کرچه آدی ممات اولور
کعبهٔ عشقه صدق ایله یولداش اول ای چه ورن	صوصامش اول که یولداشک زمزمله فرات اولور
جان وجهان ودین ودل اوخیال بوعرصه ده	شاه جهان اولورسه کر اول رخی شاهمات اولور
چیقدیغی وفات نوردن غرق ایدیسر جهان کل	کسنیه کیر که جانکه شول سبب نجات اولور
غیره مقید اولمه کیم هر نه که غیردر انک	کرهمه کن فکان ایسه عارف ذات لات اولور
عارله نام ننککی وار اوده صال ویاق آنی	طالب ذات اولان نجان ملتفت صفات اولور
قیلدی فنا وجودمی عشقه کیم ایلدی بنی	بلورسز اولدی هر کیم اوغرقهٔ بحر ذات اولور
شولکونشک شعاعنه ذره جه کیمکه بولدی یول	هر کونی عید وهر کیجه قدر وشب برات اولور
فکر ایدرم که یازه یم ذره جه عشق سرینی	بحر مداد آغاج قلم طاس فلک دوات اولور
عشقه فنای مطلق اول کچ بورواق وطاقدن	کوهر لامکان نیجه بستهٔ شش جهات اولور

هر حسنات کیم سنی طوغری التمدی حقه | قلمه انك آدن حسن کر همه سیات اولور
مسجد و خانقاهه سن صوفی تك اولمه غره کیم | عاشقه جمله یر و کوك معبد صومنات اولور
ذوق ایله حضور ایله حقه پرستش ایله کیم | قلبی حضورسز اولان طاعتی لاصلات اولور
جان و جهانه اورقفا عاشق ایشك کورای کوکل | عاشقه فرض و مستحب ترك تعلقات اولور
دولته بو دنیانك اولمه مقید ای کوکل | انکیچون کدنیانك دولتی بی ثبات اولور
وحدت صرفه تا ابد اولدی نسیمی بلاوسز | کرچه بورسمه محو اولان زبدهٔ کاینات اولور

وله ایضا

سروك قتنده سدره و طوبی روان اولور | لعلك شراب کوثری ایچن روان اولور
عیسی لبك وصالنه ایردی و بیلدی جان | هر کیمکه بیلدی لم یزلی جاودان اولور
ای حور عینه بکزدن اول عیسوی دمی | حوری نجان بو لطفله شیرین زبان اولور
عشقك حدیثنی نه قدر جانده کزلدم | سر صاقلمز کوکل بو سببدن عیان اولور
حسنك رموزینی نه ملك بیلدی نه بشر | هردکه جانورده نجان بو بیان اولور
نطقك اوتاندررملکی شول زمانده کیم | لعلك حدیثه باشلر و کوهرفشان اولور
مشکین صاچکله جانله سودایه دوشمین | سرمایه‌سی خسارت و سودی زیان اولور
یاشن نقاب ایچنده که حسنکدن ای پری | قوپدی فغان و فتنهٔ آخر زمان اولور
یوزکده کرچه آیتی اولدی اوتوز ایکی | هر بریسی موحده یوز بیك نشان اولور
هر کیمکه حقی احسن صورتده کورمدی | حق تا ابد انك نظرندن نهان اولور
وصلکده زنده اولدی نسیمی الی الابد | آب حیاته واصل اولان جاودان اولور

وله ایضا

کوکلی اعمی اولانك نور تجلی نه بیلور | بو سوزك شرحنی بینایه صوراعمی نه بیلور
مؤمنك کوزکوسی چون مؤمنش کوزیکی اچ | کورمین کوز کوده شول صورت معنی نه بیلور
داره چقمق بو فنادارینه منصوره دوشر | بیلمین سر انا الحق بو دعوی نه بیلور
لیلی نك بیلدکنی کربله مجنون بیله بس | عاقلك عقلی نجان بیلدی که لیلا نه بیلور
بکزدرلر طوداغك خطنی ریحانه ولی | شول زمرد کهرك قدرینی افعی نه بیلور
آخرت حالنی حال اهل بیلور حالکی بیل | بو سفرده اولانك یولداشی دنیا نه بیلور
جنت ایچنده اولان حور و لقانك ذوقی | جنتك اهلنه صور جنت اعلی نه بیلور
ای ورن کوکلنی چین نقشنه شول صورته باق | قدرتك صنعی یازن یازوبی مانی نه بیلور
ای نسیمی نفسك کرچه مسیحا دمیدر | معجزك رمزیله موسی ایله عیسی نه بیلور

وله ایضا

صورتك خط الهی درو نادان نه بیلور | دیو ملعون صفت معنئ قرآن نه بیلور

هر کە دعوی قیلە کیم صورت ومعنی بیلورم
کوزممش یوزیکی اول صورت نادان نە بیلور

تورات وانجیل وفرقان قوحسنك صفتی
بو سوزك شرحی ندر آیتی شیطان نە بیلور

انس وجنك دلنی کرچە سلیمان بیلدی
سن بیلین دلی بوکون یعنی سلیمان نە بیلور

کعبۀ معنیە هر کیم چو نسیمی ایرمز
محنت بی عدد وخار مغیلان نە بیلور

ولە ایضا

سر الهی بیلن شول خط وخالی بیلور
حالە خبیر اولیان قندە بو حالی بیلور

قاشی وکوزی معجزی وحی مبین در انك
اول بیلور اول سری کیم عین ودالی بیلور

کرچە علی شانە یازرم اول شاه بن
حسنکە ختم ایتدیکیم جل جلالی بیلور

نقل وروایاتلە زاهد اوزادر سوزی
بونجە نەسویلر اکر طوغری مقالی بیلور

حافظ اکرچە اوقور یوم نیادی ولی
سن بوندایی اکا صوز کە بلالی بیلور

احسن صورت کیمك وصفیدر ای مدعی
کیمکە جوابن ویرە اول بو سؤالی بیلور

شول صنمك صورتك کورمدی کیمکە عیان
قندە بو وجە حسن یا بو جمالی بیلور

شانکە نون والقلم منزل اولوبدر قاشك
کیمکە بو حرفی اوقور بدر وهلالی بیلور

مهر رخك وصفنی هجرە یتان جانە صور
فرقتنی چکمین قندە وصالی بیلور

کرچە نسیمی سوزك دادینی ویردی ولی
کیم بو سوزی فهم ایدر کیم بو خیالی بیلور

ولە ایضا

کل تردن کلیجك عارضکە ما دو کیلور
باغە کیر کور کە نیجە لالۀ حمرا دو کیلور

عنبرین سنبلکە باد سحرکاه ایسیجك
قویمە دیمر نمکە کیم عنبر سارا دو کیلور

قره صاچك اوجنی اباغکە صالمە کتور
حیف اولا نافۀ تاتارە کە هرجا دو کیلور

لبلرکدن دوشەلی مصرە خبر عطارك
قوتی سندن دونو کون قندلە حلوا دو کیلور

عالمك باشینە تابندە یوزك شمعندن
خالقك رحمتیدر نور تجلی دو کیلور

نیجە نومید اولەیم چون کوزمك ابرندن
قطرە قطرە یوزمە هر یکادر یا دو کیلور

صدفك کرچە دهانی طولودر انجودن
آچیجق لبلریکی لؤلوی لالا دو کیلور

حسنکك وصفنی یازمقلغە وصف ایلمشم
قلمك دلی اوجندن قو سودا دو کیلور

تاجدا دوشدی نسیمی لب لعلندن انك
کوزلرندن دونو کون لعل مصفا دو کیلور

ولە ایضا

یارمی آیردی بندن چرخ غدار اشتە کور
یورە کیم باش اولدی غمدن کل ایچیم یار اشتە کور

یاقدی یاندردی بنی یارك فراقی نیلیم
طاقتم صبرم دوکندی یانرم زار اشتە کور

جانمی آنست نارا شوقنە یاندرمە کیم
اولمشم موسی کبی مشتاق دیدار اشتە کور

دردمك درمانی سنسن چارە کیمدن استیم
چارە سی سندندر انك چار وناچار اشتە کور

عاشقك ایمانی یوزکدر صاچك حبل المتین — بن بودینی طوتمشم بلمده زنار اشته کور
عارضی وردجناندر بلبل روح القدس — ای بو وردك عاشقی اچلدی کلزار اشته کور
کر انا الحق سویلمکدن داره آصلسم نه غم — بونجه منصورك آصلمش باشی بردار اشته کور
طوغره‌دی غمدن فراقك بغرمی شول پاره‌دن — یوزه کیم قانی کوزمدن آقار ای یار اشته کور
ای کلی خندانم آخر پرده‌دن چیق غنچه‌تك — کیم بنی عشقکده مجروح ایلدی خار اشته کور
تا نسیمی نك وجودن نورینه یاندردی یار — ناره دوشمشدر حسددن نیجه اغیار اشته کور

وله ایضا

هر نیجه کیم باقدیکیسه آنده سن اللهی کور — قنجرو کیم عزم قیلسك ثم وجه اللهی کور
بو ایکیلیك پرده سنده کج حجابی رفع قیل — کل بو برلك وحدتندن باق بو سر اللهی کور
کچ انانیت سوزندن کوکلکی ویرانه قیل — نیجه سین تیز جك بیلورسین کنت کنز اللهی کور
حج اکبر قلمق استرسن کل ای زاهد برو — عاشقك قلبی ایچنده سن بو بیت اللهی کور
جان کوزیله باقدك ایسه کائناتك عیننه — اندن اوزکه نسنه وارمی حسبة للهی کور
منکر رؤیت دکلسك صورت حق کورمکه — باقدوغنجه هر نظرده عین ذات اللهی کور
لوح اخلاص ایلدکسه کوکلکی ای متقی — کرسیء رحمانه آغدك کندو عرش اللهی کور
اولمدین نفس اولدررسن جسمکه بواور نجات — نفخهء روح القدسدن محض روح اللهی کور
علم حکمتدن بیلورسن کل بروکل ای حکیم — سن نسیمی منطقندن دکله فضل اللهی کور

وله ایضا

ای دریغا کیم جهانده یارهمدم کیم دورر — خوبلرك فکرندن اوزکه کیم بکا همدم دورر
ای کونش یوزلو حبیبم شاد قلغل سن بنی — کیم فراقکدن بو جان و دل غریق غم دورر
کر ایناغمز سن غمك یقدی بو کوکلم شهرینی — بس بوفریادم نه‌ندر دیده غمدن نم دورر
وعدهء قوای کوکل کل بودمی خوش کوره‌لم — دونکی کجدی کله غائب بس بودم خوش دمدرر
کردیسم واردر جهانده سنسن ای کوکلم آلان — دل سنکدر جان سنکدر بن بنم بس نم دورر
زاهدك محراب ایچنده ذکر وطاعتدر ایسی — عاشقك معشوق اوکنده چنك زیر و بم دورر
بر نظر قلغل نسیمی حالنه کور کیم نیجه — سوزلری فریاد و نالش کوزلری زمزم دورر

وله ایضا

غیب مطلق سرینی کرچه که پنهان کوسترر — آشکاره یوزنی بر وجه انسان کوسترر
کردلرسك کیم کوره سن حق یوزین عین الیقین — نسو تاویل و برهان کوسترر
هذه جنات عدن فادخلوها خالدین — سورهء سبع المثانی حور و غلمان کوسترر
غم دکل بردار اولورمنصور انا الحق چون دیدی — امرینی بیلدی نولی درده درمان کوسترر
درلو درلو طون ایچنده کوردم انی دمبدم — سبوه برله کل یوم هو فی شان کوسترر

اول آخر ظاهر و باطن حقیقت حالـنی — صورت ومعنی بکا درجسم ودرجان کوسترر
کیجه کوندز ظلمت ونور وجلالیله جمال — قهر ولطفی عاشقه کفریله ایمان کوسترر
وصله واصل سن غنیمت کور نسیمی بو دمی — کردش چرخ فلك ناکاه هجران کوسترر

ولە ایضا

تابنده یوزك طلعتی خورشید تابان کوسترر — شول سدرهٔ اعلایی کور سرو خرامان کوسترر
یوزك رموزی شرح ایدر انا فتحنا ای نکار — کیم وحی مطلق سربنی عالمده پنهان کوسترر
جام علی العرش استوا رحمن حقدن بیلدم اوش — اول معنیدن کیم دائما معجز و برهان کوسترر
یاقدی فراقك اوش بنی سر تا قدم موسی کبی — فرقتده یانن عاشقه کور کیم نه هجران کوسترر
لؤلوی نابك وصفنی اقار غمکدن کوزلرم — کورکیم نیجه هر قطره سی دریای عمان کوسترر
رخسارك اوزره زلفکی طاغتمه نسرین اوزره کیم — زلف سیاهك کور نیجه کفریله ایمان کوسترر
کرچه طوداغك وصفنی صوردم بن آنی عارفه — لعلك شرابی خضره کورنه آب حیوان کوسترر
اولدی خیالکدن ضعیف جان وتنی نسیمنك — درمان سندندر بنه کیمدر که درمان کوسترر

ولە ایضا

کرچك اریسك اوش بودم تا بیله سن نظرندر — برنظر ایله طوپطولو کور که جهان بشرندر
کنج نهانی اشکار قیلدی بودمده لم یزل — کلدی کلان فنا ایچون کیروا کاسـفرندر
کنج ازل بیلمکه هیژده هزار عالمـه — کلدی بزندی جمله سی کور که بونی کورندر
لوح قلم جا لتمدین علم لدنده واردق — علمـنی ظاهر ایتمکه زبرله بوز برندر
من عرف بو نفسیچون کلدی خطاب صورته — سرله سیر ایتمکه اورته ده بو خبرندر
جانه دلن ویرن کشی عرش اوزره شکار ایدر — آنده شکار ایدن قوشه قوت بال و پرندر
غیرته کلسه آدمی علمی حاصل ایلسه — جهله مرکب اولمسه بیلسه بودم هنرندر
کندویی بیلیان بودم قورقوندرنه بیلسون اول — کنـدوسنی بیلنلره صورندر خطرندر
علم لدن طلب قیلان تشنه خضر صفت کرك — جام ازلده اسرین آب حیـات امرندر
وقتی سعادت استین تاج وکر طلب قیلور — فرصته برنظر دیله تا بیله سن نظرندر
خالص ومخلص اولمغه ترك ارادت ایله کل — ترك ارادت ایلین بیلدی که شیرنرندر
وصلت چینه چین اواوب رازی شکار ایدن بزه — کل کرم ایله ظاهر ایت دلده کی بو خبرندر
شمعهٔ کور نیجه ینار سر بنـه ایرمز آدمی — برا کاصور و کور نیجه دائمـا ترك سرندر
عشق حقیقت اکلین جانه وباشه قالمدی — غمزه لرینه دلبرك جان وکوکل سپرندر
شعلهٔ حق طوغرمغه جبه قبا کرك ولی — ظلمت ایچنـده کورنن شمسله بو قمرندر
معرفتك کانی در رطوطیه شکر استین — کوربو نسیمی سوزلری بلبل تازه ترندر
اشبو بنم سؤالمی حل ایده کور جوابمی — کرچك اریسك اشبودم تا بیله سن نظرندر

وله ايضا

جمالك يارب اى دلبرنه تابان ماه انوردر … كيم انك آفتابندن ايكى عالم منوردر
بازك حرفندن اى مصحف بيان كنت كنزا ايلر … تعالى الله زهى دفتر بودفتر قنغى دفتردر
دخى خطيله خالندن چرى چكمشدر اى دلبر … زهى شهزادهٔ اعظم كه خوش اغورلو لشكردر
نه رعنا سدره در يارب بيوك عالمده اى حورى … كيم انك قدو بالاسى يدى اقليمه سروردر
يدى خطو كتابكدن سكز جنت عيان اولدى … بو وجهيلن يقين اولديكه اول ذات مطهردر
خيالمدن دكل خالى خيالك خيلى برساعت … همبشه صورتك نقشى برابرده مصوردر
لبك جامندن اوجانكيم حضرتك ايردى مقصوده … چيقه كلدى ضلالتدن بو كون آدى سكندردر
بيك تك بسلدم دائم كوزمده خال هندوكى … بيك شويله عزيز اولمز كيم اول خال مدوردر
نسيمى فضل اللهك يوزك نورنده چون كوردى … طواف كعبه ختم اولدى صفا وحج اكبردر

وله ايضا

صاچنك شبنده يوزى ايكى هفته لك قمردر … بو سوزى بيلن بيلور كيم بو نظر نيجه نظردر
قره زلفنى رخ اوزره كوره لى كوزم نكارك … دون ايله كونم همبشه قوشامله سحردر
لبنك كه جان شرابى اوطنور حلاوتندن … شكره قيلن تشبيه كوزى باغلو بى بصردر
ايكى عالمك وجودى اياغك توزينه دكمز … بو صدفده كيم بيلور كيم بونه قيمتى كهردر
بو جمال وحسن كوركيم اورر آيه طعن يارب … بونه حق صورتلو آدم بونه معنيلو بشردر
كوزلك يوزينه باقق ديله مز فقيه وصوفى … كوزى كورمزك نصيبى بو كونشدن اولقدردز
كل اكرچه خوب وتازه كورينور نظرده لكن … كل انك يكاغى كوركيم ابدى لطيف وتردر
طوداغى كوزيدر انك ابدى شراب ونقـ[illegible] … بونه بادهٔ سقاهم بونه قندو كل شكردر
يكاغى لبى غمندن نيجه صبر واولميم بن … دكرن بكا شفايى بو كايله اول شكردر
ارمك كبى قورتدى قاتى تنده حسنك … بو سمن عذارى كوركيم نيجه سى لطيف وتردر
كونشندن اول جمالك جكرم توتشدى يانر … نه بيلور بو حالى اول كيم قاره كونلو بى جكردر
خبرى بيلن خبيرك خبرى اوزندن اولمز … نه درم سكا ايشت كيم بو خبر عجب خبردر
انا ربكم اودينه نيجه يانمسون نسيمى … بو انا الحقك چراغى ابدى چو يانسردر

وله ايضا

كوزمدن دمبدم اقان كمكدن صو دكل قاندر … لبك قندندن ايجان كل صوصامش جانمى قانذر
وجودم شهرينى قيلدى مسخر لم يزل عشقك … بو شهرستانه عشق اولسونلك دائم كه خاقاندر
قاشكله كرپيكك وحى بكا كلدى و بيلدردى … كه سنسن عرشله كورسى يوزك يازوسى قرآندر
كل اى حور [illegible] … [illegible] كيم [illegible] مطلوقندر
انا الله [illegible] نسيمى [illegible] … لب لعلكدن آفاقى حيـاتك آبنه قاندر

رخك شمعی فراقندن كوكل پروانه نك يانر — بدل قبل وصله هجرانی حسودك يوركن ياندر
سكا حوری اكر بركون قبلورسه حسنی عرضه — رخك نورين عيان ايله يوزكدن انی اوتاندر
جمالك وصلنه جانم صوصادی يوره كيم يادی — كوكل هجر كدن اوصاندی بنی هجر كدن اوصاندر
خيالك كرچه شاد ايلربنی هركاه كاه اما — فراقك غصه سی چوقدر غمك بی حدو پاياندر
آقان ياشم فراقكدن بنی غرق ايلدی صويه — كوزمدن ياشمی كوركيم نه سيل آقارنه طوفاندر
نسيمدن جدا يارين قيلان حقدن جدا اولسون — كه ياردن جدا يارى قيلان بی دين وايماندر

وله ايضا

سنسز يديكم هرنه ييسم درد له قاندر — كل كل طوداغك شربتنه جانمی قاندر
وصلكدن ايراغ ايليه لی جانمی تقدير — ايشم دون وكون آه له فرياد وفغاندر
ای سرو روان باشمه لطف ايله قدم بص — كوركيم نيجه عشقدن ايكی چشمه رواندر
وصلك ديلرم جان وجهان اولمسه غم يوق — عاشقلريكه وصل رخك جان وجهاندر
برقع كوتور ای شمس وقمر چهره لو خلق — پروانه كبی شمع رخك نورينه ياندر
ای خرقه كين يول اوروجی زاهد زراق — شركندن آرن خرقه كی كل وحدته ياندر
زلفكله رخك هرنيجه كيم مصحفه باقدم — كوردم ايكينك سوره لری نور ودخاندر
تحقيقه ايرن طائفه يه هركز اولاشمز — تشكيكله قالان ايشی تقليد وكماندر
يالانجی منافقدرانك يوقدر ايمانی — ای غافل اويان كوكلكی غفلتدن اوياندر
ای عاشقه كافر دين ايمانه كل اوطان — كافر ديمه عاشقلره نيچون كه يلاندر
عشقكده نسيمی اوله لی خلقه ملامت — مشهور جهان اولدی وعالمده عياندر

وله ايضا

❀ ای لبك عين آب حيواندر ❀ — ❀ خضره صورانی كوركه نه جاندر ❀
❀ نه شيرين در طوداغنك ذوقی ❀ — ❀ اول سببدن كه لعل ومرجاندر ❀
❀ حق عيان ايلدی يوزكده بوكون ❀ — ❀ سو حرف حروف برهاندر ❀
❀ سنی كيم دركه فرق ايدر حقدن ❀ — ❀ مكر اول لاشه كه نادا ندر ❀
❀ شمع رخساركك تجلبسی ❀ — ❀ ينه طوغدی كه ماه تاباندر ❀
❀ حسنكه سجده قيليانه سنك ❀ — ❀ حق ديدی آدينی كه شيطاندر ❀
❀ ايها الناس علم القرآن ❀ — ❀ يوزه تفسيردر بوقرآندر ❀
❀ كنت كنزی بزه بيان ايلر ❀ — ❀ بيلرم كيم نه كنج پنهاندر ❀
❀ عيد اكبر بودر نسيمی كل ❀ — ❀ قيل فدا جانكی كه قرباندر ❀

مهر رخك تابنه دوشدی كوكل يانه در — شمعك دوشن نارينه يانسه كرك يانه در

ای مه بدرك یوزی مهر رخكدن خجل　　شمعنه كور جانمی كیم نیجه پروانه در
زلف و رخك سرینی بیلمینه اید رم　　كفرله ایمانمز كعبه و بتخانه در
نقش خیالك بنی نقش وخیال ایلدی　　منكر عشقك كوزی ایكی لیكه بانه در
جام سقاهم ایچر دلبر الندن مدام　　كیمكه انك ساقیسی شول كوزی مستانه در
چونكه وصالكله یم لیل ونهار ای صنم　　جام جم اوش بنده در ملك سلیمانه در
لعل لبكله كوزك می ایچر رلر بكا　　بن نیجه مست اولمیم چون ایكی پیمانه در
دنیا وعقبایی بن وصلكه د كشمشم　　اصی سنه یك باشم جانله شكرانه در
عشق رخك مسكنی خلوتیدر كوكلمك　　كنج حیاتك یری كور كه نه ویرانه در
دوشدی نسیمی صاچك حلقهٔ زنجیرینه　　دوشمیان اول حلقه‌یه دیوله دیوانه در

ولە ایضا

فرقت ایچنده یوره كیم كور كه نه یاره یاره در　　باغریمی كور بو غصه‌دن كیم نیجه پاره پاره در
غمده بنان بو عشقه لطف وعنایت ایله كل　　ای بت اكر یوره كك مرمر وسنك خاره در
لعل لبك حدیثنی ایشید لیدن ای صنم　　سجده ایدر ملك كبی سجده‌سی قدس تاره در
بن نه طریق و وجه ایله جور جفادن اوصنم　　چونكه همیشه یارمك جورو جفاسی یاره در
یاره‌لو ایلدی بنی جرعه‌سی آغولو غمك　　یاره‌لو یاریكی قومه دردینه كور نه چاره در
ناز و عتاب وعشوه‌سی یاقدی بنی فراقله　　دائم انكله عاشقك ایشی بو رسم و كاره در
آی وكونی نه وجه ایله یوزیكه نسبت ایلیم　　حسن رخك قتنده چون آیله كون ستاره در
زرق وریا وصوفیلق ذره جه اصی ایلمز　　شول كشی یه كه رغبتی اولمی بی خماره در
حسننه عاشق ایلدی جانمی تاره یاندررر　　كور كنه فتنه‌لر قیلور اوكه بو حسن تاره در
زورقی محبتك دكزینه براقشم　　كل چك آنی كناره كیم مبلی انك كناره در
زلف تو زندن اولدی چون جان وتنی نسیمینك　　اصنند قار شرینه رجعتی شول غباره در

ولە ایضا

یارب اول یوزك چراغی شمع خاور دنمیدر　　یارب اولسر ولك یكانی ورد احمر دنمیدر
یارب اول مشكین سلاسل كیم نقاب اولمس كله　　مشكك تاتاری دییم یا سنبل تر دنمیدر
شونطوداغ كبر عه سندن ایرمش روح القدس　　یارب اولجامك شرابی آب كوثر دنمیدر
ای شكر دندر دین شول جان شیرینك ابی　　بالله نی یخشیدن صور كور كه شكر دنمیدر
لعلیكی كیم یاد ایدرسه نوش اولور آغو اكا　　شول لبك ذكری عجب تریاك اكبر دنمیدر
ای صبا عیسی نفسدر جانفزا بویك مكر　　اوغرادی ارواحه یا شول زلف عنبر دنمیدر
برك سمرین اوزره یارب شول دیزلمس انجولر　　صبحدم وقتنده دوشمش جمی یاتر دنمیدر
زاهد ایدر سومه خوبی باقمه انك یوزینه　　شول بحر یوركلو آهن یوقسه مرمر دنمیدر

دلبرك جوری تو كیمز عاشقك بختی او یار
بخت ایدر یارب بو جوری بو قسه دلبر دنمدر

شول سعادتلو كمر كیم قوچار انك بلنی
طالعی مسعود مش یا قوت زر دنمدر

آدی محو اولدی نسیمنك قیله م حك جر فنه
ای بو دفتردن خبرسز اول بو دفتر دنمدر

ولە ایضا

لعلك شراب شربت كوثر دكلمدر
یوزك چراغی مهر منور دكلمدر

نور علی كه حق دیدی نور علی الیقین
رخسارك اوزره زلف معنبر دكلمدر

ای طاشه وترابه دین قیمتی كوهر
انسان بو حسن ولطفله كوهر دكلمدر

ای حسرتك زریله كوهر استه معرفت
انسانده معرفت كوهر وزر دكلمدر

صورتده ای دین كه منزه درر آله
كل حقه باق وكور كه مصور دكلمدر

تا كورمشم جمالكی منظورم اولدی حق
حق كورن نظراولو منظر دكلمدر

بن ناظرم نكاره وعارف قتنده بو
بالله كه خوب ناظر ومنظر دكلمدر

شیرین لبنكه حق اكا روح القدس دیدی
جنتدەكی شرابله كوثر دكلمدر

ایدر بكا كه نقدیكی ویر نسیه یه فقیه
حیواندن اول اولایكه كمتر دكلمدر

دور قمرده مركز آشوب وفتنه سی
مشكین صاچكله خال مدور دكلمدر

لعلك كبی مسیح دم معتدل مزاج
هركز وجودە كلمدی جوهر دكلمدر

صورتده كرچه آدی بشردر نسیمنك
معنیده كوركه ذات مطهر دكلمدر

ولە ایضا

ای نسیم صبحدم بالله شو یارم خوشمدر
شول حبیبم دلبرم عالمده وارم خوشمدر

شول معطرا مسك زلفندن صبا ویركل خبر
شول یوزی كل قامتی سرو چنارم خوشمدر

شول لب لعلی كوزی آهوی شهلا دلفریب
شول صاچی ظلمت بكی مشك تتارم خوشمدر

غنچ ایچنده غنچه اولوب درج اولوردر عدن
شول چمن صحنده آچلمش بهارم خوشمدر

یل المده صو كوزمده اودایچمده خاك اولور
دائم انده حشر اولیجق سبزه زارم خوشمدر

چون نسیمی صالدی اوزین عشقكا پروانه تك
ای یوزی كلشن سكا بو آه زارم خوشمدر

ولە ایضا

معنبر سنبلك شاها كل سیرابه پرچیندر
معاذالله خطا قیلدم نه پرچین نافهٔ چیندر

خطادر چینه حمل ایتمك معنبر زلفكی بالله
كه هر برقیلی صاچكدن هزاران چین وماچیندر

دهانكدن خبر ویردی روان پرورسوزك اما
بیلمز نسنەدن كیمسه ایناممز كیم خبرچیندر

سن اولسلطان خوبانسن بو كون عالمده ای دلبر
كه قولتك جمله سلطانلر سكا شاهین ولاچیندر

مدور نقطهٔ خالك كوزمدن برنفس كتمز
مكر كیم اول قرابكلر كوزمده نقش پرچیندر

رخك اوزره بكك شاهانه هندودر عجب یارب
یلانجی اوغرمی یاخودارم باغنده كلچیندر

کوکرچین تك شکار ایتدی بنی اول نرکس فتان — یاوز کوزدن ایراغ اولسونکه خوشترکانه لاچیندر
مه تابانه یا مهره سنی بکزتمزم نیچون — که حسنك خرمنده کون مهیله سنبله چیندر
کوزمدن کرچه دلکندر صاچنك شبوه سی اما — نسیمیء بو سودایه براغن شول مغلچیندر

وله ایضا

معانی لوسوزك درثمین در — بیانك مهبط روح الامین در
روان اولدی زلال نظم ونثرك — شراب کوثر وماء معین در
کلامك معجز ظاهر در اما — درفشان منطقك سحرآفرین در
سنکا تیغ وقلم بهرا مله تیز — مسلم قیلدیلرلر برهان مبین در
وجودك جوهری رطبنده نافع — مکرم اصل وفرع ماء وطین در
یقین اولدی که بولمش سن هدایت — دلیلك چون هدی للعالمین در
یقین سز اولمز ایمان اهلی نیچون — که ایمان حق بیوردی کیم یقین در
یقین چون سنده در مؤمن سن اولدك — سن اول مؤمن که مؤمن اهل دین در
نسیمنك تحیات وسلامی — علی احبابه والعاشقین در

وله ایضا

سقاهم ربهم خمری طوداغك کوثرندندر — بومیدن ایچنك نقلی حدیثك شکرندندر
صبا مشکین دمندن کیم معطر قیلمش آفاقی — معنبر زلف پرچینك عبیر وعنبرندندر
اکرچه اهل توحیده صاچك حبل المتین اولدی — سواد الوجه فی الدارین انك سودا لرندندر
دم عیسی کبی لعلك دیرلدر جمله اشباحی — بو معجز جانفزا لعلك مفرح جوهرندندر
قیامتقوپدی حسنکدن چالندی صور وحشر اولدی — بو غوغالر که یایلمش انك شور وشرندندر
بهشتك اسود العینی که حور العین دورر آدی — یازلمش خلقه برآیت جمالك دفترندندر
فقیه ای احسن صورت سنی مسجود اکر بیلز — بوعاصی دیو ملعونك خطاسی رهبرندندر
یوزکدر قل هو الرحمن صاچکدر علم القرآن — عجب شول جانلرك جانی نه کانك کوهرندندر
نکارك نرکس مستی نه فتان عینمش کورکیم — نیجه روح الامین اسرك خمارین عبهرندندر
کل ایجان عیده قربان اولکه قربان اولمین عیده — نه اولدی فطره عیدندن نه انك اکبرندندر
جهانك محنتی چوقدر انك دردسرندن کچ — که حقدن دوشدکك محجوب انك دردسرندندر
نسیمی ماسوی الله دن کسلدی دلبری بولدی — نسیمی نیلسون نسون عنایت دلبرندندر

وله ایضا

یار ودلبر سندن ایروکیم دیدی عالمده وار — قانی سندن ایرو دلبر قانی سندن اوزکه یار
ای کلر کلسکون یکاغك جنتك خندان کلی — کل که انك حسرتندن یوره کیم یاندردی خار
چیقدیغر بدن کونش کشف ایتدی عشقك رمزینی — پرده سی آچلدی حسنك دلبر اولدی آشکار

چون بكا عشقك طريقيدر صراط مستقيم — طوغرى درحقدن طريقم نيلر انده ياد يار
زاغـله بر برده طوطى كرچه يارشمازولى — آله مز تقدير الندن كيمسـه اى يار اختيار
دينـله ايما ندر عهدو امانت عاشـقك — كيمده كيم بو قدر امانت بيلكيم اولدر اهل نار
عاشـقك معمارى حقدر ياپارانك باطنن — اى اوك حقدن ياپلمش سنسن اهل اعتبار
دولت ديداره بيدار اوغراى كرچك محب — كوزلرى آچيق كركدر عاشقك ليل ونهار
كرچه آغودر فراقك شربتى عاشقلره — ايلمز وصلك شرابن ايچنـه اول آغوكار
معرفت كسب ايله لهو لعبه مشغول اولمه كيم — بونجه صورت كوسترر هردم يلانجى روزكار
چون بقاسزدر جهانك مال وملك ونعمتى — دولت منصوره ياپيش اسـته عمر پايدار
عشق الندن كل شراب سلسبيل وكوثر ايچ — كچ بو ميدن كيم چكرسن ارته رنجندن خمار
كل فراقندن كل اى بلبل صبور اول اغلمه — قيش كچر خندان اولور كلشن كلور فصل بهار
طوغريسوز طوغر حسودك بغرينى شول معنيدن — كافره اولـدى نسيمك كلامى ذوالفقار

﴿ وله ايضا ﴾

جانك وجودى سنسز لاشى كبى عدم در — سـندن جدا دبرلمك مشتاقه كى الم در
روح القدس دمندن عيسى ابن مريم اولدى — اى بيخبر بودمدن كل كل كه دم بودم در
صاچك قرا كوسندن يوزك نورى كورندى — هر قنده شام اولورسه اردنجه صبحدم در
وارای قیلان عزیمت بیت الحرامه بیلکیم — معشوقنك جمالى هم كعبه هم حرم در
عشـقك بنى بلاسز بردم قومز النـدن — عاشق اولانه دائم عشقك ايشى الم در
يارك غمـنى كوكلم كون ومكانه ويرمز — نيچون كه اول بيلوركيم يارك غمى نه غم در
زرق وريادن اولدى مخسول اكر نسيمى — يارك محبتندن كوركيم نه محتشم در

﴿ وله ايضا ﴾

صورتك پاكيزه نقشى لايزالى بنـده در — بندن ايرلمز بو صورت اوش خيالى بنده در
كرچه كوزدن كنديكك آدى فراق اولدى ولى — هر جهتدن باقرم وصلك وصالى بنده در
نيـلرم باقق هـلال وبدره ايرق تاابد — چون كه يوزك بدرله قاشك هلالى بنده در
طور عشقكدر وجودم شول جهتدن لايزال — حسـن رخسارك تجليسى جمالى بنده در
چون طوداغك كوثرندن بولمشم آب حيات — سلسبيلك عينيم خضرك زلالى بنده در
زلف وخالك شرحنى بن يازرم حرفا بحرف — چون بو موزون نقطه نك حرف مثالى بنده در
عرش رحماندر جمالك ذوالجلال ايدر آنى — اى يوزك قرآن بيانى ذوالجلالى بنده در
زلفله قاشـك حروفن يازه مز هر يازيجى — ابجدين بولدم بولوحك جيم ودالى بنده در
بولمشم ملك سليمـانى وقارون كنجينى — فضل حقدن چون وصالك ملك ومالى بنده در
غمزه سى بيمار وعينى ناتواندر صانمه كيم — كيمسه حالك بيلمز انك اشته حالى بنده در
دنيا وعقبى جمالك وصلنه اولدى طفيل — وصلنى چون بيلدم انك اتصالى بنده در

کرچه فتنادر کوزك ایدر بلاغك آیه کیم | فتنهٔ آخر زمانك مکر و آلی بنده در
صورمه عشقك قیل وقالك هر زغیبه وشیخه کیم | بیلدی دیوان عشقك قیل و قالی بنده در
ای مسلسل زلفنك عقدنده سرکردان اولان | کل بکا صور کیم جوابی هم سؤالی بنده در
تاعتابك ذوقنی بیلدردی لعلك جامنه | جننك شیر وشرابی خمر وبالی بنده در
لامکانك عالمك کر سیر ایدرسم نه عجب | جبرئیلم روح قدسك پر وبالی بنده در
عشقنه محو اولدی نسیمی تا که ارتق شمعنه | یانمسون پروانه کیم عشقك کمالی بنده در

ولە ایضا

لیلة القدرك سودای زلف پرتابنده در | والضحانك آفتابی یوزی مهتابنده در
ای خمار بن کوزلرندن فتنه اویار صانمه | کوزلری شول فتنه در کیم فتنه سی خوابنده در
ذوالحیات اولدی لبندن خضر وعیسی لایموت | کور بو قدرت معجزی کیم لعل سیرابنده در
صورتی یارب نه مصحفدر بو حسنك سوره سی | کیم ملاحتدن بکیم دیرسم انك بابنده در
کرچه رنجور اولدی شرین لبلرك عشقنده جان | هم شفاسی شول طوداغك قند وعنابنده در
کوزلری میخانه در انك یوزی بیت الحرام | کور بو بیت الله کیم میخانه محرابنده در
آب حیوانك مزاجی کوثرك خاصیتی | سلسبیلك ذوقی یارك لعل جلابنده در
ای وبرن معشوقنك اسرارینی نامحرمه | کر بو رازك محرمی سن اشنه احبابنده در
بحر عشقك سرینی عارف بیلور صور عارفه | کیم بو سری اول بیلور کیم جان غرقابنده در
طره سنده زلفنك آشفته کوکلم چکدیکن | شول پریشان حاله صور کیم کوکلی قلابنده در
کلشکر بازاره کلمز بال اوتانور قندار یر | شول حلاوتدن کیم انك شکر نابنده در
چون نسیمینك ابو الفضل اولدیحقدن کنیه سی | جمله اسمانك حروفی عین القابنده در

ولە ایضا

بیلرم بن بونده دور ب چونکه دلدار آنده در | صانمه کیم آنده دیدیکیم برسپه سالارنده در
بیلرم کلزاره باقیق چون بو یانمش کوکلمك | شول بویی سروخرامان یوزی کلزارانده در
فرقتك دردی بنی طپراق ایدرسه ای صبا | یاری قیل طپراغم ایلت آنده کیم یار آنده در
جان بکاغك حسرتندن دکه کز اولمز جدا | قنده کیم کورسه کلی تر بلبل زار آنده در
شول مغلیچین کوزلرکله چونکه قاپدك کوکلی | چون بیلورسین کیم نه کزلی دراو اسرار آنده در
باشیله جان دین ودنیا عقل دانش زلفنه | وبرمشم شمدی بولاردن هرنه کیم وار آنده در
دردمی آرترمه لطف ایت شربتکله ای حکیم | چون بنی صبر وقلان شول چشم بیمار آنده در
دیشلرك عکسی نسیمی نك کوزینه دوشه لی | بحر بحرین اولدی ولؤلوی شهوار آنده در

ولە ایضا

هرکیم ایرر وصالکه عیش نعیم ایچنده در | وصلکه ایرمین کشی بیلکه جحیم ایچنده در

ظلمت

ظلمت هجر فرقتك مثل جهنم آتشی   منظر عالی وصلتك نور عظيم ایچنده در
آب حیاته ایریشن بوله حیات جاودان   ظلمت ایچنده ناله نك عظم رميم ایچنده در
چون کیده اورته دن حجاب عینه مبدل اوله علم   بیلنه آنده کیم کیمك قلب سلیم ایچنده در
بولدی سلامت اول کشی کیم طلب وصال ایدر   استمین سلامتی رنج الیم ایچنده در
صورت خوبه مدعی بقمه دیو حرام ایدر   یوزی قرایی کور نیجه کفر عظیم ایچنده در
بوادی بو کون وصالکی عشقله اوش نسیمی کیم   وصلکه واصل اولنك عیش مقیم ایچنده در

﴿ وله ایضا ﴾

وصلکی کیمکه بولمدی درد عذاب ایچنده در   لعلکی کیمکه صورمدی تشنه سراب ایچنده در
کوکلم ایچنده صورتك جان کبی قلمشم یرین   جوهر کنت کنزی کور کیم نه خراب ایچنده در
شمع رخك حرارتی جوشه کتوردی قانمی   کور نیجه یا نراودمش کیم بو کباب ایچنده در
قندله بال وشکرك لذتی اونوتمشم   تا که بمله لبلرك ناز وعتاب ایچنده در
کیمکه سنکله اولدی صبح ازلده آشنا   تا ابد اول قرا کونك بختی سحاب ایچنده در
سرسقاهم ای کوکل زاهده صورمه کیم آنی   عارف زبهم بیلور کیم بو شراب ایچنده در
زهده دلالت ایلرم عشقه حریص اولور کوکل   بن نه شماره دوشمشم اول نه حساب ایچنده در
غلغله دوشدی عالمه اویخولوزکسندن اوش   فتنه لری کاره سی صانمه که خواب ایچنده در
شمس وقمر اکر یوزك تابنه دوشمدی ندن   عشقه اسیر اولان کشی آتش وآب ایچنده در
صورتکك صفاتنه واله وحیران اولمشم   کوزدن اکرچه صورتك طرف نقاب ایچنده در
زلف وقاشك نسیمه وجه حسندر ای صنم   جمله نون بو وجهله قنغی کتاب ایچنده در

﴿ وله ایضا ﴾

دردی فراقه دوشدیجان آه وفغان ایچنده در   سن بو عذاب وآتشی کور که بو جان ایچنده در
شوقه براقه کوکلی چون سکاروشن اولدیکیم   نیجه غمله حزن بله درد نهان ایچنده در
وصل رخکدن اوز که بن کون ومکانه باقرزم   کرچه خجسته وصلتك کون مکان ایچنده در
عنبم ایچنده قامتك سدره سی مسکن ایلدی   سدره هم آنده یارشر کاب روان ایچنده در
چرقه چقاردی آهمی جانمی یاندررغمك   کور نیجه نارمش غمك کیم بودخان ایچنده در
یارمی بندن آیرن حاجتی حاصل اولمسون   امی صانن بوایشی کور کیم نه زیان ایچنده در
سندن اکرچه دوشمشم ایروسنکله یم یقین   اول نه بیلور بوره زی کیم ظن وکمان ایچنده در
حالمی سنسز ای صنم بیلمزایسن کل اشته کور   کوکلمه باق وبغرمی کور که نه قان ایچنده در
وصل رخك بهاسنه ویرسم اکر اجوزا اوله   جان وجهان هرنه کیم ایکی جهان ایچنده در
سلسله سنده زلفنك جان وطن ایلدی کیم   یعنی که جانمك یری صحن جنان ایچنده در
اولدی نسیمی ای قمر حسنکه فتنه بیلسون   فتنهٔ آخر الزمان چون بو زمان ایچنده در

ولە ایضا

زلف سیاه ماهمك حلقەسی ماه ایچندەدر / شول قمرك منازلی ابر سیاه ایچندەدر
دوشدی کمند زلفنە عقل روان قوشی ولی / ظل الهە یاپیشن ظل آلە ایچندەدر
کعبۀ عشقە وارەنك صدق ونیاز ایمش یولی / منزلە عاقبت ایرر کیم کە بو راه ایچندەدر
جانمی بر نکاهلە آلدی حرامی کوزلرك / کور کە نەدرلو فتنەلر اشبو نکاه ایچندەدر
عالم ایچندە بی کمان سنسن امیر دلبران / کور کە بو رسمە پادشە قنقی سپاه ایچندەدر
سرو قبایی یاقر کیمسە کلاهدە کورمدی / شول بو بی سرو کور نیجە ماه کلاه ایچندەدر
صورت خوبە مدعی باقمە دیمش نسیمە / یوزی قرابی کور نیجە کفر و کناه ایچندەدر

ولە ایضا

بحر محیطە دوش کیم دریای اعظم اولدر / آدمدن اولمە غافل نیچون کە آدم اولدر
روح القدس دمندن شول مردە کیم دیرلدی / تحقیق عالمندە عیسی ابن مریم اولدر
اسرار کنت کنزە هرسینە محرم اولمز / آدم کرك بو سرە محرم کە محرم اولدر
کر بکلرك اوقندن پر اوق بویا کە کندر / نیچون کە یارەلونك زخمینە مرهم اولدر
صورتدە کرچە دلبر معشوقەدر ولیکن / معنیدە فی الحقیقە عاشق دخی هم اولدر
غمکینە شاد لقدر یارك غمی ولیکن / غمکینە چوق بیلمز یارك غمی غم اولدر
شول عارفك کیم اولدی آیینەسی جمالك / عالمدە شکدکل کیم اسکندر و جم اولدر
قالو بلیدە زلفك جانملە همدم اولدی / یعنی همیشە بیلکیم ارواحە همدم اولدر
جانسز بدن نە بیلسون انفاسنی مسیحك / شول جانە صور بونی کیم بیلدیکیم دمدم اولدر
منصور اکرچە حقدن رسوای عالم اولدی / اندن اکا نە غم کیم رسوای عالم اولدر
ای کعبۀ حقیقی لعلك نە زمزم ایلر / کیم صوصامش نسیمی ایدر کە زمزم اولدر

ولە ایضا

بندن یوزك یشرمە کیم سجدەکاهم اولدر / سیر ایدرم بو چرخی خورشید و ماهم اولدر
حسنك چراغنە ای جان پروانە کبی یکدم / تاریك ایچندە روشن کوردنی راهم اولدر
پرهیز ایدرمی عاشق ای عشقە منکر اولان / درسنی کە ترکنی اوربنم چو شاهم اولدر
کر بو ککیلە قاشك اولمشدر اسم اعظم / دیوودن دخی نە قورقو چونکیم پناهم اولدر
حق دعویدن شهادت استرلر ایسە بندن / بن انی بولمشم کیم بندە کواهم اولدر
ای دینك رئیسی بکا حقیر باقمە / بن نیجە مفلس اولم چون عز و جاهم اولدر
سن بندن اولمە غافل استە کە تا بلاسن / انی کە طانمش سن فضل الهم اولدر
نسیمی یم کە دوشدم یوزك کلندن ایرو / بلبل کبی چندە فریاد و آهم اولدر

ولە ایضا

حسننك تبارك اه انوار لم یزلدر — یوزك جمال ایچنده بی مثل و بی بدلدر
حسنك اساسی ای جان قابل دكل زواله — نیچون كه ملك حسنك ملك بلا خللدر
ای حكمتنك رئیسی معلول وعلتی قو — اول بوجوهری بیل كیم مبدأ عللدر
جننده كرچه حقدن بالومی اولدی وعده — لعلك بكا كرك كیم هم می وهم عسلدر
ای بادهٔ سقاهم لعل لبك شرابی — اكراه ایدن بومیدن ایچدیكی اكشی خلدر
عشقك اودنده شول كیم پاك اولمدی وخالص — قلبی غشیدر انك یوزی قرازغلدر
ای سندن ایروكولم وحشی ایكی جهانده — عینك عجب غزاله حسنك عجب غزلدر
جانله هم جهانی طرح ایتمیان بویولده — دنیا وآخرتده بی علم وبی عملدر
سن جان وجمله عالم اشبا خمش مثلده — جانسز بدن دیرلمز كور كیم بونه مثلدر
عنبرفشان صاچكله شول كونی بیلشم كیم — عالمده آدی انك لا ابتدا ازلدر
چون عالمك نسیمی قورلدی كثرتندن — وحدت كبی بقاسی بی مدت اجلدر

وله ایضا

* بلی یارب یوزكدر رق منشور — محمد شرط اندن اولدی مشهور *
* طواف امر اولدی چون بیت العتیقه — رسول اول آدی قیلدی دیدی معمور *
* صفا تكدر بیلورم كعبه مطلق — زیارت ایلینلر اولدی مغفور *
* صاچك حبل المتین در صورتك هم — هدایت شمع در كیم عرض ایدر نور *
* یكاغك هذه جنات عدن — یوزكدر كشف سنسن جنت وحور *
* سنك مستانه عینك ساغرندن — روان در سلسبیل اوش مست ومخمور *
* مسیحی نفخه در شیرین دهانك — كه صحت بولور اندن صورسه رنجور *
* قاشكله كرپكك مشكین صاچكله — وجودی در سلیمان عینی در مور *
* انا الحق دیدی زلفك وارلغندن — چیقاردی كوكه فریادینی منصور *
* صفاتك باطنی ایلدی روشن — كه عالم وارینه اولمدی مغرور *
* سن احسن صورته انكار ایدنلر — عزازلدر كه دوشدی تكریدن دور *
* نسیمی یه تجلی قیلدی غمزك — كوزینه نور وكوكلن ایتدی مسرور *

وله ایضا

ای الذی یوسوس طاعتلرك هبادر — اكری بولك ضلالت چورك سوزك خطادر
ظن وكمان ایچنده قالمش سن ای یقین سز — مشكوكلن كیم ایدر قیلمق عمل روادر
جمعه نمازی نیچون شرط اولدی مصر وجامع — شرطن بیل اول اندن مشروطه صلادر
ای بیلین بومصری ایترمه جمعه یی كیم — جمعه بومصر ایچنده مقبول كبریادر
یوسف كبی عزیزم مصرك ایچنده دائم — حق بیلن همیشه عالمده مقتدادر
آینه صورتنده كلدی رسوله جمعه — طانق بوحق حدیثی اوش قول مصطفادر

آذینه نیچون اولدی آذینه نك آدین بیل
بوسری اول بیلورکیم حقله آشنا در

آذینـه درقیـامت اول کونده درندامت
اول کونده حشراولبسراول کونده ماجرادر

اول کونده درحسابك هم راحت وعذابك
اول کونده حق قتنده اجمـاع انبیا در

ای جمعه دن خبرسز جمعه کونتی بیلکیم
اول کونده وعده حقدن اوچاغله لقادر

آذینـه یی بیلنـلر مغفور وناجی درلر
مغفور اولان جهانده هادی وپیشوا در

جمعه کونك صفاتی شرح وبیانه صغمز
معنیده کرچه حقدن جام جهان نما در

چون جمعه یوم دین درارض وسماده حقدن
دینن یترمش اولکیم آذینه دن جدادر

اول مشرك نجسـدر جمعه یی قلمین کیم
قولی وفعـلی انك تقـلیدله ریادر

چون حجة المساکین جمعه کونی درای جان
مسکینه صورکه مسکین آینه سی صفا در

جامعده جمعه اوش هر کون قیلان بنم بیل
قرآن امام اولدی دائم بوزم حقا در

آذینـه حج اکبر حاجه حقدن اولدی
اول بی بصرنه بیلسون بوسری کیم عمادر

ایمانی بوقدر انك کیم اولدی بی امانت
دینن یترمش اولکیم عهدینه بی وفا در

پیغمبرك سـوزیدر هم تکرینك کلامی
بوعهـدو بوامانت بیلکیم نه ادعا در

شوالعهد وشول امانت کرسنده وارسه خوش
بوقسه بیل ای ایمانسزکیم دینسزاول دغادر

ای کفر وشرك ایچنده صانمه اوزکی مؤمن
اسلام وشرع وایمان محصول اولیا در

دجال طعنه سـندن خوف ایلمز نسیمی
نیچون که روح قدسه عون ومعین خدادر

﴿ وله ایضا ﴾

دون کون منتظرم بن که بو پرکارندر
کنبد چرخ فلك کردش دوارندر

بوطقوز چرخ معلق ندن اولدی ترتیب
فلك التنده قمر کوکب سیارندر

موسـی وطورندر شـبلی ومنصورندر
اژدهـا اولان اغاج رشـتیله دارندر

فلکك اصلی ندندر ملکك نسـلی ندن
آدمك صورتنـه بنجه طلب کارندر

کعبه ودیرندر غیرندر سـیرندر
مسجـد وبتکده وخرقـه وزنارندر

علم قرآن وحدیث وخبر ووعظله درس
جمله برمعنی ایمش بونجه بوتکرارندر

برمکس طبعنـه باق بال ندن زهرندن
ینـه بر پرده عجب مال ندر مارندر

اود وصـو وطپراق ویل آدی ندندر آدم
اکا سجده نیچون ابلیسـه انکارندر

کونشك قرصی ندن یریوزینه شعله ویرر
ینه برمشـعله ده نورندر نارندر

کیمکه بیلمز اوزینی بیلمیه پیرلر سوزینی
کندوسـن اکلمین بیلدی هرکارندر

کل کل ای دوست قومدعی کورلغنه
سکا آسـان قبلهم بونجه بودشوارندر

ترك اونده سن اکر همچو نسیمی اوله سن
بر کون اوله دیه سن جبه ودسـتارندر

﴿ وله ایضا ﴾

تعالی شـانه حسنك صفاتی کیم معلادر
که الرحمن علی العرش استوا اول صحن مولادر

بو حسنڭ اشتراكندن شولك لاشريك اولمش   پس آمنا وصدقا سڭا عرض ايتمك اولادر
حروفى عين القابك بو ماهيت ذرر چونكم   صفاتى ذاتكه كلمش بو اسما كيم مسمادر
ازل بزمنده رخسارڭده نى كيم كوردى مست اولدى   چشمى در كيم بحال هنوز اول مست وشيدادر
حكيمڭ شربتى اولمز كوزك سوداسنه نافع   وصالڭ شربتڭ استر دماغنده بو سودادر
وجودم لوحنه يازدى سنڭ عشقڭ سنڭ نامڭ   انى سن اى مفتى اشيا يوقه وشمع ونه اشيادر
يوزك خورشيد خاوردر كه مطلع دراى كونڭ   نه شمس ايزل شوكه نه حسنڭ آدى يكتادر
صاچكدن بيلكه صدر اولدى الم نشرح لك يارب   جمالڭ شمع ياسين در يكاغك نور طاهادر
معنبر زلفكه كنيت قديم وثابت اولمشدر   كه سبحان الذى اسرا انڭ شانكده اسرادر
يد بيضا ايمش جسمڭ كه موسى اكا مظهردر   تعالى شانه كسكيندر بو تجلى طور سينادر
نسيمينڭ بو كوندوزى كوزى يندى يسارك عكسى   زهى پاكيزه جوهر كيم محيطى كورنه دريادر

ولە ايضا

قاشكله كر يكك زلفك قرادر   تعالى الله نه صورتلر برادر
بلا در عينك اما حاجبينك   بلا اوستنده بارتق بلادر
بيان ايلر خط وخالك يوزكده   كيم انك نقشنى يازن خدادر
كلام الله ايله سبع المثانى   اكر يوز كدر ايدر بسم روادر
بكا دنياده وعقبيده سن سن   الهم قبله اوسه يوزم سكادر
سكا كيمدردين كيم حق دكلسين   سنى حق بيليان حقدن جدادر
ديدى زاهد بكا كيم سومه خوبى   خطادر زاهدك فكرى خطادر
دليل اولدى خطك طه سى خلقه   كه الرحمن على العرش استوادر
بو اسرارى نه بلسون شول عزازيل   كيم انك طاعتى زرق وريادر
كل اى صوفى صفاتك صافنى ايچ   كه صافى ايچدنك ايچى صفادر
اوتوز ايكى خطكدندر بو عالم   له ما فى السموات العلادر
نسيمى چونكه حقه واصل اولدى   هو الباقى هو الله البقادر

ولە ايضا

عاشق قتنده كفر ايله اسلام بردر   هر قنده مسكن ايلسه عاشق اميردر
معشوقنك نظيرى بيلمز جهانده چون   تانى آنى بو وجهله كيم بى نظيردر
بتخانهٔ ايله كعبهٔ وحدتده فرق ايدن   معنيده بالغ اولمش اول كرچه پيردر
اى قائمه تفأل ايچون قرعهٔ صالن   دوندرمه فالكى كه مبارك ضميردر
عشقك يولنده يوزنى خاك ايلين فقير   آدى جهانده خسرو وصاحب سريردر
دنيا وملك ومالنه الدنمه اى ملك   كيم دنيانك متاعى بغايت حقيردر
توزلو جهانه سلكك انكك كيم نعمنه   هر بى بصر كيم اولدى مقيد اسيردر

ای کعبه نك جمالنه عاشـق نیاز ایله — میدان عشقه کل که مغیلان حریردر
مشـتاقه دلپذیردر انك جفـالری — معشوقدن همیشـه جفادلپذیردر
هر کیمسه نك که یوزیکه اچیلدی کوزلری — صاحب بصیرت اولدی وآدی بصیردر
آفاقه دوشدی غلغله حسنکدن ای قمر — افلاکه باق وکور که نه آه ونفیردر
طرح ایلدی یولکده نسیمی وجودینی — کورآنی نه محتشم اولمش فقیردر

وله ایضا

یوزك بدری جهانك دانه سیدر — یروکوك آی وکون پروانه سیدر
جهـان ودین ودل زلفکه جانم — اکرلایق دوشر شـکرانه سیدر
یوزکدر آیة الکرسی انکیچون — کلام الله محرم خانه سیدر
صاچك زنجرینه دوشدی بوکوکلم — مسلسـل زلفکك دیوانه سـیدر
قاشـکله کرپکك زلفکله خالك — حرامی کوزلرك مستانه سیدر
طوتشمش عشق اودی جان صوردی جسمه — بودردی کیمسـه بیلمز یانه سـیدر
یوزکده عابد اولمشـدر نسیمی — نسیمك بوکون جانانه سیدر

وله ایضا

* یوزك نور تجلی مظهـریدر — سـوزك طاتلوسی آب کوثریدر *
* رخك شمع شـعاعندن منور — فلکده ماه ومهـر ومشتریدر *
کوزك سحرندن اول هاروت وماروت — آصلمش چاه بابلـده یریدر *
* فلك لر یوزسـورزلر آیغکه — ملکلر خـدمتکده چاکریدر *
* عزازیل قاچدی وصلك قربتندن — انکیچون طوق لعنت زیوریدر *
* صدفدر جمله مخلوقك وجودی — وجودك اول صدفلر جوهریدر *
* دم عیسی اولـو دیرلـدر اما — دمکدن خضرله عیسی دیریدر *
* جمالك مؤمنـه مرآت اولـدی — که دائم مؤمنك اول منظریدر *
* نسیمی کوهریدر بحر عشـقك — بوبحره طـالبین دیوویریدر *

وله ایضا

کوکلده بنم عشق جمالك ازلیـدر — شول نسنه کیم اولدی ازلی لم یزلیدر
نفسینی بیلان درکه یقین ربنی بیلدی — حقدن بو مقـامانه ایرن بیلکه ولیدر
نفسینی بیلان بیلکه حقی بیلدی حقیقت — انکارینـه بل باغلمه کیم قول علیدر
ای یوزی زرین خال کبی زاغندمیه صوکیم — سـاقی لبنك طاتلوشراب عسلیدر
ای یارینی دنیـایه وعقبایه ویرن کل — بول نسـنه کیم دنیه ده یارك بدلیدر
ایندرمدی باش احسن تقویمه عزازیل — آنی براغن لعنتـه انك جـدایـدر

ادراك ايده مز صورتكى كورميان اعمى شول معنى بى كيم حسن وجمالكده جليدر
صاف اولميان التون كبى مهركله جهانده اول يوزى قراقلب ايتمش آدى زغليدر
اى ياره فدا ايليان جاننى عاشق معشوقدن اوى ويرمه كه عشقك عمليدر
عاشقلرينك قاننه باندردى الين دوست شول قانه كيرن دائم انك سيمين اليدر
چون بولدى نسيمى ابدى عمر صاچكدن شول درلكى نيلر كه زمان اجليدر

ولہ ايضا

شاهد لا شريك له شول صنمك جماليدر لبس كمثله انك نونله ميم وداليدر
چهره‌سى كرچه نورايله كشف حجاب وجه ايدر وجهه اشارت ايليان اول صنمك جماليدر
كرچه هر آيده بركيجه آيه كمال ايررولى يوزقرايرمز آنده كيم اول قمرك كماليدر
صورتى كرچه حسنله جوشه كتوردى عالمى فتنهٔ قان ايدن انك قاشيله زلف وخاليدر
آخرتك نعيمنه اولمه حريص وباقه كيم حورله جنت ولقا جمله انك وصاليدر
مهررخك نه وجهله قابل اوله زواله كيم وصف جمالك اى كونش آيت بى زواليدر
شبههٔ لا شريك له تاييله سنكه بنده يوق كوزكويه باق وكوزكوده كور كدنه نك مثاليدر
وصله قناعت ايتمشم دنيا وآخرت سكا عاشقه شول مشاهده نعمت لايزاليدر
شكرايدرم آلهمه هرنفس اى نسيمى كيم اهل كماله منطقك رحمت ذوالجلاليدر

ولہ ايضا

دون كون فراقكدن كوزم ياش دوكروقان اقيدر لعلك غمندن دم بدم ياقوت ومرجان اقيدر
ياندردى شوقك جانمى دلدى فراقك بغرمى عشقك بلاسن باشمه كوركيم نه طوفان اقيدر
نطقكدن اولدم چوندريعين اليقين اولديبو كيم لعلكدرعيسى كيم اول اغزين آچر جان اقيدر
كل كل اوتمه ياريكى حالك كورانك صورآنى شوقكدن اى دردانه كوركوزدن نه عمان اقيدر
شول انجو صورتلو ديشك كلمش خيالى عينمه اغزندن اصدافى انك لؤلوى غلطان اقيدر
دركدراى جورى لقا مشتاقه شول شافى شفا كيم شربتندن هرنفس بيك دردلو درمان اقيدر
نوحك كبي بين استه كيم ياقلشديطوفان قوبغه سيلاب شوقى شويله كيم بو چشم كريان اقيدر
مسكين صاچك چوكانه چونباشمى طوب ايتمشم عشقك بلاسندن بنه اول طوپه چوكان اقيدر
لعل لبك تفسيرينى سويلر نسيمى جانلره شولر سميلن كيم صانه سن خضر آب حيوان اقيدر

ولہ ايضا

عالمده بوكون سنجلين ياركمك وار كروارد برسك يوق ديرزم واركمك وار
محبوب قريوزلو پرى چهره اوكشدر ياكفلرى كل لعل شكر باركمك وار
دلدار مجازى بولنور عاشقه يوزيك بكزرسكا تحقيقده دلداركمك وار
عشقك غمنه ايلمشم كوكلى مخزن ربنجلين مخزن اسراركمك وار

کرچه کیجه سی مطلع انوار در آنك ❊ زلفی کبی برمطلع انوار کمك وار
ای بو نجمی دردانه صاتن جوهری بیل ❊ تا کیم بیله سن لؤلوی شهوار کمك وار
تا تاره صاچك توزینی تجارله کوندر ❊ تا کیم بیله لر نافهٔ تاتار کمك وار
جانیله جهان یاره فدا قیلدی نسیمی ❊ انك کبی بر یار وفادار کمك وار

وله ایضا

❊ قنی برعهدو پیمانی بتون یار ❊ ❊ قنی برقولی کرجك طوغری دلدار ❊
❊ قنی حق بیلن برکرجك ارکیم ❊ ❊ اوله طوغری انك دلنده کفتار ❊
❊ قنی دورنده برقلب زغلسز ❊ ❊ قنی عالمده برآریجه دینار ❊
❊ قنی دنیاده اقرار ایلین کیم ❊ ❊ کدیوقدررا نك کوکلنده انکار ❊
❊ قنی شول انجولوآری صدف کیم ❊ بولینه آنده بیك لؤلوی شهوار ❊
❊ قنی منصورلین براهل حق کیم ❊ ❊ آصیله عشق ایچنده باشی بردار ❊
❊ قنی کرچك لین برحقه عاشق ❊ ❊ قنی کورمش حق براهل دیدار ❊
❊ قنی غفلت شرابندن برآیق ❊ ❊ قنی اسرکلرك جمعنده هشیار ❊
❊ قنی عهدنده شول ثابت قدم کیم ❊ ❊ قویم آدینا نك طوغری وفادار ❊
❊ قنی دنیا ده اقرار ایلین کیم ❊ ❊ کیم آنده کزلنه بیك دراواسرار ❊
❊ یارایله چونکه براولدی نسیمی ❊ ❊ نه غم کرجمله عالم اولسه اغیار ❊

ولە ایضا

جان عشقه دوشدی ای کوکل یارب نه درتدبیرمز ❊ جان نیلسون بیچاره چونحقدن بودرتقدیرمز
مشکین صاچکعشقی بنی زنجیره چکدی بغلادی ❊ یعنی که بز مجنونلرز شول حلقه‌در زنجیرمز
ساقی الندن طوغمشز یعنی که بادن لاملە ❊ فطرت کونندن تاابدسول دایه‌دندرشیرمز
شولکوزلرك کربیکنه عاشق نیجه صید اولمسون ❊ کورکیم نه ایدندرکان شول زخمه مرهم تیرمز
چون قیروتارك قیمتن معنیده بیلدك کیم ندر ❊ کافوره دوندی قارەمز هم عنبراولدی قیرمز
زهدوصلاح وتوبه نك ارکانك اهل زرقه صور ❊ عشقه مریداولدق بزاوش عشقی ابددرپیرمز
دورنده میکون کوزلرك عابدلرك زاهدلرك ❊ ذکری بودردلنده کیم وازرق واتزویرمز
عشق اهلی اقلیمنده چوحسنکدرای دلبرملك ❊ حکمینه محکوم اولمسز سلطانمزدرمیرمز
اصحابکهفك سرینی کورمش اقای طوره صور ❊ نیچون کدوالطوراهلنك کهفنده‌درقطمیرمز
شول سنبل برچینله سودایه دوشدك نیدوز ❊ تجاری یوزحسنك بودرکتنابیت وکتمیرمز
قرآندر انك صورتی ایدر نسیمی شك دکل ❊ منکرا کریوق دیرسه اوس مصحف اوش تفسیرمز

ولە ایضا

کعبه یوزکدرای صنم یوزیکه درسجودمز ❊ تا که کوره بوسجدهٔ ناره دوشه حسودمز

شمع رخك حرارتی یاندردی قربزی — اوشبو جهتدن اولدیكیم كوكاره چیقدیدودمز
جانمزی براقسز آتش عشقك اودینه — تا كه صفا وذوقله عشقنه یانه عودمز
زلف وقاشكله كربكك سجده‌مزدر اوقورز — ای دلمزده جمله سن كفتمز وشنودمز
زلف ورخك شمارینه دوشمشم اشته صایارم — كیم نه بیلور بوعقده ده كیم نیجه درعقودمز
مهبطمز صفات ایچون ذات قدیم وفرد ایش — واحد بی زواله درمی جمله صعودمز
قاضیه نسنه ویرمزز رشوت ایچون بودعویده — قاضیء حق قتنده چون عادلمش شهودمز
صورت خط وخالنه ساجد وعابد اولمیان — ملتمزده اولدرر مشركمز یهودمز
ماومنیدن ای فقیه اسره اول ایكی درده — چون كه یكانه دندرر واردله ورودمز
دوشمن ایچون نسیمیه اولمه ملول وغم یمه — اولدی ازل كوننده چون فضل ابدودودمز

وله ایضا

* ای ازلی جانله جانانمز * — * عشق رخكدر ابدی شانمز *
* كعبه یوزكده بزه ای فضل حق * — * زلف ورخك قبله وایمانمز *
* وجهنه یازدی اوتوز ایكی حروف — * حكمتله منشیء اركانمز *
* صورتی چون احسن تقویم ایمش — * سنده ظهور ایلدی سبحانمز *
* صورك الله علی شكله * — * اشته نبینك سوزی برهانمز *
* مؤمنه حق دنیایی زندان دیدی * — * مؤمنه چوق قالمیه زندانمز *
* اویمدی عارف سوزینه واعظك — * دیوه مطیع اولمدی انسانمز *
* اول وآخرده یوزكدر یوزك * — * صورت الله ایله رحمانمز *
* كیمكه سجود ایلمدی حسنكه * — * دیولعین اولدی وشیطانمز *
* جان نیجه ترك ایلسه ای جان سنی — *چونكه جانك جانی سن ای جانمز
* عیمه سنسز تیكن اولدی جهان — * قنده سن ای تازه كلستانمز *
* تا بیله سن كیم نیجه در ای فقیه * — * آدم خاكی ایله احسانمز *
* هدهدی بلقیسه رسول ایلدی * — * نامه‌نی كوندردی سلیمانمز *
* جورله یاندردی نسیمی تی — * هم برایدی دوستله پیمانمز *

وله ایضا

* ای یوزی كل لبلری مرجانمز * — * ای كوزی نركس شه مستانمز *
* یوزیكه قارشو سجود ایلر ملك * — * سجده‌یه انكار ایدر شیطانمز *
* نون وعینك حق كتابیدر ولی * — * صورتك نقشی دررقرآنمز *
* خضر اكر ظلماتده استر آبنی * — * لبلركدر چشمهٔ حیوانمز *
* شول صفاسز صوفیء كوركیم نیجه * — * دم اورور بی معرفت حیوانمز *
* فاء ضاد ولامدر فضل آله * — * فضلنه قربان ایده لم جانمز *

✽ حکمینه تسلیم اولور جان و کوکل ✽ ✽ ای وجودم تختنه سلطانمز ✽
✽ ای نسیمی کوهرك خرج ایله ✽ ✽ اولمیجه مشتری جانانمز ✽

وله ایضا

عهده وفا قیلمدی یار وفادارمز | یار ایله کورکیم نیجه دوشدی عجب کارمز
عشق جمالك بنی کندویه محو ایلدی | اولدی تمام اوش بو کون عشقله بازارمز
غمزه لرك سربنی جانده دیدم صاقله‌یم | طشره براقدی آنی پرده‌دن اسرارمز
عشقه علاج استمه دردینه صبر ایله دور | کورکه نه درمان قیلور یار وفادارمز
کیمکه سنی سومدی عشقکه جان ویرمدی | بوقدر انك حقنده ذره جه اقرارمز
زاهد اکر عاشقه منکر اولور اول بیلور | حق بزه اولدی عیان قالمدی انکارمز
عهده وفا ایله کل تادیمسون مدعی | قول وقرار اوسننه دورمدی دلدارمز
باطنه کار ایلدی عشق رخك شویله کیم | طعنه اورر التونك رنکینه رخسارمز
کرچه نسیمی سوزك طادینی ویردی ولی | طاده کتوردی آنی لفظ شکربارمز

وله ایضا

✽ صورتك نقشینه خیال ایرمز ✽ ✽ کوزلرك آلینه آل ایرمز ✽
✽ شول قدر صافیدر ابك عینی ✽ ✽ کیم انك آبنه زلال ایرمز ✽
✽ بوکلی کورکه رنك وچهره سنه ✽ ✽ نه قدر آل ایدرسه آل ایرمز ✽
✽ کرچه آیی یوزیکه بکزدرم ✽ ✽ قاشلرك شکلنه هلال ایرمز ✽
✽ قامتك شویله معتدلدر کیم ✽ ✽ اعتدالنه اعتدال ایرمز ✽
✽ ای جمیل اللقانه دلبرسن ✽ ✽ که رخك حسننه جمال ایرمز ✽
✽ زلفی درجیم وقاشی دال ولی ✽ ✽ زلف وقاشینه جیم ودال ایرمز ✽
✽ نیجه کونش سن ای قرکه سکا ✽ ✽ تاابد ذره جه زوال ایرمز ✽
✽ ای نسیمی سوزك مفرحدر ✽ ✽ بو جهتدن سکا ملال ایرمز ✽

وله ایضا

سن بکا یار اول که کوکلم بردنی یار استمز | کوکلك دلداری سنسن اوزکه دلدار استمز
جنت عدنك کلستانی رخك کلزاریدر | کیمکه شول کلزاری بولدی اوزکه کلزار استمز
کوکلك مقصودی سنسن حاجتی حقدن بودر | حاجتندن آیرو کوکلم نسنه‌نه زنهار استمز
کل که سنسز کوکلم ای جان وجهانك حاصلی | کن فکانك حاصلندن اولدی بیزار استمز
صورمه ای دلبر بکا کیم حاجتك بندن ندر | چونکه معشوقندن ایرو عاشق زار استمز
چون اناالحق داربنی منصور اولان دراستیان | اولمیان منصور اناالحق لیس فی الدار استمز
استرم عالمده یارك سربنی فاش ایلیه | مدعینك جانی یارغمندن اغیار استمز

یوزینی بی پرده کورمك استرم دائم ولی　　منکرك عینی عمادر کشف اسرار استمز
استدی حقدن نسیمی وصلنی بولدی مراد　　مالك دینار اولدی کنج ودینار استمز

ولە ایضا

بکا سنسز جهان و جان کرکمز　　وصالك وار ایکن هجران کرکمز
لب لعلك زلال آبندن ایرو　　شراب چشمۀ حیوان کرکمز
غمکدر کوکلمك تختندە سلطان　　براقلیمە ایکی سلطان کرکمز
بتردردك دوامشتاقە نیچون　　کە دردك بیلە نە درمان کرکمز
کلستانك کلی سنسز تیکندر　　بکا سنسز کل وریحان کرکمز
کل ای عاشقلرك رضوانی حسنك　　کە سنسز عاشقە رضوان کرکمز
ایکی عالمدە دیدارکدن اوزکە　　بکا ای صورت رحمان کرکمز
وصالك شربتن ایچون محبە　　فراقك آغوسی چندان کرکمز
بکا صبر ایلمك سنسز نکارا　　اکر مشکل اکر آسان کرکمز
ازلدە قیلمشم عشقکلە پیمان　　بتون پیمان صنیق پیمان کرکمز
کسلمز کرچە وصلکدن نسیمی　　کوزندن اولدیغك پنهان کرکمز

ولە ایضا

کل کل کە سندن ایرو مشتاقە جان کرکمز　　مشتاقە سنسز ای جان ایکی جهان کرکمز
کلزارە سروە کوکلم میل ایلمز انکیچون　　قدکدن اوزکە ای جان سرو روان کرکمز
شون بی نشانی بولدم انك نشانی اولدم　　یوزك کورە نە ایرق نام ونشان کرکمز
کوردم سنی کمانسز هر دلبرك یوزندە　　حق الیقین کورە نە ظن وکمان کرکمز
چون واصل اولدك ایجان بزملە سن جهاندە　　اولدق وصالە قانع کون ومکان کرکمز
مشکین صاچکلە چونکیم ویردم ایکی جهانی　　اصی یە او غریانە قلجە زیان کرکمز
قاشیلە کوزی انك صید ایلدی جهانی　　صیاد الندە ایرق تیر وکمان کرکمز
شیرین لبك میندن چون اسردی نسیمی　　فاش اولدی سری پنهان شرح وبیان کرکمز

ولە ایضا

فراقی چکمین عاشق وصالك قدرینی بیلمز　　جمیلە اولمیان واصل جمالك قدرینی بیلمز
شب اسرادە قوسینك ایکی نصف ایلدی آیی　　بو معجزدن اولان غافل هلالك قدرینی بیلمز
طوداغك سلسبیلندن خبردار اولمیان غافل　　انك ماهیتی اوددر زلالك قدرینی بیلمز
مدور نقطۀ خالك بیك دن عینە قوندردم　　بیکسز قالسون اولکوز کیم بو خالك قدرینی بیلمز
خیالکدن کورن هرکیم براقدی اوزکە منظورە　　بو معنیدندر ای جان کیم خیالك قدرینی بیلمز
سنی سندن دیلر کوکلم نە دنیانك زرو کنجن　　کیم اولمالی سون خاسر بو مالك قدرینی بیلمز

کلام اللهی ای دلبر دنوك کر جدال اولدی
هر اکری باقدنك عینی بودالك قدرینی بیلمز

یوزکدر پرده اللهك یمینك کعبه سی بیتی
یمینی بیلین بیلکیم شمالك قدرینی بیلمز

نهالك اعتدالندن اوتانور سدره وطوبی
بوقدی بکزه دن سروه نهالك قدرینی بیلمز

کونش ماهك تمامندن زواله هر کون اوغرر چون
ندن شول آفتاب بی زوالك قدرینی بیلمز

نسیمی صوفه دکشردی غمکدن کیدیکی شالی
کیم اول صوفی صفاسزدر بوشالك قدرینی بیلمز

ولە ايضا

عالمده بو کون عهد بتون یار اله کیرمز
یاندردی تیکن باغرمی کلزار اله کیرمز

ای خسته کوکل کورنه دیرم بندن ایشت پند
دلداره حریص اولمه که دلدار اله کیرمز

ناقص محك اولدی قونك قلبی زغلدر
برسکه درست آریجه دینار اله کیرمز

تیماره کوکل ویرمه کل ای صبر وحکیم اول
درمانکی درد ایله که تیمار اله کیرمز

کل چهره سنك شمعنه پروانه کبی یان
انك کبی جان یاندریجی نار اله کیرمز

سیاره کبی سیرایدرم دائم انکله
شول سیرایدیجی کوکب سیار اله کیرمز

موسی کبی کر عاشق ایسك کوکلکی آرد
صاف اولمیجق آیینه دیدار اله کیرمز

ای آخرتك دارینه عاشق بوفنادن
کل کچ که بجن عرصده شول دار اله کیرمز

الفاظ نسیمی بوکون اول معجزه درکیم
بکزر اکا براؤلوی شهوار اله کیرمز

ولە ايضا

دردوغمیله یاندی کوکل یار بیلمز
چوق داروديار استدی دیار بیلمز

یارم دیجی چوقدرر اما بحقیقت
فرصت کلجك یار وفادار بیلمز

عادت بودرر کیم دلی دلداره ویررلر
دل کتدی الیمزدن ودلدار بیلمز

نیجه کشیلر دعوئ اسلام ایدر اما
تك آرده برخاجله زنار بیلمز

هر بی هنرانصابله منصوبلری طوتدی
صاحب هنره منصب وادار بیلمز

هر کیشیده برجبه ودستار اولور اما
بیك باشده بری لایق دستار بیلمز

طرار کر آلورسه قورختی روادر
چون قافله ده برکشی بیدار بیلمز

واردرده تحمل قیل وصبرایله جفایه
چون دل دلکی اندك وبسیار بیلمز

زرق ایشی ریاشده کساد ایلدی فضلی
علم اهلنه بررونق بازار بیلمز

واراوزیکی فاش ایتمه نسیمی کسنیه کیم
عالمده بوکون محرم اسرار بیلمز

ولە ايضا

کل ای دلبرنی کورکیم نیجه خوش یارم سنسز
اودندن آجی هجرانك صو ولدم قارم سنسز

خیالك کلمش ایحوری کوزم قارشوسنده طورده س
فراقکدن ینه باغرم خیاله باقارم سنسز

ابکی عالده مقصودم وصالکه اولمقدر
ضمیرم نتم اولمز حقان قن اچارم سنسز

امانسز فرقتك هردم بو ويران كوكلك شهرن ‏ اساس رسمنی یقارتە‌کیم یاپرم سنسز
صوارانجولرك شوقی كوزمدن آقیدر یاشی ‏ بوا‌ٔلومعدننددن كورنه مرجان صاچرم سنسز
كل ای محبوب روحانی كه هردم بو یغمدن ‏ فراقك حسرتی شوقك اپینی طاقرم سنسز
نسیمی جانی عشقك یولنده ایلدی قربان ‏ انك آدین بومعنیدن قایله یازرم سنسز

وله ایضا

لعلك می الست ایدی جام اولمدی هنوز ‏ خاصیدی صحبتم دخی عام اولمدی هنوز
ویرمشدم اكا دل ودین عقل وجانمی ‏ زلفی كمندی بویغه دام اولمدی هنوز
عشقك اودی بشرمشدی دراو اشلرم ‏ سوداسی كوكلك دخی خام اولمدی هنوز
دیداریكی تجلیده كورمشدی كوزلرم ‏ موسی ایله آراده كلام اولمدی هنوز
یوزك قتنده سجدهٔ نسبت قیلوردم ‏ آندن ایلری خلقه امام اولمدی هنوز
حسن رخك كتابی ختم ایلمش ایدم ‏ كوكدن رموز وحی تمام اولمدی هنوز
شول طفل كبی جانمه وصلك غدا ایدی ‏ فطرت كونده وجه نظام اولمدی هنوز
رضواندم ازل كونی اول روضهٔ كوروب ‏ حور بهشت ودار سلام اولمدی هنوز
ایرمشدی نسیمیه فضلك عنایتی ‏ كون ومكان صبحله شام اولمدی هنوز

وله ایضا

آخر زمانك فتنه سی شول كوزلری شهلایمش ‏ كل دوش انكسوداسنه كوركیم نه‌دوش سودایمش
عشقكده محواولدیجه حسنكده حیران اولدیجان ‏ ی كنت كنزك كوهری عشقك عجب دریایمش
دوشدی صاچك زنجیرنه آشفته كوكلم نیلسون ‏ زنجیره دوشمكدر ایشی هرقنده برشیدایمش
ای طوبیٔ آرزواین الچقلو همتلر كبی ‏ قدینی یارك آرزوله كیم طوبی دن اعلایمش
عشقكده ایجان نسخه سی غوغاده‌در عالم بوكون ‏ عالمده دائم حسنله عشقك ایشی غوغایمش
نسبیحله سجادهٔ عرض ایته اهل خاله كیم ‏ حبل المتین عاشقك شول زلف عنبرسایمش
شول آلی چوق آله كوزك كوكلم اوین یغمالدی ‏ یغماجی تركك عادتی هرقنده سه یغمایمش
دنیاده وعقباده چون همتا بولنمز حسنكه ‏ شواواحدی كوركیم نیجه بی مثل وبی همتایمش
كزدم وجودم شهرینی طولوطولو كوردم آنی ‏ هریرده چون سنسن عجب آدك ندن بیجایمش
چیقدی نسیمی نك سوزی معراجه الخلق حسن ‏ كل كل كه سبحان الذی اسرایه خوش اسرایمش

وله ایضا

ای جمالك نور سبحان الذی اسرایمش ‏ عبده لیلا طپوكدر مسجد اقصایمش
سوزلریكك هربریسی نفخهٔ روح القدس ‏ لبلرك معنی ایله یحیی الی الموتایمش
النكه یازدی خدا انا فتحنا سوره سن ‏ قاف والقرآن یوزكدر سدرهٔ اعلایمش
عارضكله ایكی زلفك لایزالی كورینور ‏ معنیٔ سبع المثانی علم الاسمایمش

ایشکك عاشقلره بیت الحرامك مروه سی — کعبه یوزك اولدی زلفك عروة الوثقایمش
طلعتك نور تجلی والضحانك مظهری — قاب قوسین اولدی قاشك زلفك اوادنایمش
ای نسیمی چونکه کلك وحدتك دریاسیدر — یدی دکز قبه سینه موج اورن دریایمش

وله ایضا

ای جنتك خندان کلی آچی فراقك خارمش — مشتاقه دردلك سنسز بن والله که کی دشوارمش
سنسز کر کمز کن فکان ای صورت رحمن بکا — عشق اهلینك مقصودیچون کون مکاندن یار
موسی تجلی نورینی کورمك تمنا ایلدی — مقصودی معلوم اولدی کیم حقدن انك دیدار
حقله یار اول یار بیل یاد اولمه حقدن عارف اول — شول مدعی کیم حقله یار اولمدی اغیارمش
کرطانمش سن نفسکی کرچك بیلورسن ربکی — حقدر سنکله غمیمه نیچون که حقك یارمش
منصور انا الحق سویلدی حقدر سوزی حق سویلدی — انك جزاسی غم دکل بیکانه دن کردارمش
قالو بلانك عهدینی اونتمز اونتمه کیم — ایمان وتوحید اهلینك شو عهد وشول اقرار
منکر اینانمز حقه کرعیب ایتمه آنی فارغ اول — شول معنیدن کیم منکرك دائم ایشی انکارمش
توحیده کلمز مشرکك قلبی وعینی احولك — سن شولمو حدلردن اول کاوی اولو الابصارمش
کلکون یکا غکدن بکا کشف اولدی ای بدر دجا — کاهل وفانوك جنتی شول باغ وشول کلزارمش
هر زاهدك کیم تسبیحی شول زلف پرچین اولمدی — ذکری هبا وهرزه در سجاده سی زنارمش
حق صورتندن کوز یومر زاهد ندر بیلمزم — شولکری چوق شیطان کبی حقدن مکر بیزار
عارف قتنده دینك مقداری بو قدر ذره جه — میزانه چك مقدارینی کور کیم نه بی مقدارمش
نطق نسیمی نك یقین الله نورك شرحیدر — هر کیم بو سوزی بیلدی بیلکیم نصیبی نارمش

وله ایضا

❁ جعد زلفك عنبرافشان ایلمش — نافهٔ چینی پریشان ایلمش ❁
❁ جان ودل هردم نیجه طوپ اولمیه — چون نکارم زلف چوکان ایلمش ❁
❁ زلفی طاغتمش رخ اوزره اول صنم — کافر چین قصد ایمان ایلمش ❁
❁ عاشقك قاننه باندرمش السین — کور بو چوق دستان نه دستان ایلمش ❁
❁ کوزلری قاشی اناالحق چاغیرور — کور بوسری کیمده پنهان ایلمش ❁
❁ حسن ایچنده کورممش مثلك فلك — بونجه دورانی که دوران ایلمش ❁
❁ عید اکبردر نسیمه بو کون — جانی شول ماهه قربان ایلمش ❁

وله ایضا

❁ حرامی کوزلرك یغمایه دوشمش — زهی جادونه خوش سودایه دوشمش ❁
❁ ندن دوشمش معنبر زلفکه تاب — مکر شول وجهلن کیم آیه دوشمش ❁
❁ کورك بو سنبل هندو صفت کیم — نیجه خورشیدله همسایه دوشمش ❁

اياغكدن صاچك باشن كتورمز ❊ جنانى كورنه عالى پايه دوشمش
چمن سروينى اكه طويدن كچ ❊ كه كوكلم شول قدر بالايه دوشمش
مى وشاهد بوكون شكسز حرامدر ❊ اكا كيم قصهٔ فردايه دوشمش
كوزمدن انجو ديشلرك خيالى ❊ كورن ايدر كهر دريايه دوشمش
نه فتان سن كه جمله سندن اوترو ❊ جهان اوجدن اوجه غوغايه دوشمش
انا الحق چاغرر چنك ودف ونى ❊ يلانجى لا الا الايه دوشمش
قرار ايتمز كوكل زلفكدن ايرو ❊ بو سر كردان اوزون سودايه دوشمش
يكاق اوزره صاچك طاؤسه بكزر ❊ كه سيرى جنة الماوايه دوشمش
نه شيرين نقطه دركيم اول قلمدن ❊ طامپ شول لعل روح افزايه دوشمش
نسيمى اولدى قربان قاشك ايچون ❊ نه قربانكه قاشك تك پايه دوشمش

وله ايضا

لبكه اهل نظر جان ديديلر كرچكمش ❊ اغزيكه نقطهٔ پنهان ديديلر كرچكمش
لعلكى خطكله صور منشم ارواحه انى ❊ خضرله چشمهٔ حيوان ديديلر كرچكمش
آدمك صورتنه سجده قيلانلر كه سنى ❊ عرشله صورت رحمن ديديلر كرچكمش
ديديلر قامتكه سدره كمال اهلى ولى ❊ خلق آنى صانديكه يلان ديديلر كرچكمش
صورتك منكرينه علمله ايمان اهلى ❊ اكا كيم ديوله شيطان ديديلر كرچكمش
جنت اهلى كه يوزك باغنه اى جنت وحور ❊ روضهٔ خلدله رضوان ديديلر كرچكمش
قلمك سرينى حقدن بيلن اول طائفه كيم ❊ عنبرين خطكه ريحان ديديلر كرچكمش
معجزات اهلى كه يازوسيله صورتكه ❊ لوح محفوظله قرآن ديديلر كرچكمش
اى نسيمى كه نظر اهلى وجودك اوينه ❊ لامكان كنجنه ويران ديديلر كرچكمش

وله ايضا

دولتك دورانى كلدى دردهٔ درمان بولدم اوش ❊ شوقه يانمش جانه حقدن آب حيوان بولدم اوش
كفرم اول ماهك قرا صاچيدر ايمانم يوزى ❊ اى بيلن ايمان كفرى كفر وايمان بولدم اوش
ايلدم كوكلده مأوى شول جمالك كنجى كيم ❊ كعبه نك كنجى بودر شول كنجه ويران بولدم
اى بنى دعوت قيلان يارن كونك جناتنه ❊ بن بو كون شول خاك دركاهى كلستان بولدم
اى بهشتك حورى سن آرزولين كور شول مهى ❊ كيم ملك انسانله حسنكده حيران بولدم اوش
زلفنك شامنده يعنى ليلة القدر وبرات ❊ طلعتى شمس ضحانك ماه تابان بولدم اوش
كرپكى قاشى صاچى قرآندر انك يوزى لوح ❊ مصحفى ايترمه اى حافظ كه قرآن بولدم اوش
كراينانمز سك كه آدم مظهر يدر تكرينك ❊ حق تعالانك سوزندن نيجه برهان بولدم اوش
اى قاشك محراب يوزك قبله ايمان اهلنه ❊ بن انك قربانى اولدم عيده قربان بولدم اوش

ای نسیمی دلبرك وجهی كلام الله ایمش	بن انك وجهنده بسم الله الرحمن بولدم اوش

وله ایضا

ای جمالك صفحه سنده ختم قرآن بولدم اوش	صاچكك هر تارسنده كفر وایمان بولدم اوش
چون هدایت ایلمش حق یوزیكه نوری ازل	شول سببدن كیم یوزكده نور برهان بولدم اوش
صورتك مصحف در ای دلبر یوزك بدر منیر	طلعتك شمس وضحادر ماه تابان بولدم اوش
ای سكز جنات عدنی عرض ایدن زاهد بكا	بن بو كون یارك جمالنده كلستان بولدم اوش
جورینه قیلدم تحمل صبر ایدوب یارك مدام	درده درمان آندن اولدیدرده درمانبولدم اوش
ای نسیمی وجه اللهك كلامی در یوزك	كیم بو وجه الله ایچنده فضل رحمان بولدم

وله ایضا

نه سدره در كه بویكدن قیامت اولدی فاش	كورك قیامله قدن بوسدره نك شاباش
زهی ترابله عقد ایلیان یلیله اودی	زهی صواوسته یازن بو صورتی نقاش
كیمككه عشقله باشی ازلده اولمدی خوش	خوش اولمسون ایكی عالمده اول بقاسز باش
كیمك كه عشق حقیقتدن اولمدی جانی	سن آدمی دیمه اكا انك آدی در طاش
سجوده كلمدی الا بو معنیدن شیطان	كه تافقیه خطا ینله اوله دین داش
مراده ایرمیسر كیمسه حق سزای غافل	كر كسه شاه جهان اول كر كسه اول ییك باش
كیمك كه اولدی نصیبی ازلده حقدن عشق	اكا نه شربت ومعجون كرك نه اتمك واش
فراش ومفروشه فخر ایتمه عاشق اول عاشق	كه عاشقك ایشكنده ملكدر فراش
قچان طوطاش اولیسر آخرتده اول حقه	كیم اولمدی بو جهانده انكله طوطاش
قلندرك صفتی در فنایله تجدید	قلندر اول ایكیلكدن مجرد وقلاش
شراب وشاهد وصوفی قچان حریف اولیسر	بورسمه آله بو یاتمش بو آل چوق قلماش
یوزكدر ای صنم اول مصحف الهی كیم	بیلندی خط سیاهنده هم قوریله یاش
نسیمی نك سوزی چونكیم بهالو كوهردر	بو رسملن نه ایچون در كه صاترانی بلاش

وله ایضا

كرچك حدیثش بو كه خوبك وفاسی یوق	كیم سودی خوبی دیدی خوبك جفاسی یوق
عشقك بلاسی یوق دیین عشقه دوشمه وار	كیم عاشق اولدیكیم دیدیعشقك بلاسی یوق
انك كه حج اكبری ای جان سن اولمدك	بیت الحرامه وارمش انك صفاسی یوق
شیطاندر اوانكه صورتكه قیلمدی سجود	دوشدی بورنج ودرده كیم انك دواسی یوق
شول جان كه سندن اوز كه طلب ایتمدی مراد	هجركده یاقبن انی هردم رواسی یوق
یارب نه شوقش بومهك یوزی كیم انی	یوزی قتنده شمس ضحانك ضیاسی یوق
بیمار عشقه جان ویرای جان لبك ولی	منكر مسانور كیم اول شفتینك شفاسی یوق

كل كل

كل كل بروكه صوم وصلالك قضاسى چوق
سنسز كچن زمان وصالك قضاسى يوق

عينك خطاسز اى بت چين دوكدى قانمى
ترك خطادر اصلنه وارر خطاسى يوق

فانى جهانه باقه كچر عمرى سومه كيم
عمرك زوالى وار وجهانك بقاسى يوق

يارك كلور همېشه جفاسى نسيمى يه
سن صانمه كيم نسيمى يه يارك عطاسى يوق

وله ايضا

* ايكى عالمده سن سلطان مطلق
فتحنا شانكه كلدى محقق *

* جمالك والضحى والليل زلفك
سنك وصفكده در آيات مطلق *

* منزلدر سكا طه ويس
قمر اولدى جمالكدن مشقق *

* سنك عشقك بنى بندن الوبدر
صالوبدر بحرينه ماننـد زورق *

* بقا اولدم فنادن فانى اولدم
بقادن ايچمشم جام مروق *

* ازلدن ايچمشم جام سقاهم
انكچون سويلرم هردم انا الحق *

* نسيمى يه ازلدن جرعه صوندى
انكچون ذوالحيات اولدى محقق *

وله ايضا

زهى وجود مطهر زهى عناصر پاك
كه خاك اولور قدمنده كواكب افلاك

زهى مسافر معراج سيد الثقلين
كه باصدى عرشله فرش اوستنه قدم چالاك

انك صفاتنى اوقور جليل وحى قديم
لماخرجت من العشق آية الافلاك

انك ثناسنى اوقور وحوش وجمله طيور
انك مداحنى سويلر دكز ديبنده سمك

زهى سراجه تركيب مجمع البحرين
بيان شانكه كلدى هم آيت لولاك

زهى كه شمس وقمر سجده قيلدى عارضكه
اوقيديلر دون كون مستزاد صورت پاك

بوصف صورت آدم بحسن سورهٔ يوسف
بخلق بحر محيط وبعلم عالم پاك

بحق سورهٔ طه بحق سورهٔ فتح
بحق احمد ومحمود بصنع خالق پاك

وله ايضا

جانا يوز استواسنه شق القمر كرك
اول معجزك بيانه خير البشر كرك

موسى صفت تجلى ديدار ايچون بكا
حسنيله قامتك كبى طور وشجر كرك

احيا قيلورا كرچه دمك اولو اى صنم
خلوت نشينه شاهد وشمع وشكر كرك

باشمى طوپ ايدوب بنه ميدانه كيرمشم
ميدانه كيرمكه بنه مردانه ار كرك

هر بى نظر سكا نيجه يول بوله كورمكه
اوچاقده رؤيته دخى اهل نظر كرك

ناپاك اولان سنك نه بيلور قدر وقيمتك
ذاتنده آدمك دخى ارى كهر كرك

قسمت نسيمى اولميه جق پاره كيم ايرر
پاره ايرشمكه بنه ياردن خبر كرك

وله ایضا

❊ حسنکه حیران در رحور وملك — عشقکه سر کشته در دائم فلك ❊
❊ وصلتك بکا میسر اولمدی — نته کیم بولکده چکدم چوق امك ❊
❊ بن قوله رحم ایتدیو چوق کزدیدم — کچمدی طابك قتنده بر دلك ❊
❊ حسرتکدن غم یریسم بن نوله — عاشقك دائم ایشی در غم یمك ❊
❊ شول شکر دلدن روامیدر شها — بن محبد سن آجی سوز سویلمك ❊
❊ کوزلریمك بحرینه غرق اولمسم — نته کیم سیر ایدرم منل سمك ❊
❊ ای نسیمی عاقبت وارریله — بی وفا ییله یسان نان ونمك ❊

وله ایضا

عالمی قبلدی منور شول یوزی ماهی کورك — قدرة الله در جمالی قدرة اللهی کورك
خوبلرك شاهی ازلدن شول صمدر تاابد — دولت حسنی مخلد خوبلرك شهی کورك
مؤمنك مرآتی مؤمندر دیدی خیر البشر — کوزکوبی صافی ودتك کوز کوده اللهی کورك
زاهدك مطلوبی جنت عاشقك مطلوبی دوست — زاهدك رأینه باقك عاشقك راهی کورك
رازمی فاش ایتدی آهم عالمه چیقدی بنی — عاشقی رسوا قیلان شول پرده در آهی کورك
خاك درکاهندن اولدی هر بصیر تلو بصیر — ای نظر اهلی کلن شول خاك درکاهی کورك
زلفله رخساریکی هر کیمسه کیم کوردی دیدی — شامله بر یرده جمع اولمش سحرکاهی کورك
پیر کنعانك عزیزی مصر حسنك یوسفی — یوزینه باقك زنخدا نندهکی چاهی کورك
کوزلری قاشی رخی زلفی چریدر حسنك — لشکری یغماجی شول فتان شهنشاهی کورك
عنبر افشان جعد زلفك آرزولر کو کلمز — شول اوزون اندیشه اونك دست کوتاهی کورك
دلبرك یولنده خاك اولدی نسیمی نك ادی — حقه منت شول فقیرك حشمت وجاهی کورك

وله ایضا

بهار اولدی واچلدی یوزندن پرده کلزارك — ایریشدی غنچه نك دوری زمانی قالمدی خارك
کلستان طور قدس اولدی بهارك نور ونارندن — کل ای موسی کور آنارن شجردن نورله نارك
فرحدن غنچه نك کلکون یکاغیکادی اچلدی — که منظوری ینه کلدر چنده بلبل زارك
چچکلر مختلف الوان نه معنیدندر انی بیل — بو یاجی بیرمش چونکیم بو انوارك بو ازهارك
عبیرندن چمن کور کیم نه طیب آفاقه کوندرمش — کیم اولمش بوی عطرندن مشامی تازه عطارك
نه عنبر در توتان یارب شقایق مجمرندن کیم — که بو یندن انك قدری سچلمش مشك تاتارك
کل ای سیمین بدن ساقی بکا صون جام صهبایی — که کلدی رونق وکلدیمی کلرنك خمارك
اکرچه سنبل ونرکس بیان کنت وکنز ایلر — قچان بلهم اضل بیلسون اشاراتك بو اسرارك
بو کونکر عالم الغیبك وجودنکورمك ایسترسن — ریاحین اوش بیان ایلر ظهور چرخ سیارك

بوموسیقیدن ایسامع سکا کرنسنه کشف اولدی مقاماتك بیان ایله اصولك کوستر ادوارك
اکرسوسن لین ابکم دکلسك نسنقه کل سویله بوحرف ونقطه ترکیبی نه یردن در بو کفتارك
جهانجنات عدن اولمش انك صحننده حوریلر برنمش حله دن بستان کوزی آچلمش اشجارك
بو کون بازار ایدر کلشن سمندن لاله وکل دن غنیمت کور که پش کوندر تماشاسی بو بازارك
نسیمی نك سوزی کرچه دم عیسی درای منکر سکا کار ایلمز نیچون که یوقدر حقه اقرارك

﴿ وله ایضا ﴾

یتوردك جام جمشیدی اویان اویقودن ای غافل نه بولدك اویقودن کوستر نه قیلدك اویقودن حاصل
مکر حقدن زیان کوردك که باطل قوله یاپشدك چوردك یوزیکی حقدن صاقنکیم حق دکل باطل
عزازیلك سوزن طوتمه انك وسواسنه اویمه که ابلیسه اویان اولمز کوکل مقصودینه واصل
وفاسز دنیانك مهرن کیدر کوکلکدن الدائمه که دنیا اهلنه هرکز مطیع اولمز دیدم اوش بیل
بوطاق وطمطراقی قو که دورانی بودنیا نك اگرچه هر نوعله دنسك کرك آسان کرك مشکل
بلانجی نفسه اویمشسن قوارسن دینه بی نیچون مکر حق اوتمش سن که اولدك دنیایه مائل
مسیحی ذاتکن بالله ندن دیو اولمق ایسترسن مکر جنی در راصلك دکلسن رحمته قابل
صدفخاص اولمز انجوسز بورمزی اکله فهم ایله بوسری بیلمین بیلکیم نه خارج اولدی نه داخل
بو کفتارك اشاراتی در یندر عقل اکا ایرمز نه بیلسون اولمین مجنون که لیلی کیمدر ای عاقل
نیجه مفعول وفاعلدن نیجه مسؤل وسائلدن اکر داناسن انی بیل که سنسن مطلقا فاعل
اکر کوزلوسن ایکوزلو وجودك شهرینه کیر کور نه معدنسن نه کوهرسن نه خوشدریاسن نه خو
وجودك شرکنی محوایت وجود واحد فرد اول وجود فرد واحددن بو مسؤل اولدی اولسائل
نه آخرسنس اولکوهرکیم الك کزلو کنج اولدی ندر حالك کیم اولمزسن اوزندن واقف ای زائل
هواجامندن اسرکسن هوس اردینه دوشمشسن بواغولو شرابی قوکیم اولدر شربت قاتل
نسیمی سرما اوحی کاهی کرچه شرح ایلر اگرچه ان ادراك ایدرانی اوزینی بیلمین جاهل

﴿ وله ایضا ﴾

یوزیکی بندن نهان ایتمك دیلرسن ایتمکل کوزلرم یاشن روان ایتمك دیلرسن ایتمکل
برك نسرین اوزره مشکین زلفکی سن طاغیدوب عاشقی بی خان ومان ایتمك دیلرسن ایتمکل
قاشلرك قوسنده مژکانك خدنکن کزلیوب ای کوزی مستانه قان ایتمك دیلرسن ایتمکل
جانمی وصلك شرابندن آیردك ای کوزم عینمی کوهرفشان ایتمك دیلرسن ایتمکل
قویمشم عشقکده بن کون ومکانك وارینی جان ندر کیم قصد جان ایتمك دیلرسن ایتمکل
برقعی یوزکدن آچارسن مکر نامحرمه کیزلو اسراری عیان ایتمك دیلرسن ایتمکل
یاندررسن کوکلمی عشقکده معلوم اولدی کیم انی رسوای جهان ایتمك دیلرسن ایتمکل
طوغریم عشقکده اوخ تك کر بکك طانقدرر قدمی نیچون کمان ایتمك دیلرسن ایتمکل
چونکه عشقك مسکنی در کوکلمك ویرانه سی حسرتا انی مکان ایتمك دیلرسن ایتمکل

چون یقین بیلدی نسیمی اغزنك وار اولدیغن　　اول یقینی سن کمان ایتمك دیلرسن ایتمکل

﴿ وله ایضا ﴾

زلفکی عنبرفشان ایتمك دیلرسن ایتمکل　　غارت دین قصد جان ایتمك دیلرسن ایتمکل

برقعی طرح ایلمش سن ای قریوز کدن اوش　　فتنهٔ آخر زمان ایتمك دیلرسن ایتمکل

خط وخالك منطق الطیر در اهل وحدتك　　قوش دلی سن ترجمان ایتمك دیلرسن ایتمکل

چون انا الحقدن کتوردی صورتك ماهی نقاب　　سن حق نیچون نهان ایتمك دیلرسن ایتمکل

صورتك کنج خفی در کوستر رسن کوز کویه　　عالمی عین عیان ایتمك دیلرسن ایتمکل

غمزه‌دن مصری قلج ویرمش سن اسرك ترکه کیم　　قان بهاسز نیجه قان ایتمك دیلرسن ایتمکل

کر پکندن جان سکارا وقلار دیرمش سن مکر　　قاشلرك یاین کمان ایتمك دیلرسن ایتمکل

باده ویرمش سن پریشان زلفکی سن طاغیدوب　　جالری بی خان ومان ایتمك دیلرسن ایتمکل

لاتحرك آیتی کلدی بیانك شاننه　　اول بیانی سن بیان ایتمك دیلرسن ایتمکل

ای نسیمی حقدن ایسترسن کتورمك پرده‌یی　　بت پرستی بی کمان ایتمك دیلرسن ایتمکل

﴿ وله ایضا ﴾

کرچه عینمدن نکارا صورتك پنهان دکل　　فرقتندن یانرم کیم وصله آسان دکل

ای کوکل نادان قتنده رازکی فاش ایلمه　　اهل عرفاندر بورازك محرمی نادان دکل

جهلکی رفع ایله ای جاهل الهی طانی کیم　　جهل ایمش جهل اول مرض کیم قابل درمان

نفسنی اولدرمیان کر بیژن وسهراب ایسه　　پهلوان اولمزادی هم رستم دستان دکل

ای کوکل دار السلامی دنیانك لذاتنه　　صاتمه کیم شول بی بهانك دوری جاودان دکل

خضرله عیسی نکارا بولدی وصلکدن حیات　　لعلکی کیمدر دین کیم چشمهٔ حیوان دکل

حق سور خوبی نه معنیدن بن نی سومیم　　سومیم شول نسنهٔ کیم حق دیدی انسان دکل

صورتك عشقی کیمك کیم قالمدی جاننده کار　　شول کزن جسمندکی معنیده جندر جان دکل

کرچه آسان در ای جان دیر عشقکی هر بیخبر　　کیمکه شول سودایه دوشدی بلد کیم آسان دکل

آرزومند اولدی کوکلم وصلنه یارك ولی　　بو یر وغی تقدیره کچمز حکمنه فرمان دکل

عشقله میدانه محکم ارکر کدر کیم کیره　　هر هنرسز همتی سستك یری میدان دکل

ای که سلطان اولمق استرسن فقیر اول کیم فقیر　　کیم که سلطان اولدی درویش اولدی سلطان

کرچه یکرکدر وفادن سندن ای دلبر جفا　　سن وفا وسن وفا قیل کیم جفا چندان دکل

ای بکا هردم دین کیم باقه خوبك یوزینه　　عاشقك آخر کوزی وار اولقدر نادان دکل

طوتمه شیطان رجیمك قولنی رحمانه اوی　　کیم اویان شیطانه چندر تابع رحمان دکل

عشقله جان یوقدر اول بی معرفت حیوانده کیم　　صورتك نقشنده دائم واله وحیران دکل

ای نسیمی چون یقین ایمانمش ایمان یقین　　هر شهادت کیم یقیندن طشره‌در ایمان دکل

﴿ وله ﴾

وله ایضا

یارك جفاسی جمله وفادر جفا دكل — یاری جفا قیلوردین اهل وفا دكل
معشوقی هرنه قیلسه روادر محبته — الافراق اودینه یاقمق روا دكل
هر كیمسه‌نك كه قبله‌سی ای جان سن اولمدك — ایراغه دوشدی كعبه‌دن اهل صفا دكل
عشقك اكرچه آدینی عاقل بلا قومش — نعم البلادر اهلنه بئس البلا دكل
فانی جهانده‌ای كوكل اول وحدت اهلیكیم — یوزبیك بلا ومحنته مبتلا دكل
صبرك شرابی كرچه مفرحدر ای حكیم — عاشقلرك دواسی بو آجی دوا دكل
ای سومه اهل حسن وجمالی دین بكا — كورمز كوزك بوكوزی عجب كر عمی دكل
صورتده آدم اوغلی ومعنیده دیو اولان — اولدر كه حقی طانیمامش آشنا دكل
ای عاشقك دمنیه صوصامش بت خطا — فسخ عزیمت ایتمه كه فكرك خطا دكل
صورتده كرچه بكزشی چوقدر نسیمی‌نك — معنیده آدی هر حجرك كیمیا دكل

وله ایضا

صوصادم وصلكه ای چشمهٔ حیوان بروكل — یاقه هجركده بنی نیجه كل ای جان بروكل
فرقتك شربتی آجی در آنی ایچمزم — ای لبك كلشكری دردمه درمان بروكل
عاشقك طاموسی یاردن ایراغ اولدیغیدر — ای جمالك ارم روضهٔ رضوان بروكل
عنبرین سنبل زلفك دوشه‌لی بندن ایراق — قاتی آشفته‌ام ای زلف پریشان بروكل
كوكلمك حسرتی كوزیاشینه غرق ایتدی بنی — نیجه اغلتمه بنی ای كل خندان بروكل
كوزمك یاشی اقار باشمه طوفان كتورر — ای پری چهره بویی سرو خرامان بروكل
كربكك شوق اوقك بغرمه‌ای جان اوره‌لی — یوركدن كوزمه هردم اقار قان بروكل
فرقتك قهری بنی یاقدی وانجتدی عظیم — مددك قنده درای رحمت رحمان بروكل
عالمی طوتدی بوكون حسن رخك دستانی — آفرین حسنكه ای فتنهٔ دوران بروكل
زلف ورخساركی كورمك ایكیچون لیل ونهار — اوقرم سبع مثانیله قرآن بروكل
ایلدی جانی چون عشقه نسیمی تسلیم — نه زیان ایلرا كا قیدیله زندان بروكل

وله ایضا

فرقت ایچنده یانرم دردمه ایله چاره كل — یاره لو اولادم اشته كور بغرم ایچنده یاره كل
صبرمی غارت ایلدی قاپدی قرارمی غمك — نیجه جفای كورغمك قلدی بوبی قراره كل
غمدن اكرچه فرقتك بیك چریكدی اوستمه — سن بكا بس سن ای صنم قورقمه ویك سواره كل
دوشدكیم ایروسندن اوش یار اوداولدیجانمه — ای كوزمك چراغی سن یاقمه بنی بوناره كل
زلف ورخك وصالنه صوصامش ای قمر كوزم — ای قمرك قنده یوز آیله كون ستاره كل
محنت ایچنده غرقه‌یم فرقتكه اولاشه‌لی — چك صنما بو ورطه‌دن زورقی كناره كل

بندن آيرمه وصلكی نيجه كه شاد اولور عدو / يوره كنى عدولرك يارەلو ايله يارەكل
دوشمه‌سم آه وناله يه سندن اولەلی ايرو بن / كورمه روا بو حالمی قويمه بو رسمه كارەكل
منتظر اولدی وصلكه حسرت ودردنجو قكوكل / خوش دكل آنی ياندرب وعده وانتظارەكل
جانم ايچنده كزلرم مهركی اوصاجك كبی / شوق رخكدن ای پری بردەسی اولدی پارەكل
جان وتن نسيمك سنسن وسندن اوز كه يوق / اول كه نه سنسن آنی كوروار يسه آنده آرەكل

وله ايضا

فرقتك ياندردی بغرم يوره‌كم قان اولدی كل / كل كه ديدارك بو صبر وجانه درمان اولدی كل
دنيانك نازو نعيمی باغ و بستانی بكا / سنسز ای سلطان خوبان بندوزندان اولديكل
استدی لعلك فراقی جانمی ياقىق ولی / شوقه يانمش جانه حقدن آبحيوان اولدی كل
اول كوكل كيم دايما ايشی سنكله وصل ايدی / ياندی شوقكدن اسيرودرد هجران اولدی كل
جانمك جانی وصالكدر وصالكدن آنی / تا كيم آيردی فلك بيچاره بی جان اولدی كل
عاشقك باغ وكلستانی يوزك كلزاريدر / قنقی كلزارك ايدی كلسز كلستان اولدی كل
معجزاتندن يكاغك محكماتندن صاچك / خاروخاشاك جهانك وردوريحان اولدی كل
هجر بی پايانه شوقك جانمی غرق ايلدی / كورنه بيداد ايلدی هجرك نه طوفان اولدی كل
جنتك صحنده طوبی واله واشفته حال / قامتك حسنيله ای سرو خرامان اولدی كل
چون نسيمی سندن ايرو ايلديكيم بو قدر وجود / كفر وايمانو وصلو هجران جمله يكسان اولديكل
تابنی تقدير يزدان ايلدی سندن جدا / كوكلمك حالی پريشان وشديخيران اولدی كل

وله ايضا

فرقتك دردندن ای جان يوره‌كم قان اولدی كل / كوزلرم ياشی جهانی طوتدی طوفان اولدی كل
جانمك وصلوكله حقدن اتصالی واركن / دولت وصلكدن ايرو دوشدی هجران اولدی
چكدی مشكين زلفكی آلدی الدن روزكار / شول سببدن كوكلمك حالی پريشان اولدی كل
كرچه بندن صورتك غائبدر ای حوری جمال / صانمه كيم كوزدن جمالك نقشی پنهان اولدی
فرقتك شول ايردمش جانمه كيم هر كيمسه كيم / فكرنه دوشدی بو دردك عقلی حيران اولدی
بندن ايرو دوشديكك آغولر ايچردی بكا / وصلتك ترياقی قانی وقت احسان اولدی كل
خضر اكر ظلمتده استر چشمهٔ حيوانی / صوصامش مشتاقه لعلك آب حيوان اولدی
كرچه خندان ايدر فرحدن اغزی آچمش كلك / عندليبك كوزلری كور كيم نه كريان اولدی كل
يار جور ايتمش نسيمه رواد ركوراكا / اوز نكاردن جدا زنجير وزندان اولدی كل

وله ايضا

نطق الله بنم كه ذاته يم / وحده لا شريك صفاته يم
واحدم سز جمله اشياده / كن فكان صيد كائناته يم

اوقوكنز حی لایموت بنی — كه مماتی اولمزم حیاتله یم
نه اولورم نه خود اوله سیم — ازلیدن برو نجاتله یم
فاعل مطلقم حقم حق اوش — كیمسه بیلمز كه نه صفاتله یم
روح محضم كه دوشمشم بو یره — معجزم بنده معجزاتله یم
سو ام بو درت طبعله — آیت كل كائناتله یم
كوهر لامكان بنم بن اوش — قدره ایردم بو كون براتله یم
نسیمی حقی بیلنلر چون — بلمینلره مشكلاتله یم

ولە ایضا

وحده لاشریك له شبهه سز اشته ذاتم — یعنی ابتدا سز ذاتم وهم صفاتم
قاینادی كرتنورم عشقله جوشه كلدی — كوربو طوفان ایچنده نوحم وهم نجاتم
كرچه تراب وصویم معنیده ای خبیثه — بیلنكه ایكی جهانده طبب وطاهراتم
نور نهار ولیلم كشفم ایكی جهانده — قدره ایرشدم اشته قدرم وهم براتم
ابجدم وهجایم حرفم وسطر كاتب — لوحم وهم مركب كاتبكم وهم دواتم
فاعل مطلقم بن حقله یم حقم بن — دعویده جسم مفعول معنیده فاعلاتم
حقدن اینن كلامم یعنی كه لام وبادن — علم وكتاب وحرفم آیات وبیناتم
قبله یم وهم امام كعبه یم ای صفاسز — صومم وهم صلاتم عیدم وهم زكاتم
مشرك اولوب بو كوكا بخمه غل ای یقین سز — آیت فتح بابم سورهٔ مرسلاتم
نسیمی كه هر شی كلی محیط اولدم — هم بیلنه حل اولدم بلمیانه مشكلاتم

ولە ایضا

صورت رحمن بولدم صورت رحمن بنم — وحی مطلق حق كلامی قاف والقرآن بنم
هم بنم آنست نارا سرینی فاش ایلین — هم خلیل اولدم بوناره موسئ عمران بنم
هم سكندر هم عیسی ام هم بنم آب حیات — هم حیات خضری بولدم چشمهٔ حیوان بنم
هم محیطم هم كنارم هم صدف دردانه ام — هم بو بحرك كوهری هم كوهر عمان بنم
هم خیالم هم جمالم هم صفاتم هم صفت — هم نقوشم هم بو نقشه واله وحیران بنم
ظلمت وموت وحیاتم هم مماتم هم نبات — مؤمنه نوح ونجاتم كافره طوفان بنم
هم علاجم هم طبیبم هم شفایم هم صحت — هم بو رنجك رنجیم هم دردنه درمان بنم
مصحفم حرفم حروفم هم كلامم هم كلیم — هم كلام ناطقم هم حقدن اوش برهان بنم
ساقیم شمعم شرابم هم خمارم هم خمیر — سلسبیلم ساقیم هم ساقیه پیمان بنم
هم صلاتم هم زكاتم هم بنم زرق وریا — هم ایمان توحیدم وهم شعلهٔ ایمان بنم
هم نعیمم هم رحیمم هم كریمم هم كرم — هم نعیم خلدم وهم جنت ورضوان بنم

ای نسیمی حق بیل وحقه اقرار ایله کل | چونکه انسان وبشرسن حق دین سبحان نم

وله ایضا

کرچه فراقه دوشمشم عین وصال ایچنده یم | کل نظر ایله حالمه کور که نه حال ایچنده یم
وصل رخك زلالنه صوصادم ایشته یانرم | کوزیمه باق وکورنیجه آب زلال ایچنده یم
نقش خیال صورتك صانمه که بندن آیره | چون بوخیال ونقشله نقش وخیال ایچنده یم
خرم ایدر امیدله وصل رخك بنی ولی | وصل ایرشنجه جانمه حزن وملال ایچنده یم
زلفله قاش وکرپکك ایجدجیم ودالمش | بن بوحروف شکلیچون جمیله دال ایچنده یم
طالع وبخت ویلدزم کوکب نحسه اوغرادی | ای شرفم سعادتم کل که وبال ایچنده یم
وصلکه ایرمك استرم کرچه که عینیم انك | بندن آنی کیم آیره فکر محال ایچنده یم
سن بنم اولدیغك شهادتمنه ظاهر اولمامش | مکرله بو معنیدن قیل وقال ایچنده یم
صورت قاش وآلنه ویردی نسیمی کوکلنی | بن بوسببدن ای کونش بدر وهلال ایچنده یم

وله ایضا

جانمه کلدی فرقتك کور که نه نار ایچنده یم | کلدن ایراق کل کبی محنت خار ایچنده یم
جانمی وصلت لبك هجره مبدل ایلدی | کورنه می وپیاله دن رنج خمار ایچنده یم
زلف ورخك شمارینی شام وسحرده صایرم | کیم بیلور اول شماری کیم بن نه شمار ایچنده یم
لعل وعقیق وانجوبی صاچرم التون اوسته | کور که کوزمدن اوش نیجه بزم ونثار ایچنده یم
ای قوخو بلرك شهی لطف وعنایت ایله کیم | طوت الی که دوشمشم عقرب ومار ایچنده یم
زلف ورخك حدیثنی نیجه اونتادم ای پری | چون دونکون انکله لیل ونهار ایچنده یم
جانمی عنبرین صاچك صید ایده لی کمندینه | روم وخطایه دوشمشم چین وتتار ایچنده یم
نقش نکارینی یوزك بنده مصور ایلدی | بن بونکار ونقشله نقش ونکار ایچنده یم
فضل الهدجانکی ایله فدا نسیمی سن | اولمه ملول وایتمه کیم بند وحصار ایچنده یم

وله ایضا

مشکین صاچك هرتاره سن ایکی جهانه ویرمزم | لعلك وصالك برنفس بیك طاتلو جانه ویرمزم
شهلا کوزك سودالری عهدو امانتدر بکا | نور الیقینك سرینی اولمزکانه ویرمزم
ایدر بکا ویرمدعی یاری بوکون یاربن کونه | برساعت انك وصلنه دهر وزمانه ویرمزم
زلفنده جانقیلدیوطن حب الوطن شرطی ایله | بن مسکن الارواحی کون ومکانه ویرمزم
ناز ونعیم دنیانك بالقائمه کر سودیسه | کلی زیاندر عاشقه سودی زیانه ویرمزم
اولدی کلامندن یقین کانك دهانی واریمش | عین الیقینك رؤیتن غیب وکمانه ویرمزم
ای بکزدن قدن انك سرو چنار وعرعره | بن سدره وطوبی هر بی روانه ویرمزم
ای انجوبی مدح ایلیان یاقوتی جوهر بیلان | بن بولسدیغم دردانه بحر وکانه ویرمزم

عشق

عشق مجازی سالکه زرق وریادن یکدرر
حق بیل بونیکیم کیسدیه سود وزیانه ویرمزم
بوی مسیحانك دمی نطق نسیمیکدرر
انی بهاسز صانمه کیم جان رایکانه ویرمزم

ولە ایضا

المنة لله که بوکون یارمی بولدم
کوکلمده دورن دلبر ودلدارمی بولدم
دکزبکا برپوله جهان وارلغی ایله
نیچون که کوزل سکه او دینارمی بولدم
طوپرقده ایکن زهره بکا مشتری اولدی
دلاله چیقار کل دی که بازارمی بولدم
بن غم یمزم غم نه قدر کیم چوق اولورسه
شادیلغله چون غم وغمخوارمی بولدم
فردوسه بنی دعوت ایدن زاهده سویله
اول دیکنه کوزدکه که کلزارمی بولدم
یوسف یریدر کیم بکا قول یازبله چونکیم
مصرنده لبك تنك شکر بارمی بولدم
فاش ایلمزم رازمی نامحرمه چونکیم
محبوب امین مخزن اسرارمی بولدم
بختم کونشی طوغدی واویقودن اویاندی
معناسی بوکیم دولت بیدارمی بولدم
بغداده کل ای زاهد الت شول خبری کیم
شول شعبده جی دلبر عیارمی بولدم
جانی نیدرم نیلرم آخر بوجهانی
چون تفرقه سز یار وفادارمی بولدم
ای نقد دینی طراره ویران اویقولو غافل
اول یوزی قمر طرهٔ طرارمی بولدم
منصور کبی بندن اکر چیقدی انا الحق
ای خواجه عتاب ایلمه کیم دارمی بولدم
کرموسی کبی عاشقسن یوزینه انك
کورسنده سنی سویله که دیدارمی بولدم
ویردی صاچنك کفرینه ایمان نسیمی
ای خرقه کین بندخی زنارمی بولدم

ولە ایضا

کل ای دلبر که مشتاقم سنی کورمك دیلر کوکلم
غمکدن دوشدیزار ایستر وصالکدن شکر کوکلم
قراقاشك هلالینی کوزمدن تابعید ایتدك
دوشوبدر نار زلفکدن یارزاری قیلر کوکلم
سقاهم ربهم خمری طوداغکدن خبر جانه
صوصامش دردینه ایستر لبکدن چشمه لر کوکلم
جهنده جانله کوکلم وصالك اختیار ایتدی
زهی کورمش حق جانم زهی صاحب نظر کوکلم
نه کوهرسن ایا جان کیم جهانك بحر وکاننده
مکرم قدر وقیمتلو سنی بیلدی کهر کوکلم
غمك بارندن ای دلبر کوکل قیناراچیم یانر
بورنج ومحنتی کورکیم غم ایچندن چکر کوکلم
صبر قیلمق دوادر درمحبتك دردینه ناصح
ولی ناصح دواسندن اولور هردم بتر کوکلم
وصالکدن بنی ایر وکرم قیل قیلمه لطف یله
که وصلکله مدام اولمق دیلر شام وسحر کوکلم
کل ای لطفی نهایتسز بنی وصلکدن آیرمه
که شول عمرك که وصلکله کچر عمره صایر کوکلم
کل آرا کوکلك ایچن کورایچان کیم فراقکدن
نه آچی غصه لر یودر نه آغولر ایچر کوکلم
ایکی عالم بکا سنسز کرکمز اول بکا هرکز
جهانك حاصلی سنسن انی سنسز نیدر کوکلم
صاچك زنجیرینی بندنفلك چون چکدی آیردی
تنم شهرنده سودادن دلو اولمش کذر کوکلم
خیالی سودیکیم یارك کوزمدن کرچه آیرلمز
جمالك پردەسز کورمك دیلر آچق بصر کوکلم

ازلده صورت رحمن یوزك شاننده كوردم چون　　الهی صورتك دائم بومعنیدن سور كوكلم
نسیمی یارینی ویرمز جهانك وارنه اندن　　كیج ای دعو یقیلان ناداندكلدر اولقدر كوكلم

وله ایضا

ای نور دل و دیده دیدار كه مشتاقم　　وی یار پسندیده دیدار كه مشتاقم
ای ماه پری پیكر وی حور ملك منظر　　وی لعل لبك شكر دیدار كه مشتاقم
ای رحمت الهی یوزكدر انك ماهی　　وی قامو خوبك شاهی دیدار كه مشتاقم
ای شمس وقمر یوزلو شیرین طوداغك دوزلو　　وی شهد وشكر سوزلو دیدار كه مشتاقم
ای جمله جهان جانی عاشقلرك ایمانی　　وی سیم وكهر كانی دیدار كه مشتاقم
جانلر جانكه محتاج ای صاحب تخت وتاج　　وی كوزكلو یوزك معراج دیدار كه مشتاقم
ای نور سمواتی وی مظهر آیاتی　　وی جان وجهان ذاتی دیدار كه مشتاقم
ای عشق درافشانم وی بلبل بستانم　　وی نركس مستانم دیدار كه مشتاقم
ای بوی بهارستان وی حور نكارستان　　وی دلبر سرمستان دیدار كه مشتاقم
ای دردمه سن درمان تن كوده وعشقك جان　　وی تازه كل خندان دیدار كه مشتاقم
ای دلبر پنهانی سنسز یاندرم جانی　　وی یوسف كنعانی دیدار كه مشتاقم
ای دلبر ودلدارم سنسن ابدی یارم　　وی یاروفادارم دیدار كه مشتاقم
ای حسن بدایتسز وی لطف نهایتسز　　والله بغایتسز دیدار كه مشتاقم
ای دلبر سیمین تن سن جان ونسیمی تن　　ای سرو كل وكلشن دیدار كه مشتاقم

وله ایضا

سندن ایراغ ای صنم شام وسحر یانرم　　وصلكی آرزولرم داخی بتر یانرم
عشقله شوقك اودی جانمه كار ایلدی　　كورنیجه تابنده اوش شمس وقمر یانرم
سندن ایراغ اولدیغك بغرمی قان ایلدی　　اولدی كوزمدن روان خون جكر یانرم
شمع رخك صورتی قارشمه كلمشدرر　　شعشعه سندن بكا شعله دوشر یانرم
صبرله آرام دل قاپدی المدن غمك　　باد هوادن دكل غمدن اكر یانرم
چیقه‌لی چشمدن توتون چرخی بو یادی یچون　　كوركه نه آتشده ام كورنه قدر یانرم
یاندیغمی یار ایچون كزلو دكل بن دخی　　هر نه قدر كیم تنك كوكلی دزر یانرم
مدعی یانر دیمش غمده نسیمی ایچون　　غمده یانان یاری یار چونكه سور یانرم

وله ایضا

ای جمال وحسن وصورت كیم قلوبدر اول حكیم　　فاعل مطلقدر رهرشیده مفعول اول رحیم
صاحلرنك ظلی دوشلدن روی بدرك تابنه　　كیم طلوع ایتدی جهانه شمس تابان مقیم
یوزیكه سبع المثانی كراوقورسم لادیمه　　كیم قاشكله كرپككك زلفكدن اولدی بورسیم

سجـده قيلمزمی يله كرسدره وطوبی تمام   كيم ملائك قاموسی ايدر سجوديكی عظيم
نطقيم شيرين لبی كلك عيسوی جانه حيات   چون مسيحا ايستريسك اشته كلدی دردميم
خضرچون بولمش حياتی ظلمتدن تاابد   كيم لبك عينی درر جنت ايچنده اول نعيم
يازمه حرفك ادينی ای اوزاوزندن بی خبر   چون لبكدن ظاهر اولدی بو كلاميله كليم
استوا سرينی كربيلدك ايسه عين اليقين   خط وجهكده شكاف ايتدی صراط مستقيم
اشبو دنيا فانی در كچ سن فنادن بول بقا   كيم حيـات جاودان اوله سكا عمر سليم
ای نسيمی كرنهايت بيلدوكسه نطقه سن   ـــ ســو وجهكده يوز لودر مقيم

﴿ وله ايضا ﴾

نه حسن اولور بونه صورت زهی بهشت نعيم   نه لطف اولور بونه معنی زرب عرش عظيم
كوكل صبا نفسندن درلدی جان بولدی   قراصاچك قوقوسندن نه بو كتوردی نسيم
نسـيم زلفنـه باشـله جان نثـار ايدرم   نه سيم وزركبی لايقدر اول نسيمه نسيم
كورك بو چشمۀ حيوان لبی كه شـاننده   كلوبدر آيت يحی العظـام وهی رمـيم
مسلم اولـدی سكا دلبری جهانده بوكون   كيم آيـله كونش اولدی جمالكا تسليم
ازلده واردی عشقـك بوجان ايچنده بنم   زواله اولميـه قابل بنـای عهد قـديم
كركسه جورله اولدر كرك بنی ياندر   نه قيغو اوتدن اكا كيم اتی بقلب سـليم
معـطر ايلـدی زلفـك شمـيم آفاقی   ولا عجيب من العـطران يفـوح شمـيم
يولكـده قويدی نسيمی جهـانله جانی   تفاوت ايتمزانی كر قبول قيلسه كريم

﴿ وله ايضا ﴾

* ساقيا ماه صيام اولدی تمام *   * كل بروصون ساغرمی والسلام *
* عاشقك بيرامی يوزك آيی در *   * ای صاچك محشر رخك بيت الحرام
* جنتك خمری لبك صهباسدر *   * اسقنی من ذلك الخمر ای غلام *
چون كوزك سرمست ولعلكدر شراب   * می مباح اولدی وصوفيلق حرام
توبه دن كچ صوفيـا رندانه كيم *   * باده صاف اولدی وكلدی دورجام
چون ريادر خرقه پوشك طاعتی *   * قم فدر يامونسی كأس المـدام
والضحا نك شمسی يوزك آيی در *   * مختفينی نورهٔ تحـت الظـلام
قاب قوسـبنم قاشك محرابيدر *   * ای امامی كوزلرك نعم الامام
مطلـع انوارانك زلفينی در *   * وجهـه فيها كبـدر فی الغمام
عارفك كوی مغان اولدی يری *   * آفـرين اكا زهی عالی مقـام
دانۀ خالك جهانی طوتدی چون *   * طره دن نيچون دوزرسن بونجه دام
كعبه دن بتخانه يی فرق ايتمزم *   * قـدرأيت الحق فی كل المقـام
انجودن يكدر نسيمينك سوزی *   * كيم انك كفتـاريدر خير الكلام

﴿ وله ایضا ﴾

صورتکك صفحه‌سنده کورنه‌یازمش اول قدیم   اوقورم حرفنی بسم الله الرحمن الرحیم
الکه الحمد لله یازدی رب العالمین   قویدیعشقك یولی ایچون هذا صراط مستقیم
صورتك ماهیتن تفسیر ایدر انا فتح   حسنکك کیفیتی در بس علی خلق عظیم
قاشلرکدر قاب قوسین صاچك لیل طویل   رسمدر والشمس اوزره شول مبارك خط جیم
رحم قیل غل سن نسیمه ای یوزی بدر منیر   کر خطا قیلدمسه استغفر الله العظیم
زلفکه سیر ایلدی باد صبا وقت سحر   شول سببدن طولدی عالم از رخت عنبر شمیم

﴿ وله ایضا ﴾

جانمی یاندردی شوقك ای نکارم قنده سن   کوزلرم نوری ایکی عالمده وارم قنده سن
بغرمی قان ایلدی آچی فراقك کل ایرش   ای لبی وصلت شراب خوشکوارم قنده سن
فرقتك خاری بنی کورکیم نه مجروح ایلدی   ای کوزی نرکس حبیب کلعذارم قنده سن
صبرمی یغما لدی شوقك قرارم قالمدی   ای بنم آرامم ای صبر و قرارم قنده سن
ایلدی عشقك بنی قلقان ملامت تیرنه   ای کوزی قاشی بلکلو شهریارم قنده سن
تا یوزك شمعندن ایراق دوشمشم پروانه تك   یارم لیل ونهار ای نور و نارم قنده سن
سندن ایرو کوکلمك یوقدر وفالو یار ودوست   ای جفاسز حسن کامل یادکارم قنده سن
دلدی هجرانك اوقی عشقکده یانن بغرمی   صورت ومعنیده ای چابك سوارم قنده سن
زلفکه ویرمش امانت حق ازلده سرینی   ای امانت دار امین کرد کارم قنده سن
قاتی مشتاق اولمشم زلف وعذارك بوینه   ای یوزی کلشن صاچی مشك تتارم قنده سن
یادلن کوندر صاچك بوین بکا هر صبحدم   هان که یاندی بحدی حددن انتظارم قنده سن
عاشقك جنات عدنی شول جمالك وصلدر   ای شراب کوثرم کتمز خمارم قنده سن
یار ایچون هر کوشه‌ده بیك دیو اولوردشمن بکا   ای سواد اعظمم محکم حصارم قنده سك
چون نسیمی در بو کون ایام عشقك سروری   ای شکر لب یار شیرین روزکارم قنده سن

﴿ وله ایضا ﴾

یاندردی شوقك جانمی ایدرده درمان قنده سن   جانمده جان سنسن ولی استرسنی جان قنده سن
وصلك شرابندن بنی صالدك خمارك تابنه   یاندی حرارتدن ایچم ای آب حیوان قنده سن
ای اهنف حسنك کندوری یاندم ایرشدر وصالکی   چون سندن ارتق کیمسه‌ده یوقدر بو احسان
قایدی المدن زلفکی جور وجفاسی چوق فلك   آشفته‌ام مجنون کبی زار و پریشان قنده سن
رعنا بیولك شوقندن اوش حسرتده یارر کوزلرم   قان اغلدر لسنسز ای سرو خرامان قنده سن
ای غنچه آغزاو بنی یاندردی هجرك دیکنی   کل کل که سنسز غنچه‌نك طولدی ایچی قان قنده
عینمده سنسن روشنی کوکلم دلر کورمك سنی   ایحور عین رضوانله حسنکده حیران قنده سن

جور بو جفا بیچوق فلك طوفان كتوردی باشمه   اندن بنی قورتارمغه ای فضل رحمان قنده سن
مشكین صاچك زنجیرینه ویردی نسیمی كوكلنی   ایرق نه حاجت دار كاز نجیر وزندان قنده سن

ولـه ایضا

شول پریدن وصل اومارسن ای كوكل دیوانه سن   شمعه یاقلمق دیلرسـن نه عجب پروانه سن
كنت كنزك كوهرندن خرج ایدرسن عارفه   ای بو كنجك نقدینی هی بو العجب ویرانه سن
زلف چوكان یارله دوشمز نهان عشق اویناق   باشكی طوب ایلسن میدانه كیرمز دانه سن
كر خلیل اولمق دیلرسن یارله كرچك لین   دلبرك یولنده شرط اول بودركیم یانه سن
آشنایی بیلمش سن ای بیلشدن یاد اولان   معرفتدن دم اوررسـن نیلیم بیكانه سن
جانلرك جانانی سنسن ای جهانك سروری   طوغروسی پاكیزه جوهر نازنین جانانه سن
غمزه سندن فتنه‌لر دردی اویاندی اویقودن   سن بو اویقودن قچان ای بیخبر اویانه سن
ای سلیمان منطقندن قوش دیلن اوكرنمیان   دیوه اویمش سن انكیچون تابع افسانه سن
كل انا الحق سرینی میخـانه ومیدن ایشت   ای دوشن انكاره نیچون منكر میخـانه سن
ای نسیمی شول خماری كوزلری فتان كبی   دائم اسركسن مكر كیم نركس مستانه سن

ولـه ایضا

ترك ایلمز جان عشقنی كرپك كز آنی یاقه سن   هجر كده لایق كورمه كیم هر دم بو جانی یاقه سن
ای استین دیدارینی موسی كبی معشوقنك   واجب بودر عشقنده كیم جانو جهانی یاقه سن
آخر زمانك فتنه سی برقع جمالكدن كتور   تا عشقه یوز زلك كبی پیر و جوانی یاقه سن
ای عشقه منكر مدعی كیر عاشقك توحیدینه   تا سر تسر ایچنده كی شرك وكمانی یاقه سن
آنست نارك سرینی فاش ایله شمعندن یوزك   تا نورینه پروانه تك كون ومكانی یاقه سن
ای قیمتی عشقك كهر كوكلم درانك معدنی   چون كان كر كدر كوهره نیچون بو كانی یاقه سن
نام ونشانی شهرتك آفتدر اهل عشقه چون   وارای كوكل جهد یله كیم نام ونشانی یاقه سن
جانمه عشقك اودینی كار ایلدی شول رسمه كیم   جسمده یاقین قالدیكیم بغرمده قانی یاقه سن
ای آقـدن دزدانه كر پكلرمدن دم بدم   عینمده آندن قورقرم كاب روانی یاقه سـن
ای لاته طاپن بی بصر كل كور بو ماهك یوزینی   تا لات وعزك باشـنه دیر مغـانی یاقه سـن
چقـدی نسیمینك دلی الله نورن سرینی   ای نار قدسی قنده سن تا اول زبانی یاقه سن

ولـه ایضا

ای روح قدس جانمه سن جان و جهان سن   بندن سنی غائب دیمزم اشته عیان سـن
حقدن دیله كیم سنسن ایكی عالم ایچنـده   نیچون كه ایكی عالمه سن جان و جهان سن
معشوقه بكا چون سن ایدك روز ازلده   اول نه ایدك تا ابد ای فتنه همـان سـن
زلفـك قرك دورنه بوز فتنه براقـدی   ای دورقـمر فتنهٔ فتان زمان سـن

حسننك نه بيلور لذتنى ديو له حيوان — سن خضره مصور ايجان كه نه آب حيوان سن
بى نام ونشان اولمينك سنده وجودى — فكر ايلمزم آنده كه سن نام و نشان سن
جانيله بنى يانمق اكر استرسن اوش — كل يا ندر آنى يانمغه كيم كر نكران سن
ويرمزسنى بيك جنت وبيك حوره نسيمى — سن عاشقه هم جنت وهم حور و جنان سن

وله ايضا

اى دركان هرشى كيم بيله كيم نه كانسن — جان سندن اولديچون حى بيلمزسنى نه جان سن
ذاتنكه كيمسه ايرمز وصفنكى كيمسه بيلمز — ذات وصفاتله سن باقى وجاودان سن
بيمثل وبيبدل سن بى شبه وبيمثل سن — اى دربركزيده نه بحر بيكران سن
اى كنه رفعتكدن بى بهره عقل مطلق — وى كنج بى نهايت سيمرغ لامكان سن
چونكه جميع اشياسندن عيان اولوبدر — اى واحد يكانه پس نيچه سن نهان سن
اى مدعى سن انك محرومى سن دمندن — آندن دورز كه هردم در بند اين وآن سن
حق اظهر من الشمس روشن درر ولكن — سن غايت عمادن بيهوده در كمان سن
ديلرسنى نسيمى عالمده چاقه هردم — تا بيله لر بتحقيق سن قامودن عيان سن

وله ايضا

❊ اكرچه جانده سن جاندن نهان سن — دكل سن جاندن ايرو بلكه جان سن ❊
❊ كشى ويرمز نشان سندن اكرچه — يروكوك طوپطولو كلى نشان سن ❊
❊ نيچه كزلوديم بندن سنى كيم — نه يه كيم باقرم آندن عيان سن ❊
❊ خجل ايلر رخنك حسنيله آيى — مكر سن فتنهٔ آخر زمان سن ❊
❊ عرب نطقى طوتلمشدر دلكدن — سنى كيمدر دين كيم تركمان سن ❊
❊ جانى طرح ايلدم بزدم جهاندن — سنى بولدم كه جانيله جهان سن ❊
❊ كورن سنسن كورينان سن كوزمده — نه وارسو يلمسن كلى لسان سن ❊
❊ حقيقت وحى مطلقدر بو سوزلر — بو سوزى بيلكيم آندن ترجمان سن ❊
❊ نسيمى چون بو كون دوران سنكدر — جهانده خسرو وصاحب زمان سن ❊
❊ اتاكك سلك الك بوكن فكاندن — نه آخر زبدهٔ كون ومكان سن ❊

وله ايضا

❊ الله الله نه جان نه دلبرسن ❊ — ❊ الله الله نه بحر كوهرسن ❊
❊ يروكوك روشن اولدى يوزكدن ❊ — ❊ اى يوجه آى نه شمس خاورسن ❊
❊ سلسبيل اسرمش طوداغكدن ❊ — ❊ عجب اى جان نه آب كوثرسن ❊
❊ مشك وعنبر صاچكدن اوتاندى ❊ — ❊ جان فرامشك وتازه عنبرسن ❊
❊ صورتك حسن ايچنده واحددر ❊ — ❊ سن بو توحيده چون مقررسن ❊

كونش

کونش ایلر یوزڭ قتنده سجود   شول سببدن کیم آندن انورسن
کون وآیی کتوردی چرخه رخڭ   ای او یوبجی قرخوش اویىزسن
قامتکدن قیامت اولدی فاش   ای حسابڭ کونی نه محشرسن
قائم اولدی سنکله لم یزلی   کیم که بیلدی که سن نه جوهرسن
ای صیام اهلنه یوزڭ الوعید   عرش رحمن وعیدا کبرسن
مصحفڭ آیتی اوتوز ایکیدر   جاودان نامه سن نه دفترسن
شکرڭ دادینی کیدردی لبڭ   الله الله نه طاتلو شکرسن
ای نسیمی جهانی طوتدی سوزڭ   عونڭ الله که شاه کشورسن

وله ایضا

کل ای کوکلده وجانده بدن سن   نه جانده سن عجب کیم جان وتن سن
سنی دل نیجه شرح ایتسون ای جان کیم   نه بیلسونلر سنی کیم جان ندن سن
یوزڭ جان قل هو الله احد در   حقیقت معجزی حقدن کلن سن
وجودڭ ذات مطلق در مکر کیم   نه یه کیم باقریسم آنده سنسن
نه یردن سن سنی هیچ کیمسه بیلز   مکر جنتده کی حب الوطن سن
علی العرش استوادن دم اوررسن   بو معنیدن که سندن اولدی سن سن
نسیمی چونکه بولدی خوش ملاحت   شیرین درهر سوزی شیرین دهن سن

وله ایضا

کلی مکانڭ کوهری کوهر کانمسن نه سن   اشبو صفات وحسنله جان وجهانمسن نه سن
عرشله فرش وکافونو سنده درای ملك بوکون   کیمسه بوسره ایرمدی شرح وبیانمسن نه سن
کون ومکانه باقرزم چون سنی بولدم ای صنم   ایکی جهان ایچنده سن کون ومکانمسن نه سن
موسی کبی دیدارکی کوردی ازلده کوزلرم   یاقه بنی بوناره کل شمع زبانمسن نه سن
دهر وزمان ایچنده هیچ بولمدی کیمسه بردخی   سنجلین بو لطفله دهر زمانمسن نه سن
سنده بولندی کوهرڭ معدنی سنسن ای صنم   اوش بوزمان ایچنده سن کنج نهانمسن نه سن
قاشلرڭ ایله کرپکڭ غصه دن اشته بغرمی   دلدی بو جانمی غمڭ یتر وکانمسن نه سن
بو یکی طوبایه سنڭ نسبت ایدن نه دیل اوله   اشبو قرارله عجب سرور وانمسن نه سن
دوشدی نسیمی عشقکه شویله که خسته نیلسون   کندی حیاتی کندودن جسم روانمسن نه سن

وله ایضا

ای برکزیده صورت جانسن ولی نه جان سن   هم اسمله مسمّا هم جمله روان سن
آبا وامهاتدن سنسن خلاصه شکسز   ای کائناته مقصد مقصود کن فکان سن
حسن رخڭ صفاتی کون ومکانه صغمز   ای کوهر یکانه سن کنج لامکان سن

لیل ونهار ایچنده شمس وقمر کبی اوش   هر یا که کیم باقارسم عین الیقین عیان سن
غرق ایلدی جمالك نورنده کن فکانی   ای کوهر حقیقت شرح ایله کیم نه کان سن
ارض وسماده یوقدر بر ذره سندن ایرو   ای جمله نك وجودی باجمله درمیان سن
هرشیده کرچه سنسن ای جان کونشدن اظهر   اعمی صانور که کوزدن لاشی کبی نهان سن
یوزك کتاب منزل زلف ورخکدر آیت   ای خالقك کلامی دیلمده ترجمان سن
حق صورتنده انسان سنسن کلن جهانه   ای تکرینك صفاتی عالمده جاودان سن
جان وجهانی سنسز نیلر محب صادق   ای عاشقك حیاتی هم جان وهم جهان سن
سودالو نرکسکدن دوشدی جهانه غوغا   ای حسن ایچنده فتنه سرفتنهٔ زمان سن
قاندردی کائناته قند ونباته لعلك   ای خسرو ملاحت شیرین شکردهان سن
حسنك کتابندن کلدی وجوده عالم   ایواعظ ابسم اول کیم بلانجی قصه خوانسن
حقدن کلن کلامك معجزدر ای نسیمی   سنسن که کنت کنزك اسراره بیان سن

ولـه ایضا

تجلی طوتدی آفاقی جمالك شمع تابندن   مکر کیم طلعتك آبی عیان اولدی نقابندن
نه حوری چهره سن ساقی مطهر جسم روحانی   که جان سرمست وذنك اولدیلب لعلك شرابندن
مکر اشراط ساعتدر قاشکله کرپکك زلفك   که حیران اولدی حاسبلر بو قرانك حسابندن
عتابی شویله شیرین در طوداغك عشوه وقتنده   که عاشق جان یاقر صانور انك ناز وعتابندن
جمالك مصحفی یارب نه کوکدنمنزل اولدی کیم   ایکیحرف اولدی کاف ونون انك حسنی کتابندن
کوزك دوران عالمدن کتوردی زهد وتقوایی   مکر آخر زمان اولدی اویاندی فتنه خوابندن
هو الله الصمد سویلر خطك الحمد لله کیم   یوزکدن پرده رفع اولدیکونش چقدی حجابندن
جعلنا ثابت اولدیکیم طوداغك وصفنی سویلر   کیم اولدی کل شئ حی طوداغك عین آبندن
آچلدی زلف وخالکدن بکا ایمان ودین بابی   بو حرف ونقطهٔ کور کیم نلر فتح اولدی بابندن
اکرچه ذکر وتسبیحك ثوابی چوقدر ای زاهد   بن آنی عشقه دکشردم انك ایچدم ثوابندن
نسیمی چون وصالکدن ایرشدی جنت وحوره   نه محشردن حساب ایلرنه طامونك عذابندن

ولـه ایضا

بو جان پروانه در یانر جمالك شمع تابندن   کوکل دار القرار اولدی پریشان زلف تابندن
حیات خضرله عیسی بیلور عارف نیجه بولدی   رموز عشقله ایردی طوداغك عین آبندن
عجب جیم سعادتدر کیم کیم پرده رفع اولدی   دو عالم طولدیشو قدن کونش چیقدی حجابندن
منجم زاهد اکلامز که سنسن احسن تقویم   ازلدن تا ابد اولدی عیان حسنك کتابندن
یوزك نوری شول آتش در کیم آنی بیلدی زاهد   شجردن موسی یه انی انا الله در خطابندن
صوسز اچ اویقوسز نیشه بریه چکدر زهجرك   کیرم بیت الحرام ایچره قبله م تا سجده بابندن
بنی شول مدعی صانور ایراغم یعنی طاپکدن   زهی جاهل که غفلتدن اویانمز قالدیخوابندن

نسیمی نیجه وصف اتسونکه حسنك بی نهایتدر | طوتلدی دیلی افلاککٔ سؤال ایتدم جوابندن
براللیدزایکیوز بربش اون قرق یدیحرف اولدی | بواسمی ذکر ایدن فکری یکلمادی حسابندن

ولە ایضا

قالوده بنی ساقی اسرتدی شرابندن | ایچردی لب لعلی بکا خضرك صوبی آبندن
یوزکدکی هفت ایت کیم فاتحه در آدی | تأویل کلام الله آچلدی کتابندن
تابنده یوزك نوری یارب نه کونشدر کیم | سرکشته کذر یاز کون آیله تابندن
یوزی نه قزل کلدر زلفی نه قرا سنبل | که اولدی ایکی عالم حی ریحان و کلابندن
کرفاعتبرودن سن کوزآچ نظر اهلن کور | نه حسنله چیقدی کور معشوقه نقابندن
حق خرقه یه ای سالك باقزایچوکی آر یت | کیرعالم توحیده چیق خرقه حجابندن
شولفتنه سی چوق عینك اویقوده صنان باری | سول فتنه فنی که اول او یغادی خوابندن
حشرك کونشی طوغدی شامنده انك زلفی | کل واقف اول ای صوفی میزان وحسابندن
نسیجله طا ماتی بازاری کساد اولدی | دکانی ییق انك کوچ ایله خرابندن
خضرك آب حیوانی نطقی درآنی نوش ایت | کورکیم نه حیات اقار مرجان خوش آبندن
یارب نیجه سائلدر عالمده نسیمی کیم | روح القدسك نطقی باغلندی جوابندن

ولە ایضا

بوطرفه شمعی کور آقر شکر طوداغندن | عجب که منفعل اولمز قمر یکاغندن
بنفشه زلفنه باطل تشبه ایدرمش | صبا چیقار بوخیالی انك دماغندن
اکرچه سرو سهی نك بداغی بی براولور | کورك بوسرو که سوسن بتر بداغندن
زمانه زلف ورخکدن که بلایه صالدی بنی | هم اول زمان که سچلدی قراسی اغندن
عزیق بحر غم ایتدی بنی بوشیوه ایله | کلور تفرج ایدرهر زمان قراغندن
اکر ایاغنه دوشمك مجالم اولایدی | دخی کتورمزدم باش انك ایاغندن
زمانه چشم وچراغی نسیمی یارکدر | کتور چراغی وياندر انك چراغندن

ولە ایضا

* دم عیسی کلور طوداغندن * | * آی کبی نور اقار یکاغندن *
* زلفنك طیلسانی اول کیجه در * | * که کونش نورالور چراغندن *
* یانسردر طوداغ وحسرتیله * | * کیمکه یانمز بوعشق داغندن *
* قامتی شول شجر دکل که یانه * | * هرکشینك چراغی باغندن *
* عشق الندن طولوایاغ ایچرم * | * هم بودر امیدم ایاغندن *
* صاغه دکشردی صولنی حقا * | * صولنی کیمکه یلدی صاغندن *
* کلدی موسایه لن ترانی جواب * | * ارنی وقتی طوردغندن *

* جانه قوش در که قورتله دیه سن * * عنبرین زلفنك طوزاغندن *
* زلفنك خوش نفس نسیمی کبی * * کمندی برنفس غبارندن *

﴿ وله ایضا ﴾

هلاله دوندی قرقاشلرك هلالندن بویاندی قانه قزل كل یكاغك النـدن
چلب سنی نیجه شیرین طوداقلو یاراتمش كه سلسبیل اوتاور لبلرك زلالندن
آیك هلالی اكرچه كونشدن آلور نور بوآیی كوركه كونش نور الور هلالندن
قرابكك نه عجب طرفه حاله دوشمشدر بوحالی بیلمینك هیچ صورمه حالنـدن
طوبیلدر صاچنك قصه سی وسردقیق اكر اینانمزسن صوربونكته خالنـدن
نه حسن اولور بونه صورت علیك عین الله كه دنك اولور كوریجك عقل انك كمالندن
جفاده یانه یانه كوربكم نه لر چكرم بوعین خسته لبینك جفا لو دالنـدن
جفالری نه قدر آجیسه یكركه در انك آجیسی رقیبك یاغیله بالنـدن
فلك نسیمی یه چون اكسك ایلمز برشال نه اطلسندن اومر كیسه نك نه شالندن

﴿ وله ایضا ﴾

قبلهٔ ایمان كوردی سن بت عیاره دن آفرین اولسون سنی نه خوش یاراتمش یاره دن
قنقی برجك یلدزی سن ای ملك بیلسم سنی منزلك رفع اولدی یوزبیك كوكب سیاره دن
باشمه چیقدی خماری لایزالی خمرك اوش وحدتك پیمانه سنی ایچمشم خماره دن
چون بیاضیله سوادك واحد اولدی علتی لاشریك اولمق دیلرسن كچ بوآق وقاره دن
یارب اول غمزك اوقون بیك پرده ارتق یمشم عاشق اولـدر كه قایرمایه یدیكی یاره دن
یكاغك شمعینه حسنی یوسفك پروانه در چوق كوكللر یغمالندی سن یوزیمه پاره دن
عشوه سینه فتنه لر ختم اولدی شهلا كوزلرك كیمسه سحرن كچوره مزایرق اومكاره دن
شمعه كبی قارشوكه چون یانمدی زاهد سنك قوی انك بغری قتی در شویله سنك خاره دن
صوفیٔ پشمینه پوشك باطنی صافی دكل اول قچان قورتار یسردر نفسنی اماره دن
وقتكه وار واعظا قویغل بنی اوز حالمه چاره كی سن سكایت كچ چاره سز بیچاره دن
عشق مشكین زلفكك بغلادی بنی بندنه هرزه دریل كبی كزمك نه بتر آواره دن
چرخ قچان چارپاره چالدی بن اكا چرخ اورمدم چارپارم الیمه الدم دونمزم چارپاره دن
روح قدس اولدی نسیمی نك حقیقت سوزلری وارلغك ترك ایتدی چونكیم كندوچیقدی آره دن

﴿ وله ایضا ﴾

صباهردم كلوره مشكین صاچنك چین وتتارندن جهانی عنبرین ایلر نسیم مشك بارندن
نه كوندر بویوزك یارب كیم انك یوجه طورندن تجلی كلدی یاندردی كلیمك شمعی نارندن
اكر نور علی نور دكلسه زلف ورخسارك نه معنیدنكونش طوغمش صاچك هرتیره تارندن

محیط اولدی بو صالك چون سراسر یابس ورطبه	کیمك عقلی خبر و یرسون بو دریانك کنارندن
ایکی عالمده مقصودم وصالکه ایرشمکدر	که وصلکدر بو درویشك مرادی شهریارندن
صاچکله کوکلمك عهدی بوفا اولدی وفا چونکیم	وفا بو بی کلوردائم صاچك عهدی قرارندن
انا الحقدر مناجاتم حق اولدی کلی حاجاتم	کل ای منصور اولان قورتار بودارك کیرودارندن
قولاغی عارفك تا کیم نسیمی نك سوزن دکلر	صدفتك انجولر اغزی طولودر شاهوارندن

ولہ ایضا

دنیا چون مردار درا یکرن کوکل مرداردن	کل دکل دنیا دکندر نه اومارسن خاردن
دنیاده بریار وفالو کیمسنه کورمش دکل	فارغ اول باری نه حاصل شول وفاسز یاردن
آخرت یارندن ایسته هر نه مقصودك که وار	دنیانك مقداری بو قدر کچ بو بی مقداردن
مدعی جور و جفاسن حدن آشردی ولی	یارا کر یاری قیلورسه غم دکل اغیاردن
چون نسیمی زاهدك حالنی بیلدی کیم ندر	میدن اکراه ایلمز غافل دکل خماردن

ولہ ایضا

* جانی طرح ایلدم بزدم جهاندن	جهان اولدم جهان اولدم جهاندن *
* اکر محبوبه ایسترسك اولشمق	کلوب کچمك کرکدر کن فکاندن *
* جهانك سهلمش سود وزیانی	قوانك سودی وقورتار زیاندن *
* اکر جنی دکلسن آدمی بیل	کانك اصلی ندندر سویله آندن *
* کماندن بولمشدر کیمسه حق	یقین درکیم یقین بتمز کماندن *
* کلی بتمز دکنسز دنیانك چون	کلی ترك ایله کچ سرور واندن *
* طوداغی جاندر اول شیرین دهانك	مکر غافلدر اول شیرین دهاندن *
* عیان اولدی یوزی یارب صاقنسن	جمالك فتنهٔ آخر زماندن *
* قودن کچمشم لله فی الله	مکر شول طرهٔ عنبرفشاندن *
* علینا جمعه بس لا تحرك	کونش مستغنی در شرح و بیاندن *
* نسیمی نك مرادی چون سن اولدك	نظر قطع ایلدی کون ومکاندن *

ولہ ایضا

کل ای دلبر که قان اولدی کوکل عشقك بلاسندن	کرم قیل وصلله قورتار بنی هجرك جفاسندن
تعالی الله نه صورتسن بو حسنیله بو لطفیله	که دیدارك نیجه کورسم کوزم طویمز لقاسندن
بنی عشق اودینه آتان کوکلدر ای نکارا اما	ینار بغرم آقار یاشم کوزمك ماجراسندن
بو کوکلم دردینه یارب نه درمان ایلیم چونکیم	قتی حیران در هردم طبیب انك دواسندن
لب لعلك فراقندن بنم حالمی صور آندن	نظر قیل یوزیمه کورکیم عیاندر کهرباسندن
بکا سرمه کبی کوزده ایاغك توزی یاراشر	که یکر کدر انك توزی حکیمك توتیاسندن

صاحت جنینده چین مشکی نیجه اوزینی اوکندن   کرمدنعنبرین خطك قلم چکمش خطاسندن
جفادن هرنه کیم کوکلك رضاسیدر شها ایله   که عاشق جورله دونمز دلارامك جفاسندن
نسیمینك تنك شول کونکه طراق ایلیه عشقك   سنندن کج نیاز ایشت هزاران مرحباسندن

وله ایضا

شکایت ایلمزم دلبرك جفاسندن   کانونك جفاسی بکا یکدرر وفاسندن
ازلده جانمی عشقك یولنده چون قومشم   بلاسنی چکرم دونمزم بلاسندن
نه دردایمش عجب ای کوکلمی الان عشقك   که عاجز ایلدی خلقی انك دواسندن
غمکدن ای صنم اولدی کوکل قتی صیرو   قانی اکا شکرك شربتی شفاسندن
بهانه سز سکا چون اولمشم قول ای دلبر   بو بنده یی کرم ایت صانمه کچ بهاسندن
منور ایله وصالکله ای قمر کوزیمی   که فرقتك آنی آچتدی توتیاسندن
قرا بکك کبی دوشدم اود اوستنه ینارم   بو آتشی اکا صور کیم ینار هواسندن
کیمك که کوکلی دولاشدی صاچکله قالوده   آیرمز آنی صاچك زلف دلرباسندن
نسیمی نك سننه کل غمکدن اوله جکر   خوش ایمدی ایشت ای جان ومرحباسندن

وله ایضا

یوزك مصحفدر ایحوری بکاغك قاف والقرآن   بودر حقدن کلان طه بودر یس والرحمن
آیله کونی کوکندن کتوردی سجده یه حسنك   زهی قوت زهی قدرت زهی معجز زهی برهان
یدی کز حق نه معنیدن بیوردی سجده شیطانه   سن آنی بیل نه شیدن سن که آنی بیلمدی شیطان
طوداغك آبحیواندر بن آنی صورمشم خضره   ولیکن آب حیوانی نجان ادراك ایدر حیوان
قاشکله کربکك یارب نه فتانای واحذر کیم   فلك در تیرینه ترکش ملکدر یاینه قربان
سن اول پاکیزه جوهرسن بو کون عالمده ایدلبر   طوداغك آب حیواندر جمالك روضه رضوان
سقاهم ربهم خمری لب لعلك شرا بیدر   بو میدنمست اولن بلدیکه حقدر من علیها فان
اوطانور عارفك عقلی سکا انسان دیمك نیچون   که انسان دردیمز کیمسه سکا یاخالق الانسان
رخك انا فتحنا در صاچك واللیل قدا فلح   بو لوحك ابجدین کورکیم که قودی آدیحق قرآن
حقه اکری باقان کوزدن جمانی یاشرر دلبر   کتوردی پرده کلدی کل ای زاهد کتور ایمان
تجلی نك چراغی در جمالك شمعی اوش کور کیم   یجه نور وضیاسندن منور مهر ومه تابان
درالدی قصه شیرین دوکندی شکرك دوری   لبك دورانیدر کل کل که سنسن خسرو دوران
نه دریادر عجب عشقك که یوقدر حدو پایانی   زهی عشق نهایتسز زهی دریای بی پایان
نسیمی چون وصالکدن حیات سرمدی بولدی   یقیندر کردیسم حقدر کیم اولدی حی جاویدان

وله ایضا

ای غفلتك میندن مست وخراب وحیران   کر حقی طانمش سن قنی دلیل وبرهان

نفسی خسبسه او بمق نادانلرك ایشی در ایشك ندر کور آخر فکر ایله اولمه نادان
چون هرنه کیم اکرسن آنی بچرسن آخر دنیاده آنی اکه کیم آدی اولدی عصیان
ترك ایله سیاتی صالح عمـل قزان کیم کالك جزاسی حقدن هم لطفمش هم احسان
ایا منی حیاتك بادهوایه ویرمه کیم یتیرن حیاتی عقباده در پشیمان
مفلس تجارت ایلر سرمایه سز ولیکن سعی عبثدر انك سوداسی جمله خسران
ناقص وجوده چونکیم نقصان کلور همیشه جهـد ایله کامل اولکیم کلمز کماله نقصان
دنیای دون غمندن صبر واولوب صرارمه عالمده کیمسه چونکیم بولمز بودردده درمان
حرص وحسد صفاتی ترك ایله ایرل آندن نیچونکه اول صفتدن ناجی درایربلنان جان
چون اسجدوا بیوردی آدم قتنده حق کل حقك خطابنه اوی قیل سجده اولمه شیطان
دیوك لباسنی قوی خضر ایله یولداش اول کیم شول یوجه قدرو بختك کسبی دکلدر آسان
عبد اولمه ای نسیمی فانی جهانه چون کیم ایمان ودین ایچنده سننسن امیر وسلطان
اولمزسه ملك ومالك آندن نه غم نه غصه اولاد طیبین سن هم آدم هم انسان

وله ایضا

* ای لبك آب چشمهٔ حیوان * * طلعتکدن خجل مه تابان *
* قامتکدن قیامت اولدی فاش * * ایها الناس علم القرآن *
* حق کتابی یوزك بیانی در * * انظروا بصورت رحمان *
* عالم العلم جمله اشیاسن * * ما لنا غیرکم ولادیان *
* ظاهر وباطن اول وآخر * * سندن اولدی ظهور شرح وبیان *
* ذات مطلق سن ای خجسته لقا * * کنت کنزك بیانی اولدی عیان *
* کفر وایمان صفات زلف ورخك * * بیلـین کفری بیلدی ایمان *
* سر توحیده ایرمدی منکر * * آدمه سجده قیلدی شیطان *
* حق بیلدی نسیمی حقـله در * * حق بیلانه ندر بو ملك جهان *

وله ایضا

سن بکا دلبر یترسن اوزکه لر یار اولمسون بر اولور یار ایکی اولمز ایکی زنهار اولمسون
بغرمی طوغرار فراقك خاری ای جنت کلی نو بهار اولسون کل اولسون آره ده خار اولمسون
طوغریدر یارك یولی طوغری قیرمه یاره دن کیمکه طوغری یول اویرر انك بریدار اولمسون
ای سکز جنات عدنك باغ و بستانی یوزك کلدن انك کلشنی بی برك وبی بار اولمسون
کیمکه دیدارکدن اوزکه نسنه استر یادلر یتمسون حقدن نصیبی اهل دیدار اولمسون
فرقتك دردی بنی بی خواب وکریان ایلدی دشمنك عمری دوکنسون بختی بیدار اولمسون
طوتمشم عشقکله پیمان قیلمشم حسنکله عهد آندن اوزکه عهد وپیمان قول واقرار اولمسون
زلفنك دارنده شاها آصلان منصور ایدی هرکه منصور اولمدی زلفکده بردار اولمسون

ایمدی عینکدن ایرو کیمسه خوش بیمار کن — یارب اول نرکسدن اوزکه کیمسه بیمار اولمسون
ای نسیمی قیلمه یارك سرینی اغیاره فاش — تا که یار اولسون بو سره محرم اغیار اولمسون

وله ایضا

دوشمنم بی یار الهی کیمسه بی یار اولمسون — کیمسه نك حالی بو رسمه مشکل و زار اولمسون
جنتك نازو نعیمی باغ و بستانی بکا — حور و رضوانی بکا بی وصل دلدار اولمسون
طامك اودندن آجی در فراقك عاشقه — کیمسه نك جاننده سندن یارب اولنار اولمسون
هر کیمك مقصودی سندن غیر دیدار اولمدی — تا ابد حقدن نصیبی غیر دیدار اولمسون
عاشقك باغی کلی کلزار یارك یوزیدر — وارکن یارك جمالی اوزکه کلزار اولمسون
اولمشم شول چشم بیمارك فراقندن سقیم — کیمسه شول بیماره بندن اوزکه بیمار اولمسون
عاشقك مشك تتاری زلف یارك بو بیدر — اوده یانسون نافهٔ چین مشك تاتار اولمسون
کیمکه بازار ایتمدی زلفکده یوز بیك جانله — تا ابد وصلیله انك هیچ بازار اولمسون
کشف اسرارندن انك یانرم صبر ایلرم — ایدرم اغیاره تا که کشف اسرار اولمسون
بغرمی یاندردی هجرك خاری ای خلدك کلی — بلبلك جاننده سندن هرکز اول خار اولمسون
کیمکه بیدار اولمدی عشقکده هر شب تا سحر — اول بلا نجی مدعینك بختی بیدار اولمسون
جانفزا لعلك میندن فرقت آیردی بنی — یارب اول پاکیزه میدن اوزکه هشیار اولمسون
طوتمشم مهر وکله پیمان قیلمشم حسنکله عهد — مهر عشقك لم یزل بی عهد و اقرار اولمسون
ای نسیمی کیمکه صاف اولمز زر خالص کبی — دلبرك عشقنده صافی همچو دینار اولمسون

وله ایضا

آلنه ویرمشم کوکل آلی چوق آله دوشمسون — یکاغینك قزل کلی اوستنه ژاله دوشمسون
زلفی اوزون قصیده در کیمسه ایره مز اوجنه — فکر خطا دلی قصه قیلله قاله دوشمسون
کر یکنك اسیریم شول الا کوزلو فتنه نك — کیمسه انك خیالنك آلنه آله دوشمسون
صاج قراسنك غمی اولنه بیلور که چکمدی — سر بیلنه یتر بو سوز انجه سؤاله دوشمسون
منکرك اکری کوزلری یوزنه باقسون انك — کیم نظر یوزیکز اول حسن و جماله دوشمسون
عشقله چونکه کلمشم عالمه قویمزم آنی — ترکنی اوردین بکا جرم و وباله دوشمسون
خلوت وار بعینه کیمسه ایرشمدی حقا — زهد و صلاحه میل ایدن فکر محاله دوشمسون
حسنله حق انك کبی بردخی جان یراتمدی — حوری یه بکزدن آنی وهم و خیاله دوشمسون
دوشدی کندی زلفنه کوکلی نسیمینك نیجه — جانی بو رسمه یانمسون کیمسه بو حاله دوشمسون

وله ایضا

دونمشم غمدن هلاله شول مه تابان ایچون — قیلمشم قربان بو جانی شول شه خوبان ایچون
زلف طاغتمش رخ اوزره اورتر ایمانی مکر — رومه کلمش کافر چین غارت ایمان ایچون

کرچه احسانی جفادر یارنه یارك مدام ‖ دائماشکر ایلرم شول دائم الاحسان ایچون
کوهری کانندهبولدی هرکه بولدی جوهری ‖ جوهری او جوهری بول جوهر بهرکان ایچو
دوش محیط عشقه استه لؤلوی شهوارکی ‖ جانکی دریایه آتمه کوهری عمان ایچون
عشق میداننده هرکیم اولمدی اسفندیار ‖ بلکه سهراب اولمدی شول رستم دستان ایچون
چون لبك آب حیاتی حاصل اولدی خضرنه ‖ ظلم اوله ظلماته وارمق چشمهٔ حیوان ایچون
کرچه دوکدیعشوه سی شیرین طوداغك قانمی ‖ شرعله کیمدر صورن یرغوی یوزیك قان ایچو
ای نسیمی فضل حقدن چون غنی سن فارغ اول ‖ کور بو دورانی قایرمه کردش دوران ایچون

ولە ایضا

نون وعینك وحینه حقدن اشارتدر بوکون ‖ لیلة المعراجه زلفکدن بشارتدر بوکون
سلسبیلکدن کل ای ساقی ایچر عارفلره ‖ چونکه بیرام اولدی وحج وزیارتدر بوکون
خوبلرك اقلیمنی طوتدی جمالك حسنله ‖ ای امیری خوبلرك دور امارتدر بوکون
ای فقیه ایندی سمادن عارفه ماء طهور ‖ شبههدن آرن که ایام طهارتدر بوکون
ای ویرن یارك وصالن کن فکانك وارنه ‖ کورکه بیعکدن نیجه کلی خسارتدر بوکون
ویرمشم کون ومکانی دلبرك دیدارنه ‖ شول تجارتدن اولوقنق تجارتدر بوکون
کیمکه حقك صورتن یوزکده ظاهر کورمدی ‖ آدی یار اوکنده کوزسز بی بصارتدر بوکون
زرق وتزویرك اساسی اولدی ای زاهد خراب ‖ عشقه معمار اول که معمور اول عمارتدر بوکون
حشر ونشرك ساعتی کلدی وهم یوم الحساب ‖ اویقودن اویان کیم اوکوندن عبارتدر بوکون
بوجه یردن دم اورن شیخ فقیهه کلدی کیم ‖ مدعینك حرمتی حقدن حقارتدر بوکون
طامنك نارنده شکسزیانسردر تا ابد ‖ کیمکه عشقك آتشندن بی حرارتدر بوکون
ای نسیمی حق سلیمان ملکنی ویردی سکا ‖ هرسوزك بیلك آصف صاحب وزارتدر بوکون

ولە ایضا

ای یکاغکدن خجل کل لالهٔ حمرا ایلن ‖ قانمی دوکدی کوزك هرلحظه پرسودا ایلن
کوکلمی آلله آلدی شمدی جان استر کوزك ‖ بو نجه شلتاقی ندندر عاشق شیدا ایلن
دیشلری عکسنی دوشهلی کوزلرم سوداسنه ‖ لعل دوشمشدر کوزمدن لؤلوی لالا ایلن
تا ابد سودایه دوشمش جانله دنیا ودین ‖ هرکه بازار ایلدی شول نرکس شهلا ایلن
عنبر زلفك نسیمی فاش اولهلی عالمه ‖ اوده دوشدی نافهٔ چین عنبر سارا ایلن
چشمهٔ حیوان صوبندن اولمدی جانی دیری ‖ هرکه وصلت بولمدی شول لعل روح افزا ایلن
سروله شمشاد وطوبی اولمسون شمدن کرو ‖ چون نسیمی قانع اولدی شوقد وبالا ایلن

ولە ایضا

ای مکرم حسن صورت وی مطهر ماوطین ‖ رحمة للعالمین سن رحمة للعالمین

دور حسنك لم يزلدر وى جمالك لا يزال   يلديكيم علم اليقين دركورديكيم عين اليقين
اى يكافك سورەسى والشمس يوزك آيتى   هذه جنات عدن فاد خلوها خالدين
كل شئ هالك وجهكدن ايروشك دكل   ايهدايت شمعى يوزكوى صاچك حبل المتين
قبله مزدر صورتك الحمد لله اى نكار   تا ابد اياك نعبد من جمالك نستعين
نون وعين وميم ودالك تلك آيات الكتاب   لوح محفوظ اولدى يوزك وهو قرآن مبين
نفخهٔ عيسى كلور شرين لبكدن جانلره   ثابت اولدى كيم لبكدر مهبط روح الامين
حور عينك صورتى آينه اولدى حسنكه   شولسببدن خلقه مرغوب اولديحقدن حور عين
اى لبك شاننده منزل آيت يحيى العظام   جانميدر يارب لبك ياخالق جان آفرين
مالك حسن اولدى اى دلبر جمالك تا ابد   عاشقك دينى بودر بولدى نسيمى يوم دين

وله ايضا

❋ بنه صيغندم اول سبحانه بن ❋   ❋ لا ديمدم اول خانه بن ❋
❋ ويلندن ايراغ اولماغچون ❋   ❋ هميشه عاشقم قرآنه بن ❋
❋ نكيم ايتدم كناه طوتدم اميد ❋   ❋ محمد مصطفى سلطانه بن ❋
❋ لبيك چاغرنلر حق ايچون ❋   ❋ كوستر كيرەيم جنانه بن ❋
❋ قادر سن بزى ازكورمكه ❋   ❋ فلكدن كاچو بن سيرانه بن ❋
❋ غيرت بيور عاشقلره ❋   ❋ عشرت ايركورم كيوانه بن ❋
❋ ظلم قلماغه اولمادم شريك ❋   ❋ طنقدر حق يبلور انسانه بن ❋
❋ ضربندن طمونك قورتلم ❋   ❋ صبر ايلرسم بهستانه بن ❋
❋ شئ للهم اولدر تكريدن ❋   ❋ سعادت بابن آچام جانه بن ❋
* زوال ايرمايه هيچ دين ملكنه *   * رفيق اولمايجق شيطانه بن *
* ذكر اهلندن اوله يم ديو *   * دائم يلوارم رحمانه بن *
* خير انديش مسلمانلرله *   * حريصم كللى جهانه بن *
* جهنم در صانورم كيره جك *   * ثقيل كشيله كلستانه بن *
* تمام حقدن اولدر صانه يم *   * بقا ملكنى بو ويرانه بن *
* الله يارى قبول ايدرسه بكا *   * دردمى ايرشدرم درمانه بن *
* دير نسيمى سكا عقلك وارسه *   * كندوزمى يازرم فرمانه بن *

وله ايضا

زهى اولكمسه كيم واردر حبيبى سن كبى مهرو   شكر كفتار وكل رخسار ومشكين خال وعنبربو
جهانه كلميه هركز اوزك تك بردخى دلبر   سعيد اختر صنم منظر پرى پيكر فرشته خو
زهى صانع كه صنعندن برادر كندو لطفندن   بلى انجه لبى غنچه خطى رعنا رخى نيكو
كل اى صراف قيمت كر نظر قيل معدن جوهر   زمرد خط وسيمين بركبى لعل و ديشى انجو

قاشکله کر بکك زلفك یوزکده بکلرك داخی   بری عیار بری طرار بری مکار بری جادو
سنی سونلرك حالی بودرت ایشدن دکل خالی   کهی غوغا کهی سودا کهی دیوان کهی برغو
ایا کم قوللرك چوقدر نسیمی قامودن کتر   بسازك وبسا قپچاق بسا زنکی بسا هندو

وله ایضا

یوزکده نوربنی کوردی ازل کوننده اله   دیدی که اشهد ان لا اله الا الله
بوحسن ولطفله کیم کوردی کوکده یارده   ملك صورتلو بشر یا کونش صفتلو ماه
اکرکناهسه قیلمق یوزك قتنده سجود   بن ایلرم بوکناهی که فرض ایمش بوکناه
کتور نقابی وخلقی قول ایله حسنکه کیم   ملاحت اهلنه سنسن امیر وسنسن شاه
هدایت ایلدی قالو بلاده نوره بنی   قرا کوزك قرا قاشك بکلکله زلف سیاه
قول اولدی حسنکه حور وملك نه صورتسن   زهی عنایت وعزت زهی اغرلو سپاه
نه حسنمش بوکه وصفنده روح ناطقه نك   دلی طوتلدی قیلدی حدیثنی کوتاه
ایکی کوزك اکرا کری دکلسه باقه ایکی   که وحدت اهلنه حقدن بولوندی طوغری راه
جهانده خال وخطکدن رخك چرپچکمش   زهی شهنشه اعظم زهی جلالت وجاه
جمال وصورتکه کیمکه اولمدی قوربان   ایکی جهانده نصیبی ندامت اولدی واه
جهان ایچنده نسیمی الفنك اولدی فرد   اکر اینانمزسن اشته شرع اشته کواه

وله ایضا

* مصحفدرانك یوزی ای والله   میم نون عین قل هو الله *
* معشوقله عاشق اولدی واحد   جف القلم اولدی قصه کوتاه *
* صوفی نه بیلور طریق وحدت   میخانه یه چونکه بولمدی راه *
* بیك یوسفی جاهنه دوشرمش   شیرین لبی شول اوکوندیکی جاه *
* قنقی فلکك ستاره سی سن   کیم صورتکه اسیر اولور ماه *
* سنسن بوکون ای امیر خوبان   شیرینلره خسرو وشهنشاه *
* احیای عظام ایدر نسیمی   زلفك قوقوسیله هرسحرکاه *

وله ایضا

* یوزك کوردم دیدم الحمد لله   بو یوزك کوردم اوقودم قل هو الله *
* مسلسل زلفکی کوردم معنبر   مقوس قاشلرك نصر من الله *
* قراجی کوزلرك یغمالرندن   بنه دونوب دیدم استغفر الله *
* طوداغك شربتی عین شفادر   سقیهم ربهم من رحمة الله *
* جمالك کورمشم ایرلمغم یوق   اکر اینانمسن والله بالله *
* بنم کوکلم سکا حیران اولوبدر   نه کیم جبار قیلور الحکم لله *

* اوتوزایکی حروف اولدی وصالك — وصالکدر وصالکدر ای واله *
* نسیمی قیلدیسه برقاتله توبه — نصوحی توبه سی توبوالی الله *

وله ایضا

کوردم یوزکی ای صنم المنة لله — فرض اولدی بکا کیم دیه م المنة لله
تقدیر ازل بخته یار اولدی واولدی — تدبیر مخالف عدم المنة لله
محبوبله چون دولت وصل اولدی میسر — جمشید زمانم اوش بنم المنة لله
برکدی ظفر فتحله چالندی بشارت — کلدی فرح اوش کتدی غم المنة لله
بختم کونشی طوغدی واقبال کلدی — شول شاه سعادت حکم المنة لله
ظلمنده بوکون چشمهٔ حیوانه ایرشدم — شول خضر سکندر حشم المنة لله
زلفك خبرین ویردی صبا کوزنه کتوردی — شول قاصد فرخ قدم المنة لله
قیلدی ینه عاشقلرینه لطف وعنایت — شول عادت دائم کرم المنة لله
شول کعبه جنابك قپوسی دولت وبخته — کورکیم نیجه اولدی حرم المنة لله
ای شادیه محتاج اولان ای راحته مشتاق — کل کل که دوکندی الم المنة لله
روح القدسك نفخه سیدر نطق نسیمی — حق ویردیکنه دم بدم المنة لله

وله ایضا

عاشق بلا یولنده کرك کیم جمول اوله — معشوقندن اکا نه کلورسه قبول اوله
کرچه محبه جور وجفا چونکه یار ایدر — نیچون جفادن انجنه غمدن ملول اوله
ناز و نعیم وعشرت جاوید انجنده در — دلبردن اول کوکل که مرادی حصول اوله
هر عاشقك که یارله اولدی چرا و چون — عارف قتنده آدی انك بوالفضول اوله
شیرین حلاوت اولمش اولا که سدره سی — ذاتنده خوب خلقت وشیرین اصول اوله
بوقدر نصیبی عشق حقیقتدن ای کوکل — شول کیمسه نك که مرشدی ناقص عقول اوله
ای خالقك امانتنی ضایع ایلین — لایقدر آدینه که ظلوما جهول اوله
کر شرح ایدرسم آیت حسنك کتابنی — هر باب ایچنده فضلنه یوز بیك فصول اوله
معراجه چیقدی روح نسیمی براق ایله — شول لاشه دن نه فایده کیم لاذلول اوله

وله ایضا

شول لب شیرینه یارب کل شکر دیرسم نوله — شول کونش طلعتلو آیه کر قمر دیرسم نوله
آدمی نوعنده مثلك کورمش دورفلك — شول جهندن کرسکا خیر البشر دیرسم نوله
شول کل اوزره طاغلان عنبر صفتلو سنبله — عنبرین ریحان عجب یامسك تر دیرسم نوله
بیلین عشقك طریقن هر خبرسز غافله — چون هدایت بولمس کربی خبر دیرسم نوله
سنسز ای جان وجهان بر بوله دکمز کائنات — هیچه دکمز نسنه یه کر شول قدر دیرسم نوله

کر یوزك آین کوره نه‌ای جهانك فتنه‌سی   شبهه‌سز حق کورن صاحب نظر دیرسم نوله
کیمکه حق پرده‌سز یوز کده‌ای جان کورمدی   بی بصیر تدر کر آنه بی بصر دیرسم نوله
نور ایما ندر جما لك کیمکه صدقنا دیمز   کافر مشرکدر انه‌دیو اکر دیرسم نوله
زلف ورخسار کدرای جان سوره‌ٔ نور ودخان   کر بو معنیدن اکا شام وسحر دیرسم نوله
چون نسیمی نك مقامی قافش عنقا الین   شول معلی قدره کر عالی کهر دیرسم نوله

(وله ایضا)

دنیا طوره‌جق یردکل ای جان سفر ایله   الدائمه انك النه اندن حذر ایله
برحاله قرار ایلمز ایام وکچر عمر   ای اهل نظر باقه بو حاله نظر ایله
پاینده دکل دولتی ای خواجه جهانك   اسبابنه الدائمه کل اندن کذر ایله
کر عاشقسن صدقله شول دلبر ایچون کل   جانیله جهان اورتایه قورترك سر ایله
دوشدی صاچنك ظلمته کوکلم الهی   اول حال پریشانه بوشامی سحر ایله
چون حسنکه ختم اولدی بوکون دور ملاحت   ای فتنه لرك خاتمی شق القمر ایله
کر موسیٔ عمران کبی شول ناره صتاشدك   کل تابشنی کوستر وشرح شجر ایله
دنیا اوینك ساکنسی بش کون ایمش چون   بنیادینی اورورکبی زیروزبر ایله
شول بسته دهانك خبرین بیلدی نسیمی   شیرینلره شول تنك شکردن خبر ایله

(وله ایضا)

بونه برکزیده صورت که کذر بو جان ایچنده   بونه قیمتی کهر درکه بتر بو کان ایچنده
سنی کیمدر آدم اوغلی دین الله الله   بو صفتده کیم کورو بدر بشر جهان ایچنده
کیم راوی ویر بیلمندن ایرمز یقین بوسره   نه خیالمش بو یارب خبری کمان ایچنده
یوزکی نقاب ایچنده یاشر ای قمر صورتلو   که رخك قیامت ایلر بو آخر زمان ایچنده
سنی بندن ایراق ای جان نیچه آیره زمانه   کوزمله کورمشم چون سنی هر مکان ایچنده
بنه فغانه کلدی جکر طوتشدی یاندی   نیه اوغردی نه کوردی بو تهی میان ایچنده
دیلرم زمان زمان کیم سنی چقه‌یم جهانده   نیجه برینه بوشمعك جکری دخان ایچنده
بودرك معانیٔ کورنه بیان قیلور نسیمی   فلکك دلی طوتلدی بو اولو بیان ایچنده

(وله ایضا)

ای بی نظیر واحد حسنك جمال ایچنده   یوزك قیامت ایلر شول زلف وخال ایچنده
صبح ازلده هرکیم بولدی سنکله وصلت   قیلدی سنکله دائم عیش وصال ایچنده
بن بنده حق بولدم حق الیقین حق اولدم   اویقوده قالدی منکر نقش وخیال ایچنده
ای عالمك حیاتی عشقك نه نارمش کیم   غرق ایلدی جهانی آب زلال ایچنده
فردینك کمالی اولدی سکا مسلم   کیم غایته ایرشدی حسنك کمال ایچنده

آغزکله زلف مشکین مشکات نور حقدر | کل حق خلقه کوستر شول میم ودال ایچنده
یوزك شمعی ثلندن قاشك دلائلندن | غوغا وفتنه دوشدی بدر وهلال ایچنده
بدرك قتنده یوزك شول شمس خاوریدر | هیچ کیمسه کورمزانی هرکز زوال ایچنده
روح الامینه صوردم اسراری نی طوداغك | نطقی طوتلدی قالدی اول بوسؤال ایچنده
ای استین لقایی فردا کوننده حقدن | فردایه دوشمه قالمه فکر محال ایچنده
ای مکر ایچنده صوفی الدائمه آله زنهار | کل عمرکی چورتمه تزویر وآل ایچنده
شول غمزه شیوه سندن برحاله دوشمشم کیم | کورن بوحاله استر دوشمك بوحال ایچنده
یوزك کبی نسیمی ای خوبلرك امیری | خورشید لم یزلدر بدر وهلال ایچنده

وله ایضا

الحمد لله احمدك کبردك عبا وشالنه | بوالفضل رب العالمین اولدی علی وآلنه
فانی جهانه قالمدق اماره نفسه اویمادق | الداندیلر الدائمه دق بودنیه مکر وآلنه
عاشقلرز قیلدق نظر یارك جمال ووجهنه | کالورد حمرا جنتك صلو علیه آلنه
الیوم اکملت لکم دیدی استواده دینکیم | شکر ایله کز حق نعمتك رزق حلال ومالنه
الندن چون شق القمر آچیلدی ایمان اهلنه | اشراط ساعت حکمله باصلدی خاتم النه
شیطان صراطی کورمدی یوزنده یارك مستقیم | یلقون غیادر جزا دیو لعین ضالنه
اوقور یقول الکافر یالیتنی کنت تراب | نار جحیمی طوبین یاننده یارك بالنه
انلرکه نار اصحابیدر چیقماز طموندن تاابد | قال اخسؤا فیها جواب انلر نیته کیم بالنه
ای استواسن بیلمین طوغری یولینی یاکلن | اعمی دکلسن آچ کوزك باق انما الاعمالنه
جانانه یوزی قبله در محراب مسجد قاشلری | دیو اولمه جاندن سجده قیل شو لقبله نك اقبالنه
قالوا بلادن صدقله جانم طولشدی صاچنه | دولتلو جان کیم بنده در حشمتلو زلف وخالنه
نفسنی بونده بیلمین الله نوری کورمدی | حقنی نسیان ایلدی باقز حق انك حالنه
توحید خالص در بکا کورمك جمالك ای صنم | اولسون حسددن مشرکك لعنت قود جالنه
قوپدی قیامت فتنه سی اورلدی صورك نفخه سی | اشته نفیرك صیحه سی چالندی صانمه چالنه
مجمرده عود زلفنك مشکین قوخوسی کیم بکا | حاجت دکلدر ای پری عود اوزره عنبر صالنه
جانیله دلبر بولنه ویردی نسیمی کوکلنی | عالمده رحمن صورتن کیم کورسه کوکلی آلنه
حقه یقین اخلاصله چون نیة المؤمن کرك | عشقه محب اول ای کوکل باق انها النه

وله ایضا

بوقدر وفاسی دنیه نك آلدانمه انك آلنه | رنکندن اولدی منفعل هرکیم بوباندی آلنه
نقدز غدار دنیه نك انکله بازار ایلمه | نیچون که هرکیم قلبله ایلرسه بازار آلنه
چون جمله قیل وقالمش دار الغرورك حاصلی | شول بی ثباته دوشمه کز بیهوده قیل وقالنه
آروسی بیلاندر صاقن طاتلوسنه آلدانمه کیم | آجی در آنك سکری آغو قاتلمش بالنه

اصلی دنی در دنیانك ذاتنده بوقدر برالف   ترکیننه کل باق انك شول یا ونون ودالنه
فانی جهانك سوکسی طامو اودیدر باندرر   قاج اول قریدن ای کوکل آلدانمه زلف وخالنه
محنت در انك دولتی زحمتدر انك حشمتی   مدبردر اولکیم باغلدی قلبن انك اقبالنه
تزویرو بهتاندر ایشی هم قول وفعلی مختلف   حالن سکاشرح ایلدم فکر ایله انك حالنه
دیو رجیمك آتی در اماره نفسك مرکبی   ترك ایله دیوك آتنی یاپشمه انك یالنه
محکم اوبنجی درفلك منصوبه سندن که صاقین   ای بی بصیرت باق آخر شول صورتك احوالنه
شول بی مناللك عشقنه ویردی نسیمی کوکلنی   دنیا نوله یا آخرت کیم قاله ملك ومالنه

ولە ایضا

❊ نور تجلی شعله سی دوشدی ازلده آلنه   کوزلرمك بورنکله باشی بو یاندی آلنه ❊
❊ هم معجزاتی احمدك کوزلری سحر در انك   رحمت حق بو جادونك امته وآلنه ❊
❊ جهد ایدرم که آلنه کوکلمی ویرمیم ولی   هم بیلورم که عاقبت آلنه کوکلم آلنه ❊
❊ کیسه اکرچه استمزدوشمکی فتنه یه ولی   شکر ایدرم که دوشمشم آله کوزیکك آلنه ❊
❊ دوشدی نسیمینك باشی زلفی کبی ایاغنه   دوشه لی جان کوزی انك بدرمعمم آلنه ❊

ولە ایضا

دوشدی بنه دلی کوکل کوزلرینك خیالنه   کیم نه بیلور بو کوکلمك فکری ندر خیالنه
آلله الا کوزلرك آلدادی آلدی کوکلمی   آلنی کورنه آل ایدر کیمسه ایرشمز آلنه
قیمتنی طوداغکك دکه خسبسه صورمه کیم   بن بیلورم که جانله صوصامشم زلالنه
کوزلرینه اسیر اولن کوکلمی حالنی بیلور   کیمکه بو حاله دوشمدی قوی وارە کندوحالنه
سرینی شول قرابکك یکاغی شرح ایدر ولی   جان نوله کر فدا اوله یکاغنه وآلنه
طاتلوسوز کدن اوطانور آب حیات محو اولور   کل بشکر نه نسنه در کیم ایریشه مقالنه
حسن وجمال وصورتك مجلس برکمال در   شرح وبیان ووصفله عقل ایرمز کمالنه
یوزینی قاشنی کورن قارشو بقار شو کوزیکز   صانمه که باقه اول کوکل بدرینه یاهلالنه
عاشق صادقك قانی کرچه حلال در ولی   کیرمزا کر روا دکل دلبرانك وبالنه
آیله کون سجود ایدر صورتکی کوریجکز   بونه جمال وحسن اولور صلوا علی جمالنه
بوالدی نسیمی چون سنی لجدی قودن ای صنم   قویدی حریر اطلسی کیردی عبا وشالنه

ولە ایضا

کیمکه آلداندی جهانك آغولو لذاتنه   دوشدی شولمنصوبه سی چوق دنیەنك شهماتنه
دیو ملعوندر صاقن اماره نفسك مرکبی   بنمه کر ازغون دکلسن نفس شومك آتنه
دعوی ایلرسن که حق بیلمشم صادق دکل   چون دلیلك یوقدر ای منکر انك اثباتنه
زلف قاشك کر یککدر تلك آیات الکتاب   اشته مصحف کل باق انك سوره وآیاتنه

طاعت وذكر ونمازی مكر وقندر زاهدك | عارف اول آلدانمه بالله زاهدك طاماتنه
نفخهٔ صورك صداسی طوتدی آفاقی ایشت | ای اولن عاشق حسیرك انكر الاصواتنه
كافرك بتخانه سیدر دینك كاشانه‌سی | بوقدر ایمانی انك كیم سجده قیلدی لاتنه
جام جمشید اولدیهرشی صورتكدن او بدورر | ای كونش فیضك ایرشدی عالمك ذراتنه
ذاتنك عینی در اللهك صفاتی ای بشر | لیكن اول بیلدی بورمزی كیم ایرشدی ذاتنه
صورتك كوركیم نه مغلقدر كیم انك سرینی | كیمسه‌نك عقلی ایرشمز كنه ادراكاتنه
چون جمالكدن نسیمی ابجدی قیلدی تمام | عین ومیمك عمه سندن ایردی والصافاته

ولە ایضا

باشكی طوپ ایله كل كبر وحدتك میدانه | ای كوكل مشتاقسن كیرز لفنك چوكانه
عاشقك قانیله اوینار دلبرك سیمین الی | ای بلایجی عاشق ابسم كیرمه جانك قانه
چكمین عشقك بلاسن كورمین هجرك غمین | دردیدرمانسزدر انك چاره یوق درمانه
جانی قربان قلاندر یارایچون كرچك شهید | هر نفس بیك رحمت اولسون اولشهیدك جانه
زلفنك سری اوزندر زاهد آنی صور بكا | كر اسیر اولمق دلرسن زلف مشك افشانه
كل نقابك طرفنی كلكون بكاغكدن كتور | تاكلستان كلسون ایرق كل خندانه
خوبلرك باغنده چوقدر فتنه‌لو نركس ولی | فتنه‌لك ختم اولدی انك نركس فتانه
ای اومن یارین كونك اوچاغنی كل كوركه بن | صاتمشم آنی بوكون یارك لب ودندانه
لعل ومرجاندر طوداغك لؤلؤدردر دیشك | آفرین اول بحر وكانك لؤلؤ ومرجانه
كربكك ناوك اوقیدر قاشلرك چاچی كمان | اوغرمز عاشقدن اوزكه اول اوقك بیكانه
ای نسیمی كرسوزك معنی‌سی بی پایان دكل | نیچون ایرمز كیمسه‌نك عقلی انك پایانه

ولە ایضا

كل كل كه مشتاق اولمشم شیرین لبك كل قندینه | كل قند مصریدر لبك قندن الت كل قندینه
هر قنده كیم شرح ایلیم شیرین طوداغك قندینی | ارواح اوشر طوطی كبی اول لعل شكر قندینه
شهلا كوزك بندن كوكل الدی واندایچره كه بو | كفارت اولسون نچه نذر ودل اوكرچكك سوكندینه
مشكین صاچك بندن بنی كسدی وپیوند ایلدی | تحسین انك تقطیعنه رحمت انك پیوندینه
زلفله قاشی قاره‌در سرو خرامان دلبرك | قشلار بنه قربان اولەم یاطرهٔ دلبندینه
ای واعظ ابسم در بكا طاماتكی عرض ایله | بن عاشق اولدم كیرمزم هر قصه خوانك پندینه
ای عشقه انكار ایلیان چون وچرا وچندی قو | نیچون دوشرسن عاشقك چون وچرا وچندینه
زلفی كمندندن كوكل قورتلماز ایرق شویله بیل | سوداسنه بل باغلمش هم كوز قرارتمش بندینه
چون شهر یارك شهرینه بو كون نسیمی درملك | بیورق انك درحكم انك هم شهرینه هم كندینه

ولە ایضا

دوشمش معنبر سنبلك خورشید تابان اوستنه
شول رسمله مشکین بکك کلبرك خندان اوستنه

کوکلمی ویران ایلدم مهرك یرك جان ایلدم
عشقك بکا شان ایلدم دوشدی غمك جان

درد محبت عاشقه درمان یتر وار ای حکیم
هردم بنی یك درد له ارترمه درمان اوستنه

رخسارك اوزره زلفکی هر کیمسه کیم کوردیدی
کفرسیه درصانه سن داغتمش ایمان اوستنه

یاقوت وریحاندر خطك ای قوت جان لعل لبك
شول نوعه دوشمشدر که خضر اول آب حیوان

نور تجلی سرینی یوزکده کوردی کوزلرم
کور کیم نه صورتبا غلمش بوچشم کریان اوستنه

عشقکده ای آرام جان کرچه نسیمی خاك اولور
دورمش سنکله تا ابد شول عهد و پیمان اوستنه

﴿ وله ایضا ﴾

دل بزرجبسی یلاندر و یرمزم بازارینه
کرچك اولمز اکری دل ایناممزم اقرارینه

صادق اولدر دلنی کوکلیله برایلیه
اکری دلدن نسنه کلمز دورمشم انکارینه

واری محنت درجهانك نه اومرسن ای کوکل
لعنت اولسون بوجهانه هم جهانك وارینه

دلبری اولدی کیمك کیم فانی دنیا عاقبت
کچدی عمری طوبمدی ایرشمدی دلدارینه

تخته چقماق اسمز منصور اولان یامنبره
هر که منصور اولدیچیقدی شاه عشقك دارینه

دنیانك نازنعیمی جیفه دریعنی نجس
ای کوکل طاهرسن آخر صونمه ال مردارینه

حق بیلور ایشنی صبرایت فارغ اول غصه یمه
وقتی یتسون بوجهانك قوی وقتلان کارینه

هیچ کل اولمزدکنسز هیچ شادی غصه سز
دیرمه کلندن انکیچون کلی دکمز خارینه

چون نسیمنك غمندن فضل حق واقف درر
غم دکل کر کیمسه اولمز مطلع اسرارینه

﴿ وله ایضا ﴾

ای نازی چوق دلبر بنی یاندرمه هجرك نارنه
چون یانرم پروانه تك شمع رخنك انوارنه

هجرك شرابی آجیدر مشتاقه ایچرمه آنی
نیچوکه یاراول آغویی ایچرمز ای جان یارنه

حسنکدن ای شمس و قمر آفاقه دوشدی فتنه لر
کیم درینن اندیشه سز زلف ورخك اسرارنه

دنیا و عقباده بکا مقصود سنسن یوقسه بن
عقبایه سنسز باقرزم هم دنیانك مقدارنه

وصلکدن اولدم چون غنی بن ملك مالی نیلرم
بن کن فکانی و یرمشم وصل رخك دیدارنه

صاچرخیالك نقشنه لؤلوی شهواری کوزم
ای دیشلری درباق انك دردانهٔ شهوارنه

یوزك انا الحق بنی زلفکده بردار ایلدی
منصور اولاندر آصلن عالمده عشقك دارنه

تسبیحله سجاده چون زرق اهلنك ارکاندر
عاشقلره زلفك یتر دعوت قلان زنارنه

کرواصل اولمق یارله استرسن ایعاشق بوکون
کل اور نسیمی تك قفا کون ومکانك وارنه

﴿ وله ایضا ﴾

یاندریجی فرقتك یاقدی بنی نارنه
کوکلم اولشمق دیلریا روفادارنه

اولدی کوزمدن ایراق شول صنمك صورتی
یارب ایرشدر بنی دولت دیدارنه

عشقه اسیر ایلدی جانمی شول نازی چوق — لطفله بر باقدی یارک رفتارنه
کورکه سوزلمش کوزی ایلدی صبرو بنی — قانی انك رحمتی عاشق بیمارنه
یوره کمی یاره لو ایلدی غمزك ایرش — یاره سنه باق بوکون قویمه انك یارنه
جانمی پروانه تك یاندررم شمعه کیم — یانزمش یارایچون واصل اولان یارنه
ملکله مال ای ملك کیمسه یه چون قالمدی — یوق طوت آنی هیچ صای باقه انك وارنه
عشقکه قالوا بلی چون دمشم صدقله — عهدمی صندرمزم طورمشم اقرارنه
یاره نسیمی بوکون جانتی قربان قلن — محرم اولور تاابد مخزن اسرارنه

وله ایضا

دوشدی کوکل آله کوزك آغنه وقراسنه — ایرق انکله کیمسه نك آغی ندر قراسنه
کلدی فغانه جان بنه نی کبی سوز ودردله — کیم نه بیلور بو خسته نك دردی ندر دواسنه
طره سنك جفالرین صورسه بو مبتلایه کیم — ایلشسم فدا انك جانمی هر بلاسنه
چونکه جفاسزای کوکل کیمسه مراده ایرمدی — جوره تحمل ایله طور شول صنمك جفاسنه
نور وصفا ایچنده یم غرقه ولی بو حالتی — اول نه بیلور که دوشمدی مهر رخك هواسنه
یکجهت اولغل ای کوکل جان وجهانه اورقفا — یوزکی طوغر یطوت حقا اورقنك قفاسنه
حسن وجماله باقغه آری صفا نظر کرك — دوشمسون آری سز نظر آینه نك صفاسنه
دلبر الندە عاشقك قتلی ندن حرام اوله — عاشقه چون حلال ایدر وصلنی قان بهاسنه
چون بو بلا نجی دنیه نك عاقبتی فنا ایمش — کچ قودن نسیمی تك باقمه انك بقاسنه

وله ایضا

صوصادی کوکلم نکارك لعل روح افزاسنه — طال شوقی شول حبیبك صورتی زیباسنه
ای صبا اغرشد غکیجه شو لخرامان سروطوش — بندن اوپ انك ایاغنی سجده قیل بالاسنه
کوزلری سوداسی عاشق جاننه قلدی وقلرین — اول بیلور کیم عاشق اولمش نرکس شهلاسنه
عینکی اچ عینمه باق جمله عینك عینیم — صدهزاران جان فدادر عینتك سوداسنه
صورمه سودابی نزك حالن طبیب عامه کیم — دوشمین بیلمز بو حالی کوزلری سوداسنه
صورتی حسنی جمالی جمله زیبادر انك — حسننه قربان اولایم بلکه سرتاپاسنه
کیمکه ظاهر کورمدی یوزکده حقك صورتن — کوز کسی آری دکلدر چاره قیلسون پاسنه
بی بدلدر حسن ایچنده لطف ایچنده بی نظیر — واحدیت ثابت اولدی حسن بی همتاسنه
خرمنده حسننك کوندر بشقجی آیله — اوتان ای نسبت قیلمن قاشی هلالی داسنه
زاهدك هیچ اولدی زهدی نیجه یکدی طاعتی — باشلدی یاسبنه شمدی کیمسه کلمز یاسنه
چرخ نزادك نقوشن ترس اوقور کوزسز فقیه — کعبتینی کورکه آترحقه بازك طاسنه
روح قدس اولدی نسیمی جسمنی طرح ایلدی — کوهر فرد اولدی دوشدی وحدتك دریاسنه

وله ايضا

صورت حقه ای صنم بدر رخكدر آينه
طاش اوله كيمكه صورتك اولميه عاشق آينه

عشق رخك طريقدر دارسلامتك يولی
منزلنه چقان ايرر كيمكه بو يولده طاينه

دنيه وملك ومالـنه ميل محبت ايلمه
چون كيديسرسن ای ملك اخرتك سراينه

وصل رخكدن ای پری تا ابدا اولدی محتجب
كيمكه مقيد اولمدی زلف كره كشاينه

فاتحه درانك يوزی نون والف در آيتی
صلوا وسلموا علی صورت جانفزايـنه

زلف دوتاسنك غمن صور بو اسير عشقه كيم
كاولدر اسير ايدن بنی سلسلهٔ دوتاينه

باشنه كيمكه دوشمديكولكه سی عنبرين صاچك
دولته صادق اولمدی اوغرامدی همانيه

حورله جنت ولقا كورميه حقدن اويله بيل
كيمكه يوزكده كورمدی حق بو كون معاينه

عشقكه كيمكه قيلمدی باشله جاتی سبيل
دردنه چاره بولمدی اوغرامدی دواينه

ويرمشم اول قراصاچك قول وقرارنه كوكل
كرچه اينـانمزم انك عهـدنه ووفاينه

حسن رخك زكاتی آيه كرايده سن عطا
مهرمنير طلعـتك نورنه يانه يايـنـه

حسنكه خالق البشر ختم ملاحت ايلدی
دولت انك كيم اوغرادی ختمه سنك دعاينه

جان ويريجی لبكده در شربتی خسته كوكلك
كيمدر ايرشـدرن آنی لعل لبك شفاينه

لعـل لبك حياتی انجويه نسبت ايلين
كورنه جفالر ايلمش جوهر جان فزاينه

عشقنه ويرمسون كوكل شول صنمك نسيميا
كيمكه تحمـل ايلمز جورنه وجفـاينه

وله ايضا

رحمتی كلدی ايرشدی فضل رحمانك ينه
چيچكی آچلدی كلدی شول كلستانك ينه

كوكلمك احوالنی كلدی كرمدن صوردی يار
عون ايردی درده يانن جانه درمانك ينه

كلدی روح افزالبندن صوصامش جانه سلام
خضره انعامی ايرشدی آب حيوانك ينه

فرقتك دورانی كچدی كلدی ايام وصال
مدعی عمری دوكندی آچی هجرانك ينه

كل كتوردی پرده يوزندن آچلدی نو بهار
رونقی كلدی ونوری باغ وبستانك ينه

ظلمتندن ليلة الهجرك بكا ايرق نه غم
نور چون دوشدی بكا شول ماه تابانك ينه

زلفنك عهدندن استه دلبرك بوی وفا
عنبری يايلدی شول زلف پريشانك ينه

باشمه قوتلو اياغن كلدی بصدی اول نكار
كولكه سی دوشدی بكا سرو خرامانك ينه

عهد وپيمانكدن ای يار استدی جان ال يومق
قويمدی مهرك وفاسی عهد وپيمانك ينه

ای قمر عينك بلا يترمدی عالمده كيم
فتنه اولدی خلقه زلف عنبر افشانك ينه

چون نسيمينك صوصامش قانه يارك لبی
نولدی ای منكر سكا كيم قينادی قانك ينه

وله ايضا

شول شمـعی كوركه نورنه پروانه ام ينه
باش اويانمقده كور نيجه مردانه ام ينه

ساقی لبندن اسرمشم شول قدحدن اوش   مستانه کوزلرك كبی مستانه ام ینه

قالوا بلاده کوی خرابات ایدی یرم   شول معنیدن مجاور میخانه ام ینه

بزم ازلده همنفسم کرچه جامدی   شکر ایلرم که همدمم پیمانه ام ینه

عشقکده ای جمال الله افسانه فی المثل   خلقلك دلنده کورکه نه افسانه ام ینه

ای بیلمین بو جان عزیزك حقیقتن   جانی بیلانه صور که نه جانانه ام ینه

اندیشه نك عمارتی قیلمشم خراب   شول کنج بی نهایته ویرانه ام ینه

یارب نه سحر ایدرشو پری شکل وشیوه کیم   زنجیر جعد زلفنه دیوانه ام ینه

ای کوهرك بهاسنی مقدارینی بیلن   اصداف ایچنده کورکه نه دردانه ام ینه

یوزکده ای صنم کورەلی زلف وخالکی   دام بلاده دانه کبی دانه ام ینه

کشف ایلدی نسیمی دهانك رموزینی   مفتاح غیبه کورکه نه دندانه ام ینه

﴾ وله ایضا ﴿

درده مشتاق اولمین کیمدرکه درمان استیه   قبل موتی بیلین سن صانمه کیم جان استیه

جوهری اولمق کرکدر جوهری بولمق کرك   هر کیمك کوکلنده واردر اول ویره کان استیه

جانله دنیا وعقبی هر کیم اول ترك ایتمدی   مدعیدر صانمه کیم اول ویره جانان استیه

خضرله ظلماتی طاتمین حیوان کبی   نه بلا کیم قنده واره آب حیوان استیه

هر کیم اول طاتمدی کندو وجودن شهرینی   اول کدا همت نه یرده واره سلطان استیه

عنبرافشان زلفی النك کیمکه دوشدی بوینه   باشی طوپ اولسون انك کیم اوز کەچوکان استیه

زلفنك کفرن اکرچه اهل حق ایمان بیلور   ای نسیمی صانمه سن کیم کافر ایمان استیه

﴾ وله ایضا ﴿

دوشورمش عنبریزلفك همایونکولکه سن آیه   تعالی الله زهی سنبل تعالی الله زهی سایه

نظیرك یازمز ایرق ازل نقاشی رخسارك   که حسنك دوریختم اولدی بورخسار دلارایه

قاشك معراجنه صوفی ایرشمك استرای حوری   ولی هر قاصر ادراکك عروجی ایرمز او پایه

یوزك والشمس و یس در متنا کرپکك طه   طنقدر الذی اسرا بومعراج و بو اسرایه

رخك اسماء حسنا در تعالی شانه کورکیم   نه احسان ایلمش محسن بو حسن صورت اسمایه

صاچکدر لیلة الاسرا قاشك اسرار ما اوحی   قنی حقدن ایرشمش جان بو اوحی و بو اوحایه

وصالك قیمتی دردر نهایتسز دکز عشقك   بودرك کانی اول بولدی که غرق اولدی بو دریا

کل ای طوبی سجود ایله بو سیمین برسهی سروه   که امر اسجدو کلدی بو زیبا قدو بالایه

پریشان زلفنك حالن ندرسن بیلمك ای زاهد   بو سودا انجه سودادر دولشمه سن بو سودایه

صاچکو صلندن اولعاشق حیات سرمدی بولدی   که تسلیم ایلدی جانن بو ریحان سمن سایه

منورعبهرك ترکی اوین یغمالدی عقلك   مغل هر قنده واررسه دوشر تاراج و یغمایه

بو کون شول ماه تابانك یوزین کورظاهرای عابد   که محروم اولدی اول خاسر که مغرور اولدی فر

نسیمی چون سنی بولدی بو عالمده توحید اولدی	کسلدی ماومنلکدن اولشدی ذات یکتایه

ولە ایضا

چاره بو قدر یاره ابسم ای کوکل یار استمه	درده چون درمان بولنمز نیجه تیمار استمه
دنیانك یارندن استرسن وفا عقلك قنی	حاصل اولمز نسنهٔ فکر ایله زنهار استمه
منکرك اقراری بو قدر حقه ای صاحب نظر	حقه اقرار ایله سن منکردن اقرار استمه
ظلمتی چو قدر جهانك ظلمتندن که صاقن	ای کوزم ایدنلغی ظلمتدن انوار استمه
کوز یکی سن اچمینجه ای لقادن بی خبر	صورتن قیلق تمنی ایتمه دیدار استمه
نیجه محنت چکمینجه هرد کندن بر زمان	بلبل عاشق کبی چاغرمه کلزار استمه
استین مردار کرکسدر مدام ای طرفه قوش	حضرتك شهبازا اول ای مرغ مردار استمه
وارلغی فانی در ای غافل بو فانی دنیانك	شول بقاسزدن بقا ممکن دکل وار استمه
کرچه حقدن واحد اولدی نورله آنست نار	ای نسیمی چون اولشدك نورنه نار استمه

ولە ایضا

سن سکا کر یار سن وار ای کوکل یار استمه	یار و دلدار اول سکا سن یار و دلدار استمه
بی وفادر چون بو عالم کیمدن استرسن وفا	بی وفا عالمده سن یار وفادار استمه
کل بیلنمز بو دکنلو دنیانك باغنده چون	ابسم اول بیهوده کلسز برده کلزار استمه
معرفتدر خالص التون سکه سی فضل و هنر	التونی طانی زغلدن آزی دینار استمه
رب ارنی نك جوابی لن ترانی چون کلور	سنده کوردیدارین انك اوزکه دیدار استمه
حقه منکردر فقیه ایناتمه اول شیطانه کیم	بو قدر اول جن خلقتك ذاتنده اقرار استمه
آری کفتار ای کوکل کرچه کرك نطق درر	هر دلی اکریده بو قدر آری کفتار استمه
جیفه در دنیا انك طالبلری آدی کلاب	اولمه کلب انك کیم اولدی آدی مردار استمه
شربتی آغولیدر فانی جهانك سن آنی	شربتندن نوش دار واومه زنهار استمه
دنیانك سو کوسی آغر یوك ایمش بندن ایشت	نفسکه یوك ایتمه آنی ای سبك بار استمه
برامین محرم بولنمز ای نسیمی چون بو کون	خلقه فاش ایتمه بو سری کشف اسرار استمه

ولە ایضا

برك نسرین اوزره مشکین زلفکی دام ایلمه	عاشق آشفته بی صبر و آرام ایلمه
شول مغلچین کوزلرکله چون بنی صید ایلدك	باغرمی جورله پرخون ای دلارام ایلمه
کیمسه چون یارك وصالك بولمدی طاما تله	ابسم ای خلوت نشین اندیشهٔ خام ایلمه
عاشق صادق طوزاغك قوشی ای زاهد کل	دانه دیزمه تسبیحی سجادهٔ دام ایلمه
زلف و رخساریدر انك ذکرم اوش هر صبح شام	ذکرسز هرکز الهی صبحمی شام ایلمه
وعده چونو یرمش بزه حق سلسبیل و حور و عین	قویمه الدن شاهدی ترك می و جام ایلمه

چون نسیمینك مرادی سنسن ای آرام جان	خلق ایچنده آنی دشمن کام و بد نام ایلمه

﴿ وله ایضا ﴾

کیتمکه عزم ایلمش سن ای دلارام ایلمه	حسبة لله بنی بی صبر وآرام ایلمه
دانهٔ مشکین خالك کوکلمی صید ایلدی	بوطوتلمش صیده شاهم زلفکی دام ایلمه
زلفکی برك کل اوزره ای پری طاغتمه کیم	بونجه کوکلی یانمسنك سوداسنی خام ایلمه
عمرمك صبحی یوزکدر بختمك شامی صاچك	کیتمه ای دلبر کوزمدن صبحمی شام ایلمه
رند وقلاشم بکا زاهد دیمه ای متقی	لا ا وبالی عاشقی عالمده بدنام ایلمه
عشقکی ترك ایتمك استر کوکلم اماچین دکل	یاالهی کیمسه یی سن بی سرنجام ایلمه
چشمهٔ لعلك صویندن برقدح صون ساقیا	اشتیاقکدن نسیمی نك کوزین جام ایلمه

﴿ وله ایضا ﴾

ای روح قدس جیفهٔ مرداره یاپشمه	کلزار جنانی قیوبن خاره یاپشمه
محبوب امین یار ابد وار یکن ای یار	اغیار ایتکن طوتمه واغیاره یاپشمه
منصور کبی سن استرسن منزل عالی	ایترمه بقاداری فناداره یاپشمه
ای کوپهٔ انجودن ایدن بندن ایشت پند	سوزدرینی طوت لؤلوی شهواره یاپشمه
قالودن اکر عالمه اقرارله کلدك	اقرارینی ترك ایتمه وانکاره یاپشمه
ای معرفتك مصحفی اوش کنزله مصباح	مفتاح بودر مجمع ومختاره یاپشمه
بنلك صتانك چونکه زغل چیقدی قاشی	وارآری متاع استه بو بازاره یاپشمه
کسب ایلیان آخرتی آنی دلی بیل	کر عاقل ایسن دنیهٔ غداره یاپشمه
صاچی قرانك زلفنه یاپشدی نسیمی	ای باده ویرن عمرینی زناره یاپشمه

﴿ وله ایضا ﴾

یوزیکی هر کیم کوردی صورت رحمان دیدی	لعلکی هر کیمکه صوردی چشمهٔ حیوان دیدی
صورتك اشکالنی صوردم امین حضرته	وحی منزلقدر که کلدی حقدن اوش برهان
قایندی عشقك تنوری عالمی غرق ایلدی	کور بوطوفانیدم عشقك بودر طوفان دیدی
کیمکه قربان قیلمدی بولکده جان وباشنی	آدی نادان در بو یولده حق اکا نادان دیدی
روحه صوردم صورتك تفسیرینی حرفا بحرف	بن دخی شول صورتك نقشنده ام حیران دیدی
ای نکارم صورتندن حاصلم نقش وخیال	دردمی صوردم طبیبه سنده در درمان دیدی
کفرینی صوردی بکا زلفك فقیه ای جان دیدم	عاشقك ایمانی در کافر زهی ایمان دیدی
احسن صورتدر انسان سجده قیل انسانه کیم	واعبدوا ایاه واسجد خالق الانسان دیدی
بحر مرجاندر دیدی جان لعلکه عینی عجب	منبع ارواحه نیچون معدن مرجان دیدی
طفل ایمش معتیده هر کیم شو لکونش خساریکه	غبغب سیمینه طوب وزلفنه چوکان دیدی

صورمه دارك حالنى منبرده وعظك صاتنه | داره جقماز باش انا الحق كرديدى يلان ديدى
لوح محفوظك حروفك يعنى قاش وكر يكلك | جمله قرآندر اينان كيم حق بودر قرآن ديدى
جان بكا صوردى جمالك آدينى اى جان ديدم | لطف واحساندر تعالى الله زهى احسان ديدى
كنت كنزك سرينى صوردم نكارك خطنه | زلفنك هر تارسى اوش بنده در برهان ديدى
اى لقادن دوشمش ايراق ارنى ترك ايله كيم | وادئ مقدسده ارنى موسئ عمران ديدى
كرشهيد اولدى نسيمى دلبرك يولنده اوش | قان بهاسى حقدر انك اول دكز سبحان ديدى

﴿ وله ايضا ﴾

لبلرك شربتنه چشمهٔ حيوان صوصادى | صولو انجولرا كانشنه كبى جان صوصادى
شكرين بستهٔ خندانكه كيم صوصاميه | صانمه كيم بالكزا كابستهٔ خندان صوصادى
عنبرين سنبلكه باد سحر كاه ايچدك | وصلكه لالهٔ سيرابله ريحان صوصادى
سوزينك دادنه شرين شكر اولدى تشنه | نه شكردر بو كيم اكا شكرستان صوصادى
جور و بيدا دله دوكدى جكرم قانى يار | شويله بكزر كه جكر قاننه جانان صوصادى
نيجه قهر ايليه سن عاشقكه رحم ايله | كه سنك رحمتكه عاشق حيران صوصادى
صبر و اولدم كرم ايت عاشقكى صورمغه كل | كه كوكل وصلكه ايدردمه درمان صوصادى
صالنوب نازله كل كل كه بنم ديده لرم | اياغك توزينه اى خسرو خوبان صوصادى
اى نسيمى سوزينى تحفه ايچون بحره ايلت | كيم انك دقتنه درله مرجان صوصادى

﴿ وله ايضا ﴾

دون كيجه بر دلبر ايله عيشمز معمور ايدى | ليكن اول خونخواره كوزلر او يقودن مخموردى
كوزلرين سوزمش واوزمش جانى عاشقلرك | اصبلى زلفنده يوزيك شبلى ومنصوردى
سوزلرندن ظاهر اولدى شول مسيحى معجزات | طوداغندن براشارت عاشقه بك زورددى
حسن لوحنده يازلمش خوبلرك شاهى ديو | ثم انشأ ناه خلقا آخرين مشهوردى
زلف سبحان الذى اسرا بعبده آيتى | ياكنى اوزره مسلسل خطله مسطوردى
بو يى طوبى يوزى جنت عادك العرجون قاشى | كوزلرى والنجم انك سينه سى والطوردى
هم نشين ايدى نسيمى دون كيجه بر يارله | كوكلى شاد و وقتى خرم مجلسى پرنوردى

﴿ وله ايضا ﴾

صانمه يوزك كلندن كوله كوله كل اوتاندى | خجل ايلدى طوداغك شكرندن آب قندى
قره قاشلرك يانندن بكا كرپك اوقن اتر | آله كوزلرك مكر كيم بنه قانمه صوصاندى
ستم ايتمكيله حاشا كه كوكل اوصانه سندن | كيمه ايديم كيم انك تنى جاندن اوصاندى
كوزكى دوزب سوزرسن دل وجانه قصد ايدرسن | بونه در كه سن قيلورسن چلبى بكم افندى
نه متاعه قيمت ايتسم سنى اى شكار دولت | كه جهان بهاسى دكز قيلنه صاحك كندى

دون و كون ایكی كوزمدن اقیدر انار دانه   جكرم قانیله یاشم جكری نه خوش بویاندی
قره سنبلك نقـابی كه حجـابی دوشمش آیه   كتورای صنم یوزكدن كه نسیمی اوده یاندی

وله ایضا

فرقتك دردی نكارا بغرمی قان ایلدی   روز كارا ولدی مخالف وصل هجران ایلدی
جانمی یعنی وصـالك بندن ایردی فلك   كل بوجانسز عاشق كور كیم نه بیجان ایلدی
بغرمك قانن كوزمدن آقیدر هر دم غمك   ای صنم شوقك بنی كور كیم نه كریان ایلدی
دردمـك درماتی فضلندن الله ایلیـه   هردواسز درده چون اولدر كه درمان ایلدی
سندن ایر ودوشدیكیم تقدیرمش بندن دكل   حقدر ای جان هرنه كیم تقدیر یزدان ایلدی
سرعشقك كنجمش انك یری ویرانه در   ییقدی عشقك كوكلمی اول كنجی ویران ایلدی
جاتی ویردی نسیمی چون صاچك زنجیرنه   نیچون انك مسكنی زنجیر و زندان ایلدی

وله ایضا

مكر مشكین صاچك بو یی نسیم صبحه یار اولدی   كه جان پروردمی انك صاچك تك مشكبار اولدی
یوزك دورنده ای حوری جمال وحسنله هركیم   قرتك دوشدی دعوایه رخكدن شرمسار اولدی
هلالك قاب وقوسینی نه قدرت قوسمش یارب   كه قربان اولدی اول یایه جهان وجان شكار
یوز كدن كیمكه شیطانتك هدایت بولمدینوره   ازلدن تاابد شكسز لعین واهل نار اولـدی
اكرچه فرقتك قیشدر كه البرد عدوالدین   حقه منت كه وصلكدن كل اچیلدی بهار
نه طوبادر بویك یارب كه سروا كا سجود ایلر   نه كوثردر عجب لعلك كه خمری بی خمار اولدی
صولو انجولرك درجی قودی اندیشه لر آذن   مكر اندیشه نك عینی لبك دورنده وار اولدی
صیامك آیی در یوزك صاچكقدر اشته حق طانق   كل ایو حیی بیلمن عارف كه قرآن اشكار اولدی
صاچك قالوا بلی رمزندن فاش ایلدی خلقه   مكر قول وقرارندن قراری بی قرار اولدی
رموزن لیلة الاسرا كل ای زاهد ایشت بندن   كیم اول بیلدی بوسری كیم امین كرد كار
حسابك ساعتی كلدی نه صایرسن نه صانرسن   شمارك صاغشن بیلكیم حسابك بی شمار
وجودك شهرینی فتح ایت امیر وشهریار اول كیم   بو شهری كیمكه فتح ایتدی امیر وشهریار اولدی
بن اولمنصورم ایعارف كه حقدن بولمشم نصرت   انا الحق سویلرم دائم كه عمرم پایدار اولدی
هو الاول هو الاخر كیدر سندن ایكیلك كیم   نسیمی یارله چونكیم اولندی جمله یار اولدی

وله ایضا

كوركلو یوزك نورندن عالم منور اولدی   شیرین سوزك قتنده شكر مكرر اولدی
طوداغلرك صفاتن هركیم كتوردی دله   اول دمده اول شیرین سوز اغزنده شكر اولدی
مشكین صاچك غباری یولداش اولالی یله   جنت كبی جهانك طپراغی عنبر اولدی
زلفك قرانغوسندن یول استردی كوكلم   یوزك چراغی اكا لطف ایتدی رهبر اولدی

شول اویقولو کوزکدن قو یدی مکر قیامت | کافاقی فتنه سندن پرشور پورشر اولدی
یالاینجی مدعینک قلبنی آت اوجاغه | عاشق در اول کشی کیم کامل محك زر اولدی
طپراق اولالی صانمه کیم دوشه قیمتندن | طپراق اولن نسیمی کورکیم نه جوهر اولدی

وله ایضا

حسنکه سبحانهٔ کیمکه شهید اولدی | طالع و بختی انك بلکه سعید اولدی
صدقله هر کیمسه کیم طوتمدی عشقك یولن | سالك و عارف دکل شیخ و رشید اولدی
حمد وسپاس ایلرم حسنکه ای بیبدل | حسنکه حمد ایلین غیر جنید اولدی
صورت رحمانی بیل طاقی انك عرشنی | بیلین اول صورتی عرش مجید اولدی
حسنکه ای نور حق سجده قیلن تا ابد | آدی ملکدر انك دیو پلید اولدی
سلطنتك ذوقنی عاشقه صورسن آنی | اسم ملك عبده کیم عشقه عبید اولدی
کشف وکرامانله منزلت اولیا | بولمنسر هر کیم اول عشقه مرید اولدی
هر کیجه سی هر کونی قدرله بیرام اواوز | وصلکه هر کیم قریب اولدی بعید اولدی
نحن قسمناده حق هر نه که قسم ایلدی | ذره جه اول قسمته نقص و مزید اولدی
کرچه صاچك وصلی درظل مدیدای کونش | زاهده اول جنتك ظلی مدید اولدی
اوغرمدی صورتك آتشی شول جانه کیم | شول کونشك تابنه جسم قدید اولدی
ان عذابی شدید آیت هجر انمش | شدت هجرك بجان صعب وشدید اولدی
کیمکه نسیمی کبی واحد فرد اولدی | واحد مطلق دکل ذات وحید اولدی

وله ایضا

صبا زلفك نسیمندن جهانی جمله جان ایتدی | دمندن کورصبا زلفك که نه جانلر روان ایتدی
بو یکدر سدره وطوبی یوز کدر جنت وحوری | خط وخالك کلام اولدی بو اسراری بیان ایتد
کتوردی پرده یوزندن یدالله ای قمر طلعت | بو حق دستانله کورکیم نه معنی لرعیان ایتدی
نه کاشندر یوزك باغی که رعنا چیچکی انك | جهانی رنك و بو یندن دکنسر کلستان ایتدی
عبیر و عنبر و عودك صنقدر قدر و بازاری | معنبر زلفکی تا کیم صبا عنبر نشان ایتدی
یشل لوح اوستنه حقدن یازلمش اون ایکی آیت | قاشك وحیی بو آیانك رموزن ترجمان ایتدی
رخك نار یدر اول آتش که دود اشتعالندن | کلیم الله یول بولدی وحق هفت آسمان ایتدی
قضادر قاشلرك قوسی قدردر کر پکك سهمی | نبی اوماج ایچون عینك بو معنیدن نشان ایتد
خط وخالکدن ایدلیر علی العرش استوار حمن | بودر شول مشکل آیت کیم عقولی بی زبان ایتدی
یوز کدر بدر ایمانن قاشکله کر پکك قرآن | بودر شول آب حیوان کیم لبکده حق نهان ایتد
مکان کانه صغمز چون قدیمك ذات بی مثلی | نسیمی کاف ونون اولدی مکانی لامکان ایتدی

وله ایضا

نار جحیمه طعن ایدر عشق اودنك حرارتی / عارفبسن كل ای كوكل بیل بو دقیق اشارتی
دنیاده جاویدان اوی كیمسه ایچون یاپیلدی / كچ بو كچن خرابدن قوی بو فنا عمارتی
سفلی جهانه كوكلنی ویرمدی هر كه بیلدی كیم / محنت ور نجمش انك تختنه و وزارتی
سلطنت و عمارته عشقله تكیه لنمه كیم / ییش كونمش بو دنیانك سلطنت و امارتی
كعبه ایچنده كورمین شول صنمی معاینه / هیچمش اول صفاسزك سعیله و زیارتی
انجه‌دن انجه‌در بو سوز فاعتبروا كه كندودن / دخل ایده مز بو نقطه‌ده هر كشنك عبارتی
خلقله امر كن فكان ذات و صفاتدر انك / حق بو رسمه بیلین باغلو یمش بصارتی
كیمكه بو بحره طالمدی ماء طهوری كورمدی / طیب و طاهر اولمدی یوقدر انك طهارتی
زرق و ریا طریقنه وارمه و نفسه اویمه كیم / كیمسه یه اص ایلمز شول سفرك تجارتی
وردی نسیمی جانی وصل رخك بهاسنه / كور بو شراو بیعی كیم یوقدر انك خسارتی

وله ایضا

شربتی اجی فرقتك نوش ایدرم شكر كبی / جانمی طوتمشم غمك قارشوسنه سپر كبی
باقه بنی فراقلن چونكه بن ای یوزی قمر / خالص و مخلص اولمشم عشق رخكده زر كبی
قورمغه قویمه یایكی صالمه بنی فراقه كیم / طغرامش اوقلری انك یوره‌كی سحر كبی
تا ییله لركه مغربك كونشی طوغدی ای قمر / طرف نقابكی كتور خلقه كورون قمر كبی
كیمكه ملك كبی سكا قیلدی سجده ای صنم / تا ابد آدی دیومش منكر بی بصر كبی
كرچه هدایت ایلدی موسیء ناره اول شجر / عاشقه هادی در یوزك نور ینه اول شجر كبی
صدق و صفا اوذوقلن حقه اولاشوو واصل اول / ظن و كمانه محتمل اولمه اكر مكر كبی
سندن ازلده ای قمر عاشقه كلدی بر خبر / بردخی سندن ایسترم انجلاین خبر كبی
خال و خطك نسیمیء اوده یاقدی یاندرر / كور نیجه خوش ینار دوتر مشكله عود تر كبی

وله ایضا

جنت عدنمش یوزك اشته لبكده كوثری / قدرو براتمش صاچك خال و خطك ملكلری
غالیه بو صاچكله چون جانمی وصلت ایتمشم / جین و تتاری بیلرم عودله مشك و عنبری
معدن روح اكر دیسم لبلركه عجب دكل / جوهر جوهری بیلورسن بكا صور بو جوهری
حسن و جمال و صورتك قبله دراوش بو معنیدن / صور نكه سجود ایدر آیله شمس خاوری
جانیله كیمكه كوكلنی زلفكله قیلدی وطن / دیوه مسلم ایلدی مملكت سكندری
دائره‌سنده سنبلك نقطه كونشدر آیله / كور نه ایمش بو نقطه‌نك دائره‌ء مدوری
لوح ضمیره نقشكی صبح ازلده یازمشم / محو ایده مز بو صفحه‌دن كیمسه بو نقش و پیكری
یوزینه قارشو ای ملك حسنكه اوكه كیم اكا / آیله كون سجود ایدر انده پری دیكر پری
كشور امن و عافیت معرفتك جهان درر / ای ملك زمانه كل فتح ایده كور بو كشوری
حشر و حساب و محشره قائلسن كل اشته كور / حلقه‌دزنده زلفنك شول عرصات و محشری

دل بری ایله ای کوکل کچ قودن که قامودن ‌ ‌ ایلمینجه دلبری بولـمدی کیمسـه دلبری
عشق اتکن طوت ای کوکل آت باشکی اباغنه ‌ ‌ کورندرم سکا ایشت عشقه یاپشمه سرسری
چکدی صاچك نسیمیٔ چنبر عشقه نبلسون ‌ ‌ چنبر انکـدر او یانسون دور قمرده چنبری

﴿ وله ایضا ﴾

* ای نافهٔ چین صاچك سیاهی * ‌ ‌ * حسنك دلو قبلدی مهر وماهی *
* شق القمر اولدی استوادن * ‌ ‌ * شرح ایله بو سربنی کماهی *
* ای عشقه عدو وحسنه منکر * ‌ ‌ * تزویرله چکمه بونجه آهی *
* کر نعمت جاودان دیلرسن * ‌ ‌ * حیوانلره قوبو آب وکاهی *
* ای عشقه کناه دین کنهکار * ‌ ‌ * ترك ایلمزم بن اول کناهی *
* چون وحدته بولدی یول موحد * ‌ ‌ * جرح اولدی بو منکرك کواهی *
* مقصودنه بولـمدی هدایت * ‌ ‌ * هر کیمسه که بیلدی بو راهی *
* مثلی ونظیری یوقـدر انك * ‌ ‌ * وصفنـده نه سویلیم آلهی *
* شول باشه که تاج دولت ایندی * ‌ ‌ * نیلرکمر ویانیدر کلاهی *
* سلطاندر ایکی جهانده اولکیم * ‌ ‌ * فضل اولدی انك پشت وپناهی *
* محو اولدی نسیمی عشق ایچنده * ‌ ‌ * دریای محیطه دوشدی ماهی *

﴿ وله ایضا ﴾

سنده در شول کنج پنهان کزمه هر ویرانه یی ‌ ‌ دکزه طال آندن استه ای کوکل دردانه یی
جان ویر جانانهٔ بول اولمه بی جانانه کیم ‌ ‌ تنـده جانی یوقدر انك بولمدی جانانه یی
زاهدك افسانه سندن حاصل اولمز فایده ‌ ‌ وارکل یارك حدیثن نیلرم افسانه یی
ای سـقاهم ربهم خمرندن اکراه ایلین ‌ ‌ اسردوك غفلت میندن صندر اول پیمانه یی
ای حقی هر پرده حاضر دردین اکری نظر ‌ ‌ بس نه معنیدن سچرسن کعبه دن بتخانه یی
هر کیم ایدر آدمی دامه براقن باغده در ‌ ‌ کورممشدر لاله کون یوزکده مشکین دانه یی
ای چکن اوچاغه شاهم زلف پرچینك بنی ‌ ‌ جنته زنجیـر زلفکدر چکن دیوانه یی
کنج مخفی در صاچك ای صورت رحمان جمال ‌ ‌ نیچون ایلرسن بو کوزلو کنجه محرم شانه یی
انجه در زلفك رموزن شانه نك اغزی اچق ‌ ‌ دلنه براقه انك زلف مشـك افشانه یی
ناره آتن جانی شول شمع ایچون پروانه در ‌ ‌ نور نه شمـع اول سبیدن یاندرر پروانه یی
ای کلان قالوا بلادن معرفتسز جانوار ‌ ‌ حق بصیر تسز براتمش تا ابد بیـکانه یی
چون مقالید السموات ای نسیمی سـنده در ‌ ‌ قاف ولامکدن کتوردی سین وشین دندانه یی

﴿ وله ایضا ﴾

کوزلرم یارك غمـندن آقیدر دردانه یی ‌ ‌ غمـده یاز دائمـا کور عاشـق پروانه یی

جانکی ترک ایله کیم بو یولده جانان بوله سن
هر که جان ویردی بو یولده بولدی او جانانه‌یی

نقلکی عرض اتمه واعظ عاشقه هردم بدم
عاشقك حالینی بیل قوی بو اوزون افسانه‌یی

کل شراب خمری نوش ایت ایچمه هر پیمانه‌دن
تا ابد یارك غمندن ایچمشم پیمانه‌یی

چونکیم ایدرسن حق هر یرده حاضردر نیچون
فرق ایدرسن سن ای غافل مسجد و میخانه‌یی

کنج معمور ایلین کوکلمده یارك وصل در
وصلله معموری بیلدم نیلرم ویرانه‌یی

استرم چونکیم بیلمز صاچنك هر تاره‌سی
کزلمشدر غافل اولمه زلف مشك افشانه‌یی

زلفنك سوداسی ایردی عاشق دیوانه‌یه
زلفنه قیلدی مقید عاشق دیوانه‌یی

معرفت صاتر کلور هر معرفتسز جانوار
بی بصر در آشنا بیلمه قو بو بیکانه‌یی

خوب جمالکدن نسیمی ابجدی قیلدی تمام
اوقودی آندن کتوردی سین و شین دندانه‌یی

ولە ایضا

نه طوبادر بویك یارب کیم ایردی عرشه بالاسی
نه سنبلدر صاچك کوز کیم جهانی طوتدی سوداسی

کونش طلعتلو یوزکدر بو کون عالمده ای دلبر
که هر معنیده کاملدر بولنمز مثل و همتاسی

نه یغماجی مغلچیندر کوزك یارب که دورنده
یایلمشدر یصاغندن یدی اقلیمه یغماسی

صدفدن کرچه ای دلبر چیقار قیمتلو انجولر
ولکن اوز که جوهردر دیشك لؤلؤی لالاسی

جمالك وصلنی حقدن دلر عالمده هر عاشق
ولی شول در مکنونك بولنمز قعر دریاسی

قرادر کید یکی پاکك همیشه زاهدك یارب
نه ماتم دوشمش اکا کیم دوکنمز هیچ انك یاسی

شراب و شاهدك ذکری دلمدن کتمدی تا کیم
بنی سودادن اسرتدی نکارك عین شهلاسی

ریالو زاهدك دائم ایشی تزویر و اغوادر
ولی کار ایتمز اول دیوك بکا تزویر و اغواسی

قل اللهم مالك چون بکا تعویذ حرز اولدی
خلاص اولدم یوسوسدن کیدرسندن بو وسو

بو کون فردادن ای واعظ بنی قورقتمه ابسم طور
که قورقوسز در اول عارف که امروز اولدی

یوزك لوحنده ای حوری آلهی کورمین غافل
یقین کیم کوز کسی انك یوزندن کتمش یاسی

نسیمی چون سنی بولدی ایرشدی جمله مقصوده
مرادی ختم وصل اولدی تمام اولدی تمناسی

ولە ایضا

بحر محیطمش کوکل یوقدر انك کناره‌سی
لعلله سلسبیلمش آبله سنك خاره‌سی

فانیٔ مطلق اولمسم حقلیم حق اولمشم
کیمکه حق دلر حق چاره‌سی اشته چاره‌سی

شعشعه سنده محو اولور آیله کون بو زهره‌نك
کور که نه آفتابمش شول فلکك ستاره‌سی

کربکینك خدنکنه اوغرادی خسته یوره‌کم
ای بو اوقه ایناممین اوش جکرمده یاره‌سی

سر الست ربکم چونکه کتوردی پردهٔ
زاهده اصی ایلمز خرقهٔ پاره پاره‌سی

طره‌سنك جفالری صاغشه کلمز ای کوکل
سن بو شماره دوشمه کیم بن بیلورم شماره‌سی

جان و جهانه زلفنك تاره‌سین الدو ویرمه کیم
دوشمیه بلکه زلفنك جان و جهانه تاره‌سی

قنقی هزاره دندرر غمزه‌لری بالکلو کیم
طوره‌زانك خدنکنه بیك چرینك هزاره‌سی

عشقه ازلده ویرمشم اجرته کوکلم اوینی	شرعله کیمسه تاابد فسخ ایده مز اجاره‌سی
قاشلرینك رموزینه عقل ایرمز نسیمیا	کورنه قدر دقیقمش قاشلرینك اشاره‌سی

وله ایضا

مرحبا ای بحر ذاتك کوهر یکدانه سی	شمع وحدتدر جمالك کن فکان پروانه‌سی
تاابد حسنك اوکنده سجدهٔ شکر ایلرم	ای جمالك کعبه سی سن کنت کنزك خانه‌سی
کیمکه غواص اولدی بولدی وحدتك بحرنده کیم	عالمك جسمی صدفدر سن‌سن دردانه‌سی
ای بکا مشکین صاچندن کوکلکی قورتاردین	قنقی عاقلدر سلاسلدن چوزر دیوانه‌سی
چونکه ویران کوکلم ایچون مسکن اولدی عشقکه	استمز ایرق عمارت کوکلمك ویرانه‌سی
دلبرك لعلی ازل بزمنده ایچرمش بکا	شول میی کیم نه فلکدر کترین پیمانه‌سی
کوزلری سودامیدن عالمی مست ایلدی	کورنه میدن اسرمش در نرکس مستانه‌سی
ای بوشیدا کوکلمك دردین صورن هردم بکا	دردینی بیلدرمز اما عاشق اودینه یانه‌سی
جانمی شکرانه ویردم شول نکارك وصلنه	دوشمدی لایق دریغا وصلنك شکرانه سی
زاهدك افسانه سن قو سویله عشقك حالنی	زاهدك سمعینه صغمز زاهدك افسانه سی
مؤمنه کعبه یوزکدر کافره بتخانه‌لر	عاشقك دوست ایشکی درکعبه و بتخانه‌سی
بولدی لعلکدن نسیمی نفخهٔ روح القدس	ای نسیمینك حیاتی جانمك جانانه‌سی

وله ایضا

وصلك عجب نه جاندر کیم جانمش بهاسی	یوزك نه نورمش کیم کوزدن قپار ضیاسی
هرکیم سنی دیمزسه رجمن صفتلو حق سن	ایترمش اول قراکون حقیله حق شناسی
نقاش نقش ایچنده حسنکده کوردی ظاهر	کوز کوسنك یوزندن هرکیم کیدردی پاسی
جمشید عالم اولدر یوزکده ای قمر کیم	فرخنده صورتکدر جام جهان نماسی
مستانه کوزلرندن دوشدی جهانه غوغا	آغزینی دیسم انك یا کوزلری قراسی
آله کوزنده حق چون یازمش اون ایکی آیة	اوش مصحف اشته قران اوش عیننك الاسی
ای زاهد اشبومیدن فاش اولدی سر وحدت	ترك ایله ایکیلك کیم بر رنکمش بویاسی
صوفی بو یاندی آله آلندن اولمه غافل	نیچون که آلی چوقدر زرق اهلنك لباسی
خوبك یوزینه باقق زاهد خطادر ایدر	فکری خطادر انك اکری درر قیاسی
دنیا و آخرتده آزاد ایدم الف تك	چکدی بنی بلایه بالاسنك بلاسی
سندن سنی نسیمی چون استدی و بولدی	بیلدی که حق قتنده مقبولمش دعاسی

وله ایضا

* جمالکدر بورنجورك شفاسی *	* شفاء القلب محبوبك لقاسی *
* قاشکدر وحی عینك آیة الله *	* نهار ولیل انك آغ وقراسی *

❊ وصالك ذوقنی شول جان بیلور کیم | انك جاننده در عشقك بلاسی ❊
❊ جم اول عارفدر ای دلبر کیم اولدی | یوزك آیینه‌سی کیتی نماسی ❊
کل ای عاشق شهید اول عشق ایچنده | که حقدر اول شهیدك قان بهاسی ❊
❊ ریا یی زاهدایلر عشقه انکار | بلادر زاهدك زرق وریاسی ❊
❊ فقیه آدم قننده سجده قیلمز | مکر شیطاندر اول شومك خداسی ❊
❊ قیامت کلدی ای تاجر ذرالبیع | که یوقدر اول کونك بیع وشراسی ❊
اکر صافی سن ای صوفی کی اطلس | که بی قدر اولدی اوش زهدك کلاسی
❊ نسیمی در وجود فرد مطلق | بو توحیدك احددندر اساسی ❊

وله ایضا

یاره قیلان جفاسنی یاره قیلور جفاسنی | ای دل انك جفاسنه قتلان اونوت وفاسنی
کیمکه ایرشمك استدی یوجه بیوك وصالنه | اولدی همیشه فرض اکا چکمك انك بلاسنی
دردله خوش کچ ایکوکل غمدن اوصانمه چونبیلور | عاشق دردمند نه دردی ویرن دواسنی
زلف وقاشك قراسنه ویرمشم ای صنم کوکل | بیلمش اول یوزی قرازلف قاشك قاره‌سنی
وصل وفراقه واسطه چونکه قدردر ایکوکل | جهدله کیمسه قادرك منع ایده مز قضاسنی
کون ومکانه وصلکی قیمت ایدن بهاقلان | یوقدر انك کوزنده نور بیلمز انك بهاسنی
تا بیله‌لر که عامش عالمه فیضك ای کونش | پرده‌وکوکده کوستر مهررخك ضیاسنی
کعبه یوزکدر ای صنم یوزیکه سجده ایلرم | حاجی سیم بو کعبه‌نك بن بیلورم صفاسنی
آینه صورتکده چون نقشنی کورمین عیان | آینه‌دن کیدرممش اول قراکونلو پاسنی
جانمه شول آله کوزك ایلدوکی جفالری | اول نه بیلور که کورممش کوزلرینك آله سنی
زلف دوتاسنی انك کون ومکانه ای کوکل | آل وآنی جهانه سن ویرمه برانجه‌تاسنی
کرچه عطا ایسه درجفا عاشقه شول وفاسزك | جانله استرای کوکل عاشق انك جفاسنی
چین وختنایه صورتك نقشنی کوندرای صنم | تابت چینه طاپنك کوسترسن خطاسنی
کرچه سوزی نسیمینك قابل کیمیا یمش | توج وحدیده صانمه کیم خرج ایده کیمیاسنی

وله ایضا

صورتك نقشنده هر کیم کورمدی نقاشنی | واهب صورت انك کوزسز براتمش باشنی
ایلری شیرین نکارك فرقت وهجران‌در | آقدن یانجه شمعك کوزلردن یاشنی
دوشمدی باطل خیاله اولمدی سوداسی خام | هر کیمك کیم عشق اودیله حق پشردی آشنی
قاب قوسینك رموزن صانمه کیم فهم ایلیه | کیمکه ظاهر کورمدی شول ماه بدرك قاشنی
کرچه فراشی ملکدر عنبرافشا سنبلك | چونکه بن سلطانی بولدم نیلرم فراشنی
حقه واصل رند وجقدن ایرودر زاهد کورك | خانقاهك شیخنی میخانه‌نك اوباشنی
دم بدم صوفی ملامت طاشنی آتر عاشقه | طاش قیمت سز در انك ایچنی کورطاشنی

حاصلك

حاصلك مسجد بو چاغنده كور آخر كيم ندر
ای ملامت ايلين ميخانه نك قلاشنی

باشنی یاندردی عشقك هم قروسن كوكلك
كيمكه دوشدی عشقه یاندردی قوری باشنی

كوكلك شهرنده عشقك بر عمارت یابدی كيم
تا ابد قوپارمز آندن نه فلك بر طاشنی

جانمی عشقك ازلده یولداش ایتمش كندویه
قو بیله یولداشلغك حقن بیلن یولداشنی

ای نسیمی حالكی كر كیمسه بیلمز غم دكل
حق بیلور خلق جهانك سرینی هم فاشنی

وله ایضا

یاری صاتدك بهاسز بیلمدك مقداری
هیچه دكز اول كنی كیم هیچه صاتار یاری

جوهری نادان الندن مشتری الور اوجوز
جوهری بیلمز نه بیلسون جوهرك مقداری

عاشقك اسرارینی عاشق كركدر كیم بیله
اولمین عاشق نه بیلسون عاشقك اسراری

كیمكه قربان اولمدی عشقنده اول معشوقنك
چین دكل دعویسی انك نیلرم كفتاری

هر كیمك فعلی ریادر یا سوزی كرچك دكل
قولنه اینانمه انك هیچه صای اقراری

نیلسون یارك جفاسن چكمه ین عاشق مدام
چونكه یار استر همیشه عاشقك آزاری

داره چیق یان ای انا الحق سویلین منصورا كر
آخرت دارندن استرسن سلامت داری

كیمكه یارك زلفنی الدن قودی بیك جانله
بی بصر طپراغه صالدی نافهٔ تاتاری

زاهدك تسبیحی در لاحول وذكری لا آله
ای كوكل سن سویله یارك لعل شكر باری

ای نسیمی انجوی دری بیلمز صرافه صات
جوهری نادانه صاتمه لؤلوی شهواری

وله ایضا

ای قیلان دعوی كه شاهم عدل وانصافك قنی
چون صفا اهلندن اولدك مشرب صافك قنی

هر قوشك اولمز سعادتلو هماتك كولكه سی
چونكه سیمرغم دیه سن لامكان قافك قنی

رطبله یابس نه كیم وار آدمك ذاتنده در
كرسن انك نسخه سی سن رطبله جافك قنی

اهل عرفانك یری عقباده چون اعرافدر
چون بو عارفلردن اولدك عرف واعرافك قنی

محتسب بازاره كیردی حق باطلدن سچر
قلبم آری دردین شول اوغری صرافك قنی

كاف ونون امرندن اولدی ما كان ایله ما یكون
كر بو لوحك ابجدی سن نونله كافك قنی

لطف اكر حقدن اومرسن كوستر احسان لطف قیل
لطف واحسانكدن اومن یاره الطافك قنی

ای نسیمی شش جهتدن چون اولشدك یاره
بی جهات اولدی حدودك حد واطرافك قنی

وله ایضا

وصلكدر آب حیوان بن خضره صوردم آنی
جان سن یقین ولیكن عارف بیلور بو جانی

یوزك ازل كوننده لوحندن اولدی منزل
حقك كلامی ایله سبعا من المثانی

عالمده حق صورتلو یوزكدر اول كونش كیم
قالدی كوننده ظاهر اسرار لامكانی

حسنك تجلی سنده موسی كبی اوزندن
كیمدن كلور كور آخر مشتاقه لن ترانی

شول کعبه نك صفاسن اهل صفایه صور کیم
عین الیقین کوزیله هر شیده کورمش آنی
ای جان وای جهانك ماهیتی وعینی
عینی سن اهل عینك هم جان وهم جهانی
صورتنده کر بککدر سهم سعادت الحق
معنیده قاب قوسین ایکی قاشك کمانی
غیب وکماندن ایرو ای زاهد اورمه دم کیم
عین الیقین بولدم طرح ایلدم کمانی
معشوقکك بولنده قربان اول ای کوکل کیم
اولدر ایکی جهانده کرچکلرك نشانی
منصور اناالحق ایدر یعنی که حق بنم حق
چون حق عیان ایمش کور کیم کورمیه عیانی
اولدی لبك میندن حی ابد نسیمی
خضر آنی کیم ایچدی حی اولدی جاودانی

وله ایضا

جمالك فتنه‌سی طوتدی جهانی
چیقاردی پرده دن رازنهانی
ندر عاشق جهان وجان سنسز
که سنسن عاشقك جان وجهانی
لبکدر چشمهٔ حیوان ولی شکر
که هر حیوان طبیعت بیلمز آنی
لب لعلك شرابن ایچه نه صور
که کیمدر ایچن آب زندکانی
صوصامش قانمه لعلك ایشتدم
بو دولت عاشق مسکینه قانی
کورك کیم غمزه سیله او یقوسندن
اویاردی فتنهٔ آخر زمانی
اکرچه بی نشان سن کیمسه بیلمز
نشانسز بولمدیلر بی نشانی
وصالکدر وصالکدر وصالك
نعیم خلد وعمر جاودانی
نسیمی نك مکانی لامکاندر
مکانسز عاشقك حقدر مکانی

وله ایضا

ای باد صبا بندن ایلت یاره سلامی
شول غمزه‌لری عربده جی عین حرامی
مشتاقه نه در چاره بکه بیلدرانی کیم
کرفرصت اوله یاره دکرمك بو پیامی
یاندردی بنی یاندریجی فرقتی انك
برداخی قنی کیم کورم اول ماه تمامی
زلفندن وخالندن انك آیرویم آیرو
ای حق بکا ویرسك بنه اول دانه ودامی
مقصودکك کیم ایکی عالمده نه سنسن
مقصود بنی ییتردی وفتح اولمدی کامی
معنیده یوزی قبله ده اول عارفش کیم
یوزکدر انك قبله سی عینکدر امامی
اول لوحدر ای یوزی قمر کل بکا غلك کیم
روح القدس اول لوحدن ایندردی کلامی
بزمنده ازل ساقیسی لعلك بکا صونمش
اول بادهٔ کیم روح الامین درطولوجامی
وصلك ابدی بخشش امانه دیم کیم
دوران دکل باقی وپیوسته دوامی
حسنك کونیدر جمله اکرماهسه کرخور
ای لعل که جان یاندریجی آزاده غلامی
ناموسه بنی دعوت ایدر ناصح ونامه
ای خواجه ندرعاشقه ناموسله نامی
وصلکده نسیمی سوزینی عرشه چیقاردی
قنی صدفك انجوسی بولدی بو نظامی

وله

وله ايضا

كل كل كه قاپدی شوق جمالك قرارمی
زار ايلدی فراق رخك حال زاريمی

يارب زمانه حقنـه بن نيلدم كيم اول
بندن جفا و جورله آيردی ياريمی

ياقدی فراقك ای كل خندان بنی اوده
كل كل سيويوندر آب وصالكله تاريمی

وصلك شكارم اولمشيكن بخت وسعد ان
قاچردی حاسدك كوزی بندن شكاريمی

نقش ونكاری كور فلكك كيم نه نقشله
نقش ايلدی وقاپدی المدن نكاريمی

منصوره عشق عاقبتی دار اولدی طار
سن انده كل كه تا كوره سن انده داريمی

دوشدم لبی وصال ميندن خمارنه
كل كل هم اول شرابله دفع ايت خماريمی

شوقك قاشنده اغله يجی كوزدوكر ياشن
وصلك بهاره دوندر وكلدی بهاريمی

ای لاته طاپيجی سنی عيب ايتمزم ندن
كيم كورمش سن اول صنم كل عذاريمی

بن ياری قيلمشم ايكی عالمده اختيار
بندن كيم ايراق اله يلور اختياريمی

خال وخطك شماريني كل صور نسيمی يه
تاسن حسابكی بيله سن بن شماريمی

وله ايضا

عجبا بو حوری يوزلومه بدر ياپريمی
بوبی سرو بوستانی بكاغی كل طريمی

لب جانفزای لعلك اورر آب خضره طانه
بو شكر طوداقلو يعنی سوزی شله شكريمی

دوشرم اوده كوريجك بو ملك نژاد حوری
عجبا بوچين بتنك يوزی نقش آزريمی

كيجه كوزينی خيالی كتورر كوزمه شبخون
بو كوزی حرامی جادو وقاشی يای اولان چريمی

كوزی وقاشی زلف وخالی كه جهانی آلديلر
قو بو امير حسنك سپهی ولشكريمی

دوكيلور سوزه كليجك درلؤلؤ لبلرندن
عجب اول شكردهانك ديشی نظم كوهريمی

صاچيله همدم اولمش بوشكسته دل نسيمی
كل اكراينانمزيسن دمی كورعنبريمی

وله ايضا

* يوزكدر كلستان بالله دكلمی *
* سوز كدر كن فكان بالله دكلمی *

* علی العرش استوا رحمن يقين كيم *
* يوزكدر اول مكان بالله دكلمی *

* رخك باغنده ای حوری صفتلو *
* جهان اولدی جنان بالله دكلمی *

* صاچكدندر خطا و چين ورومه *
* صبا عنبرفشان بالله دكلمی *

* يوزكدنچون جهان كلدی وجوده *
* يوزكدر جسم وجان بالله دكلمی *

* طوداغكدر كه سر كنت كنزا *
* بيان ايلر بيان بالله دكلمی *

* خطكدن بولدم الرحمن وطـه *
* بودر سندن نشان بالله دكلمی *

* لبك آب حياتندندر ای جان *
* كه خضر اولدی روان بالله دكلمی *

* سكا شيرين دهان ای خسرو حسن
* دين شيرين دهان بالله دكلمی *

قاشكله كرپكك يوزك كونده * عجب تير وكمان بالله دكلمى
سنى حق كورميان ظاهرده اعمى * كوزندن حق نهان بالله دكلمى
لبك عشقنده جان ويرمك هميشه * حيات جاودان بالله دكلمى
دهانكدن حديثى قلميان كوش * سوزى غيب وكمان بالله دكلمى
يوزكدر اى قمر صورتلو فتنه * زمان آخر زمان بالله دكلمى
حق اولدى كوكلك شهرنده ظاهر * زهى مازندران بالله دكلمى
قيلكدن انجه كوردم انجه درهم * بلك نازك ميان بالله دكلمى
سواد اعظمله مصر جامع * يوزكدر يا فلان بالله دكلمى
صاچكله عارضك جان مصحفى در * آدى نوررودخان بالله دكلمى
يوزكدر كعبه سى اهل سلامك * مبارك خاندان بالله دكلمى
نى واعظ بو كون فردايه صالر * بلا نجى قصه خوان بالله دكلمى
بكا جان صوردى كيم زلفك نه يردر * ديدم دار الامان بالله دكلمى
يوزك اسرارينى شمع ايلدى فاش * عجب آتش زبان بالله دكلمى
يوزكدن تا قمر فرق وتفاوت * زمين تا آسمان بالله دكلمى
دين كيم نقطه در آدى دهانك * عجايب خرده دان بالله دكلمى
جهانى طوتدى حسنك داستانى * زهى خوش داستان بالله دكلمى
نسيمى جوهر فرد اولدى آدك * مكانى لامكان بالله دكلمى

وله ايضا

جمالك قبلهٔ ايمان دكلمى * وجودك مظهرى انسان دكلمى
بودر عرش محيط قل هو الله * كسنى كيم بيلدى حيوان دكلمى
قمر چرخ فلك سرگشته حيران * سنك شهركده سركردان دكلمى
على سرين نه بيلسون هر منافق * منافق قبله سى شيطان دكلمى
وجود مصطفادن اولدى آدم * رسالت قپوسى فرقان دكلمى
مقلد چونكه بيلز سر توحيد * موحد اولمدى شيطان دكلمى
نسيمى سر الرحمن وطنه * اولوبدر اورته ده ميزان دكلمى

وله ايضا

ايكى عالم انكدر كيم كوزينه حق عيان اولدى * حق كوردى حق بيلدى حقا كيم بى كمان اولدى
اكر موسى كبى كلمك تجلى كورمك استرسن * نظر قيل يوزينه كوركيم ايكى عالم عيان اولدى
تعالى الله نه زيبا سنكه حسنك دوربا غنده * قاشكله كرپكك زلفك يوزنده كلستان اولدى
قيامت قوپدى حسنكدن يدى اقليمه يايلدى * سنك قدو قيامندن بو كون آخر زمان اولدى

چلیبا زلف وخالندن صاچین لیلی درر اما	ایرشدی آیت فانظر آدی نور ودخان اولدی
نکارڭ لعلنه هردم دوکرشهد اوستنه شکر	ولی غافل نه بیلسون کیم ندن شیرین دهان
مکانه صیغمدی ذاتم ازلدندر بدایاتم	نسیمینك بو معنیدن مکانی لا مکان اولدی

وله ایضا

انی لقد اتصلت بالذات	یامنقطع الوصال هیهات
لما قرن السعود نجمی	ابدا قمری بالا تصالات
یا نائمین العیون باللیل	فی العشق من اهتمام اوبات
فی الكأس تلألأ الحمیا	یکفی لك هذه العلامات
انی قدعطشت ایها الروح	من راحکموا قم اسقنی وهات
فی حبك کل عاشق هلك	ماصار شهیدا الا انه مات
یامن انا انت انت عینی	من بعد تساقط الاضافات
من ضل فانما علیها	هذالك کافیا فی الاثبات
یامن هو متصورا سوائی	ایامك کلها لقد فات
غیری هلکت وما بقی الیوم	فیما هوکائن سوی الذات
فی الوحدة اذ بقیت غیری	من این یجی الی المنافات
یانورك فی السماء والارض	انا لك مصباح انت مشکات
لوکان لی الشریك فی الکون	لا شرکت به واعبد اللات
قد اظهر کنزه نسیمی	کلا هو للوجود مرآت

وله ایضا

حاشا که تنسانی وننکر صحبتی	وهوالك لی دینی ووجهك قبلتی
انت العلیم بان حبك قاتلی	ما حاجة اشکو الیك قضیتی
هذا ومالی زلة اعلم بها	الاهواك ولم اتب عن زلتی
اسقیتنی من کأس حبك شربة	یفنی الزمان ولم افق من سکرتی
فوحق مابینی وبینك فی الهوی	من صدق ایمان وحفظ مودتی
انی مقیم علی العهود ولم احل	ابدا وهذا شاهدی فی مقلتی

وله ایضا

(من کلام الامام علی کرم الله وجهه ورضی الله عنه)

مابال دینك ترضی ان تدنسه	وثوب جسمك مغسول من الدنس
ترجوا النجاة ولا تسلك مسالکها	ان السفینة لا تجری علی یبس

وله ایضا رض

❊ سـأ لت الناس عن خل وفى ❊	❊ فقالوا اما الى هـذا سبيـل ❊
❊ تمسـك ان ظفرت بذيل حر ❊	❊ فان الحر فى الـدنيـا قليل ❊

﴿ وله ايضا ﴾

❊ خندله بوزسـه خال اولورمى ❊	❊ سوداسى كبى خيـال اولورمى ❊
❊ جادوكوزك آينه النـدم ❊	❊ شهـلايله نركس آل اولورمى ❊
❊ زلفـك كوتوراى قمر يوزكدن ❊	❊ بدرك كيجـه سى هلال اولورمى ❊
❊ خاوركونشى سن اى پرى رخ ❊	❊ كامل كونشـه زوال اولورمى ❊
❊ عشقك ادى واحداولدى بى مثل ❊	❊ ذات احـده مثـال اولورمى ❊
❊ عكسنى ديشنك كوزمه دوشدى ❊	❊ امواج كبى بولال اولورمى ❊
❊ اغزى پرى قنـد و آب حيوان ❊	❊ هر چشمه صويى زلال اولورمى ❊
❊ لعـلك عنبى ازل مى ذر ❊	❊ ايچمينه خمر وبال اولـورمى ❊
❊ بيلسم بومى حرام ايدنكيم ❊	❊ فتوى بوليجق حلال اولورمى ❊
❊ قـوپاره لى قامتـك قيـامت ❊	❊ طوباده كوز اعتـدال اولورمى ❊
❊ سن حسن جمله اوقوردى تحسين ❊	❊ برسنجلـين جمـال اولـورمى ❊
❊ نيجـون قـويه يم اتكك الـدن ❊	❊ ديوانه يه قيـل وقال اولورمى ❊

﴿ وله ايضا ﴾

❊ حسـنك ورقى لسانه كلدى ❊	❊ يمش ايكى ترجـمانه كلـدى ❊
❊ زلفكده كى كاف ونون نه سوزدر ❊	❊ كيم آيت كن فكانه كلدى ❊
❊ اى جوهر بى عرض نه جان سن ❊	❊ جسمـك شرفى بوكانه كلدى ❊
❊ صوزسم سنى خضرمسن اى جان ❊	❊ اغزك پرى جاودانه كلـدى ❊
❊ برسنجلـين كوزل يكانه ❊	❊ ايشتمامشـم جهـانه كلدى ❊
❊ رخسارك ازل كونده طوغدى ❊	❊ عشقك اثرى بوجانه كلـدى ❊
❊ نشف ايتدى جكر قانى بوچشمه ❊	❊ غمزك اوقى چون نشـانه كلدى ❊
❊ اسرار رموز ايدى صفـاتك ❊	❊ بومنطقـله بيـانه كلـدى ❊
❊ كيم ديدى سنكا كه قاف قرآن ❊	❊ سيمرغ سنكا آشيانه كلـدى ❊
❊ بودعوايى منـكر اولدى كافر ❊	❊ قرارذى يوزى جويانه كلـدى ❊
❊ بن سكا بهـاسز اولشـم قول ❊	❊ بود كلو قوله بهـانه كلـدى ❊

﴿ وله ايضا ﴾

❊ قويمـه يوزيكى نقـاب ايچنده ❊	❊ حشر اولدى عدم حجاب ايچنده ❊
❊ طاغتمـه يكاغك اوزره زلفك ❊	❊ نيلر بوكونش سحـاب ايچنده ❊

﴿ كوردم ﴾

کوردم سنی فلکده یلدز — بولدم سنی هم کتاب ایچنده
وصلك بو فضلده آله کیردی — مثلکمی وار اوش بو باب ایچنده
مشکین صاچکه سجود قیلدم — موسی کبی اوش طناب ایچنده
جادو کوزك اویقودن اویاندی — فتنه قالور ایدی خواب ایچنده
بر بوسه بکا کرمندن انعام — ایت که قاله سن ثواب ایچنده
اشراط قیامت اولدی قدك — وار صور بیله حساب ایچنده
بن چنك کبی ایکی قات اولوب — نوحه قیلورم رباب ایچنده
که عشقکیله کوزم طولر جام — ترقیق ایدرم شراب ایچنده
که دم کبی دم اولور ینارم — بیشر جکرم کباب ایچنده
تعریف ایدرم که سنسن اعراف — عرقك تانیدم حجاب ایچنده
هر کیم سکا منکر اولدی ای جان — نفسنی قودی عذاب ایچنده

وله ایضا

سن مروه بیله بکا صفاسن — اوجدن اوجه کوکله صفاسن
عاشقلره سدره قامتك در — خوب بلقده زهی که منتهاسن
چون قاشلرك اولدی قاب قوسین — شق القمر یله استواسن
طوتدك بو زمین وآسمانی — خاور کونشی ومه لقاسن
قاف اولدی بیلنلره وجودك — سیمرغ ایده بیلکه کیماسن
سنکله درر همای طلعت — کیم دیدی سکا که سن هماسن
هم زخممه سندن اولدی مرهم — هم دردمه آخر اول دواسن
چون قهرله لطف مظهر کدر — صورتده صفا وهم وفاسن
بو ایکیده برلکك ثباتی — خضر اولدك وذاخی ایلیاسن
یاسین اوقیالی ای منادی — قیلدك بو جهانی اوقویاسن
بندن بکا معندن مقرب — کیم درسکا صوره تاجداسن
کیتمه نظرمدن ای پری رخ — کوزلرمه نور ور وشناسن

وله ایضا

زلفك جو سواد اعظم اولدی — مؤمن اولن اکا محرم اولدی
کونش یوزك ایلدی بنی محو — کوزم یاشی جونکه شبنم اولدی
هر کیمکه وصالکه ایرشدی — جام ایچدی کندوسی جم اولدی
امواج خیالنه دوشلدن — سوزم در وخاطرم یم اولدی
محراب قاشك وکعبه یوزك — فتنه سی جهانه زمزم اولدی

سوداسی باشمده صاچلرینك	اوزندی خیالنه خم اولدی
لعل لبکه بیان معجز	دیدم که مسیح و مریم اولدی
قارغو بویکی کوره لی طوبی	شکرسوزیله همدم اولدی
هرکیم سنی بیلدی بولدی حق	هرکیم حقی بیلدی آدم اولدی
جوینده قیلان محبتکك	کرخی ایله شبلی ادهم اولدی
ای شیوه فروش خونی غمزك	اوقینه سپر بو سینم اولدی
هم دردمه وصلك اولدی دارو	هم زخممه داخی مرهم اولدی

وله ایضا

ای اوتوز ایکی حقك صفاتی	نوریله بزه دك اوش بوذاتی
جمله ظلماتی روشن ایتدك	روشن طفلی یوزك جهاتی
صاچلارینك استواسیدرکیم	عرض ایتدی خلیلچون نجاتی
معراجه نبی یتوردی زلفك	قدره ایره نك بو دربراتی
ای حسن آیه‌سی چیقاردمیدر	عاشقلره عشریله زکاتی
انهارکبی کتوردی جوشه	اغزك پری چشمهٔ حیاتی
حق فاتحه اوقودی جمالك	آنسز قبول ایتمدی صلاتی
مصری اوده یاقدی عشقك اودی	کاسد لبك ایلدی نباتی
شاه رخك اوتدی اول فلکدن	قیلدك بو جهانه شاه ماتی
وصلك حرم اولدی ای بت چین	چین ایلدی کعبه ایله لاتی
اولمادی بیلورم واولمایسر	سنسز قوعالمك ثباتی
لولاك لما خلقت الافلاك	عشقك که یارتدی کائناتی
ان الحسنات عشق ایچنده	نسیمینك اولدی سیئاتی

وله ایضا

* لقد فنیت عن الغیر لا وجود سوایی *	* لان نفی وجودی ثبوته لبقایی *
* وجود غیر جو مستلزم شریك دویست *	* خیال غیر چرا میکنی وغیر چرا یی *
* عن البقاء ولا للبقا من عدم *	* فکیف اثبت شیئا بقاء لبقایی *
* هو السلام هو المؤمن هو الملك الحق *	* لقای خویش ببین کردر آرزو لقایی *
* لقاء وجهك نور جلا له یتمدی *	* بذیلها یتمسك بان نلك لوایی *
مرا هوای تو ای عشق لم یزل جان سوخت	عجب چه آتشی وچه آبی عجب چه باد و هوایی
* لقد شربت شرابا حیاته ابدیا *	* فصار ممتزجا ذلك الشراب غذایی *
* بلای عشق تو خوشتر زجان ماست ندانم *	* چه آفتی بلچه غذایی چه فتنهٔ چه بلایی *

ان

* ان انسقمت من الحب لا بالى فيه *	* لان فيه مرادى ومقصدى ورجايى *
* نسيم زلف دلاويز دلبرست نسيمى *	* عجب مدار كه جانها ازو كنند كدايى *

وله

* ناجنس صحبتى دكل الاطاموا اودى *	* فضل ايله يا الهى اجرنا من العذاب *
* ديو رجيمى آدمه هم صحبت ايلمك *	صاحب نظر بيلور كه خطادر دكل صواب
* همدم نه رسمله اوله جبريل واهرمن *	* مونس نه طوريله اوله طوطيله غراب *

وله

* كل كه مشتاق اولمشم ديداريكه *	* ويرمشم جان زلف عنبربار كه *
* محرم ايتدك چون بنى اسراركه *	* اى پرى كل چنك بنى بردار كه *

وله

* اى يوزك من عنده علم الكتاب *	* قل كنى كلدى جمالكدن خطاب *
* صورتك حقدر كتور حقدن نقاب *	* حق بودر والله اعلم بالصواب *

وله

* اى صاچك دورنده مستور آفتاب *	* وى يوزك عالمده منهور آفتاب *
* اوطانور حسنكدن اى حور آفتاب *	* سندن اولدى مست ومخمور آفتاب *

وله

* اى يكا عكسكدن منور آفتاب	دوشدى حسنك پرتوندن آيه تاب *
* كر بكلك زلفك قاشك ام الكتاب	اولدى يوزكدن عيان يوم الحساب *

وله

* اى قمر يوزلو كتور حقدن نقاب	كيم يوزكدن روشن اولدى آفتاب *
* اره ده بونجه نه ندر بو حجاب	شرح ايدر من عنده علم الكتاب *

وله

* اى رخك عشقنده عقل شاهمات	سلسبيلدر خطك عين الحيات *
* عنصرك درت وحدودك شش جهات	غفلتك مستهلكى بولمز نجات *

وله

* اى الكدن آتكى يابانه آت	حق پرست اول حق طانى اولمه آت *
* دنيانك دورنده چون يوقدر ثبات	آتكى قاچرمه رخدن اولمه مات *

وله

❊ ای خطك خضر ولبك آب حيات	عنبرين زلفك شب قدر و برات ❊
❊ مهر وماه استرجا لكدن زكات	فاعلاتن فاعلاتن فاعلات ❊

وله

❊ كلشم قالوا بلادن می پرست	عاشقم مستم ولی مست الست ❊
❊ ای كوزك سودالرندن فتنه مست	سنبلك هرتاره سی معنیده شست ❊

وله

❊ ای طبيب حاذق نازك مزاج	سن بيلورسن خسته كوكله علاج ❊
❊ ای كوكل ايله سكا قول اولشم	شيوه ايله نازايله نه احتياج ❊

وله

❊ طوغدی مغربدن كونش ايندی مسيح	كورمسيحی سن مسن ياخود قبيح ❊
❊ كج كنايتدن كه رمزاولدی صريح	برغو چالندی وحشراولدی صحيح ❊

وله

❊ طالمشم شول بحره كيم پاياني يوق	باتمشم شول كنجه كيم خسراني يوق ❊
❊ بولمشم شول بدری كيم نقصانی يوق	كيرمشم اول شهره كيم ويرانی يوق ❊

وله

❊ دردنه عاشقلرك درمانی يوق	زرقی چوق زاهدلرك ايمانی يوق ❊
❊ تنلری واردر وليكن جانی يوق ❊	❊ عهدنه ثابت دكل ايقانی يوق ❊

وله

❊ كوكلمی يغمالدی شول آلی چوق	شول قزل كل رنكی كلكون آلی چوق ❊
❊ زلفنك سری اوزوندر حالی چوق	شول شكرسوزلو طوداغك بالی چوق ❊

وله

❊ ای بيوك طوبی بوزك دارالخلود	حسنكه خورشيد وماه ايلر سجود ❊
❊ طالعك برجنده جمع اولدی سعود	نت سو يك نور بود ❊

وله

❊ ای جمالك قل هو الله احد	صورتك نقشی در الله الصمد ❊
❊ براوجی زلفك ازل بری ابد	حسنكه شيطانمش من لا سجد ❊

وله

ای بیوك طوبی یوزك دارالخلود ❊ حسنکه خورشید وماه ایلر سجود
ای صاچك توزی عبیر ومشك وعود ❊ چیقدی عشقك آتشندن چرخه دود

وله

ای ازل نور جمالك تا ابد ❊ بنده نقش اولدی خیالك تا ابد
بی غروب اولدی هلالك تا ابد ❊ ای کونش یوقدرز والك تا ابد

وله

کیمکه اولدی طالعی حقدن سعید ❊ اولمدی شیطان کبی آدی مرید
کیمکه نفسن بیلمدی حقدن بعید ❊ کوندز واخشامی اولدی قدر وعید

وله

آب وخاکی ایلدی چون حق خمیر ❊ عرشنی خلق ایلدی یعنی سریر
حسنی سلطان ایلدی عشقی وزیر ❊ عاشق ومعشوقله عشق اولدی بیر

وله

آیله کونش یوزك حیرانی در ❊ مشکله عنبر صاچك ترخانی در
چون نسیمی عالمك سلطانی در ❊ دورانك دوران انك دورانی در

وله

ای حق هریرده ایدرسن که وار ❊ سنده بس حق وارمش حق سنده وار
انبیانك سرینی بیلمزده وار ❊ قسمت اولمز دیوه راه خوشکوار

وله

ای حرامی کوزلرك یغماجی لر ❊ کعبه یوزکدر ملائك حاجی لر
عشقکه امت اولان درناجی لر ❊ ای طوداغکدن خجل حلواجی لر

وله

ای ایکی عالمده حسنك بی نظیر ❊ فتنه لو قاشك کماندر غمزه تیر
عنبرین زلفك تو زندر عبیر ❊ محشر اولدی قوپدی حسنکدن نفیر

وله

ای جمالك حسننه حیران قمر ❊ سنبلك دورنده در پنهان قمر
لم یزل کونش سن ای تابان قمر ❊ کولکه ویردی حسنکه دوران قمر

وله

ای کونش یوزلو جمالك فتنه‌در	نون ومیم وعین ودالك فتنه‌در
ای بت کلچهره آلك فتنه‌در	غمزه جادو زلف وخالك فتنه‌در

وله

ای کوکل حق سنده‌در حق سنده‌در	سویله حق کیم انا الحق سنده‌در
حق مطلق ذات مطلق سنده‌در	مصحفك خطی محقق سنده‌در

وله

ای صاچك هر تاسنه بیك جان اسیر	صورتك یکتا وحسنك بی نظیر
مصحفك یازوسی ریحان ودبیر	هم سمیع وبی بدل سن هم بصیر

وله

ای کونش صورتلو یاردل پذیر	طلعتکدن اوطانور بدر منیر
نیلیم کیم بن فقیرم سن امیر	حسرتکدن یوره‌کم هردم اریر

وله

جوهر فرد آدمك کاننده‌در	کنت کنزا آدمك شاننده‌در
کرچه شیطان آدمك قاننده‌در	سر آسما آدمك جاننده‌در

وله

حق تعالانك کلامی نوردر	کورمین اول نوری حقدن دوردر
چون انا الحق سویلین منصوردر	کلدی اسرافیل الندن صوردر

وله

حق تعالانك کلامی سنده‌در	فاوضادی بیلکه لامی سنده‌در
روضه‌نك دار السلامی سنده‌در	کور کلامی هم سلامی سنده‌در

وله

حق تعالی آدم اوغلی اوزیدر	اوتوز ایکی حق کلامی سوزیدر
جمله عالم بیلکه الله اوزیدر	آدم اول جاندر که کونش یوزیدر

وله

حقه یار اول کیم سکایار اول یتر	چون حقی یار ایلدك وار اول یتر
نوره نور اول ناره اول نار اول یتر	آدمه اولدر سز اوار اول یتر

وله

※ جنتك وردی یوزك كلناری در ※ | ※ شمع وحدتدر یوزك كل ناریدر ※
※ آیله كون یوزینك انواری در ※ | ※ لیلة الاسرا صاچك اسراریدر ※

وله

※ طوتدی یوزكدن جهانی جمله نور ※ | حق هدایت قلدی مهدیدن ظهور ※
※ ایندی عیسی كلدی اول موسی وطور | ※ ظاهر اولدی مؤمنه جنات وحور ※

وله

※ شمعنه كونش یوزك پروانه در ※ | ※ جان صدفدر صورتك دردانه در ※
※ نقل ومی لعلك كوزك پیمانه در ※ | ※ مست عشقك مسجد ومیخانه در ※

وله

※ شول قاشی چاچی بت مهوش كلور ※ | ※ كرپك اوقندن طولو تركش كلور ※
※ حق میندن كوزلری سرخوش كلور | ※ كرپك وقاشی حسابی شش كلور ※

وله

※ صورتك اوحنده حق قیلدی ظهور | ※ زلف ورخسار كده در حشر ونشور
※ ای یكاغـك آیت الله و نور ※ | ※ ای بیوك طوبی رخك جنات وحور

وله

※ صورتك مصحفدر ای بدر منیر ※ | ※ خلقتك سرتاقـدمدر ذل پذیر ※
※ اهل عرفان اول نه اصحاب سعیر ※ | ※ بیلكه حقدر هم سمیع وهم بصیر ※

وله

※ عارض یارك جنان بستانیدر ※ | ※ اول قدی طوبی صاچی ریحانیدر
※ كوی جنت اهل هم رضوانیدر ※ | ※ بس رقیب بو اورته نك شیطانیدر ※

وله

※ عاشقك سیرانی اول عالمده در ※ | ※ كورمین شول عالمی ماتمده در ※
※ كنت كنزك كوهری آدمده در ※ | ※ آدم اول می در كه جام جمده در ※

وله

※ عقرب اولدی عالمك خلق ومار ※ | ※ فتنه پایلدی علی قوم الشرار ※
※ قنده وار برآری باطن طوغری یار ※ | ※ قانی انصاف ومروت كیمده وار ※

وله

فتنه‌نك باشى كوزك سوداسى در — شور وشر حسن رخك غوغاسيدر
كوثرك خمرى لبك صهبا سيدر — انجو ديشك لؤلوى لالا سيدر

وله

فتنه‌در عينك يوزك شمس وقمر — فتنهٔ دور قمر سنسن مكر
صورتك حقدر بودر حقدن خبر — سويلين حقدر ولى آدى بشر

وله

قامتك هردم قيامت كوسترر — كور بو قدى كيم نه قامت كوسترر
كعبه يوزكدن علامت كوسترر — فتنه لو عينك امامت كوسترر

وله

قاب قوسين ايكى قاشك يايى در — والضحانك شمسى يوزك آيى در
دنيه وعقبى صاچك برتايى در — در بيلور هر كيم كه اول دريايى در

وله

كاف ونون معنيده كلى معنيدر — يعنى كاف ونون صدفدر معنيدر
حشر ونشرك صورى اوش چالندى در — قامتك كلدى قيامت شمدى در

وله

كر حق اولدك حق صفاتك قنده در — حق صفات اولكور كه ذاتك قنده در
كر محيط اولدك جهانك قنده در — اى كاخ آخر فراتك قنده در

وله

كل محيط عشقه بركز طاله كور — وحدتك درن ايچندن آله كور
آدمه قيل سجده مكرى صاله كور — اولمه شيطان دوشمه مكر وآله كور

وله

كل كه سنسن عرش وكرسى سنده‌در — هم او توز ايكى سنده در
اى مسيحى روح قدسى سنده‌در — جمله‌نك كور نيجه عكسى سنده در

وله

ماهمك يوزندن اولدى پرده دور — كلدى حقدن آيت الله نور
اى خط وخالك تجلى يوزى نور — صورتك معنيسى در جنات حور

وله

هرنه كيم تقدير يزدانى قبلور — عين حكمتدر حق ارزانى قبلور

❊ شاه ایکی عالمده انسانی قیلور ❊ ❊ هرنه کیم کوکلی دیلرآنی قیلور ❊

وله

❊ یار الندن چون می دلکش کلور ❊ ❊ ایچرم حقدن نه کلسه خوش کلور ❊
❊ اون سکز بیك عالمك سرن بیلان ❊ ❊ کعبتینی آتیجق سه شش کلور ❊

وله

❊ پرده یوزندن کتوردی ماهمز ❊ ❊ حقدن اولدی حقه طوغری راهمز ❊
❊ صورت ومعنیده حقدر شاهمز ❊ ❊ دکاه لا اله الا الله مز ❊

وله

❊ سنسز ای جان کوکلم آرام ایلمز ❊ ❊ جان ینار صبر ای دلا رام ایلمز ❊
❊ لعلکی دولت بکا جام ایلمز ❊ ❊ نیچون ای سروکل اندام ایلمز ❊

وله

❊ فا وضا دولامه دوشدی کوکلمز ❊ ❊ کعبه واحرامه دوشدی کوکلمز ❊
❊ عشق بی انجامه دوشدی کوکلمز ❊ ❊ جاودانی نامه دوشدی کوکلمز ❊

وله

❊ فضل حقدر واقف اسرار رمز ❊ ❊ فضل حقدندر قو انوار رمز ❊
❊ فضل حق کوسترمشیدی کارمز ❊ ❊ فضل حقدر فضل حق معمارمز ❊

وله

❊ کل رضاسن استه حقك هرنفس ❊ ❊ چونکه حقدر یارك اول عالمده بس ❊
❊ دنیا محمل در انك دوری جرس ❊ ❊ اوچیجق جانقوشی بوش قالور قفس ❊

وله

❊ اهل عرفانك مقامی قافمش ❊ ❊ عارف رب عارف اعرافمش ❊
❊ بیلبن اول قافی سوزی لافمش ❊ ❊ اوزینی بیلان یقین صرافمش ❊

وله

❊ ای یوزك اول لوح کیم محفوظمش ❊ ❊ هر زمان برنوعله ملفوظمش ❊
❊ انبیا بونقطه دن محظوظمش ❊ ❊ بو خبر ابلیسدن محفوظمش ❊

وله

❊ جمله حقدر هرنه کیم موجودمش ❊ ❊ حقه ساجد حقه حق مسجودمش ❊

❊ چون ایکی عالمده بر معبودمش ❊ ❊ سجده‌دن باشن چکن مردودمش ❊

وله

❊ چونکه هم اول هم آخر یارمش ❊ ❊ کفر ودین معنیده بر بازارمش ❊
❊ عشق صوفی نك ایشی انکارمش ❊ ❊ خرقه‌سی بت سبحه‌سی زنارمش ❊

وله

❊ دلبرك لعلنده اشیا اسرمش ❊ ❊ سنبلك ایلنده اسرا اسرمش ❊
❊ نرکسك دورنده سودا اسرمش ❊ ❊ کوزلرك آیقمدر یا اسرمش ❊

وله

❊ سن یوزی ماه تمامی بولدم اوش ❊ ❊ جنت ودار السلامی بولدم اوش ❊
❊ چکمدین یولده بریه زحمتن ❊ ❊ کعبه وبیت الحرامی بولدم اوش ❊

وله

❊ عالمی یوزك کلستان ایلمش ❊ ❊ بلبلی سرمست وحیران ایلمش ❊
❊ عنبرین زلفك پریشان ایلمش ❊ ❊ ماهنی ابرنده پنهان ایلمش ❊

وله

❊ عشقله معشوق وعاشق بیرمش ❊ ❊ هم امن هم امزرن هم شیرمش ❊
❊ صورتی مصحف یوزی تفسیرمش ❊ ❊ بو العجب قدرت عجب تقدیرمش ❊

وله

❊ کن فکانك چونکه اصلی ذاتمش ❊ ❊ جمله اشیا وحدته وآیاتمش ❊
❊ کیمکه حیوان اولدی آدی آتمش ❊ ❊ اوینادی آتی ولی شهماتمش ❊

وله

❊ چون ازلدن قدرتیله بی غلط ❊ ❊ یوزکه نقش ایلدی سو خط ❊
❊ کرحقی کورمك دیلرسن بی غلط ❊ ❊ بللودر فی صورت شاب قطط ❊

وله

❊ عشقمش سیمرغ وعاشق کوه قاف ❊ ❊ عشقده صغمز لاف وعشق اولمز کزاف ❊
❊ کیم که استر کعبه‌یی ایتمك طواف ❊ ❊ هم ایچی صافی کرك هم طبشی صاف ❊

وله

❊ ای حقه مشتاق اولان اوش سنده حق ❊ ابجدی اوتمه یا کمه سبق ❊

☼ ای کتابندن یوزی کل برورق	☼ پرده رفع اولدی وآچلدی طبق ☼

وله

☼ فضل حقدن چون هدایت بولدی حق	صورتك تفسیرینی ویردی سبق ☼
☼ لا تحرك آیتندن برورق	اوقیانلراستواسن قیلدی شق ☼

وله

☼ کل که غمدن جانمی یاقدی فراق ☼	☼ رازمی نامحرمه چاقدی فراق ☼
☼ بو غمه حسرت ایبن تاقدی فراق ☼	☼ جانمی کوردکیم نه خوش یاقدی فراق

وله

☼ ای رخك عشقنده سرکردان فلك	یوزیکه قارشو سجود ایلرملك ☼
☼ حسن ایچنده فرد ویکتاسن نه شك	هرکبشنك نقدینی چاقر محك ☼

وله

☼ ای کونش نور تجلی دریوزك	صورتی فی الجمله معنی دریوزك ☼
☼ صورتی بیچون ومولی دریوزك	ابجدیله میم الف بادر یوزك ☼

وله

☼ ای خطك خضر آب حیواندرسوزك	سویله ای جان سویله کیم جاندرسوزك ☼
☼ صورتك عرشله رحمن درسوزك	ای سوزی حق جمله قرآندرسوزك ☼

وله

☼ حشر ونشرك آفتابی دریوزك	ساعتك یوم الحسابی دریوزك ☼
☼ جنتك شمع وشرابی دریوزك	روضه‌نك حسن المآبی دریوزك ☼

وله

☼ حق عیان اولدی کلك حق کورك	حقی باطلدن سچك فرقی کورك ☼
☼ بدرمك یوزنده کی شقی کورك	عالمه صغمزا ناالحق کورك ☼

وله

☼ حق عیان اولدی وکتدی شرك وشك	واحدك یوقدر وجودی مشترك ☼
☼ چوق زمان کچدی وچوق کزدی فلك	سنده کوردی معدن حسن ونمك ☼

وله

☼ شمع توفیق هدایتدریوزك	صورت حقدن کنایتدریوزك ☼

بی بدایت بی نهایتدر یوزك　　هم نهایت هم بدایتدر یوزك

وله

صورت حقدن اشارتدر یوزك　　اهل توحیده بشارتدر یوزك
حج واحرام وزیارتدر یوزك　　جمله اشیادن عبارتدر یوزك

وله

عاشقه ایمانله دین در یوزك　　بر آدی بتخانهٔ چین در یوزك
ابجدی طه ویس در یوزك　　عرش وکرسی طورسینین در یوزك

وله

عاشقك بیت الحرامی در یوزك　　عارفك دار السلامی در یوزك
اهل ایمانك امامی در یوزك　　دنیا وعقبی تمامی در یوزك

وله

عشقك اهلی بی سر وسامان کرك　　دوستی ایچون زار وسرکردان کرك
هر کیمه کیم ملك جاویدان کرك　　فتنه قاشك یاینه قربان کرك

وله

فضل حقك جاودانی در یوزك　　عالمك طوغری کواهی در یوزك
اهل اعرافه چو معنادر یوزك　　بت پرستك شمع خوانی در یوزك

وله

قبلهٔ ارباب طاعتدر یوزك　　نسخهٔ اشراط ساعتدر یوزك
صانع صنع صناعتدر یوزك　　کورنیجه یوم شفاعتدر یوزك

وله

محشرك خورشید وماهیدر یوزك　　هرنه کیم واردر کماهیدر یوزك
صورت حقك کواهیدر یوزك　　سو نطق الهیدر یوزك

وله

مظهر اسمای کل اولدی یوزك　　حقه وارمق طوغری یول اولدی یوزك
هادیٔ جمله رسل اولدی یوزك　　ساغر وساقی ومل اولدی یوزك

وله

والضحانك آفتابی در یوزك　　جامع الحسنك کتابی در یوزك

✡ محشرك يوم الحسابى در يوزك ✡	✡ جنتك شمع وشرابى در يوزك ✡

وله

✡ والضحانك آفتابى در يوزك ✡	✻ دلبرك وجهى كتابى در يوزك ✻
✡ خيمهٔ ميعاد جانك ايله بيل ✡	✻ اشبو معنيدن طنابى در يوزك ✻

وله

✻ اسم اعظم بلميان انسان دكل ✻	✻ احسن تقويمله احسان دكل ✻
✻ صانمه كيم عارف اولو بدر حقله ✻	✻ حقى بيلمز پس ندن حيوان دكل ✻

وله

✻ اول بيلور حق كه يلانجى دكل ✻	✻ هر كه يلان سويلر اول ناجى دكل ✻
✻ نجه طوغرى وارميان حاجى دكل ✻	✻ طوغرى سوز طوغريلره آجى دكل

وله

✻ اى جمالك بى بدل حسنك جميل ✻	✻ جمله نك مقصودى سنسن اويله بيل
✻ اى بويك طوبى طوداغك سلسبيل	حسنكه جانلر فدا عالم سبيل ✻

وله

✻ اى يوزكدن حور وغلمان منفعل	اى قاشكدن ماه تابان منفعل ✻
✻ اى لبكدن آب حيوان منفعل	اى خطكدن ورد وريحان منفعل ✻

وله

✻ اى بهشتدن تازه كلمش تازه كل	حوض كوثر روشن ايله تازه كل ✻
✻ حسنكه اى شاه عالم جمله قول	كيمدر ردين سنى كيم حق دكل ✻

وله

✻ پرده سز معبودكى كور عابد اول	اولمه شيطان كل ترابه ساجد اول ✻
✻ جنت باقى نعيم خالد اول	كچ ايكيلكدن الفتك واحد اول ✻

وله

✻ بن اوتوز ايكى حروفم لم يزل	يوقدر اورتاغم نه مثلم نه بدل ✻
✻ چون ابد در آخرم اول ازل	اول وآخر بنم عز وجل ✻

وله

✻ چون سنكدر هرنه كيم وار اى كوكل	كيمدن اومارسن عطا وار اى كوكل ✻

چون یترسن سن سکا یار ای کوکل	یارکی بیل اولمه اغیار ای کوکل

وله

حمد الله اولدی نطقك ناطق اول	حقه اخلاص استه حقدن صادق اول
کر لقا حقدن دیلرسن عاشق اول	خالق الخلقی کور اندن خالق اول

وله

حق سوز خوبی وحقدن حقی بیل	سورهٔ والطوری طانی رقی بیل
کور بو بدرك استواسی شقی بیل	ناره صاتمه سن انی اوچماقی بیل

وله

رازق ارزاق قزمز عش دکل	رزقی مرعشدن اومارسن خوشدکل
کیمکه آرتمز ایچن بیغش دکل	ایکی اوجی کیم دیدی کیم شش دکل

وله

عشقمش باقی وحسنك لایزال	عشقه صغمز چون وچند وقیل وقال
لم یلد حسنك ولم یولد جمالی	حسنکه سبحانه جل جلال

وله

قامتکدن سرو و عرعر منفعل	کل یوزکدن ورد احمر منفعل
کاکلندن مشك وعنبر منفعل	لبلرندن شهد وشکر منفعل

وله

کیج ایکیلکدن الف تك واحد اول	حقی کور آدمده حقه ساجد اول
کل فنانك بحرینه دوش خالد اول	کعبهٔ طانی ولاته عابد اول

وله

کل که سنسز بی قرار اولدی کوکل	دوشدی غمدن صبر وزار اولدی کوکل
دردمه همدم نه یار اولدی کوکل	کور نه ضایع روزکار اولدی کوکل

وله

کوزلرك سوداسنه دوشدی کوکل	فتنه‌نك غوغاسنه دوشدی کوکل
التی دردك طاسنه دوشدی کوکل	وحدتك دریاسنه دوشدی کوکل

وله

یوزینی حقدن چورمه حقی بیل	سورهٔ والطوری طانی رقی بیل

* مصطفانك برماغنده شق بيل	سلسبيل اولدى طوداغك ذوقى بيل *

وله

*بى وفا دنيادن اوصاندى كوكل	يوق ديدى دنيايى يوق صاندى كوكل *
*دوشدى عشقك اودينه ياندى كوكل	وحدتك قند آبنه قاندى كوكل *

وله

* آدمى حقدن نسيمى يازرم	بيل بو معنيدن نسيم يازرم *
* هم هدايت ايلرم هم آزرم	هم بتى آواريجى هم آزرم *

وله

*اولدم اسرافيل وهم صور اولمشم	كور اناالحقدن نه منصور اولمشم *
*سلسبيلم جنت وحور اولمشم	كنجه ويران عشقه معمور اولمشم *

وله

*اى جهان عشق اهلنه سنسز حرام	هردم اولسون يوزيكه يوز بيك سلام *
*صورتك مصحفدراى طوبى حرام	كر پكك قاشكله زلفكدر امام *

وله

*اى جمالك مظهر ذات قديم	صورتك الله ورحمن ورحيم *
* وجهكه جمله ملائك انس وجن	سجده قيلدى غير شيطان رجيم *

وله

*پرده يوزندن كتوردى حق تمام	كل حقك ديدارينى كور والسلام *
* بن ازلدن كورمشم مصحف كلام	كنجنى فاش ايلدى بيت الحرام *

وله

*بن ازلدن مست وسرخوش كلمشم	خضره صوموسايه آتش كلمشم *
* لوح محفوظم منقش كلمشم	چاروپنج وهفت ايله شش كلمشم *

وله

*بن وجود مطلقم مطلق درم	حق طانقدر حق بيلوركيم حق درم *
* كنت كنزا سرينى مغلق درم	ايلدم برماغى آيه شق درم *

وله

* بن ازلده عشقله پير اولمشم	كاه ايكى انو كله كه بير اولمشم *

❊ احسن صورتده تخمیر اولمشم || قادرم هر امره تقدیر اولمشم ❊

وله

❊ بولمشم حقی اناالحق سویلرم || حق بنم حق بنده در حق سویلرم ❊
❊ کور بو اسراری نه مغلق سویلرم || صادقم قولمده صدق سویلرم ❊

وله

❊ چون ازلدن تا ابد باقی بنم || کن فکانک خلق وخلاقی بنم ❊
❊ وحدتک بزمنده چون ساقی بنم || انفسک آیات وآفاقی بنم ❊

وله

❊ روضهٔ رضوان یوزکدر والسلام || صورت رحمن یوزکدر والسلام ❊
عرش حق ای جان یوزکدر والسلام || لوحله قرآن یوزکدر والسلان ❊

وله

❊ سجده امرن طوتمین شیطان شوم || حق یارتمش آنی من نار السموم ❊
❊ کلدی شیطانه چون حقدن علوم || اول جهولک آدی در حقدن ظلوم ❊

وله

❊ صورتک نقشنده حیران اولمشم || وصلکه اولاشه‌لی جان اولمشم ❊
❊ عقله صغمز کنج پنهان اولمشم || لامکان تختنده سلطان اولمشم ❊

وله

❊ فضل حقدن بن هدایت بولمشم || صورتک نقشنی آیت بولمشم ❊
❊ مرتبه عالمده غایت بولمشم || اول سببدن بن ولایت بولمشم ❊

وله

❊ قبله دریوزک فرا قاشک امام || زلف وقاشکدر تحیات وسلام ❊
ای صاحب محشر رخک بیت الحرام || صورتک دورنده حسن اولدی تمام

وله

❊ کوردم اول آیی وبیرام ایلدم ❊ || ❊ اول لبی می کوزلی جام ایلدم ❊
❊ جبهه واردم عزم احرام ایلدم ❊ || ❊ فا و ضاد ولامی حق نام ایلدم ❊

وله

❊ لامکانک تختنده سلطان بنم ❊ || ❊ کنت کنزا سرنه برهان بنم ❊

هم دم

هم دم عیسی وهم عمران بنم　　جنت باقی وهم رضوان بنم

وله

مستم اول میدن که مخمور اولمزم　　حقدن ایراق تاابد دور اولمزم
چون بن اول صاغم که رنجور اولمزم　　غم دکل کردیوه مشهور اولمزم

وله

مصحفك حرفی واوراقی بنم　　کل شیء هالك باقی بنم
می بنم ساغر بنم ساقی بنم　　عالمك سمی وتریاقی بنم

وله

وجهمی اللهه تسلیم اتمشم　　صورت رحمانه تعظیم اتمشم
نطقمی اشباده تقسیم اتمشم　　کور بو اسراری نه تفهیم اتمشم

وله

وحدتك شهرنده سیران ایلرم　　بن سنی جمجمده حیران ایلرم
کنجمی آدمده پنهان ایلرم　　آدمی هم حق هم انسان ایلرم

وله

هر نه یه کیم باقرم حق باقرم　　باقشم حقدر انا الحق باقرم
مطلق اولدی حق مطلق باقرم　　بی کمان حقم محقق باقرم

وله

یاره هر ساعت سلام اولسون سلام　　عشرت وعیشی مدام اولسون مدام
یارسز صحبت حرام اولسون حرام　　یاره بو معنی تمام اولسون تمام

وله

اولمدی چون حقه اقرارك بتون　　اولدك آنلردن مکر لایوقنون
بیلمدك چون حقده واو ومیم ونون　　تنجیه وارسه کرکسه تون بتون

وله

ای اوزکدن بیخبر غافل اویان　　حقه کل کیم حق دکل باطل اویان
اولمه فانی عالمه مائل اویان　　معرفتدن نسنه قبل حاصل اویان

وله

ای طولوسندن جهان سندن جهان　　هم جهانك عینی سن هم جسم وجان

قاشلرك حرفندن اولدی كن فكان — سندن اولدی هرنه كيم اولدی عيان

وله

ای یوزك باغنده و سنبل لاله چين — عارضك كل درصاچكدر مشك چين
ای سوزك طوغری حديثك جمله چين — دوشدی عنبرچين صاچكدن مشك چين

وله

پرده دن ماه تمام اولدی عيان — قبله و بيت الحرام اولدی عيان
زاهدك سوداسی خام اولدی عيان — صوفی يه می ويركه جام اولدی عيان

وله

جانمی ياندردی شوقك قنده سن — بونده سن معنيده كرچه آنده سن
ای قمر يوزلومه تابنده سن — كل كه شكسز باقی و پاينده سن

وله

مغرب و مشرقده حقدر سويلين — قانی برعاشق بوكون حق استين
حق عيان اولدی وحق كورميان — اولدی شيطان آدمی حق بيلين

وله

حق تجلی ايلدی موسی ايچون — نه ارسطاليس و بوسينا ايچون
ای كوكل شول خورسه سيما ايچون — سجده قيل هم شول قد و بالا ايچون

وله

حق تعالی پرده سيز اولدی عيان — صور اورلدی صور اسرافيل او يان
ای يوزك حقدن اوتوز ايكی نشان — مصحفك اسرارينی قيلدی عيان

وله

كرسنی سن طانمش سن بی كمان — سنده در حق سنده كور حق عيان
روح قدسك نفخه سندن يعنی جان — جاودان اول حی و حی جاودان

وله

كرسنی استرسن حق بيلك يقين — كل نسيمندن آپار كل زه بدين
تأويلی ايله آيت طور و سنين — كر اولم ديرسن من اصحاب اليقين

وله

ای قمر زلفك شبنده روسياه — مهر رخسارك قتنده تيره ماه

❊ کچمین عشقکده عمر اولدی تباه	طاعتکدن اوز که طاعت لرکناه ❊

وله

❊ ای یوزك ام الکتاب وفاتحه	قاشلرك وحی وخطاب وفاتحه ❊
❊ صاقلهمش ماهی نقاب وفاتحه	جانفزا لعلك شراب وفاتحه ❊

وله

❊ جانمك لعلی می درجامله	زلف وخالك دانه سبدر دامله ❊
❊ بن زمانی بولمشم ایامله	واحدم شول ذات بی انجامله ❊

وله

❊ دوشمشم مستانه عینك آلنه	جان فدا کلکون یکاغك آلنه ❊
❊ ای چکن برماغی ایك آلنه	اولدی حسنك فتنه سین آلنه ❊

وله

❊ سجده ایلر یوزیکه مهر یله ماه	مشك چین صاچکدن اولدی روسیاه
❊ عرش رحمن در یوزك حقدر کواه	خوبلغك مصرندهسنسن پادشاه ❊

وله

❊ فضل رب ذو الجلال اولدی بزه	محسن وحسن وجمال اولدی بزه ❊
❊ اتامز صاحب کمال اولدی بزه	انامز سودی حلال اولدی بزه ❊

وله

❊ مسجد ومیخانه بیر اولدی بزه	دیوله شیطان اسیر اولدی بزه ❊
❊ غم فرح تیکن حریر اولدی بزه	دلبرك عشقی امیر اولدی بزه ❊

وله

❊ ویرممك دل دلبرك کیسوسنه	صغمیه عاشقلرك ناموسنه ❊
❊ سر فدادر فتنهٔ جادوسنه	جان داخی قوربان کمان ابروسنه ❊

وله

❊ یارکی کل حق سن اغیار ایلمه	دیوله اولاشمه بازار ایلمه ✡
❊ حقدن اوزکه سن سکا یار ایلمه	احسن تقویمی انکار ایلمه ✡

وله

❊ ای صاچك بوبی مسیحانك دمی	فتنهیی حسنك براقدی عالمی ❊

* كنت كنزك سر يدر عشقك غمى	اولمدى شيطان بو سرك محرمى *

وله

* اى قمر طلعتلو شمس خاورى	روضه يوز كدر طوداغك كوثرى *
* كرسنى كورسه ايدى دوشده پرى	اوده صالىدى اوتوز ايكى پرى *

وله

* اى قاشكله كرپكك زلفك يدى	اول يدى كيم شيطان آنى بلمدى *
* حق بو سرى احمده كشف ايلدى	شول سببدن احمده امى ديدى *

وله

* حق صيام آيى بزه عيد ايلدى	هرنه كيم حق ايلدى جيد ايلدى *
* كيمكه حق ديد و واديد ايلدى	آدينى حق اهل توحيد ايلدى *

وله

* حق ديدى كيم يريدى وكوك يدى	لامكان تختنده كيز ليدر يدى *
* كيز لو آدمده عيان اولدى يدى	درت يدى بر كزندن اولدى يدى *

وله

* زلف عنبر سايه ويردم كوكلى	لعل روح افزايه ويردم كوكلى *
* قاشى تك سودايه ويردم كوكلى	كورنه محكم پايه ويردم كوكلى *

وله

* شول بويى رعنايه ويردم كوكلى	شول كوزى شهلايه ويردم كوكلى *
* شول كونش سيمايه ويردم كوكلى	شول يوزى چون آيه ويردم كوكلى *

وله

* ناكهان برآيه ويردم كوكلى	جانله يغمايه ويردم كوكلى *
* حسن بى همتايه ويردم كوكلى	منتهى بالايه ويردم كوكلى *

وله

* صورتك مصحفدراى جان پاره سى	لطف وحسن اول مصحفك سى پاره سى *
* جانه كار ايتدى فراقك پاره سى	كورنه در انك دواسى چاره سى *

وله

* فرقتك دردى بكا كار ايلدى	جانمى ياندردى افكار ايلدى *

﴿ كل كه ﴾

* کل که شوقك حالمی زار ایلدی　　عالمی سنسز بکا دار ایلدی *

ولە

* قامتك قوپدی قیامت ایلدی　　قدینی کور کیم نه قامت ایلدی *
* کعبه ده هر کیم اقامت ایلدی　　کوزلرك اکا امامت ایلدی *

ولە

* ق والقرآن یوزکدرهم یوزی　　کورمسون یاوز کوز اول شاهك یوزی *
* فانی اولمز هرکز اللهك یوزی　　هالك اولسون دیو کراهك یوزی *

ولە

* کافله نوندن براتدی عالمی *　　* اربعین کونده بوغورمش آدمی *
* دم بودمدردم بودم بیل بودمی *　　* آدمه اوردی بودمدن حق دمی *

ولە

* کورمشم هرشیده حق مطلقی *　　* کردکلسن لاشی ایترمه حقی *
* کیمکه حق بولمدی اولدی شقی *　　* کل که طوفان اولدی استه زورقی *

ولە

* کر یکك قاشکله زلفکدر یدی *　　* یریدی وکوك یدی سنده یدی *
* نه سببدن هفته نك آدی یدی *　　* بونده حکمت وار درر مصحف یدی

ولە

* کیمکه اسرار نسیمی بیلدی *　　* عزت فضل نعیمی بیلدی *
* دیو رحمن رحیمی بیلدی *　　* مظهر ذات قدیمی بیلدی *

م

عرفای موالئ کرام وظرفای شعرای بنامدن قبریسی زاده اسمعیل حقی افندینك دیوان نسیمینك ختام طبعنه بولدیغی تاریخ رعناسیدر

* ینه شاد ایلدی عشاقی شادان ایلیه معبود *
* تو کمز عمر ایله منصور ایدوب عبدالمجید خانی *
* صباوش سایه سنده اسدی حق یه دیدم تاریخ *
* نسیمینك تنسمله باصلدی ریز دیوانی *

۱۲۶۰

خواجکان دیوان همایوندن ادباسندن ومکتوبی حضرت صدارتپناهی خلفای معارف اراسندن عینتابی راشد افندینك دیوان مرقومك ختام طبعنه بولدیغی تاریخ لطافت شماریجدر

* بحمد الله شهنشاه جهان عبد المجید خانك *
* نسیم لطفی تعطیر ایتدی هب افاق واکوانی *
* سریرارای شوکت شاه شاهان جهاندرکیم *
* درنده بنده ایلر برنیجه سلطان دورانی *
* وزان اولدی اورتبه باد لطفی کلشن دهره *
* ایدر بوی فرح تعطیر مشام قلب انسانی *
* اوشاهنشاه کردون جاه وارکن چرخه باش اکم *
* بتون مستغرق ایتدی عالمی الطاف واحسانی *
* نسیمی جلدوش تحریره صو یسم جلد افلاکی *
* احاطه ایلمک ممکنمیدر وصف جهانبانی *
* معانئ کمالن وصفده اظهار عجز ایلر *
* اکر اولسیدی عرفی وسید وسعد ایله خاقانی *
* بدیع لطفنك ادنی بیانی کلمز اوصافه *
* نصل وصف ایلسون بوعبد عاجز اویله خاقانی *
* من الجمله یاصلدی سایهٔ احسان ولطفنده *
* نسیمینك بو دیوان محل علم وعرفانی *
* یازلدی شمدی بر تاریخ دلجوسی همان راشد *
* نسیمینك عجب زیبا یاصلدی اشته دیوانی *

١٢٦٠

ینه مومی الیهك بولدیغی تاریخ تام نزاکت انسامدر

* ینه پرشوق اولوب تاریخ تام دیکرین یازدم *
* نسیمینك یاصلدی اشته بو دیوان زیباسی *

١٢٦٠

آستانهٔ سلامت آشیانه تحفظخانه سنده استنطاق کاتبی خدمتنده مستخدم سخنوران عصرك ارجمندی ایاشی صالح خیری افندینك اشبو دیوان معرفت عنوانك ختام طبعنه بولدیغی تاریخ تام بلاغت انسامدر

* بو دیوان مصنع طبعه شایسته ایدی الحق *
* آنی باصدرمغه براهل طبعك اولدی احسانی *

* بو مطبوع مرصع تام تاریخی دیدی خبری *
* نسیمیك باصلدی جوق مرتب اولدی دیوانی *
١٢٦٠

دیکر بولدیغی تاریخ

* طبع اولندقده دیدم تاریخنی * منتخب اولدی بو والا دیوان *

شعرای عصردن هاتف افنـدینك دخی ختام طبعه بولدیغی تاریخ زیباسیدر

* حقیقت ارلرندن حضرت سـید نسیمینك *
* تصوفدر انك هر بر کلام وطرز وعنوانی *
* جهانده کرچه انك نسخه‌سی نادرایدی شمدی *
* طباعتله مزین اولدی چیقدی شهرت وشانی *
* طبیعتجه سزادر طبعه هاتف دوشدی بر تاریخ *
* شرف بولدی نسیمینك بصلمق ایله دیوانی *
١٢٦٠

مصحح تقویم وقایع سینه جمال الدین افندینك دخی بولدیغی تاریخدر

* ایدر تاریخی بوی خوبی دلدن ای جمال اخراج *
* نسیمینك طبیعتجه باصلدی اشبو دیوانی *
١٢٦٠

بعونه تعالی قطب دائرهٔ خلافت نیر برج معدلت ناهید اوج سلطنت شمس سماء
شوکت مظهر فیض جلی وخفی مظهر مذهب منصور حق حنفی پادشاه
شریعتنواز وشهنشـاه اسکندرطراز السلطان ابن السلطان السلطـان
عبدالمجید خان دام مجده واقباله الی نهایة الدوران افندیمز حضرتلرینك
سـایهٔ ملوکانه لرنده اشبو نسیمی دیوانینك طبـع وتمثیلی
احوج العبید الی ربه المعید محمد سـعیدك نظـارت
عاجزانه سـیله اواخر شهر ربیع الاخرده
رسـیدهٔ حد ختام اولمشـدر

م م م
م م
م

PL
248
N465
A17
1844a